



دانشگاه مازندران  
معاونت پژوهشی



انستیتوی پژوهشی  
جامعه مازان

# حماسه اسلامی ششم بهمن آمل

مجموعه مقالات همایش ملی

به کوشش: دکتر قربانعلی ابراهیمی

### امام خمینی (ره)

این‌ها همه‌ی قوای‌شان را جمع کردند و به آمل آن حمله‌ی وحشیانه‌ی غافل‌گیرانه را کردند، به امید این‌که مردم آمل هم با آن‌ها هم‌دست بشوند و آمل را مرکز استان قرار بدهند و بعد مازندران و جاهای دیگر و رشت و همه‌ی جاها را بگیرند و جلو بروند . وقتی مواجه شدند با مخالفت مردم - مهم مخالفت مردم بود- [شکست خوردند]

ما باید تشکر کنیم از شهر آمل و آن مردم فداکار که مع‌الأسف، خوب عده‌ای را هم شهید دادند، لکن خوب این مطلب را ثابت کردند که آن‌جایی که شما تمام آمالتان به آن‌جا بود با شما مخالفند؛ حالا شما می‌خواهید بیایید قم؟ می‌خواهید بیایید تهران، جاهای دیگر؟



### مقام معظم رهبری - دام ظلّه العالی

قضیه ششم بهمن آنقدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیتنامه تاریخی خود هم مندرج کردند، آن را یادگار گذاشتند؛ یعنی فراموش نشود. حالا چرا فراموش نشود؟ برای اینکه حوادث تاریخی، هم درس است، هم عبرت است. قضایای جاری بر یک ملت، قضایایی است که در برهه‌های مختلف غالباً تکرار می‌شود.

نباید اجازه داد که این خاطره‌های پرشکوه، این حوادث بی‌نظیر و تعیین‌کننده‌ی تاریخ انقلاب، در ذهنها کمرنگ شود. نسل جوان ما باید این خاطره‌ها را درست بشناسد، بتواند آنها را تحلیل کند و آنها را چراغ راه آینده‌ی پرماجرای خود و هدف بلند خود قرار بدهد.

شهر هزار سنگر» یعنی چه؟ ظاهر قضیه این است که در درون شهر، مردم در مقابل گروه‌های اشراک و متجاوز سنگر درست کردند - حالا یا هزار تا، یا بیشتر یا کمتر - اما من یک تفسیر دیگری دارم، این سنگرها سنگرهای درون خیابان‌ها نیست، این سنگر دل‌هاست؛ هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است؛ به عدد هر مؤمنی، هر انسان باانگیزه باشرفی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد.

مجموعه مقالات همایش جبهه سوم: تحلیل حماسه اسلامی مردم شهر آمل در ششم بهمن ماه ۱۳۶۰

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مجموعه مقالات همایش جبهه سوم

تحلیل حماسه اسلامی مردم شهر آمل در ششم بهمن ماه ۱۳۶۰

دانشگاه مازندران

معاونت پژوهش و فناوری

بهار ۱۳۹۱





شماره مدرک	۹۷۲۲-۷۵۵م
شماره راهنما	DSR ۲۰۷۱ / ۸۸۸ ۱۳۹۱
پدیده آورنده	همایش جبهه سوم: تحلیل حماسه اسلامی مردم شهر آمل ۶ بهمن ۱۳۶۰ (اولین: ۱۳۹۱: آمل)
عنوان	مجموعه مقالات اولین همایش جبهه سوم: تحلیل حماسه اسلامی مردم شهر آمل ۶ بهمن ۱۳۶۰
ناشر	رئیس همایش: جهانپخش رثوف، دبیر همایش: مهدی خانی دانشگاه مازندران
تاریخ نشر	۱۳۹۱:
محل نشر	تابلسر آمل -- تاریخ -- کنگره‌ها

عنوان: مجموعه مقالات همایش جبهه سوم: تحلیل حماسه اسلامی مردم شهر آمل در ششم بهمن ماه ۱۳۶۰

ناشر	:	معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه مازندران
تهیه و تدوین	:	دکتر قربانعلی ابراهیمی
تاریخ انتشار	:	بهار ۱۳۹۱
نوبت چاپ	:	اول
محل انتشار	:	تابلسر - دانشگاه مازندران
تعداد صفحات	:	۲۰۶
حروف چینی و صفحه آرایی	:	هادی رازقی مله
نمونه خوانی	:	هادی رازقی مله
طرح روی جلد	:	نبی ا... واحدی

تابلسر: خیابان پاسداران - دانشگاه مازندران - حوزه معاونت پژوهش و فناوری

**رئیس همایش**

دکتر جهانبخش رئوف

**دبیر همایش**

مهدی خانی

**دبیر علمی همایش**

دکتر قربانعلی ابراهیمی

**دبیر اجرایی همایش**

دکتر حشمت الله علی نژاد



## شورای سیاست گذاری همایش

دکتر جهان بخش رئوف

دکتر حشمت الله علی نژاد

دکتر قربانعلی ابراهیمی

یدالله اکبر زاده

مهدی خانی

## اعضای کمیته‌ی اجرایی

نصرت الله غلامی فرد

کریم رضایی

مهدی محمدی

هادی رازقی مله

نبی الله واحدی

محمد صنعت پور



### اعضای کمیته علمی

عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران	دکتر ابراهیمی قربانعلی
عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران	دکتر جعفری علی اکبر
عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران	دکتر رازقی نادر
عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران	دکتر رفیع حسین
عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران	دکتر صالحی صادق
عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز	دکتر نواختی محمد امین
مدرس دانشگاه	خانی مهدی
عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین	سردار شعبانی ناصر
مدرس دانشگاه	محمدی مهدی
مدرس دانشگاه	یزدانی حشمت الله
مدرس دانشگاه	اکبر لطفی

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
سخن دبیر علمی همایش همایش.....	۱۲
سخنرانی استاندار.....	۱۴
سخنرانی سردار شعبانی.....	۱۷
تبیین مدلینگ جبهه سوم	
مهدی خانی.....	۲۳
بررسی علل سیاسی، جغرافیایی و فکری غائله ضد انقلابی ششم بهمن سال ۶۰ آمل	
معصومه قلی پورکاری.....	۳۸
محمد گویا.....	۳۸
مصطفی باقریان جلودار.....	۳۸
مبانی نظری مهاجمان جنگل و تسخیر منطقه ژئوپلیتیک آمل	
دکتر علی اکبر جعفری.....	۵۹
بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه ی کمونیست‌های ایران و واقعه ی ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل	
حسین رفیع.....	۷۶
شهرام اسفندیار.....	۷۶
بررسی میزان تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر دفاع شهری، با تکیه بر حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل	
داود شالیکار.....	۹۳



بررسی و تحلیل دیدگاهها پیرامون ماهیت حماسه‌اسلامی ششم بهمن آمل

دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی..... ۱۰۳

دفاع مردمی در فرهنگ روایی

دکتر سید محسن موسوی..... ۱۱۱

بررسی دلایل اهمیت حماسه اسلامی ششم بهمن آمل با استفاده از دیدگاهها و بیانات امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری

مهدی سروی همپا..... ۱۲۰

عوامل تأثیر گذار بر پیروزی حماسه مکتبی آمل: با رویکردی بر آراء امام خمینی (ره)

دکتر علی اکبر جعفری..... ۱۳۵

سید محمد جواد قربی..... ۱۳۵

سهم اسطوره های کاریزمایی فرهنگ شیعه و جریان فکری اسلام فقهاتی در حادثه ۶ بهمن آمل

مهدی محمدی..... ۱۴۹

محمد محمدی..... ۱۴۹

حماسه ی اسلامی ششم بهمن آمل و مضامین و موضوعات این حماسه

اکبر لطفی..... ۱۶۷

بررسی شباهت های حماسه اسلامی آمل و انقلاب اسلامی (تاکید بر آراء امام خمینی ره)

دکتر علی اکبر جعفری..... ۱۷۷

سید محمد جواد قربی..... ۱۷۷

درس ها و عبرت‌های حاصله از تجربیات حماسه اسلامی ششم بهمن

اسماعیل سیاحی..... ۱۹۴

سخن دبیر علمی همایش

دکتر قربانعلی ابراهیمی

### حماسه اسلامی ششم بهمن آمل: ترکیب هنرمندانه قدرت نرم و قدرت سخت

واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ در آمل، در شرایطی رخ داد که ملت انقلابی و اسلامی ایران در چند جبهه با دشمنان خارجی و داخلی در حال جنگ بودند. در یک جبهه صدام به نمایندگی از شرق و غرب جنگ تمام عیاری بر مردم اسلامی ایران تحمیل کرد که بخش زیادی از توان نظامی و اقتصادی و اجتماعی کشور را به خود مشغول داشت. در جبهه ای دیگر، بخشی از توان و امکانات کشور صرف مقابله با جنگ و توطئه گروههای سیاسی معاند در منطقه کردستان گردید. در جبهه اقتصادی، جامعه انقلابی ایران تحت تاثیر وابستگی اقتصادی به جامانده از رژیم سابق، در حال مقابله با تحریم های اقتصادی و تلاش برای تامین نیازهای اساسی جامعه در حال جنگ بود. در جبهه سیاسی، نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، همه توان خود را به کار گرفته بود تا دسائس و توطئه های سیاسی ابرقدرتهای غرب و شرق و دشمنان خارجی را مهار نموده و اقتدار ملی و بین المللی خویش را اعلام و اعمال نماید. در چنین شرایطی بود که گروههای معاند چپ با اندیشه های کمونیستی و متأثر از ابرقدرت شرق، در صدد برآمدند جبهه جنگ دیگری را به روی ملت مسلمان ایران بکشایند. گروههای ضد انقلاب کمونیست، به دلیل شرایط خاص جغرافیایی منطقه شمال که کوه و جنگل و دریا را همزمان داشت و همچنین به دلیل همجواری این منطقه به شوروی سابق، جنگها و کوههای شمال کشور را برای استقرار و مقابله با انقلاب اسلامی انتخاب نمودند. طبیعی است که شهر آمل به خاطر نزدیکی به تهران و قرار گرفتن در مرکزیت شمال کشور، نقطه مناسب تری برای گشایش جبهه جنگ جدید برای معاندان کمونیست بود. به هر حال، کمونیستهای ضد انقلاب پس از ماهها استقرار و حملات پراکنده در منطقه شمال، در شامگاه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ تصمیم می گیرند به شهر آمل حمله نموده و پس از تصرف این شهر، به تدریج با همراهی مردم (که فکر می کردند از انقلاب اسلامی و ارزشهای آن رویگردان شده اند) دیگر شهرهای شمال کشور را تصرف کرده و حکومت خویش را در منطقه شمال ایران شکل دهند. اما مردم مسلمان و ولایتمدار آمل به گونه ای در مقابل مهاجمین ظاهر شدند که ضد انقلابیون تصورش را هم نمی کردند. مردم آمل در این روز حماسه ای آفریدند که در تاریخ ثبت و ماندگار شد. و همه تحلیل گران را به تعجب واداشت. به دنبال این حماسه بود که شهر آمل به شهر هزار سنگر معروف شد و در سالهای بعد، مقام معظم رهبری به جای هزار سنگر، تعبیر زیبایی شهر هزاران دل را به کار بردند. واژه هزار سنگر بیانگر حضور و آمادگی رزمی تمامی آحاد مردم اعم از شهری و روستایی، پیر



و جوان، زن و مرد، کارگر و کشاورز، بازاری و فرهنگی و روحانی برای مقابله تمام عیار با مهاجمان بوده است به گونه ای که حتی زن های باردار در حمل کیسه های شن و سنگر سازی مشارکت داشته و مردان با سلاح های شکاری و ابزار های کار مانند بیل و داس به جنگ اهریمنان رفته اند. واژه هزار دل بیانگر اوج ایمان و شیفستگی مردم شهید پرور آمل به آرمان های انقلاب و امام و طرد کامل اندیشه های مادی و سکولار و آرمان های کمونیستی می باشد. بنابراین حماسه ی عظیم مردم آمل در ششم بهمن نشان داد که مردم این شهر چه هنرمندانه توانستند که قدرت نرم را با قدرت سخت بیامیزند و مهاجمان را در اندک زمانی چنان مغلوب کنند که تاریخ کمتر نظیر آن را به خود دیده است. حماسه اسلامی شهر آمل در بهمن سال ۱۳۶۰ به لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دو سطح ملی و بین المللی چنان اهمیتی داشت که امام راحل ضمن تشکر ویژه از مردم آمل، این موضوع را به عنوان یک رخداد تاریخی درس آموز در وصیت نامه سیاسی الهی خود نیز ذکر کرده اند. شکی نیست که این حماسه زوایای آشکار و پنهان زیادی دارد و لازم است مورخان، محققان و هنرمندان هر یک به فراخور کار و ذوق و سلیقه شان به تحلیل و انعکاس حماسه بزرگ مذکور برای نسل های بعد اقدام نمایند. یکی از ساز و کارهایی که می تواند تا حدی به تشریح ویژگی ها و ابعاد مختلف حماسه اسلامی مردم آمل در سنه ی ۱۳۶۰ بپردازد برگزاری همایش های علمی از سوی مراکز دانشگاهی و پژوهشی است. در همین راستا دانشگاه مازندران با همکاری وزارت علوم و فناوری و تحقیقات و موسسه فرهنگی پژوهشی جامعه کاو اقدام به برگزاری همایشی با موضوع حماسه ی ششم بهمن تحت عنوان همایش ملی جبهه سوم نموده است. علی رغم محدودیت زمان و عدم فرصت کافی برای اطلاع رسانی خوشبختانه مقالات علمی ارزشمندی از سوی محققان و نویسندگان فرهیخته در خصوص زوایای گوناگون حماسه اسلامی مردم آمل تدوین و به دبیرخانه همایش ارسال گردید که مجموعه مقالات همایش جهت انعکاس و استفاده محققان بعدی از تحلیل های نویسندگان مشارکت کننده در این همایش، منتشر گردیده است.

سخنرانی استاندار محترم

مهندس طاهایی

بسم الله الرحمن الرحيم

انقلابی با این مضمون و محتوای الهی هدفی کاملاً الهی و اسلامی داشت. من الآن در دانشگاه آزاد آمل که به یاد نام و یاد فقیه بزرگوار حضرت آیت الله عظمی میرزا هاشم آملی عرض کردم وقتی انقلاب ما پیروز شد، با اینکه همه تحلیل گران می دانستند که دشمن اصلی مقابل ۱۵ خرداد آمریکا بود، شاه نمایندگی می کرد منافع آنها را به سرکردگی اما چه او و چه پدر او رضاخان، که ارزشهای دینی را هدف محوری، هدف گذاری کرده بود اینها همه سرکردگان غرب و استکبار بودند همان چیزی که مرحوم زنده یاد جلال اهل قلم جلال آل احمد از آن به عنوان غرب زدگی یاد کرد و از جنازه شیخ شهید آیت الله عظمی شیخ فضل الله نوری که بعدها از آن شهید به عنوان نماد غرب با بدی و غرب زدگی از آن روایت کرد با اینکه سمت گیری مشخص بود باز امام به عرف جهانی احترام گذاشت با پیروزی انقلاب و چون هدف انقلاب ساختن انسان بود ساختن جامعه ای برتر از قرآن و مکتب، مکتب اهل بیت نورانی پیامبر را که ملت ما دلدادگان این مکتب و این قرائت از قرآن و توحید بودند لذا کاری نه با آمریکا داشت نه به شوروی نه انگلیس و نه با فرانسه (آپارتای کلو) که حاکم بر آفریقای جنوبی بود، امام محکوم کرد در سودان قطع ارتباط با آفریقای جنوبی. حاکم (پروتونیایی) امروز و دفاع از (ننسول ماندرار) و مبارزانی که از تبار آن در زندانهای رژیم آن روز آفریقای جنوبی به جرم دفاع از حقوق انسانی شان زیر شکنجه بودند و محرومیت رسیدند و دو دیگر هم رژیم جعلی اسرائیل جمعی از یهودی مخالف از جاهای دیگر آوردند به نام یهود در برابر آخرین پیام آور توحید حضرت محمد بن عبدالله (ص) نه اینکه به آئین موسوی اعتقاد داشته باشند. محققینی که در تورات پژوهش کردند می گویند هیچ جای تورات سخن از حکومت نیست چون تورات دعوت به حکومت نمی کرد دعوت به ظلم ستیزی می کرد مضمون تعالیم تورات این بود. همانجائیکه در انجیل است. چون جامعه ی بشری آماده هنوز نشده. پیامبران دانستند پله به پله بشر را آماده می کردند ما که بین پیامبران خدا به نشر قرآن فرقی قائل نیستیم. این جا پایگاه علوم قرآنی است. درسته مرتبه آخرین پیامبر خدا بالا و بالاست. اشرف رسولان است. اما به فرموده قرآن فرقی ندارد چون راه یکی است و راه نور همان راه ابراهیم بود. راه موسی و عیسی هم همان اندیشه حکومت دینی که بشر به یک مرتبه ای رسید که حالا می تواند قواعد رفتار حکومتی را بر طبق آنچه که خدای متعال فرموده است او را محقق کند. ۱۰ فرمان بر موسی پیامبر نازل شد.



اما حکومتی که در قرآن نقشه راه شد این نقشه راه بشر است تا پایان. انقلاب در این نقش آمد. لذا امام آن رژیم جعلی را هدف گرفت فرمود اینها دنبال احیای آئین موسی نیستند. همان طوری هم که امروز من در تهران بودم آقای تمدن گفت ۴۰ هزار انجیل کوچک که به صورت هنرمندانه چاپ کردند در مدارس ایران پخش کردند البته همه را نتوانستند پخش کنند. تعدادی پخش شده از آن طریق به انبار دسترسی پیدا کردند. دیدند ۴۰ هزار تا آنجاست. این نشان می دهد یک جریان هدفمند است. حماسه ۶ بهمن آمل در همان راستا سمت گیری شد همانطور که جناب آقای اکبرزاده اشاره کردند به درستی که حماسه دفاع مقدس بود. چون زمانی که واقعه ۶ بهمن اتفاق افتاده بود ایران اشغال شده بود ایران به دست قوای صدامی اشغال شده بود. و قوا به ظاهر قوای صدام بود اما هدف براندازی این نظام بود. حالا طبیعی است که یک بهانه آب و خاک جور کنند. هنری که آملی ها و ایرانی ها در حماسه خرمشهر و آملی ها در محاسبه ۶ بهمن نشان دادند همان طور که برادر هنرمندمان بیان کرد که آمل همان آمل است به درستی گفت. همان آملی که مصیبت داشت، همان روحیه همان شور حماسی در رگ و خون فرزندان این خط است. در ۶ بهمن آن گونه تجلی کرد. به تعبیر رهبر بزرگوار که برادر بزرگوار اشاره کرد که بار دیگر تشریف های را به ساحت مقدس او را پی می گیریم آقا در فرمایشاتشان در رابطه ۶ بهمن سال ۸۷ که به محضرشان مشرف شدیم فرمودند اینجا درست است گفته شد شهر هزارسنگر اما هر آملی یک سنگر است. من تشکر می کنم.

شعر تکرار می شود ولی ملال آور نیست. حافظ تکرار می شود ولی ملال آور نیست.

حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار تا بود وردت دعا و درس قرآن، مخور

سرمایه ی شعر پارسی ما قرآن و ادب قرآنی است و معرفت فاطمی و علوی است. آن که می گوید:

علی چون سید ما گشت و سالار همه اول همه آخر در این کار

این دلداده این طریقت و این معرفت است. خوب ان شاء الله موفق باشید از همه شما عزیزان تقدیر و تشکر می کنم. برای دانشکده علوم قرآنی بحمدالله یک پایگاه ترویج نور و معارف نورانی است، آرزوی موقعیت می کنم. و به شما عزیزان عرض می کنم در هر مجلسی که یاد شهیدانی در آنجا بریاست. من شغلم چوری است و وظایفی که بر عهده من است. نمی توانم. دلم می خواست هر مجلس شهیدی است من آنجا باشم. چرا که امام فرمود شهید نظر می کند به مجلس. این خطه حماسه ساز جایگاه والا و خاصی در تاریخ معاصر ما دارد. چرا که مقام شهید مقام عند است. (عند ربهم یرزقون) مقام شهید مقام عند است. (عند ربهم یرزقون) مقام، مقام بسیار بالایی است. والاتر از مقام ابراز دانست. آن درست از یک آرزوی مؤمنانه است



به بیان قرآنی (و توفنا مع الابرار) اما مقام شهید فرق دارد. یعنی تازه به منطقه صالحین می رسید آنجا تازه آرزوی شهید و شهادت در راه خداست. این ها معارف شهداست و نه با زبان علامتین نه با زبان عارفان دانشور ما به زبان فطرت باز گفته اند. زبان شهید زبان فطرت است. والسلام علیکم و رحمت الله.

سخنرانی سردار ناصر شعبانی ( فرمانده وقت سپاه آمل در سال ۱۳۶۰ )

بسم الله الرحمن الرحيم. با گرامی داشت حماسه یاد و خاطره مردم آمل در بهمن ماه، انصافاً در سرکوب و دفاع افتخار می کنم. از وصیت نامه امام صرف نظر می کنم که در وصیت نامه خود در مورد امنیت از مردم آمل نام می برد. انصافاً یک الگوی رفتاری است نیز صحبت من از صحبت آقای هاشمی است. و چیزهایی را بگویم که خیلی از شماها نشیننده باشید با زمان کمی که دارم و با مطالب و مدارک. اصرار دارم که آن نوک قله بود یعنی حادثه شمال آنقدر بود کارها وقتی آمد آمل بقیه شان را محو کرده آقای هاشمی می گوید ما در سرکوب شورشهای جنگلهای شمال کشور و عملیات ضد چریکی به تجهیزات بسیار گران قیمتی رسیدیم گویا در جنگهای ضد چریکی سابقه نداشته که در حد معجزه بوده و من به علت اهمیت تاکتیکی، کاربرد آن در نیروی مصلح از افشای آن خودداری می کنم.

کشور ازبکستان. کشور تازه تأسیس اصلاً تاریخ ندارند. دارند برای خودشان می سازند. ما این همه حماسه داریم. متأسفانه بگم توی اینترنت وقتی سرچ می کنی همین شکست خورده هایی که فرار کردند از دادگاه انقلاب و چند تا از آنها هنوز زنده هستند، با یکی از آنها تماس تلفنی داشتم، اینها شکست خوردند ولی الان یک کتابی را نوشتن انصافاً قابل تقدیر است. شکستشان را پیام می دهند ولی ما پیروزی خودمان را نتوانستیم برجسته کنیم در حد واقعیت. حتماً باید از شهدا شرمند باشیم. من از همه شهدای شهرستان چه بزرگ و چه خردسال و طاهره هاشمی و جعفر هندویی، اجازه می خواهم نام چند نفر از دوستانم مثل: سردار حسن نیا، آقای منصوری، سعید آهی، رئیس دادگاه محترم راه، حاج آقا منصوری که از کسبه بود، آقای فرزانه، آقای تیموری، کمک کردند در یافته های ما. من چون وقت کم است اجازه می خواهم حرفهایم را ببرم. بر می گردم به موضوع این جلسه، بد نیست ببینیم جمله نامه بزرگ میرزا\* بزرگ می گویند من رفتم پرونده خواندم پایان نامه موضوعی من است. اخیراً با افرادی تماس گرفتم از آن سوی مرز آنها وضعشان خیلی خراب است. برای ارائه اطلاعات و پول می خواهند برای ارائه، آنها به وضع افتضاح کشیده شد زندگی شان. می گوید سال تحصیلی، عراق بخش عمده ای از امکانات نظامی ایران را در جبهه حق به خود مشغول کرده است، موازات کردان کردستان جبهه دوم علیه نظام است. بنابراین با ایجاد جبهه سوم می توانیم در یک جنگ بدون مقاومت بر علیه نظام سیاسی را به وعده سقوط بکشانیم به همین خاطر رهبران کمونیست ها آمدند آمل را انتخاب کردند.

البته آدمها پی هم داشتند. (صحیح قدم) عنصری بود یک عنصر ایدئولوگشان بود عده ای را ببرند جرج حبش بودند یعنی آدمهای صاحب نظر، قلم به دست لذا ارتعاشی بود که ما بر مبنای تئوری فکو براساس



منطقه شهر آمل منطقه ای مناسب بود، و به گفته دشمنان، در شهرها هستند ما با آزادسازی روستاها، شهرها را محاصره و با تصرف شهرها منطقه شمال را آزاد خواهیم کرد. آنها معتقدند که تئوری فکرمشکل یک موتور یک موشک ما می توانیم اقدام بکنیم و بهمن وار به دنبال خودمان بکشانیم. نکته ای که حالا بود این نکته است. من تازه که داشتم تشکر می کردم زیر ساخت سالگرد (حاج حسین آملی) است با این پیشنهاد البته من هم ارادت مند شما آملی ها هستم و خیلی صاحب نظر نیستم. در منطقه شمال کشور به دلیل ارتفاعات البرز وقتی منتظر هست جبهه سوم که عده ای در جنگ مشغول هستند و عده ای در کردستان و ما اگر برویم شمال و دلیل نزدیکی اش به تهران که می توانیم منطقه ای را آزاد کنیم تنها اتحادیه کمونیست های بند ۴ نبودند مجاهدان خلق در منطقه ترکمن سرا اول انقلاب. حزب رنجبران در جنگل، من رفتم گرگان واقعاً می گویم یک پروژه بود آمل آن نوک بود. قرار بر این بود که گروهی در منطقه قائمشهر، ساری، منطقه شیرگاه هم پایگاه بسیج را ساقط کردند. درخصوص عده ای را به شهادت رساندند به ویژه بر این بود که آقای شمع خوانی به یک مأموریتی داشت می رفت کمین بزندان می دانستند که در سپاه ساری هست. آمدند سر جاده بزندان که بعد از آن منحل شده اند. اتحادیه کمونیست ها در منطقه عمومی آمل، ناحیه جنگل ممنوع الدره، گروهی در منطقه سوردار، منافقین در منطقه رامسر و تنکابن و ارتفاعات ۲۰۰۰ فدائیان غرب حسنه سیاه کل، از همه مهمتر فدائیان غرب منطقه عمومی گیلان ارتفاعات جنوبی (۱) من می خواهم مشاهدات رو کنم. من قبل از اینکه بیایم آمل، جزء منطقه (۳) بودیم. حوادثی که وقتی بچه ها حمله کردند منطقه گرگان ارتفاعات دو سکسان آن منطقه یک لاشه سگ دیدند معلوم بود که گوشتش را بریده اند. یکی از گزارش برادران ما که قسمتی از این بدنش بریده شده بود. آقای ایمانی همکاران بهشهری، ما سؤال کرد گفت که شنیدیم شما گوشت سگ استفاده می کردید؟ ما منتظر بودیم بگوید این طور نیست. ولی با کمال گستاخی و بی شرمی برگشت گفت بله، گفتیم بله خوب اگر غذا نباشد گوشت نباشد ندارد. گفت نخیر به ما گفته بودند که گوشت سگ قصی قلبی می آورد اگر خوردید که می خوردید برای وقتی که پاسدار را دیدید که نقطه مشترکی بین ما نباشد و رگبار به سویش می رفت. ببینید اینها بودند. حادثه آمل که در مقاله دوستان هست می گذرم آن جمله ای که آقای هاشمی می گفت آن تحریرات ایران این قدر رسیدیم و هنوز هم متأسفانه نمی توانیم اجرایش کنیم و حالا من آنچه را که از پرونده ها خواندم و آنچه را خودم مشاهده کردم اجازه می خواهم بگویم، البته شما نگاه کنید به منطقه کوچیک شان بچه ها رفتند در ارتفاعات منطقه صعب العبوری هم بود آنجا یک عده بودند داشتند اتاق می ساختند، ۸ تا تقریباً دختر خانم بودند و ۱۲، ۱۳ مرد که محلی را با پول مزدور کرده بودند و کار می کردند. منطقه سواد کوه، خوب تیکه ای می خواهم بگویم از این روز، خواهش می کنم دقت کنید ۲۶ دی یعنی حدوداً ۱۲ روز به ۶ بهمن ما در آمل درگیر بودیم و حوادثی بود و ای کاش من فرصتی داشتم و می



گفتم ولی فرصت نیست بگذریم اتفاقی افتاد در پشت این کوه در پشت البرز در منطقه دامغان در ایستگاه راه آهن دو تا پلیس و پاسبان در ایستگاه راه آهن سال ۶۰، قدم می زدند یک دفعه دو خانم و یک آقا را می بینند دست خانم یک کیفی بود که درونش خالی بود مثل گهواره بچه. پلیس فکر کرد اینها بچه همراهشان است گفت از ما که رد شدند سوت زدم خواهش می کنم گوش کنید می گوید یکدفعه خدا خواست و اینها فرار کردند گفت ما اصلاً در تعقیبشان نبودیم می گفت تا دیدیم فرار کردند دنبال این دو زن و مرد افتادیم رفتند انتهای راه آهن که بیچند و پلیس های دیگر بودند و گرفتیم شان، تا گرفتیم یکی از مردها و زنا قرص سیانور خورد دهانشان کف گرد و یکی از آنها زنده ماند، ما نمی دانستیم سیانور بود و سیانور یعنی چی و گرنه باید سریع گلو را بگیری نگذاری بخوره تا مراجعه کردیم بیمارستان آن دو مردند و این زنه ماند، زنه ای که ماند دو برخورد از طرف قاضی با او شد زنه گفت با من کاری نداشته باشید و حرفهایی زد که اصلاً نشنیده بودیم، اینها ادامه حادثه وقایع شمال کشور خیلی خوب جبهه سوم، زنه می گوید با من کاری نداشته باشیم ما یک تیمی هستیم واحد شهری عناصر جنگل شمالیم، ما در شمال بودیم آنها عقبه ای داشتند در آن سوی ارتفاعات در دامغان، زن اعتراف می کند. خلاصه زنه تحت الحفظ کنترل می شود، جالبه آفرین به سپاه، و سریع سپاه آمد عناصری از خودش در لباس گارسون قرار داد در آن هتل، چه وقت؟ سال ۶۰، اگر امروز هواپیمای Aq آمریکا سالم می نشیند طبیعی است، آن روز برادران با لباس گارسونی فرض اینکه وارد هتل بشوند ۲۰:۵ دقیقه از پاریس قرار است برای ما تلفن بزنند بچه ها کنترلش داشتند که یک دفعه تلفن زنگ زد، آنها از آن طرف و این هم از این طرف، گفت خوب چه وقت بازارتان گرم می شود می گفت ما حدوداً برای ۱۰، ۱۱ روز دیگر، بعدش گفت خیلی خوب چرا نمی روید بالاتر، قضای بالاتر که بهتر است ۲۱ دقیقه با تلفن طول کشید از پاریس صدایش را دارند بچه های ما پیاده شده. به محض اینکه آمدند بیرون بار دیگر خانم با ما همکاری کرد. تماس تلفنی هم داشتند پس احتمال حوادثی هست حالا. الان دیگر بعد از حادثه آمل است، آمل حادثه ۶ بهمن را پشت سر گذاشت آفرین به مردم آمل، انصافاً حضرت آیت الله اشاره فرمودند. خلاصه کلام اینکه وقتی اطلاعات را از زنه گرفتیم فردی در جنگل داری ساری، این فرد با ماشین لنردور اداره پیشرف به عنوان عنصر پوششی در لحظه ای که می برد برنج و آذوقه بالا، تو جنگل آنها بودند می برد آنجا چون ماشین جنگل بانی بود ایست بازرسی هم با او کاری نداشت. می برد مواد غذایی را، آنها آموزش می دیدند و ماشین هم بر می گشت به محض اینکه به لطف خدا اینها را گرفتیم با دو تا برخورد گفت همکاری می کنم. بعضی از آنها حول خورده بودند. گفتیم ما می نشینیم جلوی ماشین ما را ببر آنجا، ماشین رامی رفتیم بالا بچه های ما در آن بودند خدا رحمت کند یکی شهید شد یکی هم از لحاظ امنیتی هست ولی نمی توانم چیزی بگویم. آنها در منطقه سوادکوه آموزش می دادند منطقه صعب العبور برخی بود بعد ملازم بود که نوشته های کوچک که می شد سریع خورد و می

بردیم برایشان که می گفتند چطور می گفتند ما آماده ایم، حاضریم مزدورای خمینی را بکشیم و سه نفر سوار بشوند بیایند برای تیم عملیات ترور، وقتی بچه های ما می رفتند چراغ می دادند و گونی های برنج را می انداختند آنها ۳ نفر می نشستند دیگر عادت داشتند سؤال نمی کردند چشما بسته صاف می بردیم پایین. مجدداً ملازمی نوشتیم از طرف آنها چه خبر، آنها می گفتند اطلاعاتی که داریم ۳ نفر کم داریم. در کنار استانداری ساری یک کفاشی بود بالای کفاشی خانه دیگر اینها بود به لطف خدا بچه ها ما زدند ۳ تا خط ورودی بود ۴ خط خروجی اینها را هنوز کسی نمی داند بچه ها رفتند داخل دو نفر بودند با آن لهجه ی خاص محلی خودشان تلفن ها را جواب می دادند. گر قیمتشان حالا بچه های ما نشستند تلفن جواب دهند اگر قشنگ نگویند، درست در نیاید به طبع ممکن طرف ارتباط را قطع کند و مشکوک شود. مسلط شدیم آنچه را که از طریق خارج پیام می رسد به داخل و آنچه را که سازماندهی بود از داخل به خارج انتقال می دادیم تقریباً ۲۳، ۲۴ روز بود به لطف خدا از روی ارتفاعات عناصر را می کشیدیم پایین و چشمها را می بستیم صاف می آوردیم تو سپاه. ۹۳۰ نفر از عناصر آنها را به لطف خدا و با تدبیر و به تجربیات رسیدیم از اینهاست آوردیم شان. همه چریک و کمرها مثل آهو واقماً آدمهای پرتوان بودند. یک اتفاقی که افتاد یک گالشی (معذرتا می خواهم از مردمان خوب این منطقه) با پول، با هر چی برای آنها آنجا کار می کرد، بعد به حضرت عباس قسمش داده بودند که ما را لو ندهی، این فرد متدین ولی متأسفانه ... این را هم گرفتیم. هر چی گفتیم که کمپ دیگر اینها کجاست متأسفانه لو نداد. دو نفر از اینها را که گرفته بودیم با او رو برو کردیم. اتاق کناری به او گفتیم تو غیرت داری باید بگویی گفت من قسم خوردم نمی گویم روستایی، غیرتی ولی متأسفانه قسم یک خورده غلط. یکدفعه دو نفر را آوردیم برای روبرو شدن، رو کرد به او گفت: سیامک مگه توی فلان، فلان شده، مگه قسم نخوردی؟ گفت بگو همه چیز را، من گفتم با من چه می کردید. آقایان ۹۳ نفر را از آن ارتفاعات سواد کوه آوردیم پایین دماغ یکی از بچه های ما خون نیامد. تیم می آوردیم. آن احمق ها فکر می کردند چراغ می دادیم تیم می آمد فکرمی کنند آمده است امام جمعه یا استانداری را ترور بکنند یا کسی را شهید بکنند. این اتفاق که بالای کفش فروشی را گرفتیم اطلاع پیدا کردیم یکی از این تلفن ها به هشت پر طولش وصل است اینها با هم رابطه داشتند گروه ۳ رابطه داشتند با منطقه ۸ پر طولش حال که دیگر حادثه آمل تمام شد و وقایع هنوز ادامه دارد و کسی هم قرار نیست مساوی کند نمره را خواهش می کنم دقت کنید اینها برای تجربیات ۶۰ هست. به لطف خدا برادران ما توانستند از آن گروه تیمی پی ببرند ارتباط یکی از اینها با رشت است. بچه ها رفتند در آنجا خانه ای بود حیاط بزرگی داشت. دو قسمت بود این قسمت خانواده زندگی می کرد آن طرف هم خانه تیمی بود این طرف خانواده نمی دانستند آنها چه کار می کنند آن طرف خانه را کرایه کرده بودند. در پوشش خانواده تردد می کردند. به لطف خدا با تجربه ای که داشتیم شبانه بچه ها با حکم قضایی وارد شدند هیچکس نمی



فهمید کلبه را گرفتیم دو روز که نشستن بچه های ما کنار تلفن یک دفعه یک تلفنی آمد که آهای مقرر ۸ پر طولش دیگر شما تماس با مازندران نگیرید مشکوک است و بعد گفتند یک ماشین VVPRC بی سیم دارد این را برایتان می فرستیم ارتباط شما با خودمان مستقیم باشد عین جمله شان ماشین آنها برود در جنگل گرفتیم دیگر هواهم سرد شده بود. مجدداً در ارتفاعات ۸ پر که صعب العبور بود، من دوبار رفتم، خیلی منطقه سختی بود. جالب بود آنقدر هوا سرد بود و دوباره کاغذ کوچک که آماده اید ترور بکنید می گفتند بله ما آماده ایم با این رژیم مقابله کنیم. از این حرفها می نوشتند و ما می رفتیم یک مار ماشین را روشن می کردیم چراغش را به جای اینکه ۳ نفر بیایند ۶ نفری می آمدند ما هم صاف می بردیم سپاه. ۲۴۰ نفر از یک کمپ و ۹ نفر از یک کمپ دیگر و باقی چون هوا سرد بود رفته بودند. به لطف خدا شما این طور آرام شد. بله آمل گفتیم اوج قله هست. اینجا آقای هاشمی بودند ما به تجربیات عجیبی رسیدیم و این تجربیات را به علت امنیتی ذکر نمی کنیم علتش همین است. که انصافاً کار عجیبی شد و دشمن فهمید این که تجهیزات را از آنها گرفتیم. در منطقه (دوستی سان) در همین منطقه شمال یادتان هست بچه های ما رفتند در جنگهای امام زاده عبدالله، دشمن آموزش دیده بودند، دو تا بشکه ۲۰ لیتری یا دبه ۲۰ لیتری آب را می گرفتند می بردند بالا. آنقدر منطقه برای بچه های ما اول راه سخت بود که شما دیدید که بالاخره ما چند شهید هم دادیم ولی به لطف خدا توانستیم، آنچنان که توانسته ایم لطف خدا بود و بعد و این حوادثی که شمال جمع شد واقعا این حوادث نظام سیاسی را از پا در می آورد این برادران متدین فرزندان شما موفق شدند. این تیپ مالک اشتر که بعدها تیپ شد رفت کرکوک را گرفت نطفه و پایه گذاری اش در دره های مروان دره بود. بچه های آملی یا حزب الهی از این طرف از آن طرف شهرهای دیگر شدند تیپ هم خاطرات قاطعیت اش شدند پیمان الگویی. من متأسفانه که واقعا وقت کم بود و دوست داشتم بیشتر از اعترافات اینها بگویم تا الان گفتیم ۲ تا از اینها را گیر آوردیم یکی شان هم صحبت کردند اطلاعات دارند بگویند. هنوز لایه های پنهان دارند بگویند این همایش ها می تواند عمق فاجعه ای که قرار بود پیش بیاید روشن بکنند و واقعا بنبید ارزش ۴۰ شهید خیلی بالاست. شهید دادن که هنر نیست شهید شدن هنر. ولی واقعا حماسه ای بود و دشمن اگر امروز مشهور است، حزب رنجبران، اتحادیه کمونیست ها، عناصر دیگر اصلاً فقط نام شان هست در مورد سیاسی خیلی کم، من توصیه می کنم به هیئت مدیره بخصوص بنیان به ویژه آقای فرماندار محترم که خیلی تعصب به این دارد خود آقای خانی و سروران عزیز واقعا این همایش می شد در ۳۰ امین سالگردش خیلی خوب بود. یک سطر ملی تر چطور توانست خاجوی ۳ صفحه کتاب چاپ کند چیزی که به قول برادران در وصیت نامه امام آمده و به عنوان یک مدل پیروزی. اینکه مردم می خواهند ما باید از مردم آمل تشکر بکنیم خدا به شما لطف داده که آمل سر آمد باشد و کتاب بنویسید.



پایان نامه، حالا چه می شود ما محصور کنیم. ما همایشهایی را ببریم آنجا، من رفتم دبیرستان امام خمینی شما صحبت کردم یک آقا پسری آن جا نشسته بود گفت این همان شهیدی است که در سر کوچه ما در محله ماست؟ نمی دانستند ما یکی از مشکلاتی که داریم کامل نسل است. نسل بعدی این حوادث را ندیده. یکی از چیزهایی که می توان زنده کرد جنگ است. یکی مثل حادثه آمل است که این جوان بداند یک روزی برای بچه های آمل هندو پی تاریخ است آن پیرمرد شهید آملی، آن آقا پسر کوچک خردسال، آن دختر خانم طاهره هاشمی، آخرین حماسه خوبی است به برکت شهدای ما. انصافاً ثبت کنید برای آیندگان بماند من عرض کردم خجالت کشیدم زمانی را دیدم دشمن شکست خورده در بلژیک چاپ آنجاست، کتابی را منتشر کرده در این رابطه، شکست خورده به افتضاح کشیده شده ولی با قلم خوب نوشت. لذا آقا فرمودند تا زمان یک پدیده با هنر آغشته نشده باشد این در تاریخ جاودانه نمی شود. آملی ها، از خودتان ثبت بکنید. و آملی ها ظرفیت دارند و این دینی است به گردن شما به ویژه دانشگاه ۶ بهمن فراتر از آمل است. اشکالی ندارد پیام از آمل و حزب الله. یک مدل رفتاری را می توانیم تجربه و نهادینش کنیم. خدا یا به حق محمد و آل محمد به دستان پرتوان حزب الله برای ثبت این وقایع که انتقال از نسل قدیم به جدید توفیق عنایت بفرما.

## تبیین مدلینگ جبهه سوم

مهدی خانی

### چکیده:

جبهه سوم اصطلاحی است که گروه موسوم به سربداران از آن استفاده کرده و معتقد بودند نظام جمهوری اسلامی، بویژه سپاه پاسداران انقلاب در دو جبهه در حال جنگ است. جبهه اول، جنگ عراق علیه ایران است که بخش اعظم توان سپاه در این جبهه بکار رفته است و جبهه دوم، کردستان است که سپاه در این جبهه نیز توان بالایی را صرف کرده است و اگر جبهه سوم باز شود، سپاه توانایی جنگیدن در جبهه سوم را ندارد. لذا استان های شمالی و جنگل های شمال کشور می تواند منطقه عملیاتی جبهه سوم قرار گیرد. جنگل و شهر آمل، مرکز جبهه سوم بشمار می رود، زیرا ۹۰ درصد مردم این شهر آماده همکاری با سربداران هستند. جبهه سوم پس از عزل بنی صدر و با ائتلاف گروه های چپ و معارض انقلاب، در سی خرداد ۱۳۶۰ تشکیل و در سال ۱۳۶۳ از هم پاشیده شد.

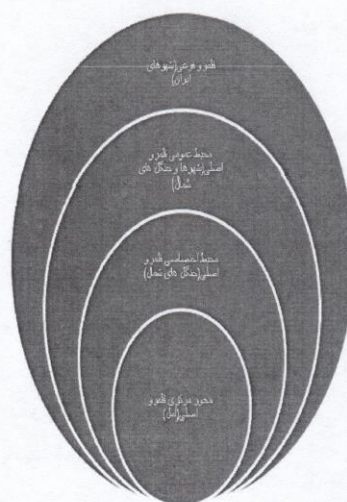
واژگان کلیدی: جبهه سوم، حماسه آمل، سربداران، راهبردها

**تعریف جبهه سوم:** جبهه ای است با ائتلاف گروه های چپ و معارض انقلاب، در سال ۱۳۶۰ و در جنگل های شمال کشور که به منظور سرنگونی انقلاب نوپای اسلامی ایران تشکیل شد.

**قلمرو زمانی:** این جبهه با ائتلاف گروه های چپ، نفاق و گروه های لیبرال معارض انقلاب در سی خرداد ۱۳۶۰ آغاز و در سال ۱۳۶۳ به پایان رسید.

**قلمرو مکانی:** جبهه سوم دارای دو قلمرو مکانی است. قلمرو اصلی مکان جبهه سوم را جنگل ها و کوه ها و شهرهای استان های مازندران، گیلان و گلستان تشکیل می دهد و قلمرو فرعی شامل تمامی شهرهای کشور می باشد که در آن عملیات ترور و انفجار انجام گرفته است. در این بررسی ما با قلمرو اصلی سروکار داریم.

### مدل مفهومی قلمرو مکانی

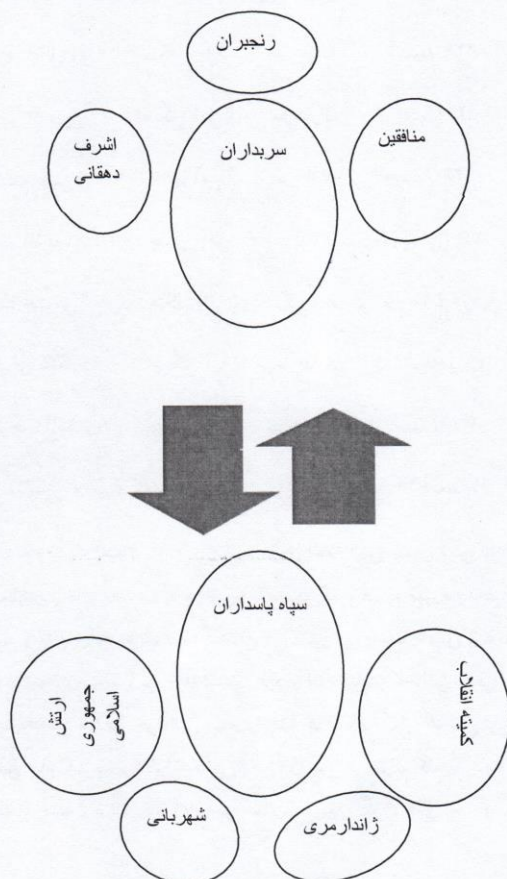


**هدف جبهه:** هدف صدام از حمله به ایران، در آغاز اشغال سرزمین خوزستان بود و پس از حمله موفقیت آمیز، هدف نیز تغییر کرد و هدف مهمتر و بزرگتری انتخاب گردید. در جبهه دوم، هدف گروه های کومله و دمکرات، کسب استقلال کردستان بود، اما هدف جبهه سوم فقط سرنگونی نظام بود. البته برای رسیدن به این هدف، اهداف واسطه ای داشتند.

**طرفین جبهه:** در طرف دشمن، رئیس جمهوری بی کفایت و خلع شده، سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، اتحادیه کمونیست های ایران (به اصطلاح سرداران)، حزب رنجبران، چریک های فدائی خلق موسوم به اقلیت (شاخه اشرف دهقانی) معروف به گروه حرمتی پور صف کشیدند که به صورت ائتلاف در جبهه سوم در کنار یکدیگر قرار داشتند. در طرف خودی، سپاه پاسداران، کمیته انقلاب، ژاندارمری، ارتش و شهربانی قرار داشتند که به صورت مجزی عمل کرده و گاه با یکدیگر همکاری و عملیات مشترک انجام می دادند.



مدل مفهومی طرفین جبهه



برخی عملیات ها و درگیری ها:

- |                    |            |             |              |
|--------------------|------------|-------------|--------------|
| ۱- عملیات توسکستان | جنگل گرگان | حزب رنجبران | ۱۲/آبان/۱۳۶۰ |
| ۲- درگیری ۱۸ آبان  | جنگل آمل   | سریداران    | ۱۸/آبان/۱۳۶۰ |
| ۳- عملیات ۲۲ آبان  | جنگل آمل   | سریداران    | ۲۲/آبان/۱۳۶۰ |

- ۴- حمله ۲۴ آبان جاده هراز گروه حرمتی پور ۱۳۶۰/آبان/۲۴
- ۵- درگیری اوائل دی جنگل آمل سرداران ۱۳۶۰/دی/۳
- ۶- درگیری ۱۳ دی جنگل آمل سرداران ۱۳۶۰/دی/۱۳
- ۷- حمله ششم بهمن شهر آمل سرداران ۱۳۶۰/بهمن/۶
- ۸- درگیری ۱۸ بهمن جنگل آمل سرداران ۱۳۶۰/بهمن/۱۸
- ۹- عملیات خیپوس جنگل قائم شهر گروه حرمتی پور ۱۳۶۱/فروردین/۴
- ۱۰- درگیری ۱۵ خرداد جنگل آمل سرداران ۱۳۶۱/خرداد/۱۵
- ۱۱- درگیری ۱۲ اسفند جنگل آمل سرداران ۱۳۶۱/اسفند/۱۳
- ۱۲- عملیات اساس و سرخ کلا سواد کوه - شیرگاه منافقین ۱۳۶۱/اسفند/۲۹

چرا جبهه سوم بدید آمد؟ چند روز از ماجرای نامه رئیس جمهور (بنی صدر) به مسعود رجوی (رئیس سازمان مجاهدین خلق معروف به منافقین) نگذشت که با هم به صورت مخفیانه (با لباس زنانه) از کشور خارج شدند و به پاریس رفتند. کنار گذاشتن بنی صدر از ریاست جمهوری، نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی بود. چون زمینه سیاسی - اجتماعی طرد و نفی عناصر ناخالص را فراهم ساخت. در حقیقت انقلاب دوم ماهیت عناصر ناپاکی چون بنی صدر را افشا کرد و با کنار گذاشتن وی از حاکمیت، انقلاب سوم به وجود آمد. (پیام انقلاب، ش ۱۷، ۵۱، بهمن ۶۰، ص ۷۷) پس می توان گفت، جبهه سوم به تلافی انقلاب سوم، گشوده شد تا حیثیت بر باد رفته آقای بنی صدر، منافقین، گروه های چپ و گروه های راست آمریکایی را جبران کنند.

جبهه سوم چیست؟ ناصر تاجمیر ریاحی (ناصر بزرگ)، طراح و ارائه دهنده تز جبهه سوم است. وی در تحلیل خود معتقد بود جبهه اول با گستردگی که دارد، بخش زیادی از توان نظامی و دفاعی را هزینه کرد و در جبهه دوم که از ابتدای انقلاب تاکنون، به خصوص سپاه در آنجا درگیر است. دیگر توانی در اختیار ندارد تا در جبهه دیگری بچنگد و آن جبهه جنگل شمال است. ریاحی در بازجویی خود می گوید: ما می توانیم با ایجاد یک جبهه دیگر که رژیم از جنگیدن در آنجا عاجز باشد، آخرین ضربه را بزنیم. (جنگ و جنگل، ص ۱۲)

### دلایل پدید آمدن جبهه سوم

۱- جنگ تحمیلی و شرکت نیروهای فعال و جوان کشور، بخصوص جوانان دو استان مازندران ( گلستان هم جزو مازندران بود) و گیلان در جنگ که زمینه را برای حضور گروهک ها در جنگل های شمال کشور فراهم کرد.

۲- شروع بحران هواپیماربائی در حدی که باعث تهدید امنیت و اقتدار ملی شد.

۳- فرار سران منافقین و بنی صدر از کشور و مصاحبه بنی صدر و موضعگیری وی در رابطه با شورش های شمال کشور که گفته بود، اینها که می خواهند انقلابشان را به سراسر جهان صادر کنند، در شمالی ترین مرز کشورشان بحران امنیتی دارند و این بحران توسط ما هدایت می شود. (محمدی، حماسه اسلامی مردم آمل، ص ۱۳۸)

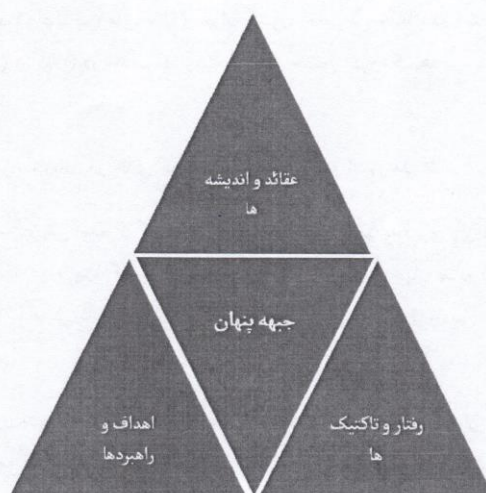
۴- گروه های تروریستی در اثر اجرای طرح مالک و مستاجر، که ثبات و استقرار گروه ها را از میان برد و گروه هایی که معتقد به شیوه جنگ و گریز و نزاع های خیابانی بودند، مجبور شدند به عنوان تاکتیک و نه استراتژی، به نواحی دور دست بروند (نیاز، ص ۱۲۴)

۵- اتحادیه کمونیست های ایران (سربداران) جنگل را به عنوان استراتژی خود انتخاب نموده و براساس تئوری مائو، قصد مبارزه نظامی - سیاسی را نه به روش جنگ و گریز، بلکه جنگل به عنوان پایگاه حرکت توده ای و قیام روستائیان و دهقانان انتخاب شد.

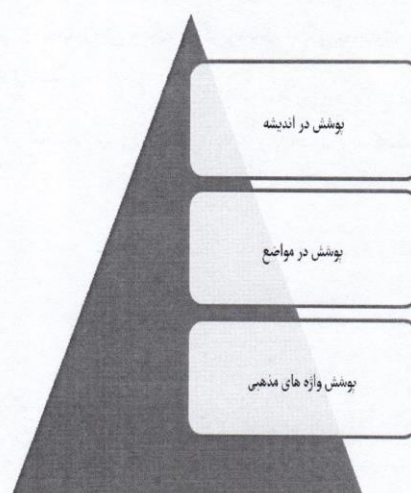
۶- نیروهای دولتی و نظامی، تجربه ای در خصوص رزم در جنگل ندارند و با اصول و تاکتیک های رزم در جنگل آشنا نیستند.



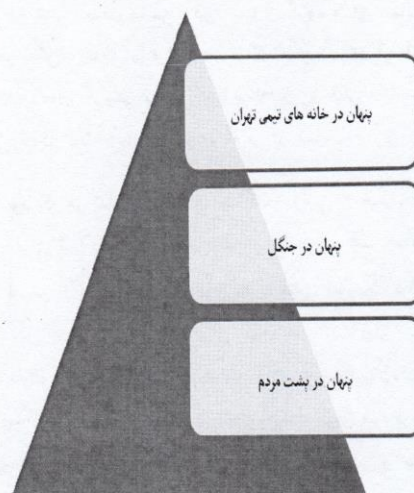
راهبردهای جبهه سوم



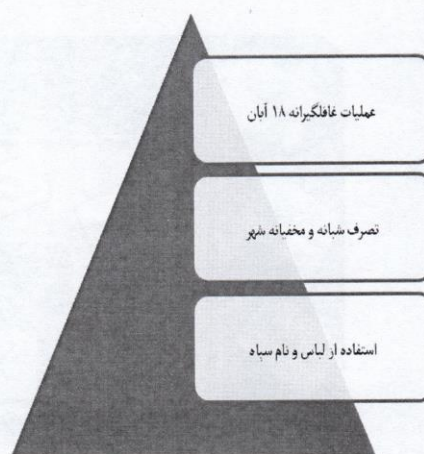
الف) عقائد و اندیشه ها



ب) پوشش اهداف و راهبردها



ج) رفتار پنهانی و تاکتیک های فریب

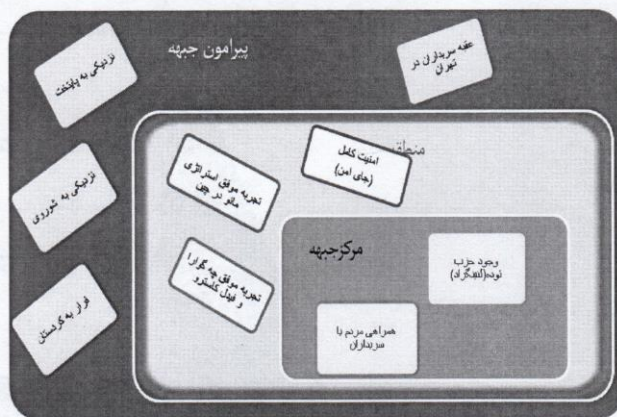


جبهه سوم جبهه ای است که یک صف آن را گروه های سیاسی - نظامی تشکیل داده و مکان امنی را برای انجام عملیات به نام جنگل انتخاب کرده بودند. طراحی و برنامه ریزی عملیات توسط فرماندهان در

داخل جنگل انجام می شد و عملیات ترور در شهرها، سرقت بانک ها، حمله به مقرهای بسیج، پاسگاه ها و بستن جاده ها در خارج از جنگل انجام می شد. در صف دشمن، دو تیپ از گروه های عملیاتی حضور دارند. یک تیپ از گروه های موجود در جنگل، جنگل را قرارگاه و مرکز عملیات قرار دادند. میدان جنگ و رزم آنان خارج از جنگل بود. تیپ دوم، گروهی بودند که با برنامه ریزی قبلی و با استراتژی قیام مسلحانه توده ای وارد جنگل شدند. یعنی جنگل نقطه آغاز قیام بود و نه مرکز عملیات.

بر مبنای همین رویکردهای دوگانه بود که هر کدام از گروه ها جداگانه، ولی در مدت کوتاه، وارد جنگل شدند و جایی را برای مبارزه و یا برای پیدا کردن منطقه امن انتخاب کرده اند. هر چند می توان گفت، اتحادیه کمونیست ها (سربداران) بیش از دیگر گروه ها، پای بند به مبانی تئوریک بوده و حرکت اصولی تری را آغاز کرده اند. انتخاب جنگل به عنوان منطقه امن برای گروه های تیپ اول، کاملاً منطقی بود و بدون مخالفت انتخاب شد و شاید بتوان گفت، چاره ای غیر از پناه بردن به جنگل نداشتند، ولی برای اتحادیه کمونیست های ایران، انتخاب جنگل با درایت و هوشیاری انجام گرفت. برای قیام فوری در جنگل های آمل، مخالفت هایی از سوی اعضای سربداران انجام گرفت، ولی با توجیه سیاسی و استدلال قوی شهاب (سیامک زعیبی) مخالفین قانع شدند. (جنگ و جنگل، ص ۱۵)

#### ویژگی های جبهه سوم



۱- نزدیکی به پایتخت و مرکز کشور، یکی از دلایل انتخاب سربداران، نزدیک بودن محل جرقه جنبش دهقانی به مرکز حکومت بود. از این جهت نزدیک بودن به تهران اهمیت داشت که اولاً برای انجام



پشتیبانی و حمایت لازم به خصوص ارتباطات تشکیلاتی در حین مبارزه به آن نیاز داشتند و به عبارت دیگر قرار گاه اصلی و عقبه سربداران، اتحادیه کمونیست های ایران بود که در تهران استقرار داشت. ثانیاً در نظر داشتند دامنه قیام را به تهران بکشانند.

۲- شرایط جغرافیایی منطقه و وجود جنگل در استان های شمالی به خصوص استان مازندران از عوامل زمینه ساز برای شروع بحران بود.

۳- در درون جنگل هیچ نیروی امنیتی، انتظامی و نظامی برای برخورد، کنترل و مبارزه با شورش وجود نداشت.

۴- در جبهه اول که ابرقدرتها و کشورهای منطقه از عراق پشتیبانی کردند، نتوانست کار به جایی ببرد و در جبهه دوم با عملیات پارتیزانی که تقریباً تمامی گروه های نظامی، نظیر کومله و دمکرات و گروه های سیاسی- نظامی نظیر، چریک های فدائی خلق، منافقین و اتحادیه کمونیست های ایران که مجموع گروه های موجود در کردستان، از دو ویژگی بومی و غیربومی برخوردار بوده و همچنین پشتیبانی مردمی و حمایت خارجی را در اختیار داشتند، نتوانستند به جایی برسند. در جبهه سوم تصور این بود که نیروهای دولتی و نظامی در دو جبهه درگیر هستند و لذا با یک حرکت نظامی، می توانند شمال را تصرف نمایند.

۵- اصول، تاکتیک ها و تکنیک های جنگل در جنگل، تخصصی است و نیروهای ضد شورش به سختی و با تلفات زیاد در این میدان مواجه خواهند شد.

۶- از آنجایی که استراتژی مائو در چین با حرکت دهقانی و کارگری از روستاها و جنگل (استقرار در یک نقطه امن و سپس گسترش منطقه امن تا آزاد سازی روستاها) آغاز گردید و به ثمر نشست و تجربه چین، می توانست الگوی موفق برای سربداران قرار گیرد.

۷- نظریات چه گوارا و مبارزات فیدل کاسترو در کوبا و اتخاذ شیوه جنگ و گریز و تحرک مطلق در درون جنگل و در نتیجه ضربه زدن به حکومت مرکزی، نیز از دیگر استراتژی های موفق بود که توانست به عنوان تجربه گروه های موجود در جنگل واقع گردد.

۸- گروه های چپ در مدت دو - سه سال پس از انقلاب در شهرهایی از شمال کشور، در مردم نفوذ کرده و با سابقه ای که از حزب توده داشتند، زمینه را برای همکاری مردم فراهم دیدند.

۹- نزدیکی جنگل های شمال و شهرهای شمالی کشور به اتحاد جماهیر شوروی (سابق) به عنوان ابرقدرت شرق که بسیاری از گروه های چپ، این کشور را حامی و خود را وابسته به آن کرده بودند

#### سازمان نیروهای خودی

نیروهای خودی در آغاز بحران، دارای هویت مستقلی نبود. شکل گیری سریع و تقریباً هم زمان گروه ها در جبهه سوم، فرصتی برای شکل دهی سازمان ضد شورش باقی نگذاشت. از طرف دیگر، دسترسی نداشتن به ماهیت و تاکتیک گروه های موجود در جنگل، امکان برنامه ریزی را سلب نمود.

سپاه شهرستان ها مسئولیت برقراری امنیت در شهر را عهده دار بود. برخورد با منافقین و سازمان چریک های فدائی خلق در شهرها برعهده سپاه بود. به همین دلیل اطلاعات نسبتاً کافی از هویت و ماهیت بعضی از گروه های موجود در جنگل را در اختیار داشت.

سپاه دو استان مازندران و گیلان از نظر اداره و مدیریت تحت فرماندهی منطقه سه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده و هر گونه اقدام و برنامه ریزی در زمینه برخورد با گروه های داخل جنگل، با منطقه سه هماهنگ می شد، اما از نظر تاکتیکی و در سطح عملیاتی، به طور مستقل عمل می کرد.

در وقایع و حوادث مهم، سپاه منطقه سه، هماهنگی در سطح استان و در صورت لزوم، همکاری بین دو استان را انجام می داد و سپاه شهرستان ها، برای جبران کمبود نیروهای عملیاتی، از نیرو و امکانات سپاه شهرهای مجاور استفاده می کردند.

سپاه شهرستان ها به دلیل کمبود نیرو و حجم زیاد ماموریت های فرهنگی، امنیتی، اطلاعاتی (در این زمان وزارت اطلاعات وجود نداشت و مسئولیت اطلاعات کشور برعهده معاونت اطلاعات سپاه بود) نتوانستند، برای مقابله با بحران جنگل، سازمان و نیروی مستقلی اختصاص دهند. از همین روی برخورد سپاه شهرستان ها با جبهه سوم، در ابتدا غیر تخصصی بود.

از ابتکارات سپاه در جریان مقابله با ضد انقلاب در درون شهر و مساله جنگل، استفاده از نیروهای داوطلب مردمی به نام، نیروهای ذخیره و پاسدار ویژه بود. این دسته از نیروها در مواقع لزوم، با سرعت سازماندهی می شدند و در اختیار فرمانده واحد عملیات سپاه قرار می گرفتند. نیروهای ویژه هیچ گونه حقوق و مزایایی دریافت نمی کردند.



با انجام عملیات پی در پی و متنوع گروه های جنگل، ضرورت ایجاد سازمان مستقل به منظور برخورد تخصصی با گروه ها و اقدام موثر در جبهه سوم، حاصل گردید و پس از واقعه عظیم ششم بهمن سال ۶۰ آمل، ماموریت حل بحران جنگل به سپاه واگذار شد. موارد زیر از جمله ضرورت های تشکیل سازمان مستقل به شمار می رود:

- ۱- محدود بودن توانمندی های سپاه شهرستان های دو استان برای مقابله با دشمن در اعماق جنگل
- ۲- وجود نیروهای امنیتی و انتظامی فراوان از جمله، کمیته انقلاب اسلامی، ژاندارمری جمهوری اسلامی، شهربانی جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۳- کمبود کادر زبده و با تجربه اطلاعاتی و عملیاتی برای شناسایی و جمع آوری اطلاعات از وضعیت گروه ها و انجام عملیات موثر و مهار کننده
- ۴- لزوم ایجاد شبکه اطلاعاتی در شهر و رابطین محلی در درون جنگل
- ۵- بررسی جامع و کامل جغرافیای منطقه عملیاتی و غیر عملیاتی و ارائه به واحد های اطلاعاتی و عملیاتی
- ۶- ایجاد مراکز و دوره های آموزشی متناسب با منطقه و نوع تاکتیک ها و تکنیک های ویژه جنگل

#### قرارگاه حضرت ابوالفضل(ع)

دو استان مازندران و گیلان به رغم آنکه در عملیات درون جنگل، نظیر عملیات توسکستان گرگان، درگیری در درون جنگل آمل و جاده مهم هراز، اقدامات موثری انجام دادند، لیکن حل ریشه ای بحران جنگل ایجاب می کرد، تا مجموعه ای توانمند در سطح منطقه، اقدام به مقابله سازمان یافته با دشمن نماید.

تجربه سپاه پاسداران در کردستان، با تشکیل قرارگاه حمزه سیدالشهداء، توفیق زیادی در کنترل بحران نظامی و امنیتی کسب نمود. لذا منطقه سه سپاه (گیلان و مازندران) بر این باور بود که از تجربه سپاه منطقه کردستان و آذربایجان غربی بهره گیری کند و با همراه کردن دستگاه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو استان شمالی، به مصاف دشمن برود.

لذا قرارگاه تاکتیکی مرکزی به استعداد یگان (لشکر یا تیپ) به منظور برنامه ریزی، هدایت و کنترل کلیه اقدامات اطلاعات و عملیات نیروهای سپاه، بسیج مردمی، ارگان های نظامی، انتظامی و سیاسی استان های گیلان و مازندران به ستاد مرکزی سپاه پیشنهاد و به تصویب رسید.



قرارگاه حضرت ابوالفضل (ع) برای انجام ماموریت، سه تیپ عملیاتی تشکیل داد که در شیرگاه، بابل و چوکا راه اندازی و استقرار یافت. هر تیپ دارای سه گردان استقراری و یک گردان مانوری بود که در محدوده های از قبل تعیین شده، عملیات مانور در داخل جنگل انجام می داد. ( محمدی، بحران شمال کشور، صص ۵۲-۵۳)

### مركز جبهه سوم

گسترش جبهه های اول و دوم، تقریباً بخش اعظم سلسله جبال زاگرس را فراگرفته بود. استان های آذربایجان غربی و کردستان منطقه عمومی جبهه دوم را تشکیل داد و استان های خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی اختصاص به جبهه اول داشت. در این ارتفاعات و شهرها، به روشنی نمی توان تعیین نمود که کدام یک از ارتفاعات و کوه ها و حتی شهرها، به عنوان قله و مرکزیت جبهه به شمار می روند.

در جبهه سوم، مرکزیت و محوریت عملیات شورش و بحران، منطقه ای انتخاب شد که قله جنگل و قله کوه های البرز بحساب می آید.

جنگل آمل، قله جنگل های شمال، و قله کوهستانی دماوند که بزرگترین قله البرز و بزرگترین قله ایران نیز هست، در منطقه کوهستانی آمل قرار دارد. هر دو قله از نظر موقعیت سوق الجیشی و استراتژیکی، برای سربداران اهمیت داشت. زیرا در زمان مورد نیاز، تکیه گاه و برای فرار از معرکه و خارج شدن از دسترس نیروهای دولتی (سازمان ضد شورش)، عالی و بی نظیر است.

شمال منطقه ای است که دارای دو نوع جنگل است. نوع اول، جنگل هایی که در دامنه کوه قرار دارد و یا در اطراف شهرهای ساحلی واقع شده است که پوشیده از درختان انبوه، در زمین مسطح و یا با ارتفاعات پست قرار دارد. نوع دوم، جنگل هایی است که با درختان انبوه در منطقه ای با ارتفاع بلند قرار دارد و برعکس نوع اول که در ارتفاعات پست قرار گرفته است. جنگل های نوع دوم در شهرهای شمال کشور اندک است و بیشتر جنگل ها از نوع اول می باشد.

جنگل آمل در موقعیتی واقع شد که هرچه به سمت غرب می رویم، رفته رفته، ارتفاعات پست تر می شود و هرچه به سمت شرق می رویم، بیش از غرب، به سمت ارتفاعات پست می رویم. نتیجه آنکه، ارتفاعات جنگل آمل، مرتفع ترین بخش جنگل های مازندران بوده و قله دماوند نیز مرتفع ترین نقطه کوهستانی سلسله جبال البرز است.

سربداران و دیگر گروه‌ها تصور می‌کردند، برای عبور از جنگل‌ها و کوه‌های نوع اول استان‌های مازندران و گیلان، نیروهای ضد شورش (پاسداران و نیروهای امنیتی) به راحتی می‌توانند عبور و مرور کنند و برای جنگ در منطقه جنگل‌های پست مشکلی ندارند، ولی در جنگل‌ها و کوه‌های سر به فلک کشیده (از نوع دوم) فقط افراد ورزیده، آموزش دیده و با استقامت می‌توانند به ارتفاعات بالا برسند و نیروهای ضد شورش، از این ویژگی برخوردار نیستند. منطقه‌ای با ویژگی‌های بالا در آمل وجود دارد.

می‌توان گفت: «جنگل آمل، نگین جنگل‌های شمال و کوه دماوند، قله‌ی کوه‌های شمال و ارتفاعات البرز است»

#### نتیجه:

جبهه سوم همانند دو جبهه دیگر، ناگفته‌های فراوانی دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری "جنگ گنج است" جبهه سوم در مقایسه با دو جبهه، از نظر طول زمان، تعداد عملیات و نیز نیروهای درگیر، از شدت و وسعت کمتری برخوردار است، اما تمام ویژگی‌های دو جبهه را داراست. لذا در درون خود گنج فراوانی دارد. حضور و مشارکت مردم در درگیری‌های شهری و در عملیات داخل جنگل، از ویژگی‌های بارز این جبهه است که با کمترین تلفات و سریع‌ترین زمان، توانست نیروهای دشمن را تارومار نماید و پرونده گروه‌های معارض انقلاب اسلامی، به خصوص اتحادیه کمونیست‌های ایران (به اصطلاح سربداران) را ببندد. چنین دستاورد بزرگی تاکنون به روش علمی تبیین نشد و هنوز کسی به راز جاوید درج "اهالی شریف آمل" در وصیت نامه امام خمینی (ره) پی نبرد.

#### پیشنهادات:

۱- سپاه پاسداران استان‌های مازندران، گیلان و گلستان با تعریف پروژه‌های تحقیقاتی، نسبت به ثبت وقایع و حوادث درون شهری و جنگل‌های شمال کشور اقدام نمایند. با توجه به اینکه تاکنون اقدام شایسته‌ای در این زمینه انجام نگرفت و متأسفانه بخش مهمی از منابع، مستندات و راوایان قابل دسترس نیست (از دست رفت)، ضرورت این مهم دو چندان خواهد بود.

۲- حضور و مشارکت مردم در شناسایی عوامل ناامن کننده، و نیز پشتیبانی و شرکت در عملیات نظامی و امنیتی سپاه پاسداران بسیار چشمگیر بود. جا دارد در این زمینه مطالعه عمیق صورت پذیرد و نتایج آن به عنوان الگوی مشارکت مردمی در مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی ارائه گردد.



۳- مطالعه تطبیقی جبهه سوم با دو جبهه دیگر از نظر شباهت ها و تفاوت ها انجام پذیرد تا واقعیت ها آنطور که اتفاق افتاد، منعکس شود. بنظر می رسد طی سه دهه گذشته، نسبت به این مهم کوتاهی شده است.

۴- جبهه سوم صرفاً یک قضیه نظامی و امنیتی نبود، وجه سیاسی و اجتماعی آن خصوصاً در حماسه اسلامی ششم بهمن آمل بسیار قوی است. لذا دانشگاه مازندران با بسیج نمودن استادان رشته های جامعه شناسی، سیاسی، فلسفه، ارتباطات، مدیریت، تعلیم و تربیت و رشته های هنری می تواند نقش موثری در تولید دانش بومی و دانش تجربی ایفا نماید.

۵- دانشگاه مازندران به عنوان دانشگاه جامع و مادر در استان مازندران، "کرسی علمی جبهه سوم" را راه اندازی نموده و با همکاری دانشگاه های دولتی و آزاد استان، بخصوص دانشگاه های شهرستان آمل، ضمن انجام بحث های تئوریک و گفتمان های علمی، پایان نامه های دانشجویی را برنامه ریزی، هدایت و حمایت نماید.

۶- اگر فرهنگ دفاع مقدس در جبهه اول و مقاومت پاسداران در کوه های سر به فلک کشیده کردستان به نسل سوم و چهارم در قالب کاروان راهیان نور منتقل می شود، جا دارد، دانشجویان و دانش آموزان استان های شمال کشور، به مشهد شهیدان جبهه سوم سر بزنند که به حق، محل شهادت شهید گمنام جنگل آمل، دارالعشق است.



منابع

- ۱- بهمن و رهنمودها، داود شالیکار، ستاد تحقیقاتی ششم بهمن سال ۶۰ آمل، آمل، ۱۳۸۱
- ۲- پیام انقلاب، ارگان رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ش ۵۱، ۱۷ بهمن ۶۰
- ۳- جنگ و جنگل، جمعی از نویسندگان، ستاد برگزاری یادواره شهدای جنگل های شمال، آمل، ۱۳۸۹
- ۴- حماسه اسلامی مردم آمل، مجموعه مقالات سمینار، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۴
- ۵- سخانی، مهدی، باز شناسی جبهه سوم (رخ دادهای جنگل شمال با تاکید بر حماسه آمل)، در دست چاپ
- ۶- محمدی فرد، مهدی، سازمان ضد شورش، بررسی عملکرد قرارگاه حضرت ابوالفضل در جنگل های شمال کشور (۶۱-۱۳۶۰)، مجموعه مقالات سمینار حماسه اسلامی مردم آمل، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۴
- ۷- محمدی فرد، مهدی، مدیریت پدافند داخلی در بحران شمال کشور، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۶
- ۸- نیاز، بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست های ایران، مجموعه مقالات سمینار حماسه اسلامی مردم آمل، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۴

بررسی علل سیاسی، جغرافیایی و فکری غائله ضد انقلابی ششم بهمن سال ۶۰ آمل

معصومه قلی پور کاری<sup>۱</sup>

محمد گویا<sup>۲</sup>

مصطفی باقریان جلودار<sup>۳</sup>

### چکیده

پدیده ضد انقلابی همراه همیشگی انقلاب ها بوده و در خور مطالعه و بررسی است. ضد انقلاب می تواند به سرنگونی یک رژیم انقلابی به وسیله مخالفان داخلی و با حمایت خارجی اشاره داشته باشد. انقلاب نوپای اسلامی همانند بسیاری از انقلابهای جهان، از همان ابتدا با پدیده ضد انقلاب مواجه گردید. از جمله این حرکتها حوادث ششم بهمن ۱۳۶۰ بود که در شهر آمل اتفاق افتاد. در این حادثه اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)، با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و نظامی منطقه، از خلاء قدرت سیاسی، نظامی و امنیتی منطقه سوء استفاده نموده و ابتکار عمل را در مقابل نیروهای انقلاب به دست گرفتند. اندیشه رهبران اتحادیه بر اساس مثنویستی و جنگهای چریکی بود و استقرار در جنگل را نقطه آغاز برای جذب روستائیان و آزاد سازی دولتها و بسیج روستائیان قرار داد، تا یک قیام مسلحانه را راه اندازی کند. اتحادیه کمونیستی با استقرار ۱۸۰ نفر از اعضا و هوادار در جنگلهای آمل، در صدد برآمدند تا با یک حمله ناگهانی، شهر آمل را تسخیر و مردم را به قیام دعوت کنند. اما به کمک نیروهای مسلح و نیروهای مردمی اتحادیه کمونیستی شکست بزرگی را متحمل شدند و حماسه جاویدان «شهر هزار سنگر» رقم خورد و با این اقدام اتحادیه کمونیستی در ایران متلاشی شد. این پژوهش بر آن است تا علل سیاسی، جغرافیایی و فکری غائله ضد انقلابی ششم بهمن سال ۶۰ آمل را از سوی اتحادیه کمونیست های ایران را مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه: ضد انقلاب، اتحادیه کمونیست ها، عوامل سیاسی، طبیعی، جغرافیایی، آمل

<sup>۱</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی انقلاب دانشگاه شاهد masomeh.gholipor@yahoo.com

<sup>۲</sup> - مدرس دانشگاه پیام نور مازندران mohamadgouya@yahoo.com

<sup>۳</sup> - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور مازندران Feranzar@yahoo.Com



### مقدمه و طرح مساله

پدیده ضد انقلابی همراه همیشگی انقلاب‌ها بوده است. ضد انقلاب می‌تواند به سرنگونی یک رژیم انقلابی به وسیله مخالفان داخلی و با حمایت خارجی اشاره داشته باشد. در تمامی انقلاب‌ها گروهی در مخالفت با انقلاب‌ها وجود داشته‌اند. در ایران نیز هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) جریان ضد انقلاب شکل گرفت. بسیاری از این گروه‌های ضد انقلابی در جریان انقلاب همراه مردم بوده ولی بعد از آن به نوعی مخالفت خود را با آرمان‌های انقلاب بیان نمودند.

انقلاب نوپای اسلامی همانند بسیاری از انقلاب‌های جهان، از همان ابتدا با پدیده ضد انقلاب مواجه گردید. در حالیکه هنوز کنترل امور، بطور کامل، در دست مسئولین کشور قرار نگرفته بود، تحریکات ضد انقلاب و توطئه‌چینی آنان پیوسته خساراتی را به بار می‌آورد (هدایتی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

حوادث سالهای اولیه انقلاب، در بسیاری از موارد، حاصل فعالیتها و چالشهایی است که این گروه‌های ضد انقلاب بدان دست زده‌اند. از جمله این حرکتها حوادث ششم بهمن ۱۳۶۰ بود که در شهر آمل اتفاق افتاد. در این حادثه اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)، با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و نظامی منطقه، از خلاء قدرت سیاسی، نظامی و امنیتی منطقه، سوء استفاده نموده و ابتکار عمل را در مقابل نیروهای انقلاب به دست گرفتند. اتحادیه کمونیستهای ایران از ادغام دو گروه سازمان انقلابیون کمونیست و گروه پویا در سال ۱۳۵۵ و در خارج از کشور شکل گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اعضای اتحادیه کمونیست‌ها از خارج از کشور به ایران مراجعت کرده و موضعی موافق و قابل قبول در خصوص انقلاب اسلامی اتخاذ کردند (کردی، ۱۳۸۶: ۱۲).

اندیشه رهبران اتحادیه بر اساس مثنی مائوئیستی و جنگهای چریکی بود و استقرار در جنگل را نقطه آغاز برای جذب روستائیان و آزاد سازی دولتها و بسیج روستائیان قرار داد، تا یک قیام مسلحانه را راه اندازی کند. اتحادیه به تز قیام فوری رسید و بر این باور بود که جامعه کاملاً آمادگی دارد و یکی از گروهها باید از این فرصت استفاده کرده و دست به قیام مسلحانه بزند و با همراهی مردم، شهرها را یکی پس از دیگری آزاد و مستبدین را بر کنار کند و در نهایت در ششم بهمن ماه سال ۱۳۶۰ علیه نظام جمهوری اسلامی اقدام نظامی کردند و با حمله به شهر آمل در صف دشمنان انقلاب اسلامی قرار گرفتند. اتحادیه کمونیستی با استقرار ۱۸۰ نفر از اعضا و هوادار در جنگلهای آمل، در صدد برآمدند تا با یک حمله ناگهانی، شهر آمل را تسخیر و مردم را به قیام دعوت کنند. آنها با حمله به مناطق مهمی چون سپاه، بسیج و دادستانی سعی داشتند وانمود کنند که شهر در اختیار آنهاست تا مردم به آنها بپیوندند. اما به کمک



نیروهایی مسلح و نیروهای مردمی اتحادیه کمونیستی شکست بزرگی را متحمل شدند و حماسه جاویدان «شهر هزار سنگر» رقم خورد و با این اقدام اتحادیه کمونیستی در ایران متلاشی شد. در این حماسه ی جاویدان، از مردم قهرمان آمل ۴۰ شهید و ۱۲۰ نفر زخمی شدند (همان، ۱۳). این مقاومت مردانه، تحسین امام خمینی (ره) را برانگیخت تا جایی که ایشان فرمودند: «دیدید مردم دلیر و مسلمان آمل چه به روزتان آوردند» و در نهایت کمال صداقت فرمودند: «ما باید از مردم آمل تشکر کنیم».

این پژوهش بر آن است تا علل سیاسی، جغرافیایی و فکری غائله ضد انقلابی ششم بهمن سال ۶۰ آمل را از سوی اتحادیه کمونیست های ایران را مورد بررسی قرار دهد.

#### الف- علل سیاسی غائله ضد انقلابی شهر آمل

برخی گروههای و عناصر ذی نفوذ که از دیدگاه سیاسی مخالف نظامهای حاکم بر جامعه برخوردارند، گاهی اوقات برای ابراز مخالفت خود و به دست آوردن قدرت سیاسی، دست به اقدامات ضد انقلابی می نمایند. این گروهها و احزاب مخالف دولت که در روشهای سیاسی با دولت اختلاف دارند دست به مبارزه مسلحانه می زنند. یکی از این گروهها، گروه اتحادیه کمونیستی بود که در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ دست به قیام مسلحانه زدند و با حمله به شهر آمل قصد داشتند این شهر را تصرف کنند. اهم علل و زمینه های سیاسی وقوع غائله ضد انقلابی شهر آمل عبارتند از:

#### ۱- جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

مهمترین حادثه ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ابعاد سیاسی- اجتماعی و نظامی کشور را تحت تاثیر قرار داد، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. کشور عراق با آمادگی قبلی در دو بعد نظامی و سیاسی و با حمایت سیاسی و نظامی قدرتهای خارجی، جمهوری اسلامی ایران را تحت شدیدترین فشارهای نظامی، تسلیحاتی و سیاسی قرار دادند. انعکاس آن فشارها در داخل کشور، نمود اقتصادی و سیاسی یافتند، در حالیکه توجه سران کشور بویژه رهبر انقلاب (ره) معطوف به جنگ بود، گروههای سیاسی حداکثر استفاده را از اوضاع نمودند.

در حالیکه از یکسو عراق در پی تصرف و جداسازی استان خوزستان (حداقل)، و ایجاد تزلزل در حاکمیت، مشروعیت و تمامیت ارضی کشور بود، دیگر قدرتهای بزرگ به دنبال مهار انقلاب و بویژه ایدئولوژی اسلامی آن بودند. نظام نوپا نیز در آن واحد باید پاسخگوی چند پدیده می بود و توان و منابع

خود را ولو به حد اندک تقسیم می نمود. ضعفها و کمبودها بروز کردند و بهترین حربه ضد انقلاب داخلی شدند.

با شروع جنگ، برخی از اعضای اتحادیه بر این باور بودند که علیه انقلاب، کودتا انجام گرفته است، ولی بعد متوجه شدند جنگ شروع شده است (محمد(بهرام) غزنوی، پ.ش ۲۴۱۴۳).

به گفته یکی از اعضاء حدود ۲۵ نفر از نیروهای اتحادیه به اهواز و آبادان اعزام شدند، تا علیه دشمن بجهنگند (مهرداد ناظری، پیشین). یکی از اهداف رهبران اتحادیه کمونیست ها از شرکت در جنگ، علاوه بر جنبه تبلیغی و نشان دادن همراهی آنان با مردم در دفاع از موجودیت انقلاب، سرقت اسلحه بود:

« هر چند انگیزه ی رهبران خائن سازمان، خیانت در جبهه ی جنگ و سرقت اسلحه بود» (همان).

ایرج شیر علی یکی از معدومین اتحادیه کمونیست ها که مسوولیت انتقال برخی از سلاح های اتحادیه را در جنگل به عهده داشت، بر اسلحه و مهماتی که از جبهه ی جنوب آورده بودند، تاکید می ورزد (ایرج شیر علی، پ.ش ۲۴۱۷۲).

یکی از تاکتیکهای اتحادیه ی کمونیست ها در قبال جنگ، فرصت طلبی آنان از وضعیت جنگی کشور بود که در این فراز به راحتی بدان اعتراف شده است:

« رژیم جمهوری اسلامی با ارتش عراق که ارتش بسیار پر قدرتی است می جنگد، لذا بالاجبار قسمت اعظم نیروهای نظامی خود را در جبهه ها به کار گرفته است (این جبهه اول)، قسمت دیگر نیروهای رژیم در جنگ با چریکهای شهری و جنگ کردستان تجزیه شده است (جبهه دوم) و ما می توانیم با ایجاد یک جبهه دیگر (جبهه سوم) که رژیم از جنگیدن در آنجا عاجز باشد، آخرین ضربه را به او بزنیم» (حسین تاج میر ریاحی، پ.ش ۲۴۱۷۶).

یکی دیگر تاکتیکهای آنان نفوذ در نهادها و تجمعات اسلامی بود، تا در آنها حداقل یک خط انحرافی ایجاد کنند. با توجه به حضور بسیج در جبهه، قاعدتا آنجا یکی از نهادهایی بود که اتحادیه مامور بودند در آن نفوذ کنند:

« در اهواز هم دو تا از دخترهای سازمان در بسیج نفوذ کردند و به ما دستور دادند که باید به بسیج آنجا بروید، تا اگر توانستید از آن طریق به جبهه اعزام شوید. من و مادر احمد و باقی دخترها به آنجا رفتیم، اما جز چند نفر نتوانستند اعتماد خواهران بسیج را جلب بکنند» (ژیلا شمس رکابی، پ.ش ۲۴۱۷۲).



در مجموع، اتحادیه ی کمونیست ها با دادن چندین قربانی، از حضورش ارزیابی مثبتی داشت (کردی، ۱۳۸۶، ۵۱).

## ۲- شرایط انقلابی و آشتنگی حاصل از آن

انقلاب اسلامی بطور اساسی رژیم شاه و سیستم استبدادی را که به عنوان عامل و مجری برنامه های آمریکا بود را از صحنه خارج کرد.

با تحقق انقلاب اسلامی و سرنوشتی رژیم، سیستم اجرایی به لحاظ وابستگی نظام استبدادی به چند عنصر وابسته و محدود بویژه شاه از یک طرف، و نقض و کمبود در سیستم های اجرایی و بی برنامه بودن آنها از طرف دیگر فلج گردید. بویژه وزارتخانه ها یکباره دچار بیماری بی تحرکی شدند و عملاً چرخه نظام با کندی هر چه تمام تر روبرو شد.

دخالت افراد شاخص در امر اجرایی کشور، عدم تمرکز قدرت سیاسی، اختلافات سیاسی در بین نخبگان، کم تجربگی شخصیت های سیاسی به لحاظ مدیریت اجرایی کشور و نبود یکپارچگی در هر جناح از کشور، علاوه بر اختلال جدی در ارگانهای حکومتی، اجتماع را نیز دچار شکافهایی نمود. ضعف و شکاف در حاکمیت سیاسی، اجتماعی و روحیه انقلابی در جوانان کشور و... زمینه را برای فعالیت و بهره گیری گروهکها و سازمانهای ضد انقلابی بیش از پیش فراهم می کرد.

## ۳- ضعف و ناکارآمدی دولت موقت

یکی از زمینه های ضد انقلاب در استانهای شمالی کشور بالاخص حوادث آمل، شرایط کلی کشور بوده که از آن جمله وجود دولت موقت را می توان نام برد. یکی از مسئولین اتحادیه کمونیستهای ایران می گوید:

«دولت موقت در ابتدای انقلاب زمینه مناسبی برای رشد گروهها از جمله اتحادیه کمونیستها بود». (پرونده بازجویی عبد منافی عضو اتحادیه، شماره کلاسه ۱/۱۸۴۲۰/م/۶۱)

دلیل این ادعا نیز عدم قاطعیت دولت در اجرای فرامین انقلابی حضرت امام خمینی (ره)، سهل انگاری در ریشه کن ساختن ضد انقلاب، سازش کاری با عوامل آمریکا و ... بوده است. همچنین وجود بنی صدر به عنوان رئیس جمهور کشور از عوامل موثر و زمینه ساز ایجاد بستر ضد انقلاب در کشور بود.

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی استقرار یک دولت موقت به منظور سرو سامان دادن به مسائل اولیه نظام اولویتی ویژه داشت. عملکرد دولت موقت و انحراف از اصول انقلاب اسلامی و ارتباط پنهانی با



آمریکا و اتخاذ خط مشی لیبرالی، دستاویزی برای حمله به روحانیت بویژه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران توسط بسیاری از گروههای ضد انقلاب گردید. با انتخاب بنی صدر به عنوان رئیس جمهور و بهره گیری مناسب وی از حربه های تبلیغاتی و سیاسی توانست پس از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بالاترین مقام کشوری و لشکری را کسب کند. ضعف اداره امور جنگ و مسائل داخلی و همچنین تضاد جدی او با روحانیت پیشروی انقلاب اسلامی و نزدیکی او با گروههای سیاسی ضد انقلاب به سرعت او را از صف انقلاب جدا نمود. صف بندی عناصر انقلابی و ضد انقلاب با عزل بنی صدر توسط مجلس شورای اسلامی و تایید آن از سوی رهبر انقلاب اسلامی (ره) کاملاً مشخص شد.

بنی صدر، مجاهدین خلق و برخی گروههای چپ و لیبرالهای باقیمانده از جبهه ملی در قالب یک اتحاد، در حالی که حمایت افکار عمومی را کاملاً از دست داده بودند در برابر انقلاب ایستادند، و با قیام مسلحانه خود کشور را که در حال جنگ با متجاوزین عراقی بود با معضل امنیتی داخل مرز روبرو نمودند. که خرداد ۶۰ سرآغاز قیام مسلحانه علیه نظام شد. به همین علت شکست در حادثه ۳۰ خرداد، نقطه عطفی در تصمیم رهبان گروه اتحادیه کمونیست ها برای برخورد مسلحانه با نظام گردید، چرا که احساس می کردند در شهرهای کشور دیگر امکان تلاش سیاسی و نظامی وجود ندارد و ضرورت حضور در مناطق صعب العبور همانند جنگلهای شمال عاملی جهت حفظ سازمان ضد انقلاب و تشکیل آنان خواهد شد.

#### ۴- ضعف قوای نظامی و انتظامی

با شکل گیری انقلاب اسلامی قوای نظامی و انتظامی بنا به علل زیر از هم پاشیده و ضعیف بودند:

- به دلیل درگیریهای شهربانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، و گروههایی از ارتش، تحت عنوان برقراری حکومت نظامی در دوران انقلاب با مردم، که سبب بدبینی مردم از آنها و ابهام نیروهای نظامی و انتظامی از برخورد با اجتماعات مردم و انقلابی شده بود.

- وجود فرماندهان مستشار آمریکایی در ارتش، وجود ساواک در شهربانی موجب برخورد انقلابی با تعداد معدودی از عناصر سر سپرده سطوح عالی فرماندهی ارتش و شهربانی شده و در این برخورد این دو نیرو را به شدت دچار تزلزل نموده به شکلی که در بعضی از استانها نیروی انتظامی (شهربانی سابق) تا ماهها پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل نیافت.

این از هم پاشیدگی و ضعف نیروی انتظامی، و نبود نیروی امنیتی مستقل و فعال در مقابله با ضد انقلاب داخلی، جو داخلی را بیش از حد متشنج کرده بود.

کمیته های انقلاب و پس از آن سپاه پاسداران و بسیج که عمدتاً ماموریت آنها جنگ بود. نتوانستند (تا سال ۱۳۶۰) سد فعالیت گروهها شوند، لذا مردم فعالترین نقش را در حفظ امنیت و برخورد با ضد انقلاب به عهده گرفتند. در واقع همین نقش بود که گروهها را واداشت تا در حد امکان توانایی خود را حفظ کرده و از دست ندهند و هر چه سریعتر دست به اقدامات نظامی از پیش طراحی شده بزنند. مراکز انتظامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با فرمان حضرت امام (ره) بازگشایی و ارتش در پادگانها مستقر شدند، اما حضور آنها بدون حوزه های فرماندهی منسجم بوده و یا با سردرگمی نظاره گر تحولات سال اول و دوم انقلاب بودند.

سوابق وابستگی ارتش به آمریکا و وجود بحرانهای داخلی و وجود و تشکل هسته های کودتا و ضد انقلاب بخشی از ارتش را که در سطوح بالا قرار داشتند به سوی اجرای یک کودتا که در پادگان نوژه شکل گرفت، معطوف ساخت. نگرش بدبینانه در افکار عمومی مجدداً بروز کرد و تا ماهها مسئولین مسلمان و انقلابی و فرماندهان جدید ارتش که عموماً در بدنه ارتش بودند مشغول باز سازی و ترمیم ارتش شدند مواضع سیاسی گروهها نسبت به ارتش که به طور اساسی خواهان انحلال آن بودند تشدید شد و عملاً تا سال ۶۱ به جز استانهای کردستان، نه شهربانی و نه ارتش اقدامی بر علیه گروهکها انجام ندادند و گروهکها از نبود مانع امنیتی منسجم حداکثر بهره سیاسی و نظامی را بردند.

#### ۵- فضای باز سیاسی غیر قابل کنترل و تبلیغات خارجی

با پیروزی انقلاب اسلامی و نفوذ ضد انقلاب در ادارات و سازمانهای دولتی بویژه دانشگاه، و ضعف و نداشتن تشکیلات حکومتی مستقل در برخورد با آنان، گروهها با چاپ نشریات، کتب، مقالات و روزنامه های مختلف تشتت فکری شدیدی برای اقشار مختلف بویژه جوانان ایجاد کردند.

استقرار در دانشگاههای کشور به عنوان ابزار و امکان برای فعالیت سیاسی و جذب اقشار مختلف اما جوان که با شور و احساس انقلابی به آنان نزدیک می شدند اوج بهره گیری گروه ها از خلاء های فکری و سیاسی بوجود آمده در جامعه بود. دانشگاهها مرکز فعالیت سیاسی گروهها شده بودند و امکانات دانشگاهی در خدمت سازمانهای ضد انقلاب قرار گرفته بودند. تبلیغات و امکانات تبلیغی این گروهها بسیار گسترده بود و جناح مبارز و اصیل انقلاب حداقل امکان تبلیغی را داشتند. علیرغم تعطیلی دانشگاهها، از سال ۶۰، بویژه تا مهر ماه آن سال کم و بیش این جو در خارج از دانشگاهها وجود داشت و تبلیغات با شدت هر چه تمام تر علیه نظام اسلامی و دولت جدید در داخل کشور ادامه می یافت. در خارج از کشور رسانه های ارتباط جمعی مختلف نیز، با تشریک مساعی با ضد انقلاب راست و نهضت مقاومت، سرنگونی نظام اسلامی



را تا هفته آینده و ماه آینده و تا سه ماه دیگر وعده می دادند و محیط بین المللی را برای نظام نوپای اسلامی آشفته تر می کردند.

#### ب- علل جغرافیایی و استراتژیک استقرار ضد انقلاب در شهر آمل

علاوه بر عوامل سیاسی، علل جغرافیایی و استراتژیکی نیز در استقرار گروه ضد انقلاب اتحادیه کمونیست هادر شهر آمل موثر بودند. از جمله این علل می توان به موارد زیر اشاره کرد:

##### ۱- ویژگیهای طبیعی و اهمیت استراتژیکی شهر آمل

شهرستان آمل با مساحت ۲۰۲۹۳ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۳۰۰۰۰۰ نفر یکی از شهرهای استان مازندران است. این شهر از شمال به شهرستان محمود آباد، از شرق به بابل، از غرب به نور و از جنوب به شهرستان دماوند محدود می شود.

آب و هوای آمل عمدتاً مرطوب و معتدل است. به دلیل آب و هوای مساعد و بارندگی کافی، کشاورزی در آنجا رونق دارد و محصولات نظیر برنج، کنف، کتان، غلات و به ویژه مرکبات به دست می آید. امتیازات طبیعی شهر آمل موجب گردید که این منطقه به لحاظ جغرافیای سیاسی و استراتژیکی حائز اهمیت فراوان گردد که این ویژگیهای طبیعی و اهمیت استراتژیکی شهر آمل منجر به استقرار گروههای ضد انقلاب در این شهر و غائله ضد انقلابی آمل شد. عوامل ژئواستراتژیکی آمل عبارتند از:

##### ۱- ارتفاعات ۲- جنگل ۳- رود هراز ۴- راهها و خطوط مواصلاتی

#### ارتفاعات

ارتفاعات همواره از گذشته بسیار دور در جنگلها، مناظرات و یورشها نقشی بسیار مهم و حساس داشته است. گرچه امروزه با پیشرفت تکنولوژی صنعتی و نظامی اهمیت جغرافیا، کوهها و ارتفاعات تا حدی کاهش پیدا کرد، اما در رزم پیاده و زمینی اعم از جنگهای منظم و کلاسیک و یا نیروهای نامنظم و چریکی، ارتفاعات همچنان مثل گذشته واجد کارایی می باشد.

استان مازندران به دلیل برخوردار بودن از دریاچه خزر از یک سوی بزرگترین مانع طبیعی را در خود دارد، به گونه ای که عبور از این مانع عمده یا غیر ممکن بوده و یا بسیار مشکل و مستلزم امکانات و



ملزومات نظامی و جنگی مدرن می باشد و از سوی دیگر وجود سلسله جبال البرز چنین مانعی را برای حمله گروههای مهاجمین ایجاد نموده و دفاع را برای مدافعین تسهیل می کند.

بلندترین ارتفاعات و مرتفع ترین قله های سلسله جبال البرز در منطقه کوهستانی آمل واقع شده که قله دماوند و ارتفاعات اطراف آن، نقش دفاعی مستحکمی را برای تامین امنیت مردم در برابر حملات گروههای ضد انقلاب، ایفا می کند و در گذشته نیز علی رغم حملات نظامی متعددی که برای تصرف شهر صورت گرفته، بی نتیجه مانده و عمدتاً با کمترین ساز و برگ نظامی، دفاع خوبی به عمل آمده و کمتر کسی توانست این مانع طبیعی عمده را نادیده بگیرد.

### جنگلها

جنگلها از اهمیت فراوانی برخوردارند که مهمترین آنها، اهمیت نظامی، اقتصادی، تفریحی و بهداشتی و ... می باشد و جنگلهای آمل نیز داری فوائد و آثار بسیار زیادی است که به اختصار توضیح داده خواهد شد. شهرستان آمل دارای جنگلهای انبوه می باشد، علت آن وجود رطوبت زیاد دریای خزر و مجاورت این شهر با دریای مازندران است. جنگلهای آمل سطحی در حدود ۴۰۰۰ هکتار را اشغال کرده است که تقریباً ۳۰۰۰ هکتار آن مورد عمل جنگلداری است. گذشته از بهره برداریهای اقتصادی، از لحاظ تفریحی با توجه به مناظر طبیعی زیبایی که در فصلهای بهار و تابستان دارد یکی از مراکز توریستی قوی است و سالانه تعداد زیادی از مردم شهرهای ایران جذب این منطقه می شوند. ارزش دیگر جنگل آمل نقش بهداشتی است که در سالم نگه داشتن هوا و جذب گاز کربنیک و پس دادن اکسیژن برای ساکنین اطراف جنگل و مردم آمل مفید به نظر می رسد.

اما آنچه که اهمیت ژئواستراتژیکی آن را نمایان می سازد نقش نظامی جنگل آمل می باشد که منجر شد اتحادیه کمونیست های ایران در دامنه جنگلهای آمل استقرار یابند. به دلایل ذیل جنگل آمل از لحاظ ژئواستراتژیکی دارای اهمیت می باشد:

- داشتن فاصله مناسب «نه کم و نه زیاد» با شهر آمل؛
- وجود راههای مختلف اصلی و فرعی از جنگل به شهر آمل؛
- قرار گرفتن رودخانه هراز در وسط جنگلهای این شهر؛
- داشتن کمترین فاصله با مرکز حکومت «تهران»؛

- دسترسی آسان به جاده استراتژیک هراز؛
- اتصال به کوهها و قله های مرتفع؛
- ارتباط خوب با جنگلهای شمال کشور؛
- وجود پناهگاهها، معادن، دره ها، غارها و مخفی گاههای مناسب؛
- وجود حیوانات خوراکی و درختان غذایی؛
- داشتن درختان انبوه و وجود درختان تنومند.

#### رودخانه هراز

رودخانه پر آب هراز در ۲۴ کیلومتری شهر آمل با دلتای وسیعی به دریای خزر می ریزد. این رود دارای آب شیرین، قابلیت صید ماهی، تامین آب مزارع و کشتزارها را دارد و دارای معادن شن و ماسه است. رودخانه هراز به دلیل عمق و عرض و آب فراوان و مناسب یک مانع طبیعی قابل قبول از دیدگاه نظامی است. این رود هم شهر و هم جنگل را دو قسمت می کند و بطور طبیعی یک عامل پدافندی است.

#### راهها و خطوط مواصلاتی

راهپایه عنوان شریان یک کشور عمل می کنند و هم به لحاظ ارتباطی نقش دارند و هم از دید اقتصادی اهمیت دارند. شهر آمل به دلیل راههای مواصلاتی آن دروازه ورود به ۵ شهر بابل، بابلسر، فریدون کنار، محمودآباد و شهر نور است. مهمترین راههای مواصلاتی جاده هراز یعنی محور تهران، آمل و راههای مواصلاتی آمل به ۵ شهر فوق الذکر می باشند. دسترسی دیگر استان مازندران که یکی از وسیع ترین استانهای کشور است به دو استان گیلان و خراسان است که از جهت های بسیاری حائز اهمیت هستند.

#### ۲- سابقه فعالیتهای مسلحانه در شهر آمل

آمل به دلیل اینکه مرکز حکومت ها واقع شده همواره مورد تاخت و تاز، تصرف، قتل و غارت و کشمکش امیران، سلاطین و سرداران قرار می گرفت و همواره مردم این دیار در مقابل حوادث خارجی یکپارچه و متحد عمل نموده تا منابع ملی مذهب و اعتقادی خویش را حفظ نمایند و از ویژگیهای مردم این سرزمین پابندی به اصول و اعتقادات مذهبی، برپایی دسته های عزاداری و عشق به مکتب اهل بیت علیهم



السلام بوده است و به همین روی است که در مقابل ورود اسلام توسط اعراب، با سرافرازی مدال پر افتخار اسلام محمدی «ص» و شیعه علی «ع» و اولاد معصوم «ع» را بر گردن آویختند و به استقبال دعوت پیام آوران رسالت الهی یعنی فرزندان گرانقدر حضرت امیرالمومنین «ع» شتافتند. مقاومت دلیرانه مردم در مقابل حمله مغول، جنگ سادات مرعشی با امیر تیمور گورگانی، جنگ سادات علوی با سپهبدان و عمال ساسانی و با افراسیاب و فرزندش بهمن چلاوی، جنگ مردم آمل با شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی و مخالفت با آنان، جنگ با آغا محمد خان قاجار که مدت‌ها طول کشیده بود و پس از کشته شدن محمد قلی خان، آغا محمد خان از کله مردم لاریجان در محل میر بزرگ آمل مناره‌ها بر پا کرده بود. قیام مازیار علیه حکومت عباسی، قیام سلسله علویان و مرعشیان و ... خطه مازندران و آمل را مرکز جنبش‌های اسلامی و کانون قیامها و نهضت‌های رهایی بخش اسلامی و شیعی قرار داده است.

مردم تبرستان که از مظالم عمال خلفای عباسی، به ویژه از تعدیات محمدبن اویس بلخی بجان آمده بودند، در راه رهایی از این وضع ناهنجار چاره اندیشی کردند و نزد حسن بن زید از نوادگان امام حسن مجتبی «ع» الداعی الی الحق، ملقب به «داعی کبیر» رفتند و با بیعت با او رهبری قیام را به او سپردند و حسن بن زید نیز آمل را مرکز قیام و حکومت خود اعلام کرد و پایگاه مناسبی را برای نبرد با فرماندهان عباسی دانست که پس از مدتی نبرد قهرمانانه، تمامی منطقه طبرستان را از لوٹ عباسیان پاک گردانید و حکومت علویان در تاریخ ۲۵۰ هجری در آمل و تبرستان آغاز گردید و تا سال ۳۴۵ هجری حکومت علویان ادامه داشت (خانی، ۱۳۷۴: ص ۴۳).

### ۳- وضعیت فرهنگی- اجتماعی شهر آمل

وضعیت فرهنگی و اجتماعی شهر آمل در استقرار گروههای ضد انقلاب در این شهر موثر بوده است که در اینجا به برخی از ویژگیهای اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی در این شهر پرداخته می شود که عبارتند از:

#### دین و مذهب

در مورد دین مردم آمل در قبل از اسلام و در دوره ساسانیان این احتمال می رود که بیشتر مردم، زرتشتی و بر دین مزدیسینا بوده اند و همچنین به موجودات خیالی و موهوم که اغلب برای آنها صورت می ساختند اعتقاد داشتند.

نخستین علمدار اسلام که به مازندران آمده بود حسن بن علی (ع) بود که عبدالله بن عمر، مالک بن الحارث الاشر، قثم بن العباس با او بودند، این واقعه در زمان خلافت عمر اتفاق افتاد. در موقع فتح مازندران



به دست اعراب مردم تبرستان که آتش پرست بودند به پیشوایی ابوالخصیب اسلام آوردند و شیعه شدند. وقتی که عمر بن علاء آمل را تصرف کرد مردم که از گستاخی و جور سپید خورشید بستوه آمده بودند، دسته دسته به دین اسلام در آمدند؛ اینان ابتدا مذهب مالکی داشتند (لونجی، بی تا: ۹۶).

پس نخستین مسلمان که آمل را تصرف کرده بود عمر بن علاء بود که این واقعه در سال ۱۴۱ هجری قمری اتفاق افتاده است که او به ترویج دین اسلام پرداخت. ابتدا مردم آمل که به اسلام می گرویدند بر مذهب سنی مالکی بودند اما با روی کار آمدن علویان در مازندران و اشاعه و ترویج مذهب تشیع مردم آمل زودتر از دیگر نواحی تبرستان به مذهب شیعه گرویدند.

### فرهنگ

بررسی تاریخی نشان می دهد که سرزمین تبرستان در زمان خلافت خلیفه دوم توسط سپاهی که امام حسن و امام حسین (ع) در آن حضور داشتند فتح شد و مردم آن به اسلام روی آوردند و چون بعد ها این شهر مرکز خلافت حکومت های اسلامی و غیر اسلامی تبرستان واقع شد، لذا به لحاظ فرهنگ از غنای خاصی برخوردار بود.

در شاهنامه فردوسی چندین بار از آمل یاد شده است؛ و آمل در دوران اسلامی مرکز مهمی برای تجارت و بازرگانی به شمار می آمد... ابن حوقل در سال ۳۶۷ هجری مطابق ۹۷۸ میلادی آمل را ستوده است و گفته: آمل حقیقتا شهر آبادی است؛ و حتی از شهرستان قزوین هم بزرگتر است و شهر آمل مرکز صنعت سجاد و پایگاهی برای علم و دانش است؛ و می گویند که در قرن هفتم هجری (سیزده میلادی) در آمل هفتاد مدرسه و مرکز تعلیم و تربیت وجود داشته است؛ تبری صاحب تاریخ مشهور در سال ۳۰۹ هجری در این شهر به دنیا آمد؛ و آمل در جنگ و غارت تیموری در آخر قرن هشتم هجری (چهارده میلادی) خرابی شده است. امروز آمل شهر بزرگی در استان مازندران است.

### نژاد و زبان

مردم آمل از نژاد ماردها می باشند و ماردها یک قوم ما قبل آریایی هستند. تحقیقات علمی نشان می دهد که آماردها ابتدا در ناحیه فعلی آمل که از سایر نقاط مازندران مستعدتر بوده سکنی گزیدند.

باید اذعان داشت که در قدیم دو شهر به نام آمل وجود داشت، یکی آمل تبرستان یعنی آمل فعلی که در مازندران واقع است و دیگر شهر آمل در نزدیک جیحون یعنی در قسمت جنوبی آمودریا «جیحون» واقع

بود که امروزه این شهر را «چارجو» می نامند و این شهر در جمهوری ترکمنستان واقع است. آماردها ابتدا در نزدیکی مرو که همان ترکمنستان فعلی بود زندگی می کردند و نام آمل ترکمنستان ماخوذ از کلمه آمارد هست. آنان که موجب مزاحمت مردم مرو بودند آنان را از آن منطقه کوچاندند و آماردها به منطقه آمل تبرستان و اطراف آن که از دیگر نقاط مستعدتر بود سکنی گزیدند و نام آمل تبرستان نیز ماخوذ از کلمه آمارد هست. این مطلب اینگونه توجیه می شود که کلمه آمارد در مرور زمان «آمرد» و رفته رفته به «آملد» و در مدتهای مدید دیگر به «آمل» برگردانیده شده است.

### وضعیت اجتماعی

مردم آمل به لحاظ اجتماعی علاوه بر وجوه اشتراک با سایر شهرهای استان مازندران و کشور که از زیر ساختهای اجتماعی مستحکمی برخوردار است تفاوت عمده ای نیز با بسیاری از شهرهای ایران دارد و آن اینکه مردم این شهر تعصب خاصی بر طبقه ها و طوایف اجتماعی دارند. یعنی طبقات اجتماعی شهر، بر محور طوایف و تیره ها بنیان می نهد و به استثنای درصد اندکی، بقیه مردم به یک طایفه یا تیره خاصی وابسته هستند و این وابستگی و تعلق به یک طایفه خاص موجب شده است که هر طایفه در قسمتهای مشخصی از شهر، بخشی خاص از بیلاق و یا روستاها، قریه ها و دهکده های مشخصی را جهت سکونت خویش برگزینند و بعضا بنام طایفه خود نامگذاری کرده اند که تعداد آنان در شهر و بیلاق بسیار بیشتر از روستاها می باشد. این امر باعث شد بازارها، مکانهای کسب و کار هر طایفه در نزدیکی محل زندگی آن طایفه قرار داشته باشد و روابط اجتماعی، مناسبات اجتماعی و همبستگی های اجتماعی بر اساس آن شکل گیرد. هر چند این روابط، دادوستد و مناسبات در بین تمامی طوایف نیز انجام می گیرد.

در کنار طوایف و تیره های مختلف موجود، بعضی از دسته ها، گروهها و افراد وجود دارند که به هیچ یک از طوایف تعلق و وابستگی نداشته و آزادانه محلی را برای زندگی، کسب و کار و مناسبات اجتماعی و خانوادگی در سطح شهر، روستا و بیلاق انتخاب می کنند. البته در سالهای اخیر این وابستگی های طوایفی رفته رفته کم رنگ تر شده و چهره قدیمی شهر را عوض کردند و اعضای هر طایفه در میان دیگر طوایف زندگی می کنند.

بسیاری از مردم آمل به دلیل بافت اجتماعی طایفه ای در فصل تابستان به بیلاق مربوطه کوچ می کنند و به خاطر اشتغال در گله داری، دامداری، کشاورزی و ... و نیز داشتن آب و هوای مناسب در این فصل به رتق و فتق امور می پردازند و بعضی از گروهها که وابستگی به طوایف ندارند تمام مدت سال در شهر می گذرانند. به دلیل طایفه بندیهای فراوان و وابستگی های قومی، رقابت شدید بین اقوام و طوایف از قدیم



وجود داشته است و این رقابت به ویژه در ضرورتها و مناسبات اجتماعی، بر پایه مراسم عزاداری و دستجات و هیئتهای مذهبی و نیز نوع، سطح، میزان مناسبات اقتصادی، تعاون و همکاریهای قومی و طایفه ای بسیار مشهود است ولی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، این روند رو به کاهش و زوال گراییده است.

مسائل فوق اگر چه در بعضی از موارد تنشها، نزاعها، اختلافات و تبعات منفی را به همراه داشته که واگرایی اجتماعی، گسستگی اجتماعی و ناهنجاریها و ناآرامیهای اجتماعی از نشانه های آن به شمار می رود؛ ولی وجود همبستگی های اعتقادی، مذهبی و دینی که ریشه در تاریخ مردم قهرمان این سرزمین دارد موجب شده است تا همواره در مقابل خطرات خارجی و درگیریهای داخلی مصون بماند و تاریخ چند هزار ساله آمل مملو از حوادث هیجان انگیز، مبارزه با دشمنان مهاجم، سلحشوری و دلاوری، یکپارچگی و وحدت عمل همه طوایف، تیره ها، دسته ها، علاقه مندی به میهن اسلامی، میراث های فرهنگی و دینی بوده که خود نشانه ای از همبستگی های اجتماعی و خصوصیات تاریخی مردم این دیار محسوب می گردد. یعنی ظلم ستیزی، جنگاوری و قهرمانی، قیامهای ملی و مردمی و جنبشهای اسلامی علیه حکام و عمال استبداد و استکبار نشانه اشداء علی الکفار<sup>۴</sup> و سازش و تسلیم، مهمان نوازی و احترام، آداب و رسوم باستانی، ملی، اعتقادات مذهبی و عشق به اهل بیت (ع) نشانه رحماء بینهم<sup>۵</sup> می باشد (پیشین، ص ۵۱).

#### پ- علل فکری غائله ضد انقلابی در شهر آمل

علاوه بر عوامل سیاسی، جغرافیایی و استراتژیک استقرار ضد انقلاب در آمل، علل فکری نیز در غائله آمل دخیل بودند که در این قسمت به برخی از این تحلیلهای نادرست که موجب شد که اتحادیه کمونیست های ایران دست به قیام مسلحانه در آمل بزنند اشاره می گردد که عبارتند از:

#### ۱- تحلیلهای مارکسیستی در باب ماهیت انقلاب اسلامی و حاکمیت نظام

مشکلات ناشی از حکومت ستم شاهی، تقلید از عدم سازش رهبری انقلاب اسلامی (ره) و مردم در موضع گیری در برابر نظام سلطنتی، روحیه مبارزه طلبی مردم و رشد فزاینده آن و نهایتاً نگرش مارکسیستی به عنوان زیر بنای حل تمامی مشکلات جامعه و فرموله بودن اقتصاد مارکسیسم دست به دست هم داده و گروههای ضد انقلاب را وادار به اتخاذ یک راه حل قطعی و غیر قابل سازش، به عنوان تفکری برای اعضای

<sup>۴</sup> - قرآن کریم، سوره فتح، آیه ۲۹.

<sup>۵</sup> - همان منبع

گروه ضد انقلاب نمود. چنین تفکری خشک و بعدها خشن نمود عینی خود را به وضوح نشان داد و گروههای ضد انقلاب را به قیام مسلحانه و غیر سازشی با نظام نوپای اسلامی سوق داد.<sup>۶</sup>

اتحادیه کمونیستی بر اساس موازین و اصول مارکسیستی - لنینستی، قدرت انقلاب را به جای توده مردم به دست معدودی از روشنفکران و انقلابیون می داد. نقش اصلی توده ی مردم را در انقلابات نفی می کرد و به جای دادن ایمان به قدرت توده های مردم، به آنها می گفت که عده ای دیگر منجی شما هستند و شما باید به قدرت آنها ایمان آورید. این مشی عموماً در محافل روشنفکران، جدا از توده ی مردم، شکل گرفته و بیشتر ناشی از ناتوانی روشنفکران در بسیج مردم برای مبارزه بود.

آن دسته از روشنفکرانی که حاضر به تمکین در برابر ظلم نبودند، به این مشی روی می آوردند. نقطه ی ضعف اصلی این مشی، ممانعت از ایفای نقش توده ی مردم در انقلاب است و اکنون جز در کوبا، در هیچ کشور دیگری نه تنها پیروزی در بر نداشته، بلکه زیان های ناشی از این خط مشی در به انحراف کشیدن انقلابات بیش از حد بوده است.

گروهک اتحادیه در زمان شکل گیری انقلاب اسلامی و مدتی پس از پیروزی، مواضع نسبتاً ملایمی در رابطه با انقلاب اسلامی، مسائل سیاسی و ارگانهای پدید آمده از آن داشت که با اوجگیری درگیری بین مردم و گروهکهای وابسته و عناصر منحرف، مواضع اتحادیه شکل حادی بخود گرفت تا جایی که بر این اعتقاد شد که رژیم جمهوری اسلامی و کلیه نهادها و ارگانهای وابسته به آن ارتجاعی و ضد خلقی است و می بایست که به اقدام مسلحانه علیه آن دست زد، و با همین دیدگاه و همچنین بر اساس ارزیابی غلطی که داشت به جنگل پناه برده و پس از سازماندهی گروهی به نام سرداران به غائله ضد انقلابی مچر شد.

اتحادیه معتقد بود که انقلاب اسلامی ایران بزرگترین ضربه را به امپریالیسم جهانی و بالاخص امپریالیسم آمریکا وارد آورده است و سرآغاز جدیدی را در تاریخ ملت ایران گشوده است در عین حال اتحادیه بر این گمان بود که انقلاب ایران تنها در پرتو رهبری طبقه کارگر و یک حزب کمونیست می تواند به پیروزی نهایی برسد اما اینکه مکتب اسلام و رهبری امام بتواند این انقلاب را به پیروزی کامل برساند امری بود که خارج از تصورات اتحادیه محسوب می گردید (خانی، ص ۱۲۲).

<sup>۶</sup> - شالیکار، داوود (۱۳۸۰). بررسی میزان تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر دفاع شهری با تکیه بر حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل. پایان نامه ارشد. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.



یکی از تحلیلهای نادرست اتحادیه کمونیستی درباره ماهیت حکومت انقلاب اسلامی بود که آن را دیکتاتوری می دانستند. دیکتاتوری در تعیین شکل مبارزه نقش بسزایی دارد.<sup>۷</sup> مارکسیستها اعتقاد داشتند که باید از طریق عملیات مسلحانه، اول در دیکتاتوری شکاف ایجاد کرده و بعد با توده ها تماس پیدا کرد.<sup>۸</sup> به عبارت دیگر: « فقط و فقط در شرایط دیکتاتوری سرکوبی می توان در صورت لزوم از تاکتیکهای مسلحانه استفاده کرد» (همان، ص ۳۹).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که با حضور بی سابقه ی مردم به عنوان یک پدیده ی مهم ظهور کرده بود و مردم با ۹۸/۲ رای مثبت به آن، متعهدانه در کنار نظام اجتماعی و سیاسی نوین، دخالت و مشارکت مستقیم را به نمایش گذاشتند، قاندا نمی بایست تردیدی در مردمی بودن نظام جدید برای مارکسیستها باقی بماند، لذا در این مقطع، مارکسیستهای شرق همانند جهان سرمایه داری غرب که ادعای دموکراسی و حق حاکمیت خلق ها را دارند، در عمل به نتیجه دموکراسی و سرنوشت خلق ها، اعتراض و به جای تعامل، راههای چالش برانگیز را تجربه کردند و در نهایت، به عنوان مبارزه با استبداد و دیکتاتوری، این بار نیز مشی مسلحانه را در پیش گرفتند در حالیکه قادر نبودند هیچگونه سنخیتی بین رژیم شاه و نظام مردمی جمهوری اسلامی بیابند، در مورد برخورد با هر دو رژیم به یک نتیجه رسیدند. این تحلیلهای نادرست و سراپا اشتباه سنگ بنای انحراف مارکسیستها شد. اتحادیه کمونیستها نیز به این نتیجه رسید که رژیم جمهوری اسلامی، یک رژیم ارتجاعی و استبدادی است که برای رهایی مردم باید علیه آن مبارزه کرد و با بحث ها و مجادلات فراوان درون گروهی، تصرف شهر آمل را به عنوان رهاورد یک اقدام مسلحانه طراحی کرد. گروه «سربداران جنگل» بدون توجه به حمایت های مردمی همه جانبه از رژیم جمهوری اسلامی، ناگهان در باتلاقی فرو رفت که بیرون آمدن از آن ممکن نبود. (علی کردی، ۱۳۸۶: ص ۲۴)

## ۲- تحلیل نادرست درباره برخورداری از حمایت مردم شهر آمل

اتحادیه کمونیست های ایران با تحلیلهای کاذب و مارکسیستی به این نتیجه رسیدند که اگر عده ی معدودی دست به اسلحه ببرند و علم قیام علیه حکومت جمهوری اسلامی را بردارند، مردم دسته دسته به آنان خواهند پیوست و وقت آن رسیده است که به دفاع از خلق محروم و مستضعف قیام تموده و توده

<sup>۷</sup> - دیکتاتوری، به رژیم های اختناق و سرکوبی گفته می شود که در آن آزادی های دموکراتیک وجود ندارد. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انقلاب ایران به روایت بی. بی. سی، به نقل از حاج سید جوادی، انتشارات طرح نو، تهران ۱۳۷۲، ص ۱۳۳

<sup>۸</sup> - ملاحظاتی درباره تئوری پیشاهنگ، راه کارگر، تهران: ۱۳۵۸، ص ۳۷

های زحمتکش به عنوان پیشتاز حرکت‌های انقلابی به وجود آمده است. لذا تصمیم می‌گیرند دست به قیام بزنند (خانی، ص ۷۵).

گروه‌های ضد انقلاب بدون توجه به عمق شناخت ریشه‌های مذهبی مردم و وابستگی شدید مردم به رهبری، شعارهای رهایی طبقه کارگر، حکومت سوسیالیسم و دستیابی به اهداف مارکسیستی - لنینیستی با ابراز وفاداری گروه‌های خاص بویژه جوانان را سر دادند. این وفاداری نقش مهمی در مواضع گروه‌های ضد انقلاب علیه نظام حاکم داشته و دلیلی برای ایستادگی گروه‌های ضد انقلاب علیه نظام شد، اما اشتباه اساسی رهبران گروه‌های ضد انقلاب که ناشی از ایدئولوژی آنها بود، تعمیم وفاداری یا امکان وفاداری و حمایت توده‌های مردم از مواضع آنان بوده است که حاصل آن در گفته یکی از اعضای اصلی اتحادیه کمونیستی می‌توان یافت:

«اتحادیه کمونیستها در اذهان خود اهداف مارکسیستی و لنینیستی را می‌پروراند، غافل از اینکه مکتب انسان‌ساز اسلام و شیعه در رگ و خون مردم ریشه دوانیده و یک ارتباط ناگسستی را بوجو آورده است و اینجا جایی برای عرضه مکتب مارکسیستی و الحادی نمی‌باشد. امروز وقتی تحلیل سطحی و نامعقول و غیر واقعی آنها (رهبران گروه) را ارزیابی می‌کنیم که چگونه جامعه و مردم را به اصطلاح خودشان آماده برای قیام توده‌ای می‌پنداشتند و دست به قیام مسلحانه علیه رژیم حاکم زدند، این عمل آنها با هیچ معیاری عقلانی نمی‌توان سنجید، مگر اینکه بگوئیم عمل آنها دیوانه‌وار انتحاری علیه خود و سازمان است. چرا که قیام مسلحانه و حمله آنها نه تنها ایجاد جرقه در بین مردم نکرد بلکه آتشی بود که در درون خود با انفجار آن، گروه مزبور را مانند انبار باروتی سوزاند و از بین برد»<sup>۹</sup>. به نظر این گروه آمل یکی از شهرهای بسیار مهم کشور می‌باشد که در آن گروه‌های ضد انقلاب فعالیت چشمگیر داشته و چون بعضی از محلات همکاری خوبی را با سایر گروه‌ها داشتند لذا از این حرکت و اقدام جنگلیها استقبال نموده و به کمک آنان خواهند شتافت و سرداران نیز به قیام مسلحانه توده‌ای و تسلیح زحمتکشان جامعه عمل خواهند پوشید» (خانی، ۱۳۷۴: ۹۵).

در مورد واقعه ۶ بهمن آمل، نیروهای مارکسیست اتحادیه کمونیست‌های ایران بسیار معتقد بودند که مردم آمل بدان‌ها خواهند پیوست و توده‌ها به حرکت در خواهند آمد:

«هیچکدام فکر شکست را نکرده بودیم و می‌گفتیم مردم همکاری خواهند کرد» (غلامرضا سپر غمی، پیشین) بدین معنا که مردم به طور طبیعی به آگاهی و بیداری رسیده‌اند و منتظر اقدام هستند. زعمی یکی از اعضای اتحادیه کمونیست‌ها در اعترافات خود اینچنین بیان کرد:

<sup>۹</sup> - داسرای انقلاب مرکز، پرونده بازجویی، خرم روز، عضو اتحادیه کمونیستها



« اتحادیه معتقد بود که در شمال وضع مساعد از لحاظ حمایت مردم از چنین حرکتی وجود دارد. با توجه به اینکه ابتدا در تهران قرار بود عملیات بکنیم ولی در تصمیم گیری بعدی به آمل موکول شده است. مبتکر و طرح اصلی قیام فوری من بودم. در تهران هم به خاطر کمبود نیرو از قیام در تهران صرف نظر شد.»

بحث ما در آمل یک قیام فوری بود و فکر می کردیم که مردم آمل می آیند و آن زمان مطمئن بودیم که ملت می آیند و هیچ تردیدی در آن نداشتیم که نمی آیند» (حسین ریاحی، پ.ش ۲۴۱۷۶).

حتی در تحلیلها، شرایط همکاری و همگامی مردم را به مراتب مناسب تر و مساعدتر از آنچه که به ذهن خطور می کرد، می دیدند. بدین معنا که اگر پیشرو و مسلح و پشاهنگ جنبش مسلحانه باید سالها در کوه و جنگل دست به عملیات پارتیزانی بزند و به تدریج حمایت توده ها را به خود جلب کند، در شرایط فعلی ایران، توده ها در وضعیت انفجار انقلابی قرار دارند، لذا پیشگامان باید سریعا یک « قیام فوری » را تدارک ببینند تا مردم بدان بیوندند، زیرا مردم اساسا ناراضی هستند:

« تحلیل این بود که مردم ناراضی هستند و ما اگر برویم سپاه را بگیریم، مردم همکاری و قیام خواهند کرد.» (همان).

اتحادیه کمونیست ها در اثر یک تحلیل غلط و بدون پشتوانه تئوریک، اقدام به « قیام فوری » کرده و به این نتیجه رسید که قبل از آنکه سایر گروهها گوی سبقت را از آنان بریابند، افتخار این حرکت بزرگ نصیب آنان شود. رفتار اتحادیه آن چنان شتابزده بود که نه تنها به اصول مارکسیسم، بلکه به اصول تحریف شده ی مارکسیست های وطنی هم توجه نداشت و حرکت آن اساسا مبتنی بر جاه طلبی گروهی بود.

« تجربیات جنگ چریکی در آمریکای لاتین نشان می دهند که یک کانون چریکی نمی تواند در شرایط انفراد سیاسی و محاصره ی نظامی، بدو آنکه رابطه ای عمیق با جنبش های شهری داشته باشد و بدون آنکه از طرف شهر به نحوی جدی حمایت شود، دوام بیاورد و دیر یا زود توسط نیروهای ویژه ی دشمن از میان خواهد رفت»<sup>۱۱</sup>.

به رغم این توجیهات تئوریک، اتحادیه کاملا در خلا تصمیم گیری کرد. در مورد رابطه این گروه با مردم شهر آمل حمایت کمی وجود داشت و جز تنی چند از هوادارن که اطلاعات شهر را به این گروهها می رساندند و یا غلامرضا سپرغمی که خانه اش را برای شب عملیات در اختیار این گروه گذاشت، ( غلامرضا سپرغمی، پ.ش ۲۴۱۴۲) حمایت چشمگیر و قابل اعتنایی، حداقل از سوی روشنفکران و جوانان

<sup>۱۱</sup> - مسعود احمد زاده، مبارزه ی مسلحانه هم استراتژیک، هم تاکتیک، نشر ستیغ، تهران: بی تا، ص ۷۶.

شهر مشاهده نشد؛ حتی یکی نفر از این گروه به در خانه ی اقوام خود رفت که آنها را برای قیام فوری همراه کند که با بی اعتنایی و فحاشی صاحبخانه روبرو شد. (همان)

اما نکته ی بسیار مهم در جریان حمله ی مسلحانه به شهر آمل، مقاومت مردمی و دفاع مردم حزب الله از شهر آمل بود. برخلاف تصور نظریه پردازان مارکسیست، نه تنها نیروهای انقلابی به مقابله با گروههای ضد انقلاب رفتند، بلکه سرکوب آنها در واقع به وسیله نیروهای مردمی صورت گرفت. کمونیستها شعار می دادند و معتقد بودند در آمل مردم به یاری آنها خواهند شتافت، ولی مردم شتابانه به مقابله و سرکوب آنها پرداختند. ازدحام مردم به حدی بود که برخی از نیروهای امنیتی مانع از ورود مردم اطراف به شهر شدند تا نیروهای دیگر به راحتی و تحت نظر فرماندهان، به مانور عملیاتی بسیج گونه ی خود بپردازند (علی کردی، ص ۲۱).

### ۳ - تحلیل نادرست درباره ضعف و ناتوانی نیروهای مسلح

ضعف و ناتوانی نیروهای مسلح و نبود یک نهاد سیاسی کارا که بتواند ضمن هدایت مردم به سمت اهداف انقلاب آنها را از فضای فرهنگی سیاسی بعد از انقلاب که به شدت متشنج بود آگاه سازد و این اهداف را تعمیق بخشد. نهاد سیاسی دولتی هم وجود نداشت و مشارکت سیاسی مردم در وقایع انقلاب تنها با ارتباط مستقیم امام (ره) و مردم از طریق مطبوعات و رسانه ها عملی بود. فقدان چنین نهادی زمینه را برای فعالیت گروههای ضد انقلاب بیشتر می کرد و شرایط را برای ایجاد اقدامات مسلحانه این گروهها مساعدتر می نمود و باعث شد که اتحادیه کمونیستها در تحلیلهای خود به اشتباه از ضعف و ناتوانی نیروهای مسلح استفاده کنند و طرح قیام مسلحانه در آمل را به اجرا گذارند.

### جمع بندی

نگاهی به عملکرد اتحادیه کمونیستی از آغاز تا فرجام، بیانگر نکاتی به عنوان شکست آنان است که بطور خلاصه شامل این موارد می شود:

- این سازمان از عمق جایگاه مذهب در بطن جامعه ایران غافل بوده است. مشی کمونیستی و استفاده از استراتژیهایی که هیچ سنخیتی با فرهنگ مذهبی حاکم بر جامعه ندارد، تضاد و عمق شکاف میان این سازمان و توده مردم را نشان می دهد.

- گذاردن نام سربداران بر روی این گروه لامذهب، حاکی از بی اطلاعی از جنبش سربداران می باشد که قوام و دوام آن منوط به ماهیت اسلامی و شیعی آن بوده است.



- تشبیه شورش اتحادیه در جنگل با جنبش مشروعیت مشروعیت و مبارزات ستارخان، خطای دیگر این اتحادیه بود، چرا که ستارخان پرچمدار انقلاب بود در حالیکه اتحادیه بر علیه انقلاب به مبارزه برخاست.

- ضعف و هرج و مرج ناشی از انقلاب عاملی بود که باعث موفقیت‌های اولیه این سازمان شد. اما در مقابل، التهاب و شور و حال عمومی ناشی از همین انقلاب که غیرت و حمیت مردم را دو چندان ساخت، مهمترین علت شکست اتحادیه کمونیستها بود، با آنکه مبارزات اتحادیه بر مبنای اصول پارتیزانی مائوئیستی بود و کارایی آن قبلا به اثبات رسیده بود.

- استفاده از نیروهایی که اغلب از طبقات متوسط و بالای جامعه بودند و اعتقاد قلبی به راه خود نداشتند، عامل دیگری بود که فروپاشی این سازمان را تسریع نمود.

- بنا بر تئوری مائو یک نیروی چریک باید چندین برابر نیروی کلاسیک باشد. بدین معنی که یک تیم عملیاتی چریک می تواند یک گردان و بلکه بیشتر را با تاکتیک نامنظم خود زمینگیر کند. در این معامله، اتحادیه با ۹۶ نیروی پارتیزانی مسلح و عده زیادی از عناصر میلش-سمپات هوادار، به شهر حمله می کند و با بر جای گذاشتن ۸۱ اسیر و کشته در طول یک روز موفق می شود از تاریکی شب استفاده نموده و با ۱۳ نفر نیروی خسته و مجروح به کمپ خود بازگردد.

محمد رضا سپرغمی یکی از اعضای اتحادیه کمونیستها علت شکست سرمداران را اینگونه بیان می کند:

هیچ جنگی را از نظر من نمی توان بدون نقش مردم و ایمان و عقیده جنگ کنندگان در نظر گرفت یعنی فرض کنیم که اگر از تاکتیک های مورد استفاده در جنگ شهری هر دو طرف درگیری (سپاه و پاسداران) هم سطح باشند و یا حتی سرمداران برتریهایی نیز بر فرض داشته بودند باز هم این جنگ به شکست سرمداران کشیده می شد زیرا آن روز این واقعیت را برای من نشان داد که این مردم برخلاف تحلیلهای من، طرف جنگلیها نبودند بلکه اکثریت قریب به اتفاق طرف نیروهای انقلابی را گرفتند و این مهمترین عامل بود. در کل، علت اصلی شکست سرمداران در درجه اول در نقش تعیین کننده مردم و بعد در برتری نظامی نیروهای انقلابی می باشد (سپرغمی، پ.ش ۲۴۱۴۲).

منابع

۱. احمد زاده مسعود، مبارزه ی مسلحانه هم استراتژیک، هم تاکتیک، نشر ستیغ، تهران: بی تا، ص ۷۶.
۲. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳). *پرنده نوپرواز (گفتگو با یکی از رفقای شرکت کننده در مبارزه مسلحانه سریداران و قیام آمل)*. ناشر حزب کمونیست ایران.
۳. حجت الاسلام محمد محمدی، تشریح پیام انقلاب: ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شماره ی ۵۲.
۴. خانی، مهدی (۱۳۷۴). *هزار سنگر*. تهران: مرکز مطالعات بسیج .
۵. خانی، مهدی (۱۳۷۴). *مقاومت اسلامی مردم هزار سنگر*. تهران: مرکز مطالعات ارتش بیست ملیونی.
۶. خانی، مهدی (۱۳۸۰). *چهل خاطره*. تهران: انتشارات فرهنگ دانش.
۷. رهگذر، سیمین (۱۳۸۵). *شهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)*. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. شالیکار، داوود (۱۳۸۰). بررسی میزان تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر دفاع شهری با تکیه بر حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل. پایان نامه ارشد. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۹. کالورت، پیتر (۱۳۸۳). *انقلاب و ضد انقلاب*. ترجمه سعید قانعی. تهران: آشیان.
۱۰. کردی، علی (۱۳۸۶). *اسناد اتحادیه کمونیستهای ایران در واقعه آمل*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. گلدستون، جک (۱۳۸۵). *مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلابها*. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: کویر.
۱۲. ملاحظاتی درباره تئوری پیشاهنگ، راه کارگر، تهران: ۱۳۵۸.
۱۳. هدایتی، احمد رضا (۱۳۸۱). *یادگار ماندگار*. تهران: سازمان تحقیقات خود کفایی بسیج.



### مبانی نظری مهاجمان جنگل و تسخیر منطقه ژئوپلیتیک آمل

دکتر علی اکبر جعفری<sup>۱۱</sup>

#### چکیده

ظهور انقلاب اسلامی در ایران با رویکرد تجدید نظرطلبانه به عنوان یکی از پدیده های مهم سیاسی در نظام بین الملل قرن ۲۰ به حساب می آید. تلاش برای بر اندازی نظام جمهوری اسلامی ایران هم زمان در سه سطح مختلف بین المللی، منطقه ای و داخلی در جریان بوده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است سطح داخلی و یا تفکر براندازانه ملی منبث از ایدئولوژی انترناسیونال کمونیست مورد بررسی قرار گیرد که خطر آن مهمتر از تهدیدات سطوح دولت های منطقه ای و بین المللی ارزیابی شده است. برای پاسخ به سئوالات مطرح شده در این پژوهش، مبانی فکری مارکسیسم، لنینیسم، استالینیسم، و مائوئیسم مورد بررسی قرار گرفته و سپس نحله های فکری این ایدئولوژی در ایران، اهداف و سیاست اعلامی و سیاست اعمالی آنها در واقعه بهمن ۱۳۶۰ مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مارکسیسم، لنینیسم، اتحادیه کمونیست ها، واقعه آمل، تفکر براندازانه.

#### مقدمه

واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ در منطقه ژئواستراتژیک مازندران واقع در منطقه آمل به عنوان یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می آید که در تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی از آن به «حماسه منطقه آمل» یاد می کنند.

در این واقعه تاریخی «اتحادیه کمونیست های ایران» از طریق تحریک «گروهک سازمان منافقین»، برای سهم خواهی از حاکمیت با تفکر دگراندیشانه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران دست به اقدامات نظامی زدند.

مارکسیست ها با تفکر آرمان گرایانه، پس از ترور افکار عمومی، در صدد عملیات پی در پی نظامی و جذب نیروهای جدید از طریق دومینوی فتح روستاها و شهرها، ارتش رهایی بخش خلق را پی ریزی کنند و با سیاست همراه سازی توده مردم سقوط نظام محقق شود.

<sup>۱۱</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

رهبران اتحادیه کمونیست های ایران پس از ماه ها بررسی به این نتیجه رسیدند که منطقه آمل به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک و قابلیت های منحصر به فرد آن در کشور شرایط مناسبی برای شروع عملیات می باشد. این گروه حدود ۱۰۰ نفری که خود را به اصطلاح «سربداران جنگل» می نامیدند در قالب پوشش های مختلف در حومه جنگلی آمل مستقر شدند و پس از اقدامات لجستیکی و مجهز شدن به تسلیحات، عملیات تاکتیکی پراکنده ای را آغاز نمودند و در نهایت استراتژی حمله مستقیم علیه نظام را به مرحله اجرا در آوردند.

با توجه به این واقعیت سوال اساسی که در این پژوهش مطرح می شود آن است که سرچشمه نظری تفکر «سربداران جنگل» کجاست؟ مبانی نظری ایدئولوژی مارکسیست - لنینیست - مائوسیت و یا تفکر اترناسیونالیست کمونیست تا چه حدودی در جهت گیری فکری اتحادیه کمونیست های ایران تاثیر گذار بوده و به چه دستاوردهایی داشتند؟

در این پژوهش برای پاسخ به سئوالات مطرح شده ابتدا مبانی نظری مارکسیسم و طرفداران این ایدئولوژی به تفکیک شخصیت ها و سیاستمداران معروف مورد بررسی قرار خواهد گرفت و پس از آن تاثیرات سیاست اعلامی و اعمالی آنها در ایران پرداخته خواهد شد.

#### مبحث تئوریک

در توسعه روابط بین الملل دو عامل نقش تعیین کننده داشته است که عبارت اند از نظام سرمایه داری و تعارضات ایدئولوژیک. تا نیمه قرن ۱۹ تنها ایدئولوژی حاکم در روابط بین الملل، لیبرالیسم و سرمایه داری بود و تا این تاریخ قسمت اعظم جهان مستعمره بودند و کمونیسم هم معنی نداشت. نظام سرمایه داری برای اولین بار توسط مارکس به مبارزه طلبیده می شود و در واقع روابط بین الدول به سوی روابط بین الملل سوق پیدا کرد؛ به عبارت دیگر اترناسیونالیسم در مقابل ناسیونالیسم قرار گرفت. مانیفست کمونیست موجب شده بود تا ائتلاف ها در جهان و جایجایی قدرت صورت بگیرد و در نتیجه ساختار نظام بین الملل متحول شود.

#### الف. دوره های اترناسیونالیست کمونیست

۱. اترناسیونال کمونیست اول. نخستین بین الملل کمونیست ها در سال ۱۸۶۴ توسط کارل مارکس و نمایندگان احزاب کمونیسم اروپا در لندن تشکیل شد. هدف آن ایجاد استراتژی نظام کمونیسم در کشورهای مختلف بود. از نظر مارکس انقلاب کمونیسم در درجه اول باید در کشورهای سرمایه داری اتفاق



بیفتند نه در کشورهای عقب مانده شده، لذا مخاطبین او کشورهای صنعتی اروپا و در واقع در محدوده قاره اروپا بود. این مجمع کنگره‌هایی تشکیل داد تا اینکه در دهه ۱۸۷۰ در میان گروه طرفدار مارکس و طرفداران میخائیل باکونین (آنارشویست سوسیالیست روسی) اختلافات رخ داد. موارد اختلاف عبارت بودند از:

۱. مخاطبین مارکس بیشتر گروه‌هایی از کشورهای اروپای شمالی بود، ولی باکونین به کشورهای ایتالیا، رومانی و سوئیس توجه داشت.

۲. از نظر مارکس مجمع انترناسیونال اول باید مرکز تصمیم‌گیری و هماهنگ‌کننده<sup>۱۲</sup> باشد، ولی باکونین می‌گفت این مجمع باید صندوق نظرات و تصمیمات مردم باشد.

۳. مارکس معتقد به تمرکز قدرت دولت و بهادادن به دولت بود، در حالیکه طرفداران باکونین به نظام فدراتیو اعتقاد داشتند.

بنابراین باکونین طرفدار آنارشیک به این معنا که چون انسان آزاد است، دولت طوق بردگی را به گردن مردم می‌اندازد. ولی مارکس می‌گفت تا برای رسیدن به درجه عالی کمونیسم وجود دولت ضرورت است. این اختلاف ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۸۷۲ باکونین از مجمع اخراج شد و در سال ۱۸۷۶ بین‌الملل اول منحل شد و جهان سرمایه‌داری نفس راحتی کشید؛ چون این ایدئولوژی نوعی اعلان جنگ علیه نظام سرمایه‌داری بود.

۲. انترناسیونال کمونیست دوم. این مجمع در سال ۱۸۸۹ با انقلاب فرانسه در پاریس با نمایندگان احزاب کمونیست در جهان از جمله اروپا، آمریکا، آسیا و حتی ایران، تشکیل شد و تا سال ۱۹۱۴ با شروع جنگ جهانی اول ادامه داشت. (قوام، ۱۳۸۹: ۱۰) با تشکیل این بین‌الملل نظام سرمایه‌داری احساس خطر کرد. لذا برای جلوگیری از انقلاب کمونیستی تلاش نمود به روش رفرمیستی و امتیازدهی آن را تعدیل و خنثی کند. برای نمونه تعداد ساعت کار از ۱۶ به ۸ ساعت تقلیل یافت؛ ایجاد سندیکای کارگری، افزایش دستمزدها، تامین بیمه درمانی، بازنشستگی و .... روش‌های عملی بود که نظام سرمایه‌داری توانست کمونیست‌ها را خلع سلاح کند.

در این بین‌الملل میان دو طیف اختلاف به وجود آمد:

<sup>12</sup>. Coordinator

گروه اول (رادیکال انقلابی): معتقد بودند تنها راه سرنگونی نظام سرمایه‌داری توسل به زور، قوه قهریه و انقلاب است.

گروه دوم (اصلاح طلب غیرانقلابی): معتقد بودند از طریق اصلاحات و رفرم‌های تدریجی و با استفاده از ابزار پارلمانی و انتخاباتی خواهیم توانست نظام سرمایه‌داری را به نظام سوسیالیستی و کمونیستی تبدیل کنیم.

رهبری گروه چپ یا انقلابی را حزب سوسیالیست کارگری روسیه در تبعید بر عهده داشت و رهبری گروه راست یا رفرمیستی را حزب کارگر انگلستان عهده‌دار بود.

گروه سوم (متعادل و سنتز): از نظر تئوری، انقلابی بودند ولی از نظر عملی دیدگاه رفرمیستی داشتند که از آن حزب سوسیالیست میانه یاد می‌شود.

با شروع جنگ جهانی اول تعارضات شدیدی در داخل بین‌الملل دوم بین احزاب به وجود آمد. عمده‌ترین اختلافات بر سر شرکت یا عدم شرکت در جنگ جهانی اول بود. موارد اختلاف در گروه‌بندی جدید شامل موارد زیر بود:

جناح اول. معتقد بودند که باید در جنگ شرکت کرد و این فرصتی است برای پرولتاریا. چون در فرایند این جنگ کارگران تقویت شده و سرمایه‌داری تضعیف می‌شود و به تدریج از بین می‌رود.

جناح دوم. این جنگ نوعی جنگ سرمایه‌داری و امپریالیستی است و جنگ تقسیم غنائم و بر سر مستعمرات و چانه‌زنی‌هاست. شرکت در جنگ باعث می‌شود که نیروهای کارگری از بین برود و این اقدام به نفع نظام سرمایه‌داری خواهد بود. بنابراین، در اثر افزایش اختلافات، انترناسیونال دوم در خلال جنگ جهانی اول منحل شد.

۳. انترناسیونال کمونیست سوم. این مجمع در سال ۱۹۱۹ در مسکو توسط لنین تشکیل شد. این بین‌الملل به «کمیترن»<sup>۱۳</sup> (سازمان جهانی احزاب کمونیست) معروف است و در سطح بین‌الملل طرفداران زیادی پیدا کرد و دارای فعالیت چشم‌گیری در نظام بین‌الملل بود.

تفاوت آن با انترناسیونال کمونیست پیشین عبارت‌اند از:

<sup>13</sup> . Communist International (Comintern)



۱. در بین‌الملل اول و دوم بازیگران غیرحکومتی بودند و برای جهان سرمایه‌داری خطر جدی نبودند ولی انترناسیونال سوم متولی پیدا کرد و آن شوروی بود.

۲. برای انترناسیونال اول و دوم نمی‌توانست شخص یا کشور خاصی را مسئول شناخت ولی در انترناسیونال سوم متولی آن لنین است. مجمع از کل سوسیالیست‌های کارگری و سوسیال دموکرات بنام شوروی و بنام اولین کشور کمونیست جهان مطرح شد. این بین‌الملل نقطه قوتی برای احزاب چپ که آثار خود را تحت اولین کشور کمونیست دنیا و مرکز ثقل اندیشه سوسیالیست کمونیست به نمایش گذاشت. این انترناسیونالیسم تا سال ۱۹۴۳ یعنی تا اواسط جنگ جهانی دوم به کار خود ادامه داد. گروهی مأمور شدند که به مستعمرات بروند تا تبلیغات کنند، مثلاً هند را از استعمار انگلستان خارج کنند. همچنین در آفریقا، آمریکای لاتین، آسیا و حتی اقدام وسیع در ایران و سایر مناطق جهان انجام دادند.

اقدامات گسترده تبلیغاتی آنها موجب وحشت نظام سرمایه‌داری شد. این عامل موجب شد دولت‌های غرب حاضر نشوند اتحاد شوروی را به رسمیت بشناسند، در نهایت انگلستان به یک شرط حاضر شد که آن را به رسمیت بشناسد که شوروی متعهد شود دست از تبلیغات در مستعمراتش بردارد و استالین در سال ۱۹۴۳ به نشانه همکاری با دولت‌های سرمایه‌داری غرب و برای مقابله با «نیروهای محور»، این امتیاز را داد و به رسمیت شناخته شد. پس از آن اتحادیه «کومینفورم»<sup>۱۴</sup> دفتر اطلاعات احزاب کمونیست به جای «کومینترن» تشکیل شد. اروپایی‌ها یک منطقه حائل بین اروپای غربی با شوروی یعنی منطقه اروپای شرقی را تشکیل دادند تا اینکه انقلاب کمونیستی در اروپای غربی نفوذ نکند.

#### ب. نظریه پردازان کمونیسم

با توجه به پیشینه مبارزاتی طبقه کارگر و دهقان علیه نظام سرمایه‌داری و واژگون سازی قدرت استثمارگران و امپریالیسم، همبستگی پرولتاریای همه کشورها و رسیدن به مرحله کمونیسم از طریق تحول در نظام سوسیالیسم، نظریه پردازان گوناگونی را به خود اختصاص داده است که در این قسمت برخی از مکاتب فکری و دیدگاه‌های برخی از شخصیت‌های برجسته، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

<sup>14</sup> . Communist Information Bureau (Cominform 1947-1956)

## ۱. مارکسیسم<sup>۱۵</sup>

واژه مارکسیسم از نام کارل مارکس<sup>۱۶</sup> (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، بنیانگذار سوسیالیسم علمی گرفته شده و عبارت است از مجموعه نظرات و آموزش‌های فلسفی و سیاسی و اقتصادی مارکس و فردریک انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۰) یار و همفکر نزدیک او می‌باشد. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۸: ۱۹۷) مارکسیسم ترکیبی است از **میتافیزیک (ماتریالیسم دیالکتیکی)**، نظریه تاریخ (جبرگرایی اقتصادی<sup>۱۷</sup>)، علوم اقتصادی و جامعه‌شناختی، ایدئولوژی سیاسی، نظریه و استراتژی انقلاب، اخلاق اجتماعی، نوعی آخرت‌شناختی<sup>۱۸</sup> با جهت‌گیری رستگاری دنیوی یعنی ایجاد نظام اجتماعی بی‌طبقه و کاملاً عادلانه‌ای که در آن منازعه از میان رفته و «انسان نوینی» با خصوصیات روانی جدیدی پا به عرصه وجود می‌گذارد. از نظر مارکس سرمایه‌داری یوغ اسارتی است که مردم می‌کوشند تا از آن رهایی یابند و تحقق این امر در گروهی آگاهی از قوانین دیالکتیکی و تغییرناپذیر تحولات تاریخی- اجتماعی است. تاکنون، منازعه طبقاتی موتور تحولات اجتماعی بوده است. از نظر مارکس نظام تولید اقتصادی، تعیین‌کننده ساختارهای نهادی و ایدئولوژیک جامعه است. هر کسی کنترل نظام اقتصادی را در دست داشته باشد، کنترل نظام سیاسی را نیز در دست خواهد داشت. (دونرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۶: ۳۵۱-۳۵۰) از نظر او سرتاسر تاریخ عرصه مبارزه طبقاتی میان یک گروه حاکم و یک گروه مخالف است که از بطن آن نظام اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی نوینی سر بر می‌آورد. مارکس رشته‌ای از برخوردهایی فزاینده میان طبقات کارگر و بورژوازی را به تصویر می‌کشد که به انقلاب و در نهایتاً به سرنگونی بورژوازی منتهی می‌شود.

مارکسیسم‌ها بر این باورند که دولت‌ها واحدهای مستقل محسوب نمی‌شوند؛ آنها تابع منافع طبقاتی بوده و در جهت و توسط منافع طبقه بورژوا به حرکت در می‌آیند و به همین دلیل منازعه و رقابت بین طبقات سرمایه‌داری دولت‌های مختلف وجود دارد. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۹) بنابراین، تاریخ کلیه جوامع انسانی تاریخ مبارزه طبقاتی است که گاهی به طور پنهان و گاه به طور آشکار صورت می‌پذیرد.

به طور کلی نظریه مارکسیسم مبتنی بر اصول زیر است:

- تاریخ سراسر مبارزه تاریخی و پیروزی نهایی از آن پرولتاریا است.

<sup>15</sup> . Marxism

<sup>16</sup> . فیلسوف، اقتصاددان و جامعه‌شناس آلمانی

<sup>17</sup> . Economic determinism

<sup>18</sup> . Eschatological moral theology



- دولت وسیله مبارزه طبقاتی است.

- انقلاب طبقه کارگر اجتناب ناپذیر است.

- سوسیالیسم تحت لوای دیکتاتوری پرولتاریا برقرار خواهد شد.

«آندره پیتر» معتقد است که نه سرمایه‌داری و نه کمونیسم به وعده‌های «اصول» خویش وفادار نبوده‌اند. از برابری دستمزدها گرفته تا زوال دولت؛ از الغای تقسیم کار تا پیدایش انسان نوین. (علی بابایی، ۱۳۸۷: ۳۱) «جان پلامناتز»<sup>۱۹</sup> برای جلوگیری از افراط و تفریط در تفسیر مارکسیسم هم بر تمایل بیمارگونه مارکس به قهر و خشونت، و هم بر صلح طلبی و تنفر وی از خشونت تأکید می‌ورزد. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۶) در نهایت مارکسیست‌ها بر این باورند نظام سرمایه‌داری فرو خواهد ریخت و با ایجاد جامعه اشتراکی و ایده آل، «هر کسی به اندازه توانایی خود کار می‌کند و به اندازه نیاز برداشت می‌کند». بدین ترتیب، دو تا از منازعه عمده انسان علیه طبیعت و نیز انسان علیه انسان به پایان خواهد رسید.

## ۲. لنینیسم<sup>۲۰</sup>

این واژه از نام «ولادیمیر لنین» (۱۸۷۰-۱۹۲۴)، رهبر انقلاب سوسیالیستی روسیه گرفته شده و مترادف بلشویسم و بیانگر انطباق مارکسیسم با شرایط اجتماعی ویژه روسیه در آغاز قرن ۲۰ است. وی با اتکاء به مارکسیسم و تحلیلی که خود از شرایط جهانی در آغاز قرن بیستم داشت، تئوری مارکسیسم را در زمینه‌های مختلف و به ویژه تئوری ساختار حزب کمونیست، تاکتیک‌ها و استراتژی حزب و انقلاب کارگری گسترش بخشید. (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۸: ۱۸۶) لنین در کتاب «امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه‌داری» (Lenin, 1968) که بسیار مدیون هابسن است، یادآور می‌شود که امپریالیسم نتیجه اجتناب ناپذیر سرمایه‌داری است. به واسطه نبود فرصت در درون کشورهای سرمایه‌داری، صدور سرمایه برای رسیدن به نرخ بالای برگشت سرمایه گذاری ضروری است. گرایش به سوی کنترل سیاسی یا نظامی بازارها و منابع مواد خام باعث تلاش سرمایه‌داری برای کسب مستعمرات می‌شود. راه‌حل برای پیشگیری از تداوم تعارضات بین‌المللی و استقرار صلح از بین بردن خود کشورهای سرمایه‌داری از طریق «انقلاب» است. براساس این تحلیل، نظم جهانی صلح آمیز تنها از طریق حمله به نظام‌های اقتصادی داخلی دولت‌ها امکان پذیر است. (قوام، ۱۳۹۰: ۱۱۰) از نظر وی گرچه امپریالیسم عالی‌ترین مرحله سرمایه‌داری است ولی

<sup>19</sup> . John Plamenatz

<sup>20</sup> . Leninism

در عین حال گام پایانی آن است. به عقیده وی با جانشین شدن کمونیسم به جای سرمایه‌داری در سراسر جهان، بساط جنگ نیز برچیده خواهد شد.

از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ روسیه در جنگ داخلی دست و پا می‌زد و در نهایت لنین ناگزیر شد برخی از تندروانه‌ترین برنامه‌هایی را که برای نابودی بی‌درنگ سرمایه‌داری داشت کنار گذارد. برای نمونه با کنارگذاری سیاست اقتصادی نو (نپ)<sup>۲۱</sup> در مارس ۱۹۲۱ از موقعیت «کمونیسم جنگی» خارج شد و حتی دهقانان اجازه یافتند در بازار خصوصی به فروش مواد غذایی بپردازند. (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۸۵۳-۸۵۰) به طور کلی، لنین بر این باور بود که میل به خشونت لازمه هر انقلاب راستین است و جایگزینی دولت کارگری به جای دولت بورژوازی، نه با زوال تدریجی دولت، بلکه به عنوان یک اصل کلی، تنها با انقلابی قهرآمیز امکان‌پذیر است.

### ۳. مارکسیسم - لنینیسم

این واژه در روسیه شوروی و بعد از مرگ لنین مصطلح شد و بیانگر مجموعه آموزش‌های مارکس، انگلس و لنین است. مارکسیسم - لنینیسم، عنوانی است که سابقاً اغلب احزاب کمونیستی برای ایدئولوژی خود به کار می‌بردند و به این وسیله خود را از احزاب و جریان‌های مارکسیستی که به آموزش‌های لنین پیرامون امکان انقلاب سوسیالیستی در یک کشور، لزوم دیکتاتوری پرولتاریا پس از پیروزی انقلاب و ساختار لینی حزب کمونیست (پشاهنگ پرولتاریا) و ساترالیسم دموکراتیک اعتقاد نداشتند، جدا می‌کردند. مارکسیسم - لنینیسم در اصل، ایدئولوژی نهضت کارگری بود ولی عمداً به صورت ایدئولوژی رسمی و محافظه کارانه طبقه حاکم یعنی بوروکرات‌ها و مدیران دولتی درآمد. (آفایخشی و افشاری، ۱۳۸۸: ۱۹۷) طرفداران این مکتب برای از میدان بدر کردن دشمنان استالین این اصطلاح را انتخاب کردند. براداشتی که استالین از نظر و عمل لینی داشت، از نو تعریف و فرمولبندی شد و توانست سیاست‌های استالین را مشروعیت ببخشد. پس از استالین این مفهوم ابزاری برای مشروعیت بخشی آنها به کار می‌رفت. در اختلاف میان چین و شوروی، چینی‌ها متهم به انحراف از آرمان مارکسیسم - لنینیسم شدند؛ همانگونه که لنین برخی از اصول نظری مارکس را تغییر داد. مارکسیسم - لنینیسم در شرایط محلی گوناگون از جمله در چین با اندیشه مائوتسه تونگ برای سازگاری با سنت‌ها و ایده‌های خود در آمیخته شد.

<sup>21</sup> . New Economic Policy (NEP)



۴. استالینیسم<sup>۲۲</sup>

استالینیسم منسوب است به «ژوزف استالین» (۱۸۷۹-۱۹۵۳)، نخست وزیر، دبیرکل حزب کمونیست و فرمانده کل قوای اتحاد جماهیر شوروی، استالینیسم مشتعل بر روش‌های اجرایی مارکسیسم-لنینیسم در روسیه شوروی در دوران حکومت استالین و تفسیر نظریات مزبور و انطباق آنها با عمل است. (علی بابایی، ۱۳۸۷: ۱۹) ولی مبارزه خونین و دشواری را برای حفظ و تحکیم اولین دولت سوسیالیستی جهان رهبری نمود. این مفهوم از یک طرف بیانگر شخصیت و از طرف دیگر بیانگر اعمال سیاست غیر دموکراتیک و خشن در حکومت و نیز اعتقاد به برقراری سوسیالیسم در یک کشور، حذف دموکراسی حزبی و مخالفت با رهبری دسته جمعی در حزب کمونیست است. (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۸: ۳۲۴). از نظر استالین پژمرده شدن و مردن تدریجی دولت با تضعیف نمودن آن محقق نخواهد شد، بلکه با تقویت آن به حداکثر امکان پذیر خواهد بود. از نظر وی استراتژی و تاکتیک‌های احزاب کمونیست جهان باید تابع مطلق سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی باشند.

کمونیست‌ها در زمان زندگی استالین او را بزرگترین مفسر مارکسیسم و بالاترین مرجع نظری در جنبش بین‌المللی کمونیسم می‌شمردند، اما پس از مرگ او با گزارشی که خروشچف، دبیرکل حزب کمونیست شوروی، در کنگره بیستم حزب در مورد جنایت‌های استالین داد وی به کزروی از موازین لنینی محکوم شد و مفهوم استالینیسم به معنای زورگویی، رژیم پلیسی، فردپرستی و دیکتاتوری متحول و یا به عبارت دیگر استالین‌زدایی شد.

از نظر وی اترناسیونالیست کسی است که حاضر است بی‌چون و چرا و بدون تزلزل و بدون قید و شرط از اتحاد جماهیر شوروی دفاع کند در غیر این صورت علیه انقلاب اقدام می‌کند و ناگزیر به اردوی دشمنان انقلاب در می‌گلتد. (آشوری، ۱۳۸۵) اقدام استالین‌زدایی موجب شد مرجعیت اتحاد شوروی در جنبش بین‌المللی کمونیسم ضعیف شود و گرایش‌های «چند مرکزیت» در آن قوت بگیرد. جنگ ایدئولوژیک چین و شوروی و سپس سرکشی حزب‌های کمونیست اروپایی غربی (اتحاد احزاب کمونیست فرانسه، ایتالیا و اسپانیا) حداقل سه قطب کمونیسم جهانی را وارد عرصه نظام بین‌الملل نمودند.

خروشچف و جانشینان او (کوسیگین<sup>۲۳</sup> و برژنف) به پشتیبانی از «جنگ‌های آزادیبخش ملی» در جهان سوم پرداختند. این جنگ‌ها هم از نظر ایدئولوژی سوسیالیسم، «عادلان» و هم به لحاظ استراتژیک در عصر

<sup>۲۲</sup> . Stalinism

<sup>۲۳</sup> . Kosygin

بازدارندگی هسته‌ای متقابل «بی‌خطر» تلقی می‌شد. (دوثرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۶: ۳۶۱؛ Dinerszein, 1959: 68)

##### ۵. مائوئیسم<sup>۲۴</sup>

به اندیشه‌های «مائوتسه تونگ» (۱۸۹۳-۱۹۷۶)، رهبر انقلاب کمونیستی چین، درباره استراتژی جنگ انقلابی و سازگار کردن مارکسیسم-لنینیسم با اوضاع چین اطلاق می‌شود.

آنچه مائوتسه تونگ و کمونیست‌های چین، به ویژه، بر روش انقلاب کمونیستی افزوده‌اند، یکی انتقال کانون مبارزه از شهرها به روستاها و دیگر از کارگران شهری به دهقانان است. عمل انقلابی در چین به صورت جنگ چریکی درآمد که مائو با مهارت تمام آن را تا پیروزی نهایی در ۱۹۴۹ رهبری کرد و در آن سال ارتش دهقانی او، پس از یک جنگ داخلی طولانی، شهرها را یکایک به جنگ آورد. در سیاست داخلی، مائوئیسم و ویژگی‌های خود را در نوآوری‌های سیاسی و اجتماعی خاص، که هدف آنها دگرگونی کردن جامعه سنتی چین از ریشه بود، نشان داد، که مهمترین آنها اصلاح زمینداری و جمعی کردن کشاورزی و برنامه‌ی «جهش بزرگ به پیش» و «انقلاب فرهنگی» بود. (آشوری، ۱۳۸۵: ۲۸۶) بنابراین، مائو معتقد به روابط تنگاتنگ میان روش‌های سیاسی و نظامی در انقلاب چین بود و قدرت را ناشی از «لوله تفنگ» می‌دانست. او روستا و روستائیان را پایگاه و پایه انقلاب به شمار می‌آورد. سایر عقاید وی عبارت‌اند از: نظریه جنگ چریکی در کشورهای تحت استعمار، اعتقاد به نظم سوسیالیستی در چین، دیکتاتوری پرولتاریا، و مردود شمردن نظریه روس‌ها مبنی بر «همزیستی مسالمت آمیز» (علی بابایی، ۱۳۸۷: ۳۰۹) وی در تقسیم‌بندی جهان به سه اردوگاه شامل امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و جهان سوم اعتقاد داشت و خود را سلاح انقلابی توده‌های ملت‌های استعمار زده در برابر دو ابر قدرت می‌شناسد.

اهمیت روش انقلابی «مائوتسه تونگ» در آن است که به جای پیروزی از دستوره‌های «کومینترن» که الگوی انقلاب شوروی و سیاست خارجی شوروی را به همه‌ی حزب‌های کمونیست فرمان می‌داد، با شناخت اینکه توده‌ی اصلی انقلاب در چین انبوه دهقانان بی‌چیز (پرولتاریای دهقانی) هستند، از همان آغاز (۱۹۲۵) اندرزه‌های شوروی را ناشنیده گرفت و با گروه مسکوگرا در حزب مخالفت نمود

و پس از دستیابی به قدرت موجب چالشگری با شوروی<sup>۲۵</sup> و در نتیجه دوپاره و چندپاره شدن جنبش کمونیستی جهان شد. (آشوری، ۱۳۸۵: ۲۸۷) مائوئیسم رهنمودی به انقلاب پیوسته (موازی با تروتسکیسم)

<sup>24</sup> . Maoism



و به جنگ انقلابی (همگام با کاستروئیسم و گه وارانئیسیم) و به جامعه برابری خواه بود، که گمان می‌رفت «انقلاب فرهنگی راهگشای آن باشد.

### ج. بازتاب تفکرات کمونیستی در ایران ✓

سابقه گرایش چپ و سوسیالیستی در ایران به دوران مشروطه باز می‌گردد. بعد از جنگ جهانی دوم و استقرار رژیم‌های سوسیالیستی در چین و ویتنام شمالی، مسئله جنگ توده‌ای، در تجربیات و دانش مارکسیستی جایگاه مهمی پیدا کرد. در هر دو تجربه، جنگ دهقانی، انقلاب را به پیروزی رسانید و موجب غلبه مشی چریکی بر اذهان اکثریت مطلق مارکسیست-لیننیست‌ها در سایر کشورها به جای گذاشت.

یکی از سازمان‌های کمونیستی در ایران «تحدیه کمونیست‌های ایران»<sup>۲۶</sup> بود که اکثر کادرهای آن عضو کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا بودند. این تشکیلات که در سال ۱۳۳۷-۱۳۳۸ توسط عده‌ای از اعضای فراری حزب توده در اروپا و آمریکا تشکیل شد به تدریج شهرت جهانی پیدا کرد. این کنفدراسیون، سمبل مبارزه علیه رژیم شاه، افشاسازی نقض حقوقی بشر و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در سطح جهان بود. (کردی، ۱۳۸۶: ۲۵؛ شرکت، ۱۳۷۸: ۱۳) کنفدراسیون به دلیل جناح‌بندی در اردوگاه کمونیسم جهان (مسکو-پکن)، در داخل آن انشقاق به وجود آمد و به طرفداران مائوتسه تونگ، چه گوارا، فیدل کاسترو و حتی تروتسکی تقسیم‌بندی شدند. کنفدراسیون به طور کلی زیر چتر رهبری مارکسیست‌ها و به «تسه جهانی چین»<sup>۲۷</sup> اعتقاد داشتند.

دانشجویان ایرانی اعزامی، غالباً متعلق به طبقات متوسط به بالای جامعه و یا طبقات مرفه بودند. این افراد متولدین دهه‌های ۳۰-۱۳۲۰ بودند که در سال پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، دارای ۳۵-۲۵ سال بودند و اکثر آنها

<sup>۲۶</sup> عمده‌ترین اختلافات میان چین و اتحاد شوروی شامل: خلوص ایدئولوژیک، حمایت از انقلاب جهانی، کمک‌های عمرانی خارجی، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، اختلافات ارضی ناشی از «معاهدات نابرابر» سابق، و تهور بیجای کشورهای سوسیالیستی در تن دادن به مذاکرات خلع سلاح و کنترل تسلیحات با کشورهای سرمایه‌داری، بود. همزمان با اوج‌گیری این تنش و درگیری‌های نظامی آنها در امتداد رودهای آمور و ایسوری، مذاکرات محدودسازی سلاح‌های استراتژیک (سالت) بین چین و آمریکا در حال پیشرفت بود که مائو آن را تلبانی قدرت‌های امپریالیستی سرمایه‌داری و سوسیالیستی خواند. (دوئرثی و فالتزگراف، ۳۸۶: ۳۶۲) اما بعداً ضرورت‌های عملی سیاسی و اقتصادی چین و پرهیز از جنگ بی‌امان ایدئولوژیک با امپریالیسم به مصلحت اندیشی منجر شد و با آمریکا روابط نزدیک برقرار ساخت. این اقدام موجب شد شور و غرور مائوئیست‌ها و نیز جاذبه چین در مقام کعبه انقلاب، کاسته شود. سفر نیکسون به چین و دیدار او با مائو به مثابه پیمان نازی-شوروی در ۱۹۳۹ در میان کمونیست‌های استالینیست، شباهت پیدا کرد.

<sup>۲۷</sup> این اتحادیه در مهرماه سال ۱۳۵۵ از وحدت دو جریان پویا و انقلابیون کمونیست پا به عرصه‌ی وجود نهاد و در بهمن ۱۳۵۷، اعضای این سازمان وارد ایران شدند.

<sup>۲۷</sup> جهان اول (برق‌دهنده‌های آمریکا و شوروی)، جهان دوم (اروپا و ژاپن) و جهان سوم (بقیه کشورها).

ساکنین شمال تهران و از طبقه مرفه جامعه بودند. آنها با توجه به اینکه خاستگاه کارگری و یا دهقانی نداشتند ولی به ایران بازگشتند قصد به راه انداختن جنبش پرولتری و دهقانی داشتند که حتی برای لحظه‌ای آن را تجربه نکرده بودند. بنابراین، آنها نمی‌توانستند تهدیدی جدی برای شاه باشند و در حد یک نیروی اپوزیسیون قوی ارزیابی می‌شدند. کنفدراسیون دارای بسیاری از اعضای دانشجویی و با تشکیل کنگره‌های مختلف با فراز و نشیب‌ها و انشعابات بسیاری مواجه بود. یکی از گروه‌های مهم آن هواداران «سازمان انقلابیون کمونیست» بودند که گرایش به مائوئیست و خط میانی جبهه ملی و جناح توفان بودند. با چرخش سیاست خارجی چین و بهبود روابط آن با شاه موجب سرخوردگی مائوئیست‌های رادیکال در ایران شد. (کردی، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۶؛ متین، ۱۳۷۸: ۹) تغییر در رویکرد سیاست خارجی رهبری حزب کمونیست چین، کمونست‌های ایران از ذکر اندیشه‌های مائو به عنوان بخشی از ایدئولوژی خود امتناع می‌کردند، اما از نظرات انقلاب مائو به ویژه پیرامون روابط جنگ چریکی و توده مردم همچنان پیروی می‌کردند که شورش شمال کشور بر همین اساس طراحی شده بود. (نعمتی، ۱۳۷۶: ۲)

بنابراین، کنفدراسیون علاوه بر مشکلات انشعابات و عدم انسجام درونی، شناخت دقیقی از مردم و جامعه ایرانی نداشتند.

کنفدراسیون حزب جمهوری اسلامی و یاران امام (ره) را جبهه‌ی ارتجاع می‌نامیدند و همانند سایر سازمان‌ها نظیر سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین)، سازمان فداییان خلق (اقلیت)، کومله، سازمان پیکار در راه آزاد طبقه کارگر، دفتر هماهنگی مردم و رئیس جمهور، جبهه‌ی ملی و ... خواهان مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بودند.

اقدامات براندازانه این گروه‌ها در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ توسط مردم خنثی شد و در اول تیرماه حضرت امام (ره) نیز رأی مجلس را تایید کردند و بنی‌صدر از ریاست جمهوری خلع شد و پس از آن بنی‌صدر و نیز مسعود رجوی برای ادامه فعالیت به پاریس گریختند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۱) با توجه به مطالب مطرح شده به نظر می‌رسد کنفدراسیون براساس مبنای ایدئولوژیکی‌شان می‌بایستی بیش از هر گروه دیگر مخالف تفکر لیبرالیستی بنی‌صدر می‌بودند ولی بر اثر فریب و تحریک منافقین، تغییر موضع دادند و در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایران ایستادند.

کمونیست‌ها برای تحقق اهداف خود چند شورای و یا کنگره برگزار کردند که عبارت‌اند از:



شورای اول. نخستین شورا و یا کنگره‌ی اتحادیه کمونیست‌ها در فروردین سال ۱۳۵۷، در حومه شهر پاریس برگزار شد.

شورای دوم. این شورا در فروردین ۱۳۵۸ در تهران تشکیل شد. در این شورا برای آینده انقلاب و ماهیت حکومت برنامه‌ریزی و بحث شد. گروه اکثریت بر این باور بودند که حکومت پس از انقلاب، مخالف امپریالیسم است ولی گروه اقلیت معتقد بودند که این نظام، حکومتی ائتلافی با امپریالیسم است.

شورای سوم. شورای سوم در بهار ۱۳۵۹ تشکیل شد که پس از واقعه آمل بسیاری از آنها کشته شدند.

شورای چهارم. این شورا در تابستان ۱۳۶۲ در کردستان و در مقر اتحادیه تحت حمایت حزب دموکرات تشکیل شد. گروه اقلیت (گروه حاجی) بر این باور بودند که راه انقلاب در ایران به سبک انقلاب چین و مبتنی بر تئوری محاصره‌ی شهرها از طریق روستاها امکان‌پذیر است. گروه اکثریت (گروه خلیل) معتقد بودند این تئوری با شرایط ایران سازگاری ندارد و غیرقابل اجراست. گروه اقلیت اصرار داشت که باید به عنوان حرکت آینده‌ی اتحادیه به جنگل بازگشت، ولی گروه اکثریت بر اقدامات سیاسی تاکید می‌ورزیدند.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) گروه‌های مختلف از جمله اتحادیه‌ی کمونیست‌ها، سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق به ظاهر برای مقابله با دشمن به جبهه اعزام می‌شدند، ولی نوعی تاکتیک و فرصت‌طلبی برای سرقت تسلیحات و مهمات از جبهه‌ها و نیز جمع‌آوری نیروهای متفرق اتحادیه حضور پیدا می‌کردند.

«تاج میر ریاحی»، از اعناصر دستگیر شده در واقعه آمل شرایط زمان را در سه جبهه تقسیم بندی می‌کند: «جبهه اول. قسمت اعظم نیروهای نظامی با ارتش قدرتمند عراق می‌جنگند؛ جبهه دوم. قسمت دیگر نیروهای رژیم در جنگ با چریک‌های شهری و جنگ کردستان تجزیه شده است؛ و جبهه سوم. ما می‌توانیم با ایجاد یک جبهه سوم که رژیم از جنگیدن در آنجا عاجز است، آخرین ضربه را به او بزنیم» (کردی، ۱۳۸۶: ۵۰) باید توجه داشت به رغم ایدئولوژی متعارض سازمان مجاهدین خلق با اتحادیه کمونیست‌ها، ولی این سازمان در اقدامات خرابکارانه موتور محرکه آنها به حساب می‌آمد و حتی در تحریک سران اتحادیه کمونیست‌ها در انتخاب جنگل آمل به عنوان سکوی تسخیر شهرها، براساس تفکر مائوئیستی، نقش مهمی داشت.

بر مبنای اعتراف محمدرضا سپرغمی، «اتحادیه قبل از حمله [ به آمل ]، ارتباط مستقیمی با سازمان منافقین داشت و ... تعدادی از نیروهای شان را برای کمک به ما به جنگل فرستادند.» (سپرغمی، پرونده‌ی شماره ۱۸۲۹۵) هدف از انتخاب منطقه جنگلی آمل را می توان به دو عامل اصلی تقسیم بندی کرد:

۱. اهمیت ژئواستراتژیک، به دلیل قرار گرفتن بر محور مواسلاتی آن به پایتخت و یا به عبارت دیگر مرکز ثقل و رابط میان شرق - غرب، شمال - جنوب.

۲. اهمیت ژئوپولیتیک، جلب هواداران جبهه سیاسی منطقه شمالی کشور و نیز بهره گیری از حمایت های سیاسی اتحاد شوروی به عنوان هم مرز حوزه منطقه ای خزر، ارزیابی می شود. علاوه به آن استفاده از منابع طبیعی جنگل، پناهگاههای طبیعی، اهمیت توپوگرافی، برای افزایش کارآمدی و نیز قدرت مانور دراز مدت مورد توجه بود.

#### نتیجه گیری

پژوهش حاضر رابطه میان مبانی فکری نیروهای گریز از مرکز واقعه آمل با ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم را مورد بررسی قرار داده است که به عنوان یکی از سؤال برانگیز ترین موضوعات سیاسی - اجتماعی دوران تثبیت انقلاب اسلامی ایران به حساب می آید. اهمیت بررسی این موضوع که حماسه پر شکوه مردم منطقه آمل را به دنبال داشت، نشانگر پیوند و استحکام روابط میان ملت و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با محوریت حضرت امام (ره) بود.

برای ریشه یابی سرچشمه تفکرات گروه «سربداران جنگل» تلاش شده است به طور تبیینی ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونال کمونیست سه گانه و تاثیرات آن بر اپوزیسیون چپ داخل مورد واکاوی قرار گیرد. هدف از شکل گیری انترناسیونال کمونیست، ایجاد استراتژی نظام کمونیسم در کشور های مختلف بود، اما تا برای رسیدن به درجه عالی کمونیسم ضرورت وجود دولت حائز اهمیت است. از نظر آنها برای از بین بردن نظام سرمایه داری باید با بهره گیری از ابزار پارلمانی، رفرم های تدریجی آغاز شود تا نظام را به سمت سوسیالیستی و کمونیستی هدایت نمود. از نظر مارکسیست ها سرتاسر تاریخ عرصه مبارزه طبقاتی میان گروه حاکم و گروه مخالف است که از بطن آن نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نوین پدید خواهد آمد که خود موجب ظهور جامعه اشتراکی و ایده آل خواهد شد و در نهایت منازعه میان انسان با انسان و طبیعت به پایان خواهد رسید.



اندیشه مارکسیسم بعداً توسط لنین، استالین، خروشچف، مائو و سایر طرفداران این ایدئولوژی دنبال شد و در میان برخی از شخصیت های روشنفکر مآبانه ایرانی نیز پی گیری شد. در فرآیند تاریخ بهره گیری از اندیشه مارکس تفاسیر مختلفی از ناحیه افراد و سیاستمداران به عمل آمده است. در ایران نیز برخی از چهره ها که خود را روشنفکر تلقی می کردند در بهره گیری از اندیشه مارکس دچار انحرافات شدند. آنها به دلیل عدم شناخت دقیق ماهیت جامعه ایرانی آسیب جبران ناپذیری بر منافع و مصالح ملی وارد کردند که در میان آنها «اتحادیه کمونیست های ایرانی» با همکاری «سازمان مجاهدین خلق» قابل ذکر است که در این پژوهش به آن اشاره شده است. تحصیل کنندگان مرفه بازگشته از غرب که خود لحظه ای زندگی پرولتری را حس نکرده بودند برای نجات مردم با تفکر دومینوی رهاییبخش شهرها و روستا ها به شهر آمل حمله کردند. در این عملیات اولین طبقه ای که مورد هدف گلوله آنها قرار گرفتند همین طبقه به اصطلاح پرولتاریا بودند. آنها همان محرومان واقعی جامعه بودند که با صلابت در مقابل مهاجمان سنگر گرفتند.

در نهایت حماسه با شکوه مردم منطقه آمل به مثابه زلزله سیاسی - اجتماعی علیه متغیر های سطوح سه گانه بر انداز ملی، منطقه ای و بین المللی به حساب می آید که تلاش می کردند مسیر نظام جمهوری اسلامی ایران را تغییر و موجب فروپاشی آن شوند. علاوه بر فروپاشی ایدئولوژی افراطی کمونیسم در ایران، این تفکر در سطح نظام منطقه ای و بین المللی به زیاده دان تاریخ پیوست که حضرت امام (ره) به خوبی آن را پیش بینی کرده بود.

## منابع

### الف. منابع فارسی

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۵)، *دانشنامه سیاسی: فرهنگ اصطلاحات و مکتب های سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
۲. آقا بخشی، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۸)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۳. جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف (۱۳۸۶)، *نظریه های متعارض در روابط بین الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قوس.
۴. رهگذر، سیمین (۱۳۸۵)، *شهر هزار سنگر: روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. سپهر غمی، محمدرضا، شماره ۱۸۲۹۵.
۶. شرکت، حمید (۱۳۷۸)، *کنفدراسیون جهانی*، تهران: انتشارات عطائی.
۷. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۷)، *فرهنگ روابط بین الملل*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۸. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، *اصول روابط بین الملل*، تهران: نشر میزان.
۹. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، *روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها*، تهران: سمت.
۱۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین المللی*، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. کردی، علی (۱۳۸۶)، *اسناد اتحادیه ی کمونیست های ایران در واقعه ی آمل*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. گریفیتس، مارتین (۱۳۸۵)، *دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۱۳. متین، افشین (۱۳۷۸)، *کنفدراسیون*، ترجمه ارسطو آذری، تهران: انتشارات شیراز.
۱۴. نعمتی، صالح (۱۳۷۶)، *نقش سازمان شورش در بحران جنگل های شمال کشور (۱۳۶۲-۱۳۵۹)*؛  
- <http://www.amol.gov.ir/index.php>



ب. منابع لاتین

1. Diner stein , Herbert (1959) , *War and The Soviet Union*, New York: Praeger.
2. Lenin v. (1968) , *Imperialism as The Highest Stage of Capitalism* , Foreign language Press.

"بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه ی کمونیست‌های ایران و واقعه ی ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل"

حسین رفیع<sup>۲۸</sup>

عضو هیئت علمی و مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران

شهرام اسفندیار<sup>۲۹</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

#### چکیده:

یکی از ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران که مورد تأیید تمامی متفکران انقلاب می‌باشد، مشارکت گسترده‌ی تمام اقشار جامعه بوده است. نظر به میزان چنین مشارکت و نقش هر یک از گروه‌ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی، آنچه که مهم می‌نماید، اتفاق نظر نسبی میان آنها به منظور تحقق انقلاب و سرنگونی نظام سیاسی حاکم می‌باشد. نگاه به انقلاب‌های دیگر، تمایز چنین پدیده‌ای را بهتر نمایان می‌سازد. به جز انقلاب فرانسه که شباهت زیادی از نظر روند تحولات با انقلاب ایران دارد، سایر انقلاب‌ها همواره نبرد میان گروه‌های مختلف در مقابل دیگری بوده است. اما در انقلاب ایران، ستیز میان جامعه و حکومت را شاهدیم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جریان‌ات و گروه‌های سیاسی زیادی از قبیل مجاهدین، کمونیست‌ها، لیبرال‌ها و... با گرایش‌ات مختلف و با یک صف بندی و سازماندهی به دنبال حصول سهم بیشتر در قدرت بودند. این‌ها همان گروه‌هایی بودند که تا قبل از انقلاب همراه با سایر انقلابیون با حکومت شاه مبارزه می‌کردند اما با پیروزی انقلاب و شکل‌گیری جمهوری اسلامی، گروه‌های مزبور که جز، نظر درصد بسیار اندکی را نمی‌توانستند با خود همراه کنند به مبارزه سیاسی مسلحانه علیه نظام سیاسی نوپا دست زدند. نمونه چنین حرکتی واقعه ی ششم بهمن سال ۶۰ آمل می‌باشد که مقاومت مردم به حماسه‌ای در دفاع از نظام اسلامی خود را نشان داد. این مقاله در صدد است تا ضمن بررسی ماهیت و ریشه‌های پیدایش اتحادیه کمونیست‌های ایران، زوایای مختلف واقعه ی ششم بهمن سال ۶۰ آمل را مورد کنکاش قرار دهد. در این میان آنچه برجسته می‌نماید؛ این است که رفتار شتابزده و تحلیل نادرست اتحادیه کمونیست‌های ایران از ماهیت و پشتوانه‌ی مردمی جمهوری اسلامی موجب شد تا ارزیابی‌ها و محاسبات اتحادیه در عملی کردن «قیام مسلحانه توده‌ای» با شکست مواجه شود.

<sup>28</sup> . hooshyar22@yahoo.com

<sup>29</sup> . shahram\_esfandiyari@yahoo.com



واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، سازمان انقلابیون کمونیست، گروه پویا، اتحادیه کمونیست‌های ایران، مشی مسلحانه، حماسه اسلامی ششم بهمن آمل.

#### مقدمه

تنها می‌توان سال‌های ۳۲-۱۳۲۰ را بعنوان دوران آزاد فعالیت‌های حزبی در دوره پهلوی نام نهاد که به دموکراسی نسبی<sup>۳۰</sup> یا شبه دموکراسی<sup>۳۱</sup> شباهت داشته است.

پس از شهریور ۱۳۲۰ به دنبال فضای باز سیاسی، سه گرایش عمده در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران بوجود آمد؛ نخست گرایش ملی، سپس گرایش چپ و مارکسیستی و سرانجام گرایش اسلامی. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۱۸)

پس از سازماندهی و فعالیت گرایش‌های مختلف در قالب گروه‌ها و دسته‌های سیاسی در طول سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۶ و موقعیت‌ها و فراز و نشیب‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی این گروه‌ها، بویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فرم جدیدی از صف بندیها و آرایش نیروها در عرصه رقابت سیاسی شکل گرفت.

به طوری که مخالفین رژیم محمدرضا پهلوی در آستانه سال ۱۳۵۶ را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم نمود: گروه اول شامل مخالفین کلاسیک می‌شود. این گروه از سال ۱۳۴۲ به سرعت رو به افول گذاشت و اگرچه آنان از این سال به بعد هم وجود داشتند، ولی این وجود، بیشتر در اسم بود تا عمل. گروه دوم در برگیرنده-ی آن دسته از مخالفین می‌شود که به دنبال قیام پانزده خرداد و فضای پر اختناق که از سال ۱۳۴۲ به بعد به تدریج بر کشور حاکم شد ظهور نمودند.

بعبارت دیگر، مخالفین شاه را در آستانه‌ی سال ۱۳۵۶ می‌توان به دو دسته‌ی مشخص تقسیم کرد. دسته اول، آنان که قبل از سال ۱۳۴۲ هم وجود داشتند و دسته‌ی دوم مخالفینی که از این سال به بعد در صحنه‌ی سیاسی ایران پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند. گروه اول بیشتر سعی در مبارزه از طریق سیاسی و در داخل چارچوبه‌ی قانون اساسی داشتند. این مخالفین که شامل طیفی از ملی‌گرایان، جریان‌ات چپ (حزب توده)، ملی مذهبی‌ها و نهضت آزادی بودند در سال‌های بعد از سال ۱۳۴۲ در داخل کشور چندان نیروی فعال و قابل توجهی به حساب نمی‌آمدند. (زیباکلام، ۱۳۸۴: ۲۴۰)

<sup>30</sup>. Relative democracy

<sup>31</sup>. Pseudo democracy

در طی سالهایی که مخالفین سنتی شاه بالاجبار تن به خاموشی دادند، شکل دیگری از مبارزه، رژیم را به خود مشغول داشته بود. در حالی که به نظر می‌رسید مبارزات ضده استعماری در ایران به بن بست رسیده است، در مناطق دیگری از جهان نهضت‌های ضده امپریالیستی به پیروزیهای چشم‌گیری دست یافته بودند. از دید نسل جوان و رادیکال بعد از سال ۱۳۳۲، مبارزات رهائی بخش در چین، کوبا<sup>۳۱</sup>، ویتنام، الجزایر و مصر توانسته بود ضربات سنگینی را بر امپریالیسم جهانی وارد آورد. از دید این عده، رهبری صحیح، اعمال استراتژی و تاکتیک‌های اصولی و انتخاب ایدئولوژی در روند مبارزه جزء رموز موفقیت این پیروزیها بود. (خانی، ۱۳۷۴: ۶۷)

لذا بعد از سرکوب قیام پانزده خرداد و احساس سرخوردگی از مبارزاتی که تا آن زمان در ایران صورت گرفته بود و هم چنین تأثیر مبارزات ضده امپریالیستی در خارج از ایران، نسل جوان و مبارز را بر آن داشت تا ضمن تقلید از شیوه‌های جدیدتر مبارزه، مشی مسلحانه را بعنوان روشی کارآمدتر نسبت به روش‌ها و ایده‌های قبلی، در دستور کار خود قرار دهند.

بدین ترتیب ایده مبارزه مسلحانه به طور هم زمان در میان نیروهای چپ و هم چنین نیروهای مذهبی البته بصورت مستقل و متفاوت وارد شد.

در مجموع تشکل‌ها و گرایش‌های سیاسی این دوران تا سال ۱۳۵۷ را می‌توان به دو دسته‌ی عمده تقسیم نمود:

۱. تشکل‌های غیر مسلحانه؛ همانند جبهه ملی، حزب توده، نهضت آزادی

۲. تشکل‌های مسلحانه؛ که این گروه‌ها خود به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

- سازمانهای اسلامی مانند هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، حزب ملل اسلامی و جمعیت فدائیان اسلام

- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (فدائیان مارکسیست)

- سازمان مجاهدین خلق ایران (مجاهدین اسلامی)

- مارکسیست‌های منشعب از مجاهدین (مجاهدین مارکسیست)

<sup>۳۱</sup> از میان مبارزات ضده امپریالیستی و انقلابی جدیدی که تا آن زمان صورت گرفته بود بیش از همه، انقلاب کوبا بر روی مبارزین تندرو در ایران تأثیر گذاشت.



- گروه‌های کوچک مارکسیست مانند اتحادیه کمونیست‌ها، توفان، دموکرات کردستان و...

#### آرمان مشی مسلحانه

به طور کلی، تیپولوژی<sup>۳۳</sup> و پایگاه اجتماعی اصلی افرادی که به سمت مبارزه مسلحانه رفتند به طور عمده، محافل دانشگاهی بود. فضای بالنسبه باز سیاسی سال‌های ۴۲-۱۳۳۹، پس از چندین سال خاموشی، مجدداً رونق فعالیت‌های سیاسی را به دانشگاه بازگرداند. بسیاری از کسانی که در این سال‌ها نقش زیادی در تشکیل و گرداندگی مبارزات دانشجویی داشتند از بقایای سازمان جوانان حزب توده بودند. از جمله آنان بیژن جزنی، دانشجوی فلسفه دانشگاه تهران بود. (زیباکلام، ۱۳۸۴: ۲۴۹)

بیژن جزنی که به دنبال عملکرد حزب توده در قبال کودتای ۲۸ مرداد، اعتقادش را نسبت به آن از دست داده بود، تمایل شدیدی به مطالعه آثار مارکسیست - لنینیست‌های آمریکای لاتین پیدا نمود.

لذا در اوایل سال ۴۲ به همراه حسین ضیاء ظریفی و محمد چوپان زاده و... گروهی را موسوم به «گروه جزنی» تشکیل داد. در سال ۴۴ گروه جزنی با گروه عباس سوروکی متحد می‌شوند و در سال ۴۶، گروه تصمیم می‌گیرد تا به بانک تعاون و توزیع حمله کند، ولی با جاسوسی ناصر آقایان گروه لو رفته و قبل از هر گونه اقدامی بیژن جزنی و حسین ضیاء ظریفی دستگیر شده و به دنبال آنها پلیس موفق به بازداشت ۱۴ نفر از اعضای گروه می‌شود.

مهم‌ترین تأثیر گروه جزنی بر جریان‌ات رادیکال بوده است و آن هم در معرفی و آشنایی آنان با فکر و مشی مسلحانه بود که در آن تمام خلق با امپریالیسم حامل حاکمیت بورژوازی کمپرادور، وارد پیکاری مسلحانه می‌گردد. (زیباکلام، ۱۳۸۴: ۲۵۰)

در ادامه با شکل‌گیری گروه جنگل، زمینه‌ای فراهم شد تا این گروه با گروه مسعود احمدزاده متحد شوند. گروه احمدزاده توسط سه نفر از دانشجویان دانشگاه تهران به نام‌های مسعود احمدزاده، امیر پرویز پویان و عباس مفتاحی در اواخر سال ۴۶ پایه‌گذاری شد. گروه احمدزاده پیشنهاد سازماندهی جنگ چریکی شهری را می‌داد و معتقد بود که جنبش باید از شهر شروع و بعد به روستا منتقل شود. ولی گروه جنگل پیشنهاد آغاز مبارزه همزمان در شهر و روستا را می‌داد. سرانجام گروه احمدزاده نظریات گروه

<sup>33</sup> Typology

جنگل را پذیرفت و بدین ترتیب دو تیم جنگل و تیم شهر تشکیل گردید. رهبری تیم جنگل با علی اکبر صفایی بود و حمید اشرف، رهبری و مسئولیت تیم شهر را بر عهده داشت. (رهبری، ۱۳۸۴: ۲۹۱)

در اواسط سال ۴۹، صفایی به همراه چند تن دیگر در ارتفاعات سیاهکل مستقر شدند. طبق طرح گروه در تابستان ۱۳۵۰ که مسافری زیاد به شمال می‌روند، زمان مناسب برای اجرای عملیات تشخیص داده شد تا از لحاظ تبلیغی برد زیادی برای گروه داشته باشد و سرانجام به دلیل لو رفتن تیم شهر و دستگیری آنان توسط ساواک، عملیات حمله به پاسگاه سیاهکل روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ شامگاهان آغاز می‌شود. (خانی، ۱۳۷۴: ۶۹)

پس از درگیری نیروهای جنگل و نیروهای ژاندارمری، نهایتاً گروه جنگل شکست خورده و بدین ترتیب حمله مسلحانه چریک‌ها به شکست منجر می‌شود.

بدین سان سیاهکل در تاریخ معاصر ایران به صورت حادثه‌ای برجسته در آمد. نخست آنکه آسیب پذیری دولت را نشان داد و دوم اینکه نشانه‌ی آغاز یک رهیافت انقلابی نسبت به مبارزه سیاسی بود. (بروجردی، ۱۳۷۷: ۶۲)

همان طور که بیان شد، در بررسی مشی مسلحانه، علاوه بر گروه‌های چپ مارکسیستی و کمونیستی که مشی مبارزه مسلحانه را اتخاذ کردند، برخی جریان‌های مذهبی مانند حزب ملل اسلامی، گروه هیأت مؤتلفه اسلامی و... هم در اتخاذ مشی مسلحانه چراغ سبز نشان دادند.

بر این اساس یکی از گروه‌هایی که در ادامه، مشی مسلحانه را بعنوان روشی کارآمد جهت مبارزه بر می‌گزیند، اتحادیه کمونیست‌های ایران بود که تشریحاً بدان می‌پردازیم.

#### اتحادیه کمونیست‌های ایران

#### عناصر تشکیل دهنده اتحادیه

اتحادیه کمونیست‌های ایران در اواخر تابستان ۱۳۵۵ در پی اتحاد دو گروه کمونیستی «سازمان انقلابیون کمونیست» و گروه «پویا» بوجود آمد.<sup>۳۴</sup>

<sup>۳۴</sup> در برخی منابع در بیان عناصر تشکیل دهنده اتحادیه کمونیست‌ها از گروه "رزم خونین" هم نام برده شده است.



سازمان انقلابیون کمونیست در سال ۱۳۴۸ در یک محفل دانشجویی خارج از کشور تشکیل شد. این تشکل توانست ۵۰-۶۰ نفر دانشجوی ایرانی با ایدئولوژی مارکسیسم را به عضویت درآورد. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۰)

در حقیقت این سازمان از یک گروه مطالعاتی پدید آمده بود که عده‌ای از دانشجویان ایرانی با پیشینه‌ی فعالیت سیاسی در خارج از کشور در سال ۱۳۴۵ در برکلی تشکیل داده بودند. اعضای مؤسس آن پیشینه‌های متفاوتی داشتند، از جمله هواداران جبهه ملی، فعالان مسلمان سابق و برخی از روشنفکران. (احمدی حاجیکلاهی، ۱۳۸۷: ۳۳۰)

این گروه در سال ۱۳۴۹ مائونیست شدند و نشریه‌ای به نام «کمونیست» را منتشر کردند و به فعالیت در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی پرداختند.

کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم خارج، از گروه‌های مخالف شاه بودند که علیه آن رژیم فعالیت سیاسی فرهنگی می‌کردند. اما همان طور که بیان شد، در کنفدراسیون به خاطر وجود اندیشه‌ها و تفکرات مختلف، اختلاف پدید می‌آمد. در یکی از انشعابها، کنفدراسیون «حیاء» در آمریکا در سال ۱۳۵۴-۱۳۵۵ بوجود آمد که اتحادیه کمونیست‌ها، بیشتر از اعضای کنفدراسیون «حیاء» بودند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۱)

گروه کمونیستی دیگر، گروه پویا بود که شاکله‌ی اصلی آن از اعضای محفل گروه فلسطین بودند که پس از خروج از کشور در زمان طاغوت، مدتی در عراق و سپس در لبنان به فعالیت مشغول بودند و با ارتباط با گروهک سازمان انقلابیون کمونیست در تابستان ۵۵ عجمین شده و اتحادیه کمونیست‌های ایران را بنا کردند. بدین ترتیب با پیوستن بقایای گروه فلسطین به رهبری حسین تاجمیر ریاحی<sup>۳۵</sup> سازمان انقلابیون کمونیست، رسماً نام خود را به «اتحادیه کمونیست‌های ایران» تغییر داد و «حقیقت»<sup>۳۶</sup> را بعنوان نشریه اصلی و «کمونیست»<sup>۳۷</sup> را بعنوان نشریه تئوریک خود منتشر کرد.

#### ایدئولوژی اتحادیه کمونیست‌های ایران

ایدئولوژی اتحادیه کمونیست‌های ایران در ابتدای تأسیس «مارکسیسم-لنینیسم» همراه با نظریات مائو بود و از چین بعنوان انقلاب جهانی و از مائو بعنوان رهبر زحمتکشان و کارگران دفاع می‌نمود. لیکن با مرگ

<sup>۳۵</sup> حسین تاجمیر ریاحی معروف به "ناصر بزرگ" از اعضای گروه پویا بود که در ادامه رهبری اتحادیه کمونیست‌ها را بر عهده می‌گیرد.

<sup>۳۶</sup> نشریه حقیقت تا شماره ۱۶۱ منتشر گردید. ۲۵ شماره در خارج از کشور و بقیه در داخل.

<sup>۳۷</sup> نشریه کمونیست بیش از دو شماره منتشر نگردید.

مائو و تغییر در سیاست خارجی چین و انحراف در رهبری حزب کمونیست، اتحادیه از ذکر اندیشه‌های مائو پرهیز کرد ولی مشی جنگ مردمی او را تبلیغ میکرد. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۱)

در حقیقت اتحادیه در مورد ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم معتقد بود که جامعه ایران که در نتیجه‌ی یک تب و تاب دموکراتیک، انقلابی علیه سلطنت برپا کرد، نیازمند یک مرجع ایدئولوژیکی دموکراتیک و متکی بر اندیشه‌های پیش روی این عصر است. این اندیشه و مرجع، به نظر آنها، کمونیست‌ها و اندیشه‌های مارکسیسم-لنینیسم و در ادامه اندیشه‌های دموکراتیک نوینی بود که بتواند سکان کشتی جامعه را در کشاکش‌های بحرانی داخلی و خارجی به دست گیرد و به پیش براند. (خلیل پور، ۱۳۶۶: ۱۲)

#### مواضع اتحادیه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

مواضع اتحادیه در قبال مسائل مهم جامعه ایران و تحولات سیاسی عبارت بود از:

۱. رژیم شاه، رژیمی وابسته به امپریالیسم جهانی و نماینده اقشار و طبقات طفیلی در ایران (مالکین بزرگ، سرمایه داران وابسته، سرمایه داران بوروکرات) بود که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به قدرت رسیده و بعنوان ژاندارم آمریکا در منطقه‌ی خاورمیانه عمل می‌کرد.

۲. آمریکا به مثابه‌ی بزرگترین دشمن مردم ایران و جهان ارزیابی می‌گردید، که تنها راه نجات در برابر این جهانخوا، مبارزه‌ی مسلحانه قهرآمیز ملل ستمدیده‌ی جهان بود. در عین حال، اتحادیه، اروپای غربی و ژاپن را نیز با درجه کمتری از آمریکا، امپریالیست ارزیابی می‌کرد.

۳. شوروی، سوسیال امپریالیست است و در سطح جهانی همانند آمریکا عمل می‌نماید هر چند اتحادیه تأکید داشت که در مورد ایران، آمریکا دشمن اصلی و سپس شوروی می‌باشد. به اعتقاد اتحادیه، بعد از مرگ استالین، رهبری حزب کمونیست شوروی، با رهبری خروشچف به انحراف کشیده شد و بالاخره سرمایه داری در شوروی احیاء گردیده است.

۴. در مورد چین اتحادیه معتقد بود که چین تا قبل از مرگ مائو بعنوان یک پایگاه انقلابی جهانی به شمار می‌رفته است، اما با بروز انحرافات از اوایل سال ۵۰ به این سو، رهبری چین دچار ارتداد شد. این ارتداد با مرگ مائو و کودتای «تنگ شیائوپینگ» و «هواکوفنگ» به مرحله‌ی جدیدی وارد گردید، لذا چین توده-ای، از این پس بعنوان یک کشور «ویزیونیستی»<sup>۳۸</sup> و ضد انقلابی و همکار امپریالیسم آمریکا معرفی گشت.

<sup>38</sup>. Visionisty



۵. در مورد آلبانی، اتحادیه معتقد بود که آلبانی یک کشور اصیل سوسیالیستی است و این بیشتر به این خاطر بود که آلبانی دارای همان نظراتی در مورد شوروی و چین می‌باشد که اتحادیه کمونیست‌ها به آن معتقد بود.

۶. اتحادیه معتقد بود که قیام ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی (ره) نقطه عطفی در تاریخ مبارزاتی ایران بوده است و پایانی بر روش‌های مسالمت جویانه‌ی رهبران سنتی نهضت قلمداد می‌گردد. (نیاز آذری، ۱۳۷۳: ۱۵۶)

#### مواضع اتحادیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اتحادیه کمونیست‌های ایران همانند غالب گروه‌ها و گرایش‌هایی که در زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی و اندکی پس از آن به ایران می‌آمدند و مبارزه با رژیم شاه را در دستور کار خود قرار می‌دادند و حتی بعضاً داعیه‌ی رهبری و هدایت انقلاب را داشتند، به ایران آمدند و به «اتحادیه کمونیست‌های داخل» معروف شدند.

اتحادیه پس از ورود خود به کشور، به دنبال چند برابر شدن فعالیت گروه‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با سازماندهی کادر و نیروهای خود و انجام فعالیت‌های تبلیغاتی، سعی داشت تا در میان مردم و به اصطلاح «توده خلق» نفوذ کرده و جای پای باز کند.

اتحادیه کمونیست‌ها اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مواضع نسبتاً ملایمی در رابطه با انقلاب اسلامی، مسائل سیاسی و ارگانهای پدید آمده از آن داشت.

اتحادیه کمونیست‌ها معتقد بود نظام جمهوری اسلامی یک دست و یکپارچه نیست و لذا نمیتوان موضع یکسانی در مقابل همه جریانهای آن اتخاذ کرد اما در مجموع نظام جمهوری اسلامی را یک رژیم ضد آمریکایی دانست که باید از آن حمایت کرد. در جریان تسخیر لانه جاسوسی آمریکا هنگامی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۵۸ لانه جاسوسی آمریکا را در ایران تسخیر کردند، اتحادیه کمونیست‌ها از آن حمایت کرد.

زمانی که رژیم عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد و جنگی بزرگ را علیه نظام اسلامی به راه انداخت، اتحادیه نیز برخی از اعضای خود را برای دفاع به جبهه فرستاد که تعدادی از آنها کشته شدند. هر چند تشکیلات از این موقعیت برای انسجام بیشتر نیروهای خود و نفوذ در نهادهایی چون سپاه و بسیج و

انجمن اسلامی شهرهای جنگی بهره جست و حتی اقدام به جمع آوری سلاح نمود ولی به طور کلی نظام جمهوری اسلامی را تأیید می‌کرد. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۴)

به دنبال روشن شدن صف بندی نیروهای ضد انقلاب و انقلابی و جریان ائتلاف جبهه‌ی ضد انقلاب علیه یاران امام، به ویژه حزب جمهوری اسلامی، اتحادیه معتقد بود باید از رئیس جمهور بنی صدر حمایت کرد. در حقیقت اتحادیه کمونیست‌ها بر این باور بودند که امام خمینی (ره) و نیروهای حامی او با به اجرا گذاشتن یک کودتا، خواستار یک دست نمودن و تصفیه‌ی درونی حکومت از طریق بیرون راندن عناصری چون بنی صدر و سرکوب توده‌ها مخصوصاً دگران‌دیشان چپ گرا هستند. لذا با ضد خلق و ارتجاعی خواندن جبهه امام در کنار تشکل سیاسی چون مجاهدین خلق (منافقین)، کومله، فدائیان خلق و... قرار گرفتند.

اتحادیه کمونیست‌ها علل و عواملی را که در رابطه با مسأله ارتجاعی بودن حکومت اسلامی بر می‌شمارد بدین شرح بود:

۱. جریان دستگیری قطب زاده پس از سخنرانی در قم و طرفداری بنی صدر از او

۲. مسأله گروگانها که اتحادیه با آزادی آنها مخالف بود

۳. انقلاب فرهنگی

۴. عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری و وقایع ۳۰ خرداد ۱۳۶۰. (خلیل پور، ۱۳۶۶: ۱۸)

اتحادیه کمونیست‌ها نیز هم چون دیگر گروه‌های ضد انقلاب تصور می‌کرد که در اختلاف موجود بین بنی صدر و یاران امام، مردم طرفدار بنی صدر هستند و مردم او را می‌خواهند. بنابراین می‌گفتند که در این شرایط ما باید لیاقت خود را در همراهی با مردم نشان دهیم و از بنی صدر و مخالفان خط امام دفاع کنیم. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۶)

برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا توسط حضرت امام «ره» و تصویب طرح عدم کفایت سیاسی توسط مجلس شورای اسلامی و اتفاقات ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ همگی تبدیل به نقطه عطفی از تنش میان جمهوری اسلامی و ضد انقلابیون داخلی شد.<sup>۳۹</sup>

<sup>۳۹</sup> . در راستای حمایت گروه از بنی صدر، با عزل او از ریاست جمهوری، اتحادیه اعلام که او کماکان رئیس جمهور قانونی کشور بوده و این عزل در واقع اقدامی کودتاگرانه است. لذا با نیروهای اندک خود در تظاهرات علیه این اقدام شرکت کرد و



از همین زمان بود که اتحادیه کمونیست‌ها به این نتیجه رسید که نظام بصورت یک دست در آمده است و با این دلیل که با وجود جریان لیبرال در دولت، نظام دچار انحراف گردیده و با جدایی تدریجی از مردم به بیگانگان مرتبط خواهد شد و بیگانگان نیز جز اختناق و استبداد چیز دیگری برای ملت به ارمغان نخواهند آورد. بر این اساس رهبری و اعضای اتحادیه تصمیم به «قیام مسلحانه فوری»، آگاه سازی مردم از این انحراف و دعوت مردم به قیام علیه نظام گرفتند.

بدین ترتیب اتحادیه کمونیست‌ها با نهادینه ساختن مشی مسلحانه و ایده‌ی قیام مسلحانه توده‌ای از یک سو و البته محاسبات غلط و نادرست از سوی دیگر به جنگل‌های شمال ایران پناه برده و با سازماندهی گروهی به نام "سریداران"<sup>۱۰</sup> به برخی عملیاتهای ضد انقلابی دست زد که مهم‌ترین آن حمله ننگین به شهر آمل در پنجم بهمن ماه سال ۱۳۶۰ بود که البته با بصیرت و استقامت مردم تبدیل به حماسه اسلامی ششم بهمن مردم آمل شد.

اتحادیه در راستای تسریع در به راه انداختن شورش مسلحانه و دعوت مردم به یک قیام و انقلاب علیه جمهوری اسلامی به مکان یابی و انتخاب نقطه مناسب جهت اجرای برنامه‌هایش پرداخت. قاعدتاً شهری مانند تهران که مرکز سیاسی کشور است و به طور مستقیم تأثیر می پذیرد می‌توانست بهترین گزینه باشد ولی ضمن ارزیابی به این نتیجه رسیدند که در تهران هیچ گونه شانس موفقیت ندارند.

بدین ترتیب اتحادیه با ذهنیتی که از جنگ‌های چریکی و دهقانی داشت، جنگل و شهر آمل را برای قیام فوری مناسب یافت. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۱)

#### اهداف اتحادیه کمونیست‌های ایران در حمله به آمل

۱. تصرف یک شهر مهم و توسعه‌ی عملیات‌های بعدی
۲. جلب نظر افکار عمومی و گروه‌های سیاسی داخل کشور
۳. حفظ حضور سیاسی خود در عرصه سیاسی کشور

از حرکت سازمان مجاهدین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ پشتیبانی و نیز از تشکیل شورای مقاومت ملی حمایت به عمل آورد. (احمدی روحانی، حسین (۱۳۸۴)، سازمان مجاهدین خلق، مرکز اسناد انقلاب اسلامی)  
<sup>۱۰</sup> گروهی متشکل از اتحادیه کمونیست‌های ایران که با همکاری اعضا و هواداران منافقین، چریکهای فدایی خلق، طوفان و... در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ به شهر آمل حمله کردند.

۴. قوی تر نشان دادن خود در مقایسه با دیگر گروه‌های سیاسی

۵. فراهم کردن زمینه برای جلب حمایت خارجی

۶. تقویت جبهه هواداران

۷. ایجاد رعب و دلهره در نیروهای هوادار نظام. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۴۵)

#### دلایل انتخاب شهر آمل

۱. وجود جنگل آمل در دو سوی جاده هراز

۲. پستی و بلندیهای فراوان برای پنهان شدن

۳. دسترسی به آب رودخانه هراز

۴. وجود خوراکی‌های درختی و زمینی

۵. استفاده از چوپانان و دیگر عناصر بومی چون رانندگان معدن برای راهنمایی و خبرگیری

۶. بستن جاده هراز و انجام کارهای تبلیغاتی

۷. آمل بعنوان مدخل ورودی گلوگاه استان مازندران

۸. داشتن کمترین فاصله با تهران

علاوه بر موارد فوق باید گفت که اساساً در دو سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهرهای شمالی کشور شاهد فعالیت زیاد کمونیست‌ها و چپی‌ها بود و گروه‌های مختلف به راحتی دست به تبلیغات سیاسی می‌زدند. البته شرایط مساعد برای فعالیت کمونیست‌ها بدون زمینه نبود.

حزب توده ایران که پس از کناره‌گیری رضاشاه و آزادی زندانیان سیاسی «کم‌خطر» شکل گرفت، بعنوان اولین حزب مارکسیستی در ایران، ابتدا فعالیت خود را در شمال آغاز کرد و تنها در نواحی جنگلی و روستایی ساحل خزر بود که حزب مشکل‌چندانی برای فعالیت خود نداشت. (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۳۴۷)

همسایگی استان‌های شمالی ایران با کشور شوروی سابق، بعنوان قطب اصلی کمونیسم جهانی یکی از دلایل اصلی فعالیت گروه‌های کمونیستی در استانهای شمالی بود و سرانجام الگوگیری از تجربه‌ی سیاهکل بعنوان



یک مدل آرمانی و غرور آفرین برای چپی‌ها، همگی در فراهم آوردن بستر مناسب برای کمونیست‌ها در شهرهای شمالی کشور می‌توانست دخیل باشد. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۳)

#### اتحادیه کمونیست‌های ایران و واقعه ششم بهمن آمل<sup>۴۱</sup>

در رهبری اتحادیه کمونیست‌ها در رابطه با چگونگی برنامه اختلاف نظر بود. در مرحله اول قرار بود به طور همزمان در دو منطقه آمل و تهران عملیات نظامی انجام گیرد. بعد از مدتی به این نتیجه رسیدند که امکانات لازم برای این اقدامات را ندارند و لذا بنا شد به جنگل رفته و پس از سازماندهی به شهر آمل حمله کنند. بر اساس تحلیل گروه، مردم همه مخالف رژیم هستند و چنان که نیرویی قیام را آغاز کند، مردم به آن ملحق خواهند شد و پس از این حرکت و پیروزی در آمل، شهرهای دیگر نیز به ما خواهند پیوست.

حرکت نظامی اتحادیه در جنگل به سه دوره تقسیم می‌شود:

\* دوره اول: سازماندهی و تدارک برای حمله به شهر از اوایل مهرماه تا ۱۸ آبان ۱۳۶۰ که قرار بود در روز ۱۸ آبان به شهر حمله شود. اما بعلت درگیری که در ابتدای جنگل پیش آمد و منجر به بسته شدن جاده هراز گردید، این طرح ناکام ماند و با حمله‌ای که از سوی نیروهای انقلاب اسلامی در ۲۲ آبان ماه به نیروهای اتحادیه مستقر در جنگل شد، مسأله قیام فوری که اتحادیه آن را قبلاً مطرح کرده بود منتفی اعلام گردید و جنگ طولانی را پیشنهاد کرد.

\* دوره دوم: در مرحله دوم حرکت نظامی اتحادیه، جنگ درازمدت مطرح گردید و بحث پیرامون آن تا آذرماه طول کشید. اما با درگیری دیگری که پیش آمد، به این نتیجه رسید که این طرح نیز نمی‌تواند موفق باشد، زیرا که هیچ امکانی جهت تهیه امکانات از دست رفته ندارند.

\* دوره سوم: پس از شکست طرح‌های قبلی<sup>۴۲</sup> که باعث تضعیف و یأس گروه گردید اختلافات داخلی نیز پدیدار شد. گروهی بر این عقیده بودند که می‌بایست جنگل را ترک کرده و جمعی دیگر عقیده داشتند که

<sup>۴۱</sup>. اتحادیه در پی گشودن جبهه سومی بر علیه جمهوری اسلامی بود. جبهه اول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود که بخش عمده‌ای از امکانات و نیروهای نظام را به خود مشغول داشته بود، جبهه دوم مبارزات کردها و گروه‌ها بود و سرانجام جبهه سوم در جنگل بود که به تز جبهه سوم معروف بود.

<sup>۴۲</sup>. اتحادیه در چند مرحله قبل از عملیات ششم بهمن، اقدامات و حملاتی را انجام داد که با شکست مواجه شد. از جمله آنها عملیات ۱۸ آبان، ۲۲ آبان، ۲۴ آبان، ۳۰ آذر و ۱۳ دی بود.

باید به شهر حمله شود و این چنین استدلال می‌کردند که این حمله می‌تواند سه احتمال را در برداشته باشد. اول اینکه مردم بلافاصله پس از حمله به آنها ملحق می‌شوند که در این صورت می‌توانستند طبق تحلیل گذشته «جنگ مسلحانه توده‌ای» کار را ادامه دهند و دوم اینکه بخش‌هایی از مردم مثلاً جوانان از این اقدام حمایت می‌کنند و آن وقت جنگ تبدیل به جنگ شهری می‌شود که در صورت عدم حمایت توده‌ی مردم عقب‌نشینی می‌کنند و سومین احتمال این بود که پس از حمله، هیچ قشری از مردم از این حرکت پشتیبانی نکنند، که در این صورت نیز لازم بود که به جنگل بازگردند تا فرصت مناسب پیش آید. (احمدی حاجیکلاهی، ۱۳۸۷: ۴۵۹-۴۵۸)

اتحادیه پس از این تحلیل به این نتیجه رسیدند که مردم ناراضی هستند و از آنان بعنوان ناجی استقبال می‌کنند. با این ارزیابی اعضای ۱۱۰ نفره اتحادیه کمونیست که در میان آنها سه زن در تیم پزشکی وجود داشت، از جنگل راهی شهر آمل شدند. آنها پس از چند روز پیاده روی در هوای سرد بهمن ماه، چهارم بهمن وارد آمل شدند ولی به دلیل خستگی زیاد تصمیم گرفتند یک روز استراحت کنند، سپس حمله نمایند. اعضای اتحادیه کمونیست در خانه مادری سپرغمی «بل محمد» استراحت کرده و پس از سازماندهی نیروها در ۵ تیم که هر کدام ۲۰ نفر بودند تحت عنوان «گروه سربداران» حمله را آغاز کردند.

چارت سازماندهی آنها بدین نحو بود :

- تیم اول؛ به فرماندهی کاک محمد، مأمور حمله به سپاه
- تیم دوم؛ به فرماندهی حسین ریاحی، با هدف حمله به بسیج
- تیم سوم؛ به فرماندهی کاک اسماعیل، با هدف حمله به دادگاه انقلاب
- تیم چهارم؛ به فرماندهی مراد، با هدف بستن جاده هراز در مدخل شهر
- تیم پنجم؛ به فرماندهی کاک رشید، با هدف تصرف محله‌ی اسپه کلا و دعوت مردم به قیام. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۴۶)



ساعت ۲۳:۴۵ دقیقه دوشنبه شب، مطابق با پنجم بهمن ۱۳۶۰، اعضای اتحادیه با نام «سربداران جنگل» در پوشش لباس‌های نظامی مرسوم سپاه<sup>۴۳</sup> تحت عنوان عملیات «اسب تروا»<sup>۴۴</sup> حمله خود را به شهر آمل آغاز کردند. با شروع عملیات و به شهادت رساندن بسیجی‌هایی که همانند شیهای گذشته مأموریت داشتند تا شعارهایی<sup>۴۵</sup> را که ضد انقلابی‌های منطقه بر در و دیوار نوشته بودند، پاکسازی کنند<sup>۴۶</sup>، درگیری‌ها تا ساعت ۴ صبح ادامه داشت. توضیح مهمی ماجرا از حوصله‌ی این مقاله خارج است ولی به ذکر چند خط اکتفا می‌شود.

پس از آنکه برادر میرزا محمدی فرمانده قرارگاه حضرت ابوالفضل (ع) در چالوس و برادر نیاز معاون اطلاعات و برادر بهنام معاون عملیات به طرف آمل به راه افتادند و از شهرهای دیگری چون بابلسر، بابل، محمودآباد، لاریجان، افراد سپاه و بسیج را به سمت آمل حرکت دادند، تحت فرماندهی قرارگاه حضرت ابوالفضل (ع) دفاع از شهر آغاز شد و پس از ساختن سنگرهای متعدد و کمک اقشار مختلف مردم، دشمن بر خلاف ارزیابی‌های خود شکست خورد. (حماسه اسلامی مردم آمل، ۱۳۷۴: ۱۵۴)

در نهایت با هدایت نیروهای نظامی و انتظامی و فداکاری و همدلی مردم، پاکسازی منطقه آغاز شده و در عصر روز چهارشنبه ۶۰/۱۱/۷ شهر آمل آرام شد و پس از این واقعه شهر آمل به نام شهر «هزار سنگر»<sup>۴۷</sup>

<sup>۴۳</sup> . بنی صدر در زمان ریاست جمهوری خود به یکی از کارخانه‌های آمل که لباس فرم سپاه را تولید می‌کرد دستور کتبی داد تا چهارصد لباس به دارنده نامه آن بدهند. (ناگفته‌های حادثه آمل از زبان فرمانده سپاه آمل در سال ۶۰: سایت Khamenei.ir)

<sup>۴۴</sup> . به جنگی در یونان باستان اشاره دارد که وقتی یونانیان با مقاومت اهالی تروا روبه رو شدند، یک اسب بزرگ چوبی ساختند و گروهی از سربازان خود را در آن جای دادند و اسب چوبی را به پادشاه تروا هدیه داده‌اند. پس از جشن و پایکوبی، وقتی اهالی به خواب رفتند سربازانی که در اسب چوبی قرار گرفته بودند از آن خارج شد و دروازه‌های شهر را به روی مهاجمان گشودند و با این حيله جنگی، شهر مقاوم تروا را فتح کردند.

<sup>۴۵</sup> . از جمله شعارها می‌توان به شعار «نان، مسکن، آزادی» اشاره کرد.

<sup>۴۶</sup> . فرمانده دسته در آن شب شهید «جعفر هندویی» بود.

<sup>۴۷</sup> . زمانی که مسئولان شهر آمل جهت ارائه گزارش وقایع ۶ بهمن به محضر امام رسیدند، نماینده آن زمان در شهر آمل، خلال گزارش گفت که آمل به یکباره به شهر هزارسنگر تبدیل شد. از آن زمان به بعد این نام برای آمل ماندگار شد.

معروف شد. در این حماسه‌ی جاودان، مردم شهر آمل، چهل شهید گرانقدر را تقدیم انقلاب اسلامی کردند.<sup>۱۸</sup>

#### نتیجه گیری

سالهای حکومت پهلوی بویژه میان سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، سالهای دگرگونی عمیق و سریعی بوده است که محققان از آن بعنوان «دوران گذار» نام برده‌اند. هر چه دگرگونی‌ها و حساسیت‌ها وسیع‌تر می‌شود، نیروها و گرایش‌های بیشتر و پیچیده‌تری پا به عرصه گذاشته و حتی سبب کنار رفتن نیروها و گرایش‌های دیگری می‌گردند. با وجود تولد گرایش‌های جدید متأثر از مکاتب مختلف از قبیل اسلام، مارکسیسم، التقاطی و... تلاش رژیم در جهت تطمیع یا در نهایت سرکوب آنها، هرگز این گرایش‌ها نتوانستند خود را متناسب با ساختار حاکم سازند. از این رو به جای همگونی، به ساختار ستیزی روی آورده تا خود، ساخت جدیدی را جایگزین سازند. بدین سان گرایش‌ها، گروهک‌ها و مشی‌های گوناگون بوجود آمدند که از جمله آن گرایش مارکسیسم - لنینیسم و در ادامه اتحادیه کمونیست‌ها و اتخاذ مشی مسلحانه می‌باشد، که از یک جهت مرکز ثقل آنها در واقعه ششم بهمن آن بود. حماسه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ مردم آمل را باید نقطه‌ی عطفی در تاریخ پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی ایران نامید که با مقاومت مردم، اجرای طرح‌های کمونیستی، پس از ناکام ماندن در تهران، در آمل نیز ناکام ماند و در حقیقت باعث تقویت و تثبیت نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران شد. خلق این حماسه سبب شد تا گروه‌های معارض از حصول نتیجه سیاسی در آمل برای برخورد با نظام، تغییر برداشت دهند. اگرچه پس از پخش خبر مقاومت مردم آمل در دفاع از نظام سیاسی کشور و شکست کمونیست‌ها، به نظر می‌رسید دستگاه‌های خبر رسانی که تحت نفوذ یا متأثر از مواضع نیروهای ضد انقلاب و سلطنت طلب بودند، تلاش می‌کردند تحلیل دیگری از این حرکت را ارائه نمایند، ولی ماهیت مقاومت مردم آمل در مقابل نیروهای ضد انقلاب، مؤید حمایت مردم از نظام سیاسی کشور بود. بی‌جهت نیست که رهبری انقلاب اسلامی در وصیت نامه خود تنها شهری را که از آن یاد می‌کند شهر آمل و مردم آن شهر است. ایشان فرمودند: «ما باید تشکر کنیم از شهر آمل و آن مردم فداکار که مع الأسف، عده ای شهید هم دادند، لکن خوب این مطلب را ثابت کردند که آنجایی که شما تمام

<sup>۱۸</sup> . تعداد شهدای آمل در این واقعه، مصداق آیه «وَ وَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَنَّاهَا بَعْشَرَ...» بود و «ما به موسی سی شب وعده دادیم و چون پایان یافت ده شب دیگر را به آن افزودیم تا آنکه زمان وعده به چهل شب کامل شد...» سوره اعراف ، آیه ۱۴۲.



آمالتان به آنجا بود با شما مخالفند؛ حالا شما می خواهید بیاید قم؟ می خواهید بیاید تهران؟ جاهای دیگر؟» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۳)

در پایان بعنوان نتیجه بحث می توان علت شکست اتحادیه کمونیست ایران و ناکام ماندن عملیات حمله به شهر آمل را در گزاره های ذیل مطرح کرد:

\* رفتار شتابزده اتحادیه کمونیست، که نه تنها بر اصول مارکسیسم، بلکه به اصول تحریف شده مارکسیست های وطنی هم توجه نداشت و حرکت آن اساساً مبتنی بر جاه طلبی گروهی بود.

\* تحلیل نادرست از ماهیت جمهوری اسلامی ایران و دیکتاتوری دانستن آن. (کردی، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۰)

\* بی تجربگی و تحلیل احساسی اتحادیه کمونیست ها از شرایط کشور

\* بصیرت، هوشمندی و حضور مردم آمل و مقاومت مردمی آنان در برابر دشمن

\* عدم اقبال عمومی و نداشتن پایگاه مردمی

کردی دفاع از خود و از دین و کشورت      راضی شه از تو، خاطر پر مهر رهبرت

نام تو را امام به دفتر نوشته است      نام تو ثبت در دفتر تاریخ گشته است

آباد باش زانکه شدی لایق درود      آزاد باش زانکه خمینی تو را ستود

## منابع

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۸)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
۲. احمدی روحانی، حسین (۱۳۸۴)، *سازمان مجاهدین خلق*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. احمدی حاجیکلاهی، حمید (۱۳۸۷)، *جریان شناسی چپ در ایران*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. برجودی، مهرداد (۱۳۸۷)، *روشنفکران ایرانی و غرب*، ترجمه جمشید شیرزادی، تهران: فرزانه.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۵)، *جریانات و سازمانهای مذهبی سیاسی ایران*، قم: نشر مؤلف.
۶. خانی، مهدی (۱۳۷۴)، *مقاومت اسلامی مردم هزار سنگر آمل*، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های ارتش بیست میلیونی.
۷. خلیل پور، خلیل (۱۳۶۶)، *اتحادیه کمونیست‌های ایران*، بی‌جا، بی‌نا، چاپ اول.
۸. رهبری، مهدی (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه شناسی انقلاب اسلامی ایران*، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.
۹. رهگذر، سیمین (۱۳۸۵)، *شهر هزار سنگر*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. زیباکلام، صادق (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات روزنه.
۱۱. کردی، علی (۱۳۸۶)، *اسناد اتحادیه کمونیست ایران در واقعه آمل*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. نیازآذری، کیومرث (۱۳۷۳)، «بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران»، کتابچه مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین سمینار علمی حماسه اسلامی مردم آمل، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۱۳. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، *حماسه اسلامی مردم آمل*، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۱۴. صحیفه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. ناگفته‌های حادثه آمل از زبان فرمانده سپاه آمل در سال ۶۰، سایت Khamenei.ir



بررسی میزان تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر دفاع شهری، با تکیه بر حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰  
آمل

داود شالیکار

چکیده

با توجه به تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر دفاع شهری آمل در حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰، هدف پژوهش حاضر رد یا اثبات این نظریه است که آیا بین دو عامل فرهنگی و اجتماعی با دفاع شهری آمل رابطه وجود دارد یا خیر و در صورت وجود رابطه، میزان این تاثیر را اندازه گیری نموده و با تکیه بر دو عامل فرهنگی و اجتماعی، تقویت وحدت ملی، دفاع ملی و مقابله با تهدیدات را موجب گردد. این پژوهش که بر روی سه گروه از جامعه شهری و روستایی آمل شامل نظامیان، بسیجیان و مردم عادی انجام گرفت، نشان داد:

بین عوامل فرهنگی و دفاع شهری رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. نتیجه آزمون رگرسیون بیانگر آن است که بین عوامل فرهنگی و دفاع شهری ۳۵٪ همبستگی وجود دارد. دیگر آنکه بین عوامل اجتماعی و دفاع شهری رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. نتیجه آزمون رگرسیون بیانگر آن است که بین عوامل اجتماعی و دفاع شهری ۴۶٪ همبستگی وجود دارد. همچنین تاثیر عوامل اجتماعی در دفاع شهری بیشتر از عوامل فرهنگی است.

واژه های کلیدی: عوامل فرهنگی و اجتماعی، دفاع شهری، آمل، تهدیدات داخلی و خارجی

مساله

حوادثی چون واقعه صحرای طبس، کودتای نوژه، غائله استان های کردستان، آذربایجان، خوزستان، گنبد، جنگ تحمیلی ۸ ساله و بالاخره حادثه ششم بهمن آمل از جمله حوادثی هستند که به تنهایی می توانست برای برهم زدن یک نظام سیاسی کافی باشد.

نظریه پردازان فرهنگی و اجتماعی بر این باورند که، هر قدر افراد بتوانند اجتماعی شوند و دارای فرم مشترک باشند، به همان اندازه دارای وحدت هستند و از طرفی می گویند، فرهنگ فیلتری است که هرگونه اطلاعات پس از عبور از آن به ما می رسد و دارای سه عنصر عمومی (وجه مشترک فرهنگ ها)، تخصصی (جنبه های تخصصی فرهنگ و خرده فرهنگ ها) و عنصر اختراعی (آن چیزی که ما به فرهنگ

اضافه می‌کنیم و منظور بسط و توسعه فرهنگ است) و هر قدر عنصر اختراعی فرهنگ بیشتر باشد به همان اندازه وحدت مردم نیز در مقابل پدیده‌ها بیشتر می‌شود و به بیان دیگر، مردم دارای جناح‌گیری مشترک در خصوص پدیده می‌شوند (میر سپاسی و همکاران، ۱۳۷۵)

با توجه به تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر دفاع شهری آمل در حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰، پژوهش حاضر در نظر دارد، میزان این تاثیر را اندازه‌گیری نموده و با تکیه بر دو عامل فرهنگی و اجتماعی، تقویت وحدت ملی، دفاع ملی و مقابله با تهدیدات را موجب گردد.

#### اهداف

- ۱- شناخت عوامل فرهنگی موثر بر دفاع شهری
- ۲- شناخت عوامل اجتماعی موثر بر دفاع شهری
- ۳- تاثیر هر یک از عوامل فرهنگی و اجتماعی بر دفاع شهری
- ۴- شناخت نگرش‌های مورد مطالعه در خصوص میزان تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر دفاع شهری

#### سئوالات

- ۱- آیا بین عوامل فرهنگی و دفاع شهری در حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۲- آیا بین عوامل اجتماعی و دفاع شهری در حادثه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۳- تاثیر کدامیک از عوامل فرهنگی و اجتماعی در دفاع شهری بیشتر است؟
- ۴- آیا متغیرهای مستقل عوامل فرهنگی و اجتماعی به طور همزمان می‌توانند متغیر وابسته دفاع شهری را به صورت معنی‌دار تبیین کنند؟
- ۵- آیا بین نگرش سه گروه نمونه مورد مطالعه (نظامیان، بسیجیان و مردم عادی) در خصوص تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر دفاع شهری تفاوتی وجود دارد؟

#### تعریف مفاهیم



تعریف نظری دفاع شهری (کوی و برزن): عبارتست از یک سری اقداماتی که به منظور کشف و خنثی نمودن و جلوگیری از پیشروی دشمن (داخلی و خارجی) و بیرون راندن و انهدام او که توسط نیروهای مردمی سازمان داده شده انجام می گیرد. (دافوس، ۱۳۷۵)

تعریف عملیاتی دفاع شهری: منظور از دفاع شهری در این تحقیق عبارتست از دفاع همه جانبه مردم در مقابل دشمن که بداخل شهر نفوذ کرده و بیرون راندن دشمن از سطح شهر و روستاهای آمل

تعریف عوامل فرهنگی: فرهنگ عبارتست از مجموعه ای از باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و ارزش های مشترک یک جامعه (میر سیاسی، ۱۳۷۵)

تعریف عوامل اجتماعی: اجتماع عبارتست از مجموعه گروه های انسانی که برای رسیدن به هدفهای مشترک با یکدیگر در تعامل اند، عوامل اجتماعی عبارتند از طبقات اجتماعی مردم از نظر مالی، تحصیلات، موقعیت و شرایط زندگی و غیره (رابینز، نقل از کبیری، ۱۳۶۹)

#### تهدیدات

تهدیدات بطور کلی به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می شود، گرچه این دو به کلی از یکدیگر جدا نیستند و در بسیاری از موارد، تهدیدات داخلی از خارج ریشه می گیرد و گاهی نیز مسائل و مشکلات داخلی باعث می شود تا دشمنان و رقبای خارجی تحریک شده و امنیت کشور را تهدید نمایند.

نظام های سیاسی علاوه بر تهدیداتی که از خارج کشور متوجه آنهاست، در داخل نیز با مبارزه طلبی هایی روبرو هستند و در صورت نداشتن توانایی لازم برای مقابله با آنها با خطراتی روبرو می شوند که شاید به از دست دادن امنیت ملی آنها بیانجامد. بر همین اساس امنیت داخلی یکی از ابعاد با اهمیت امنیت ملی کشورها به شمار می آید.

مهمترین تهدید کنندگان داخلی امنیت ملی نظام های سیاسی عبارتند از:

#### گروه های سیاسی معاند و محارب

گوناگونی و تعدد احزاب و جریانهای سیاسی در هر جامعه ای نه تنها امری طبیعی است، بلکه می تواند به عنوان عاملی تقویت کننده ارزیابی شود. اما باید توجه داشت این نکته در صورتی درست است که احزاب و جریانهای سیاسی مشروعیت نظام را پذیرفته باشند و در چارچوب آن به فعالیت بپردازند. اگر جز

این باشد، به این معنا که آنها در اساس با چارچوب کلی نظام سیاسی حاکم و اهداف و ارزش های آن مخالف و در پی براندازی باشند، این گروه ها عامل تهدید کننده امنیت ملی بشمار می روند.

#### گروه های قومی

کشوری که متشکل از اقوام گوناگون است همواره با تهدید قومی روبرو می باشد. نوع برخورد قوم حاکم با دیگر اقوام، میزان مشروعیت نظام در نزد اقوام گوناگون کشور، خاطره و گذشته تاریخی اقوام، وابستگی اقوام به همسایگان و یا قدرتهای خارجی دیگر، انسجام درونی یک قوم، چگونگی توزیع و ترکیب جمعیتی و سرانجام موقعیت جغرافیایی و پراکندگی یک قوم در میزان تهدید کنندگی آن موثر است.

#### اقلیت های دینی

اقلیت های دینی کم و بیش وضعی مشابه اقلیت های قومی دارند، با این تفاوت که اینها بیشتر رژیم حاکم نه تمامیت ارضی آن را در معرض خطر قرار می دهند.

#### قدرتمندان اقتصادی

با توجه به اینکه روز بروز بر اهمیت نقش اقتصاد در امنیت ملی کشورها افزوده می شود، این اصل پذیرفته شده ای است که صاحبان قدرت اقتصادی به میزان توانمندی های اقتصادی خود خواهان کسب قدرت سیاسی هستند. در جوامعی که میدان تاخت و تاز این قدرتها فراهم باشد و دولت مرکزی توانایی اداره و کنترل آنها را نداشته باشد، این عده می توانند به راحتی در مقدرات کشور از جمله امنیت ملی تاثیر بگذارند.

#### نیروهای مسلح

چون ابزار نظامی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تهدید کننده فیزیکی و بقای کشور در دست نظامیان و نیروهای مسلح قرار دارد، اینها نیز از منابع عمده تهدیدات داخلی به شمار می آیند. نیروهای مسلح بویژه در مواقع بحرانی و شرایط اضطراری به شدت تهدید آفرین هستند و این مشهور است که نیروهای مسلح بهترین دارو برای درمان اوضاع بحرانی کشور را انجام کودتا می دانند. البته موقعیت و توانایی های نیروهای مسلح در هر کشور و نیز ساختار حکومتی، در میزان تهدید کنندگی نیروهای مسلح تاثیر شگرفی



دارد و بسته به اینکه نیروهای مسلح با کشورهای بیگانه در ارتباط باشند یا نه، خطر آفرینی آنها قابل ارزیابی است.

#### اشرار

علاوه بر منابعی که ذکر شد، گاهی امنیت داخلی کشور از سوی افراد و گروه‌هایی تهدید می‌شود که می‌توان از آنها با نام اشرار یاد کرد، انگیزه این افراد می‌تواند سیاسی، قومی، نژادی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد. اگر این پدیده از پیوستگی برخوردار باشد به عامل تهدید کننده امنیت ملی تبدیل می‌شود. راهزنی‌های مسلحانه، ناامن کردن راه‌های مواصلاتی، قتل و غارت، حمله به پاسگاه‌های دور افتاده از جمله اقدامات اشرار است.

#### زمینه‌های وقوع شورش در شمال کشور

##### ایدئولوژی و انگیزه

اگر نگوئیم مهمترین عامل، بلکه آن را می‌توان تعیین کننده ترین عامل شورش دانست. ایدئولوژی مارکسیسم در واکنش به شرایط جهانی موجود یعنی انباشت سرمایه و سرمایه‌داری برخاست و استعمار را که نمود متداول سرمایه‌داری بود، به مبارزه طلبید. گرچه خود نوعی استعمار جدید به ارمان آورد، اما جنبه‌هایی از آن در اقشار خاصی بویژه در برخی اجتماعات علمی مترقیانه پنداشته شد.

سه عامل زیر مهمترین مسائلی است که ایدئولوژی سازمان شورشگر را به یک بستر شورشی مبدل ساخت که عبارتند از:

الف - بدنبال یک راه حل قاطع و قطعی برای حل مشکلات اجتماعی کشور از جمله حل مشکل اقتصادی

ب- مبارزه با اقدامات سیاسی دولت موقت که مواضع محافظه کارانه دولت موقت در سیاست خارجی و ورود عناصر لیبرال در دولت سازمان شورش را بر آن داشت تا وسیله‌ای برای مبارزه استفاده نماید.

ج- ابراز وفاداری از سوی اقشار خاص، بویژه گروه‌هایی از جوانان و نوجوانان (دانش‌آموزان و دانشجویان) سازمان را بر آن داشت با چرخش مواضع ایدئولوژیک و تبدیل آنها به مواضع صرف سیاسی وفاداری اعضا را تحکیم بخشد.

رهبری سازمان

با توجه به اینکه سازمان عموماً در خارج از کشور شکل گرفت، افراد سازمان در برخورد با دیگر مبارزین و مشارکت در مبارزات ضد سلطنتی و آشنایی با دیگر انقلابات از توانمندی رهبری و تشکیلاتی قابل توجهی جهت فعالیت در محیط داخلی کشور برخوردار شدند.

سابق مبارزاتی و آموزشی برخی از رهبران سازمان شورش، در فلسطین و لبنان و ارتباط آنان با سازمان الفتح در جنوب لبنان اسطوره گرایی هواداران و برخی از کادرهای سازمان شورش شخصیتی کاریزماتیک به برخی از رهبران شورش داد. اندیشه شخصی رهبران در هدایت سازمان به سوی قیام مسلحانه و مبارزه با انقلاب اسلامی منبعث از ماهیت ایدئولوژیکی ماکسیست - لنینیستی، توانمندی شخصی و فداری اعضا و آموزشها از تجربیات پیروز انقلابهای خارجی بویژه مارکسیستی در محیط بین المللی است.

امید به پیروزی قطعی در نبرد سرنوشت ساز

سازمان شورش معتقد بود که انقلابی ناقص (انقلاب اسلامی) صورت گرفته و مردم در پی رفع نقص و تکمیل آن بر اساس اندیشه مارکسیستی با سازمان شورش همگامی خواهند کرد. شکل غلیظ تر این اعتقاد در اندیشه حزب رنجبران و ارتش رهایی بخش متصور است که معتقدند اساساً انقلابی صورت نگرفته است. البته شکل دیگر این اعتقاد در سازمان مجاهدین خلق (منافقین) است که وقوع انقلاب را پذیرفته بودند، اما رهبری آن را غاصب و نخبگان آن را ضعیف و عاجز از مبارزه با امپریالیسم و ناتوان از رساندن کشور به استقلال می دانستند.

توانایی سازمان و داشتن شبکه ارتباطی در استانهای مختلف کشور، اندیشه قیام مسلحانه به سرعت منتشر شد و اعضا قیام مسلحانه با اندیشه انقلاب در جامعه گسترش داده و نظام را ساقط خواهند نمود. دیگر گروه های سیاسی و مسلح مخالف نظام، نه تنها این منطقه را پایگاه مبارزاتی برای نبردهای آینده انتخاب خواهند نمود، بلکه به حمایت سریع سازمان شورش خواهند آمد و پیروزی را تکمیل نموده و شهرهای کشور را یکی پس از دیگری تصرف خواهند کرد.

شرایط و زمینه در محیط داخلی (ملی)

مسائل اجتماعی و سیاسی محیط داخلی در زمان شورش یکی دیگر از زمینه های شورش است که به اختصار به ابعاد آن می پردازیم:



۱- شمال کشور به دلیل همسایگی با کشورهای شوروی سابق اولین منطقه ای بود که با مارکسیسم آشنا شد. و جریانهای چپ در خطه شمال فعال بودند. طبری و کیانوری از رهبران کمونیست کشور و مروجین ایدنولوژی چپ در این منطقه حضور داشتند و تنها نقطه ای از کشور که کمونیست ها توانستند بطور آشکار و فعال در شهرها به فعالیت بپردازند، منطقه شمال کشور بود.

۲- پذیرش شعار حمایت از توده های ستمدیده و صنفی یکی از عوامل جذب و فراتر از جذب، بلکه انگیزه، بستر رشد سازمان و نهایتاً عللی برای برخورد با مسلحانه با نظام شد. همچنین مبارزه با رژیم شاه و پس از آن با نظام جمهوری اسلامی به عنوان نبود آزادی و وجود اختناق مهمترین عامل گرایش و جذب هواداران بود.

۳- ناتوانی دولت موقت در ایجاد یکپارچگی سیاسی در مسائل داخلی و خارجی عامل دیگری در رشد گروه های سیاسی و ضد انقلابی بود. این مسئله با استناد به سخنان یکی از امسئولین اتحادیه روشن تر می شود. او می گوید: دولت موقت در ابتدای انقلاب زمینه مناسبی برای رشد گروه ها از جمله اتحادیه کمونیست ها بوده است. دلایل این ادعا، عدم قاطعیت دولت در اجرای فرامین انقلابی امام، سهل انگاری در ریشه کن کردن ضد انقلاب، سازشکاری با عوامل آمریکا و غیره می باشد.

۴- نبود یک نهاد سیاسی کارا که بتواند ضمن هدایت مردم به سمت اهداف انقلاب آنها را از فضای فرهنگی - سیاسی بعد از انقلاب که به شدت متشنج بود، آگاه سازد. نهاد سیاسی دولتی هم وجود نداشت و مشارکت سیاسی مردم در وقایع انقلاب تنها با ارتباط مستقیم امام و مردم از طریق مطبوعات و رسانه ها عملی بود. فقدان چنین نهادی زمینه را برای فعالیت گروه های سازمان شورش بیشتر کرد.

۵- بنی صدر به عنوان رئیس جمهور که هوای رهبری انقلاب و مرد شماره یک ایران را در سر می پروراند، در حوادث شهریور و اسفند، جو سیاسی در صحنه داخلی را به اوج تشنج رسانید و عملاً نه به عنوان یک فرد مسئول، بلکه یک مسئول با ابزار تبلیغاتی - روزنامه انقلاب اسلامی و حمایت از جانب گروه ها به یک جریان فکری مبدل شد.

۶- حادثه ۳۰ خرداد، نقطه عطفی در تصمیم رهبران سازمان شورش برای برخورد مسلحانه با نظام گردید. حوادث ۳۰ خرداد (قیام مسلحانه و عزل بنی صدر) مرزبندی مشخصی را بین نظام و گروهها ایجاد کرد. رقابت و همچشمی گروهها برای ورود به جرگه برخوردهای مسلحانه، تصمیم به قیام مسلحانه را دو چندان می کرد.

#### روش شناسی

تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است و به روش پیمایش انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه را مردم آمل تشکیل داده و گروه های مورد بررسی شامل نظامیان، بسیجیان و مردم عادی هستند که حجم نمونه مورد مطالعه ۲۴۰ نفر بوده است.

ابزار سنجش را یک پرسشنامه ۳۰ سئوالی تشکیل داده که از نوع محقق ساخته می باشد. پرسشنامه مشتمل بر دو مولفه است که به ترتیب عبارتند از مولفه فرهنگی و مولفه اجتماعی که هر کدام با تعدادی سئوال سنجیده شده است. اعتبار پرسشنامه بوسیله آلفای کرونباخ محاسبه و مقدار آن برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۶، برای عامل فرهنگی ۰/۷۲، و برای عامل اجتماعی ۰/۷۴، شده است.

داده ها توسط محقق گردآوری شد و برای یافتن پرسش های پژوهش و آزمون فرضیه های آماری مربوط، با توجه به دلالت هایی که بطور ضمنی ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه را مشخص می سازد، از روشهایی موسوم به تحلیل رگرسیون چند متغیری و آنالیز واریانس یکراهه و خی دو استفاده شده است.

#### یافته های تحقیق

یافته های بدست آمده نشان می دهد:

میزان تاثیر عوامل فرهنگی در پیروزی مردم آمل، ۸۲ درصد در حد خیلی زیاد و زیاد بوده که ۵۲ درصد آن در حد خیلی زیاد می باشد. سهم هریک از عوامل فرهنگی در حد خیلی زیاد عبارتست از: تبعیت مردم از علماء ۵۶ درصد، معلمین ۱۳ درصد، دانش آموزان ۲۵ درصد، اساتید ۷ درصد، نویسندگان و شعرا ۵ درصد، مراکز عبادی (مساجد و حسینیه ها) ۶۸ درصد، مصلی نماز جمعه ۴۰ درصد، اعتقادات مذهبی مردم ۸۶ درصد، تنفر مردم نسبت به کمونیستها ۸۲ درصد، اعتقاد مردم نسبت به نظام جمهوری اسلامی ۷۵ درصد

میزان تاثیر عوامل اجتماعی در پیروزی مردم آمل، ۷۹ درصد در حد خیلی زیاد و زیاد بوده که ۳۷ درصد آن در حد خیلی زیاد می باشد. سهم هریک از عوامل فرهنگی در حد خیلی زیاد عبارتست از: سهم مشارکت مردم در رویارویی مستقیم با سربداران (گروه حمله کننده به شهر آمل) ۶۱ درصد، ارتباطات اجتماعی مردم ۳۷ درصد، نقش زنان ۲۸ درصد، حضور مردم به خاطر حفظ اموال ۱۲ درصد، نقش یک طائفه خاص ۳ درصد، همبستگی طوائف و انسجام محلی ۳۳ درصد، نقش جهاد سازندگی، ۱۰ درصد، نقش بسیج ۸۵ درصد، نقش نهادهای انقلابی نظیر بنیاد شهید کمیته امداد و ... ۱۴ درصد، نقش ادارات دولتی ۱۰ درصد، نیروهای



انتظامی ( ارتش، شهربانی و ژاندارمری) ۲۳ درصد، نقش کمیته انقلاب ۴۵ درصد، نقش سازماندهی مردمی ۵۳ درصد، نقش و حضور قشر مرفه ۴٪. درصد، نقش و حضور قشر متوسط ۱۸ درصد، حضور قشر محروم ۶۱ درصد

### نتایج پژوهش

در این بخش از مقاله به یافته های اصلی اشاره می شود که عبارتست از:

نخستین یافته پژوهش بیانگر این مطلب است که فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه بین عوامل فرهنگی و دفاع شهری رد می شود و با اطمینان ۹۵٪ می توان نتیجه گرفت که بین عوامل فرهنگی و دفاع شهری رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. نتیجه آزمون رگرسیون بیانگر آن است که بین عوامل فرهنگی و دفاع شهری ۳۵٪ همبستگی وجود دارد.

دومین یافته پژوهش بیانگر این مطلب است که فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه بین عوامل اجتماعی و دفاع شهری رد می شود و با اطمینان ۹۵٪ می توان نتیجه گرفت که بین عوامل اجتماعی و دفاع شهری رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. نتیجه آزمون رگرسیون بیانگر آن است که بین عوامل اجتماعی و دفاع شهری ۴۶٪ همبستگی وجود دارد.

سومین یافته پژوهش بیانگر این مطلب است که فرضیه صفر مبنی بر عدم تفاوت بین عوامل اجتماعی و فرهنگی در دفاع شهری رد می شود و با اطمینان ۹۵٪ می توان نتیجه گرفت که تاثیر عوامل اجتماعی در دفاع شهری بیشتر از عوامل فرهنگی است. نتیجه تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که بین عوامل اجتماعی و دفاع شهری ۴۶٪ همبستگی و بین عوامل فرهنگی و دفاع شهری ۳۵٪ همبستگی وجود دارد.

چهارمین یافته پژوهش بیانگر این مطلب است که فرضیه صفر مبنی بر عدم پیش بینی همزمان متغیرهای مستقل ( فرهنگی و اجتماعی) در متغیر وابسته (دفاع شهری) رد می شود و با اطمینان ۹۵٪ می توان نتیجه گرفت که متغیرهای فرهنگی و اجتماعی ۶/۱ واریانس دفاع شهری را تبیین می کنند.

پنجمین یافته پژوهش حاضر بیانگر این مطلب است که چون  $f$  مشاهده شده برابر با ۰/۹۱، و کوچکتر از  $f$  جدول است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین ها با اطمینان ۹۵٪ رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین میانگین های مورد مقایسه در سه گروه مورد مطالعه ( نظامیان، بسیجیان و مردم

عادی) در مورد تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در دفاع شهری آمل تفاوت معنی داری وجود ندارد. به بیان دیگر هر سه گروه بر تاثیر مستقیم عوامل فرهنگی و اجتماعی در دفاع شهری وحدت نظر دارند.

#### پیشنهادات

- ۱- اهمیت عامل اجتماعی به عنوان عامل تاثیر گذار، برای مسئولین تامین امنیت شهری تبیین گردد. زیرا احترام گذاشتن به سنت های اجتماعی، اقوام مختلف، تقویت روحیه ملی و میهن پرستی جهت استفاده بهینه در بحرانهای ضد اجتماعی، تقویت همبستگی طوایف و نهادهای اجتماعی مانند بسیج، و ادارات دولتی، بکارگیری نیروهای مستعد از اقوام گوناگون از جمله عوامل تقویت کننده دفاع شهری می باشد.
- ۲- جا دارد برای تقویت عامل فرهنگی به افزایش تبعیت مردم از علماء شهر، آماده سازی همیشگی دانش آموزان برای دفاع، توسعه نقش مراکز عبادی (مساجد و حسینیه ها)، افزایش انگیزه اعتقادی مردم به امر دفاع، تقویت نگرش تنفر از کمونیستها از سوی دستگاه های فرهنگی اقدام گردد.
- ۳- جهت جلوگیری و تکرار چنین حوادثی، یادآوری مبارزات حق طلبانه مردمی از ادوار گذشته بخصوص نهضت های شیعی که در منطقه رخ داده است، از طریق نهادهای فرهنگی مانند ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و مساجد و منبرها بیش از گذشته انجام گیرد.
- ۴- پیشنهاد می شود حوادث و تجربیات گذشته و از جمله این تجربه تاریخی و مهم برای آموزش در متون آموزشی مراکز تربیتی و آموزشی گنجانده شود.



## بررسی و تحلیل دیدگاه‌های پیرامون ماهیت حماسه اسلامی ششم بهمن آمل

دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی

### چکیده:

تحلیل دیدگاه‌ها و نظریات بزرگان عرصه سیاست و روسای طراز اول نظام جمهوری اسلامی پیرامون حادثه ششم بهمن آمل که از سوی اتحادیه کمونیست‌ها در خارج از کشور سازماندهی شده بود، بیشتر مولفه‌های درون دینی دارد. نظیر: ایمان مردم آمل و روحیه ایثار و شهادت طلبی که متأثر از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بوده و تعارض تفکر ماتریالیسم-کمونیسم با تفکر اسلامی انقلاب که مردم را به صحنه کشانده است و حتی زنان باردار را به حمل کیسه‌های شن در خیابان‌ها واداشته است. بعد از این مولفه‌ها، موقعیت‌شناسی انقلاب و کمین‌های دشمنان از عوامل درجه دوم این حادثه به شمار می‌آیند.

منابع تحلیل: دیدگاه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری و حضرات آیات علامه حسن زاده آملی و آیه الله جوادی آملی در این نوشتار به عنوان منابع تحلیل مورد استفاده و استناد قرار گرفته‌اند.

کلید واژه: جنگل-سربداران-اتحادیه کمونیست‌ها-حماسه-هزارسنگر-مردم-آمل-امام خمینی-مقاومت.

### مولفه‌های تحلیل حادثه ششم بهمن:

با نگاهی گذرا و اجمالی در بیانات و تحلیل‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری و حضرات آیات علامه حسن زاده آملی و آیه الله جوادی آملی در می‌یابیم که مولفه‌ها در تحلیل ماهیت حادثه ششم بهمن آمل غالباً درون دینی و مبتنی بر آموزه‌های فرهنگی انقلاب اسلامی است که ما به تفکیک در مورد آن بحث خواهیم کرد.

#### ۱- مولفه حضور مردم

مولفه حضور مردم در حادثه ششم بهمن و مقاومت دلیرانه آنها در برابر شورشیان، کاملاً معادله از پیش طراحی شده‌ی اتحادیه کمونیست‌ها را بهم ریخت. زیرا آنان گمان می‌کردند با اولین حرکت مردم شهر آمل با آنان همراه خواهند شد. امام خمینی با توجه به حضور و مقاومت مردم آمل فرمودند:

«آنان تمام نیرویشان را از همه جا جمع کردند و به شهر آمل وحشیانه و غافلگیرانه حمله کردند. به امید آنکه مردم هم با آنها هستند، پس آمل را می‌شود فتح کرد و از آنجا شهرهای دیگر را ولی متوجه شدید

که چه شد. مردم چنان با آنان به مبارزه پرداختند و توی دهن آنان زدند که نتوانستند حتی برای چند ساعت مقاومت کنند. مخالفت مردم مهم است. ما باید از شهر آمل و مردم فداکار آن تشکر کنیم.»<sup>۱۹</sup>

## ۲- تفکر اسلامی مردم

مولفه دوم و مهم در شکست رویاهای کاذب سرداران منحرف غفلت از تفکر اسلامی و دلبستگی شدید مردم آمل به اسلام و آرمانهای والای آن بود. شعارهای خودجوش مردم با ایمان آمل در برابر تجاوز شورشیان جنگلی گویای این واقعیت است. امام خمینی در این باره فرمودند:

«اگر یک عده ای که در جنگل بودند اسلام را فهمیده بودند حمله به آمل نمی کردند. این حمله در عین حالی که برای ما تاسف انگیز بود و عده ای از برادرهای ما را از دست ما گرفت لکن فهماند به این دسته های غیر انسانی که اینطور نیست که شما خیال می کنید که اگر یک صدایی بلند کنید مردم با شما هستند. چطور یک مردم مسلمانی که دل بستند به اسلام و دل بستند به قرآن و شهادت را برای خودشان افتخار می دانند و هر کس شهیدی دارد برای خودش یک افتخاری می داند و هست، چطور امکان دارد که چند تا دزد سرگردنه و چند تا اشخاصی که هیچ از قرآن و اسلام اطلاع ندارند و هیچ ایمان ندارند بیایند و یک شهر مومن را بخواهند بهم بزنند.»

البته امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی و انقلابی خود انگیزه تجاوز به شهر آمل را فریب سرداران از تحلیل های پوچ مکتب ماتریالیسم-کمونیسم می داند و طی وصیت به آنان می فرماید:

«وصیت من به چپ گرایان مثل کمونیست ها و چریک های فدایی خلق و دیگر گروهها، متمایل به چپ، آن است که شماها بدون بررسی صحیح از مکتب ها و مکتب اسلام نزد کسانی که از مکتب ها و به خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شد که دل خود را به چند ایسم که محتوی آنها پیش اهل تحقیق پوچ است خوش کرده اید و شما را چه انگیزه وادار کرده که می خواهید کشور خود را به دامن شوروی یا چین بکشید و با ملت خود به اسم توده دوستی، به جنگ برخاسته یا به توطئه هایی برای نفع اجنبی به ضد کشور خود و توده های ستم دیده دست زدید؟»

شما می بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتور ترین و قدرت طلب و انحصارترین حکومت های جهان بوده و هستند. چه ملت هایی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفداری توده ها خرد

<sup>۱۹</sup> صحیفه نور-ج ۱۸-ص ۱۱۱.



شدند. و از هستی ساقط گردیدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیر مسلمانان، تا کنون در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست و پا می زنند و از هرگونه آزادی محروم و در اختناق بالاتر از اختناق های دیکتاتوری جهان به سر می برند. استالین، که یکی از چهره های به اصطلاح درخشان حزب بود ورود و خروجش را و تشریفات آن و اشرافیت او را دیدیم.

اکنون که شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان می دهید مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستم گری های آنان جان می سپارند و آنگاه شما که مدعی طرفداری از خلق هستید بر این خلق محروم در هر کجا که دستتان رسیده چه جنایتی انجام دادید. و با اهالی شریف آمل که آنان را به غلط طرفدار پروپاقرص خود معرفی می کردید و عده ی بسیاری را به فریب، به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید، چه جنایت ها که نکردید.»

همچنین حضرت علامه حسن زاده آملی طی پیامی به مناسبت حادثه ششم بهمن تنها سلاح ایمان را علیه شورشگران موثر دانسته اند:

« آفرین بر شمایی که فقط با سلاح ایمان در مقابل آنان قیام کردید. چنانکه به آنان مهلت ندادید که در دارالمومنین «شهرستان آمل» نفس تازه کنند. عده ای از آنان را به کیفرشان رسانده و عده ای را دستگیر و خلع سلاح کردید، شما بی سلاح و آنان مسلح، شما در پناه خدای عزوجل و آنان در پناه جنگل.»<sup>۵۰</sup>

همچنین حضرت آیه الله جوادی آملی نیز در همایش حماسه ششم بهمن طی سخنان مبسوطی عنصر دین و ایمان را مولفه مقاومت مردم آمل دانستند. ایشان با طرح یورش متفقین در شهریور ۱۳۲۰ به شهر آمل و بی تفاوتی مردم و مقایسه آن با حادثه ششم بهمن و مقاومت کم نظیر مردم، عنصر ایمان و اعتقاد مردم آمل را وجه متمایز آن دو می دانند. به همین دلیل حادثه ششم بهمن را حماسه اسلامی مردم آمل می خوانند. عین عبارت ایشان این چنین است:

«شهریور ۱۳۲۰ رضا خان پهلوی متواری شد. متفقین ریختند ایران را به قسمت جنوب و غرب تقسیم کردند. و بخش مرکزی را انگلیس و آمریکا گرفت و شمال را به شوروی ها دادند در همین آمل کماندوهای شوروی شهر را تحت کنترل داشتند.

<sup>۵۰</sup> پیام به مناسبت حادثه ششم بهمن آمل.

فلکه ۱۷ شهریور کنونی، آن روز مدخل شهر بود. ولی الان تقریباً وسط شهر است یعنی شهر آمل به این میدان ۱۷ شهریور که می رسید تمام می شد. اینجا یک عوارضی داشت که می گفتند «تواقلی»، این نواقلی را کماندوهای شوروی کنترل می کردند.

اگر کسی از شمال می خواست به مرکز برود باید گذرنامه می گرفت. چه اینکه اگر کسی از مرکز می خواست به شمال بیاید باید گذرنامه می گرفت. شمال را کاملاً از مرکز جدا کردند و شده بود دو کشور و مردم آمل هیچ تکان نخوردند شهر را کاملاً شوروی ها گرفتند.

در سایر شهرهای شمال هم به شرح ایضاً، بعد از خروج کماندوهای شوروی اتحادیه کمونیست ها از شهرهای کارگری همین خطه در آمل جمع شدند، کشتند، غارت کردند و مردم تکان نخوردند. در دبیرستان امام این ها سنگر بستند. یعنی کمونیست ها و توده ای ها و بعضی را با کارد کشتند، بعضی را گلوله زدند، بدگویی کردند و مردم تحمل کردند. از این وقایع زیاد بود تا رسید به انقلاب اسلامی، آمل اول یا اولین شهری بود که جمهوری اسلامی را اعلام کرد تا رسید به ۶ بهمن ۱۳۶۰ یعنی ۱۳ سال قبل، زن و مرد در هر یک ربع یک قربانی تقدیم می کردند و این شهر را حفظ می کردند. باید چهل هزار مرد و زن به صحنه بیاید تا ۴۰ شهید بدهد. اگر چهل نفر با چهارصد نفر یا هزار نفر بودند که شکست می خوردند باید همه در صحنه حاضر باشند تا پشتوانه شهامت و شجاعت باشند.

مادر بارداری که کیسه شن برای سنگر به دوش می کشید و مردان فداکار این مرزوبوم که توان حمل کیسه شن را نداشتند، ناچار بودند این کیسه شن را در بستر زمین بکشند. این حالت از انگیزه اسلامی این زن حکایت می کند پس قبل از اینکه ما آملی باشیم، مسلمانیم، چه اینکه مردم ایران زمین گفته اند ما قبل از اینکه ایرانی باشیم، مسلمانیم. هم آن انقلاب اسلامی به ثمر رسید و هم این حماسه اسلامی مایه تداوم آن شد.»

همچنین ایشان معتقدند:

«قرآن کریم در فضایی که رزمنده در آن نفس می کشد، دفاع از میهن را دفاع اسلامی می داند. در سوره مبارکه بقره وقتی جنگ فی سبیل الله را تشریح می کند، می گوید: عده ای گفته اند ما چرا نجنگیم در راه خدا. ما که از شهرمان آواره شدیم، می بینید یک مسلمان که در فضای دینی با حفظ وطن اکبر می جنگد، می گوید این جنگ، جنگ دینی است برای اینکه من مسلمانم. سرزمین من، سرزمین اسلامی است. آثار



اسلامی در این سرزمین پیاده می شود. تهاجم به چنین سرزمینی تهاجم به حیثیت اسلامی است. دفاع از این تهاجم و از این سرزمین و دفع مهاجم صیغه دینی دارد.

« و ما لنا الا نقاتل فی سبیل الله و قد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا.»<sup>۵۱</sup>

نمی گویند پیغمبر ما را کشتند، می گویند: خاک ما را گرفتند معلوم می شود خاک اسلامی در فضای تنفس اسلامی قداست دارد.

ذات اقدس الهی فرمود: بیگانه اگر دفاع شما را نبیند زمانه را آلوده می کند. اما اول به مرکز مذهب می تازد، دو آیه در قرآن است که اهمیت دفاع را تعیین می کند و راز اهتمام دین به دفاع را تعبیر می کند. فرمود: « لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض.»<sup>۵۲</sup> اگر دفاع نبود زمین فاسد می شد.

البته این نگاه مبتنی بر بینش قرآنی است که در آن قدرت ملی در مومن خلاصه می شود و جوهر ایمان نیز ظهور قدرت خداوند متعال در اراده مجاهدان است چنانکه می فرماید: « و لا تمنوا تدعوا الی السلم و انتم الاعلون و الله معکم.»<sup>۵۳</sup> سست نشوید، دعوت به صلح و آرامش بکنید شما بسیار بزرگ و قدرتمند هستید چون خدا با شماست.

### ۳- همدلی و وحدت درونی

یکی از نگرش های زیبا به حادثه ششم بهمن آمل تحلیل عرفانی و درونی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است. معظم له در دیدار با جمعی از مردم مازندران در حسینیه امام خمینی در توضیح شهر هزار سنگر آمل فرمودند: « هزار سنگر یعنی چه؟ ظاهر قضیه این است که در درون شهر، مردم در مقابل گروه های اشرار و متجاوز سنگر درست کردند، حالا یا هزار تا یا بیشتر یا کمتر، اما من یک تفسیر دیگری دارم این سنگر ها، سنگر های درون خیابان ها نیست این سنگر دل هاست، هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است. به عدد هر مومنی هر انسان با انگیزه با شرفی یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد.»<sup>۵۴</sup>

واقعا مقام معظم رهبری به نکته ای لطیف و در عین حال عمیق و معنا دار اشاره فرمودند که نشان از ذوق عرفانی و بصیرت باطنی معظم له دارد، به واقع رمز پیروزی ملت ایران در انقلاب و دفاع مقدس و نیز در

۵۱- جقره-۲۴۶.

۵۲- جقره-۲۵۱.

۵۳- محمد-۳۵.

۵۴- دیدار در حسینیه امام خمینی با مردم آمل و مازندران-۱۳۸۸.

برابر هر تهاجم دشمن همدلی و وحدت درونی و باطنی آحاد ملت بوده است. که به تعبیر جناب مولوی: «همدلی از هم زبانی خوشتر است.» اشاره به این حقیقت دارد:

ای بسا هند و ترک هم زبان  
ای بسا دو ترک چون بیگانگان  
پس زبان محرمیت دیگر است  
همدلی از هم زبانی خوشتر است<sup>۵۵</sup>

#### ۴- حادثه عبرت انگیز

معمولا حادثه ها دو نوع اند. حادثه های فاقد پیام و فراموش شونده، دوم حادثه های دارای پیام و عبرت انگیز. که حادثه ششم بهمن آمل از نوع دوم است که هم دارای پیام های درس آموز و هم حادثه های عبرت آموز است. دلیل عمده آن تکرار توطئه دشمنان در مقاطع مختلف است. عبرت آموزی از چنین حادثه تاریخی می تواند تجربه ای موثر و آزموده در برابر تهاجم دشمن باشد.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

✓ «حوادث تاریخی هم درس است و هم عبرت است. قضایای جاری بر یک ملت قضایایی است که در برهه های مختلف غالبا تکرار می شود. امروز ۲۸ سال از آن زمان می گذرد اما راه جمهوری اسلامی که عوض نشده است. دشمنان جمهوری اسلامی هم عوض نشده اند. پس آنچه که آنجا اتفاق افتاد می تواند برای امروز و برای آینده تا هر وقتی که ملت ایران به حول و قوه الهی دل بسته ی این اصول و این انقلابند عبرت باشد، درس باشد، لذا نباید فراموش بشود.»<sup>۵۶</sup>

براستی حادثه ششم بهمن آمل که عنوان حماسه اسلامی مردم آمل را به خود گرفت رازش در همین است که ارزش هایی را در خود آفرید که برای همیشه تاریخ می تواند در حفظ مبانی اسلام و مقابله با توطئه دشمنان موثر و کارساز باشد. و به عبارت دیگر راز حماسه ها نظیر: عاشورا و دفاع مقدس راز ماندگاری و بیداری یک ملت است. که هیچگاه او را دچار رخوت و غفلت نمی کند.

بخوان به گوش دلم نغمه های بیداری  
که روزگار فریب آمد و دغل کاری

<sup>۵۵</sup> -مثنوی- دفتر سوم.  
<sup>۵۶</sup> -همان.



#### ۵- بصیرت و خودآگاهی

یکی از مولفه های مهم در تحلیل ماهیت حادثه ششم بهمن آمل حضور به هنگام و آگاهانه ی مردم آمل در مقابله با شورشیان جنگل است. مردم بصیر و خودآگاه آمل به خوبی دریافتند که عمق توطئه دشمن تا کجاست و چه مشکلاتی در اثر غفلت یا کوتاهی و مسامحه در برابر دشمن دامنگیر آنها خواهد شد، لذا حضور محکم و مقاومت دلنواز آنها خطرات و کمین های گسترده ای را از پیش پای جریان انقلاب اسلامی برداشت. این به نظر می رسد که مهم ترین مولفه باشد که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بدان توجه نمودند:

«اگر یک ملت وقتی بدنیاال یک هدفی حرکت می کند، نداند سر راه او چه خطراتی هست، چه کمین کرده هایی هستند؟ چه باید کرد در مقابل این ها؟ خود را رها کند، قید و بندهای خود را رها کند و بی خیال باشد ضربه خواهد خورد. همه ملت هایی که در جهت یک هدف بزرگی حرکت کردند و وسط راه ضربه خوردند و گاهی آنچنان افتادند که دیگر قرن ها بلند نشدند، مشکل شان از همین جا آغاز شد. ندانستند چه در انتظار آنهاست و خود را برای مواجهه با آن آماده نکردند. درس های گذشته این کمک را به ما می کند که راهمان را بفهمیم، بشناسیم، کمین ها را بشناسیم، کمین کرده ها را بشناسیم.»<sup>۵۷</sup>

#### ۶- اعتراف دشمنان

اعتراف دشمنان به ویژه بیانیه های متعدد اتحادیه کمونیست ها و تحلیل کارشناسان آنان که در مطبوعات و روزنامه های داخلی و خارجی انعکاس یافت، عنصر ایمان و پابندی به نظام جمهوری اسلامی و مقاومت کم نظیر به ویژه بصیرت و آگاهی آحاد مردم آمل را عامل اصلی شکست قیام چریک های جنگل آمل معرفی نمودند.<sup>۵۸</sup>

#### ۷- بی محتوی بودن تفکر مارکسیسم-کمونیسم

در یک تحلیل درون گروهی، پوچ و بی محتوی بودن تفکر کمونیستی و موهوم بودن تئوری مائوئیسم و نیز تئوری با توده باش تا بمانی کارل مارکس عامل اصلی ناکامی قیام سربرداران در جنگل آمل نامیده شدند

<sup>۵۷</sup>- همان.

<sup>۵۸</sup>- روزنامه کیهان-بهمن-۱۳۷۲.

و به طور متناوب در نشریه ها و بیانیه های رسمی اتحادیه کمونیست ها نیز منتشر گردید. همان نکته ای که امام راحل (ره) در وصیت نامه ی الهی-سیاسی خود به آن تصریح فرمودند.<sup>۵۹</sup>

مهم تر از همه حادثه آمل برای همیشه طومار دشمنان را در دسیسه سازی و طرح ریزی نقشه های خائنانه در خصوص شمال کشور را در هم پیچید. تا هیچ گاه به فکر تجزیه مازندران و گیلان و پایگاه سازی در شمال با استفاده از پوشش جنگل و دریا نیفتند و شهر هزار سنگر آمل به عنوان نماد مقاومت و حماسه اسلامی مردم آمل بر تارک تاریخ درخشان و جاودان بماند.



## دفاع مردمی در فرهنگ روایی

دکتر سید محسن موسوی

استادیار دانشگاه مازندران

### چکیده

جهاد و دفاع یکی از مهم‌ترین حوزه‌های وظایف انسان دین‌دار است. پیشوایان معصوم در قالب سخنانی درباره‌ی اهمیت دفاع مردمی، انواع دفاع و آثار نیک آن و امور دیگری که افراد جامعه‌ی دینی را به امر دفاع از جان و مال و ناموس و دین و ... وامی‌دارد؛ ترغیب کرده‌اند. دفاع مردمی، وظیفه‌ای ایمانی و انسانی است که برخاسته از غیرت دینی بوده و بر اساس فرض انسان بر خود، صورت می‌گیرد. شهادت برترین پاداشی است که بهره‌ی مدافعان حریم دین و ناموس و وطن و ... می‌شود.

کلیدواژه: دفاع، مردم، روایات، جهاد، شهادت

### مقدمه

انسان در زندگی دنیایی‌اش با پدیده‌ها و حادثه‌های گوناگونی روبرو می‌شود. در زندگی بشر همواره شادی و غم، آسانی و سختی، جنگ و صلح و ... باهم است. چنان‌که در کلام رسول گرامی اسلام نیز آمده است که با هر شادی، غمی است.<sup>۶۰</sup>

دنیا دارای دو روز و دو چهره است. در یک چهره به انسان روی می‌کند و به سود انسان است و روز دیگر به زیان انسان بوده و با سختی همراه است. برای این است که خردمندان دینی به انسان سفارش کرده‌اند که در گاه سختی و آسانی با تکیه بر خدا، ثبات اعتقادی و اخلاقی داشته باشند. امام علی علیه السلام برای پیروانش ندای الدهر یومان را سر داده و فرموده است: روزگار دو روز است. یک روز به نفع تو و یک روز به زیان تو. روزی که به سود تو بود، سرمست مشو و هنگامی که بر زیان تو بود شکیبایی پیشه کن.<sup>۶۱</sup>

<sup>۶۰</sup> . س - هرچه ترچه. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۵  
<sup>۶۱</sup> . الدهر یومان، یوم لك و یوم عليك . بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۸۱

در کشاکش روزگار، صحنه‌هایی برای انسان رخ می‌دهد که در آن ناملایمات و نارواها چنگ و دندان را به او نشان می‌دهد. انسان بایمان، با تکیه بر سرمایه‌ی ایمانش و با پیروی از پیشوایانش، بر سلاح غیرت دینی تکیه کرده و در مقام دفاع از سرمایه‌هایی مادی و معنوی‌اش برمی‌آید. در فرهنگ روایی اهل بیت علیهم السلام، غیرت برخاسته از دین، از مهم‌ترین عوامل دفاع برشمرده شده است. غیرت که به معنای تغییر حال فرد و بر افروخته شدن قوای دفاعی او در برابر امور ناپسند است، فرد باغیرت را، به واکنش و دفاع از حریمش وامی‌دارد. پیام‌آور رحمت، خداوند را و خود و پیامبران دیگر را غیور دانسته و منشأ تحریم حرام‌ها و زشتی‌های ظاهری و باطنی را، بواسطه‌ی وجود غیرت دانسته‌اند.<sup>۶۲</sup>

در روایات رسیده از پیشوایان معصوم علیهم السلام، افرادی که دارای غیرت دینی نبوده، در مقابل امور ناپسند و هجوم دشمن غیرت نشان نداده و به دفاع بر نمی‌خیزند، نکوهش شده و آنان را صاحبان قلب‌های واژگون دانسته‌اند.<sup>۶۳</sup>

در این نوشته به چند نکته‌ی مهم در باره‌ی دفاع مردمی و جایگاه آن نزد پیشوایان دینی پرداخته می‌شود:

#### یکم. دفاع، وظیفه‌ای دینی

به مقوله‌ی دفاع در اسلام به عنوان یک مقوله‌ی سودگرایانه نگاه نمی‌شود، بلکه به عنوان مقوله‌ای وظیفه‌-گرایانه بدان نگریسته می‌شود. اگر دفاع یک مقوله‌ی سودمحور بود، می‌بایست هر کسی فقط به آنچه به سود او است قیام می‌کرد و در صدد دفع هر آنچه را که به زیان خود می‌دانست، برمی‌آمد. اما در فرهنگ روایی اسلام که برآمده از مکتب وظیفه‌گرای اسلام است، وظایفی چند را که در دفاع از امور و افرادی دیگر است، بر عهده‌ی افراد مسلمان گذاشته است. دفاع از جان و ناموس و... برترین مصادیق دفاع از دیگران است. همچنین از آن نمونه است، دفاع از آبروی مسلمان هنگامی که آبروی او مورد هتک حرمت قرار گرفته است. در روایات متعددی در این باره از پیامبر اکرم آمده است: هر کس از آبروی برادر دینی-اش دفاع کند، این عمل برایش، حجابی در برابر آتش خواهد بود.<sup>۶۴</sup> همچنین است زمانی که از فردی غیبت می‌شود که دفاع از غیبت‌شونده، بر عهده‌ی فرد مسلمان است. امام باقر علیه‌السلام در این باره فرمود:

<sup>۶۲</sup> . الکافی، ج ۵، ص ۵۳۵  
<sup>۶۳</sup> . المحاسن، ج ۱، ص ۲۰۴  
<sup>۶۴</sup> . الکافی، ج ۲، ص ۴۵



کسی که در هنگام غیبت از برادر دینی از او دفاع کرده و یاریش کند، خداوند در دنیا و روز قیامت یاریش می‌کند و هر که چنین نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار می‌سازد.<sup>۶۵</sup>

نکته مهم دیگر اینکه اسلام نه تنها به دفاع از خود و دیگران سفارش می‌کند، بلکه به فراهم‌آوری زمینه‌های دفاع از خود و دیگران نیز، اهمیت داده و به آن سفارش می‌کند. امام علی علیه‌السلام در خطبه‌ی بیست و سوم نهج البلاغه فرموده است: ای مردم، آدمی هر چند ثروتمند هم باشد، از دفاع زبانی و مالی و عملی خاندانش بی‌نیاز نیست.<sup>۶۶</sup> سخن پیغمبر گرامی اسلام نیز این مطلب را تأیید می‌کند که فرمود: بهترین شما، کسی است که از عشیره‌اش دفاع کند، البته تا وقتی که به گناه نیفتد.<sup>۶۷</sup>

### دوم. اهمیت دفاع و انواع آن

اگر پیامبر اکرم ندای حب الوطن من الایمان را سر داد. نه حب بی‌مایه، بلکه حتی که مایه باشد و سرمایه. حبی که مایه‌ی غیرت و سرمایه‌ی دفاع از وطن گردد. امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم در خطبه‌های بیست و هفتم و بیست و نهم نهج البلاغه، یارانش را به دفاع و حفظ وطن و بیرون راندن دشمن از دیار ترغیب فرموده است.<sup>۶۸</sup>

بارزترین شکل دفاع، هنگامی رخ می‌دهد که مسلمانان مورد ستم و هجوم فرد یا گروهی قرار گرفته و ندای یا للمسلمین سر دهند و مسلمانان را به فریاد بخوانند. پیامبر گرانقدر اسلام در این باره فرمودند: هر کس صدای یاری‌طلبی مسلمانی را بشنود که ای مسلمانان به فریادم برسید و به او پاسخ مثبت ندهد، مسلمان نیست.<sup>۶۹</sup>

پیامبر معظم اسلام به آماده‌سازی و بکارگیری امکانات و تجهیزات برای دفاع از مسلمانان (والدفاع عن المسلمین) امر فرمودند.<sup>۷۰</sup> سیره‌ی عملی پیامبر بزرگ اسلام خود در دفاع از شهر و مردم آن هم، چراغی پرفروغ فراراه پیروان نهاده است. هنگامی که در مقابله با حمله‌ی دشمنان در جنگ خندق، نیروهای مردمی را بسیج کرده و در گرداگرد شهر خندق حفر می‌نمایند<sup>۷۱</sup> و یا هنگامی که صدای مهیبی را که مردم را

<sup>۶۵</sup> . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، صص ۲۳۵، ۱۷۸.

<sup>۶۶</sup> . نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۳.

<sup>۶۷</sup> . سنن ابی‌داود، ج ۵، ص ۵۱۲۰.

<sup>۶۸</sup> . نگاه کنید به خطبه ۲۷ و ۲۹.

<sup>۶۹</sup> . تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۵.

<sup>۷۰</sup> . المجازات النبویه، ص ۲۵۷.

<sup>۷۱</sup> . بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۷۰.

ترسانده بود از حاشیه‌ی شهر می‌شنوند، پیش از مردم دیگر، برای مقابله با هر خطری، خود را به محل حادثه می‌رسانند. اینها نمونه‌هایی از اقدامات عملی پیامبر برای دفاع از مردم است.<sup>۷۲</sup>

اما دفاع فقط به دفاع از دشمن سرزمین خلاصه نمی‌شود. دفاع از عیال، دفاع از مال، دفاع از دین و ... هم جزو موارد دفاع مقدس مردمی قرار می‌گیرد. پیامبر نور و رحمت در بیانی فرمود: هر کس در راه دفاع از عیال و خانواده‌اش کشته شود، شهید است.<sup>۷۳</sup> در همین زمینه امام باقر علیه‌السلام فرمودند: خداوند ناخوش می‌دارد بنده‌ای را که دشمن وارد خانه‌اش شود و او به مبارزه برنخیزد.<sup>۷۴</sup> دفاع از دین هم جزو مواردی که مزد شهادت برای آن قرار داده شده است. سخن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که فرمود: من قتل دون دینه فهو شهید<sup>۷۵</sup> مهر تاییدی بر این مطلب است.

#### سوم. شیوه‌های دفاع مردمی

دفاع مردمی در سطوح مختلف مردم و از راه‌های گوناگون صورت می‌پذیرد. گاه مالی است و گاه جانی، گاهی با دست و بدن و گاهی با زبان. گاهی با قدم و زمانی با قلم. پیشوایان دینی ما در همه‌ی سطوح، و به استفاده از همه‌ی روش‌ها در دفاع از دین، ناموس، وطن، و جان و مال ترغیب و تشویق کرده‌اند.

در متون روایی به انواع دفاع قلبی، یدی و لسانی در موارد متعددی پرداخته شده و برای هر یک نیز مصادیقی برشمرده شده است. امام علی علیه‌السلام در نامه‌اش به مالک اشتر، باری خدا را قلبی، زبانی و با دست دانسته،<sup>۷۶</sup> و در وصیت‌نامه‌اش ندای جهادی‌اش را به گوش عالم رسانده که الله فی الجهاد بأموالکم و انفسکم و الستتکم فی سبیل الله.<sup>۷۷</sup>

پیشوایان دینی ما، مراتب جهاد را نیز روشن ساختند. نخست جهاد با دست و ابزار جنگی، سپس اگر شکل اول ممکن نبود، جهاد با زبان و اگر آن نیز امکان‌پذیر نبود، به حداقل آن باید اکتفا کرده و آن را به اجرا درآورد و آن جهاد با قلب است.<sup>۷۸</sup> معروف دانستن معروف در قلب و دوست داشتن آن و منکر دانستن منکر و بد داشتن آن، همان جهاد قلبی است.

<sup>۷۲</sup> . الکافی، ج ۵، ص ۵۰

<sup>۷۳</sup> . تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۵۸

<sup>۷۴</sup> . وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۲۰

<sup>۷۵</sup> . مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۹۰

<sup>۷۶</sup> . نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۲

<sup>۷۷</sup> . نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۷

<sup>۷۸</sup> . بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۷



در دفاع زبانی هم که مصداق‌های گوناگونی دارد، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به استفاده از ابزار هجو در مقابل هجوگویان و شعار در مقابل شعار مبادرت می‌کردند. ایشان با این کار از موضعی که مورد هجوم کلامی دشمن قرار می‌گرفت، دفاع می‌کرد و بر مواضع آنان هجوم می‌برد. در نمونه‌ای پیامبر اکرم به شاعر فرهود شعری در هجو ایشان بگو که در این کار فرشتگان الهی با تو همراه‌اند.<sup>۷۹</sup> همچنین در روز جنگ احد، علاوه بر دفاع نظامی، در مقابل شعارهای نادرست دشمن به مقابله شعاری پرداخته و در برابر جمله‌ی ابوسفیانی *اعل هبل اعل هبل*، جمله‌ی *الاهبی الله اعلى و اجل*.<sup>۸۰</sup> گاهی هم فردی یا گروهی از مردم امکان جهاد کردن یا دفاع را ندارند، ولی می‌توانند امکان جهاد را برای جهادگر و دفاع‌کننده فراهم کرده و او را تجهیز کنند. لذا پیامبر بزرگوار اسلام کسانی که در راه رفع نیاز رزمندگان و مدافعان کوشش می‌کنند، را می‌ستاید. هر چند این کمک به اندازه‌ی تهی‌ی نخ و سوزنی، کوچک باشد.<sup>۸۱</sup>

#### چهارم. برترین مرگ برای برترین عمل

در سخنان پیشوایان دین برای مرگ درجاتی ذکر شده است و برترین و شریف‌ترین مرگ، مرگ به شهادت است. چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود شریف‌ترین کشته شدن، شهادت است.<sup>۸۲</sup> پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر کس که در دفاع از خود به مبارزه با دشمن بپردازد، تا این راه کشته شود، پس او شهید است.<sup>۸۳</sup>

پاداش کشته شدن در راه دفاع از مال، جان، ناموس، وطن، دین و ... شهادت است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: برای دفاع از مالت بجنگ تا این که مالت را از شر دشمن دور سازی و مالت را به چنگ آوری یا این که کشته شوی که از شهدای آخرت خواهی بود.<sup>۸۴</sup> همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: چه خوش مردنی است این که آدمی در راه دفاع از حق خویش کشته شود.<sup>۸۵</sup> منابع اهل سنت هم چنین مضامینی را از رسول گرامی اسلام روایت کرده‌اند. در یک روایت جامع آمده است: هر کس که در دفاع

۷۹ . مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۹۸  
۸۰ . الخصال، ص ۳۹۷  
۸۱ . مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴  
۸۲ . بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸  
۸۳ . کنز العمال، ح ۱۱۲۳۶  
۸۴ . کنز العمال، ح ۱۱۱۷۴  
۸۵ . کنز العمال، ح ۱۱۲۰۹

از ستمی که به خانواده‌اش می‌شود، کشته شود؛ شهید است. و نیز هر کس که در دفاع از مالش و همسایه‌اش کشته شود.<sup>۸۶</sup>

پیامبر اعظم در روایتی دیگر فرموده است: هر کس در راه مظلومه‌اش کشته شود، شهید است. آنگاه به ابامریم - صحابی پیامبر و راوی حدیث - خطاب کرده و فرمود: آیا می‌دانی در راه مظلومه، چیست؟ ابامریم گفت: فدایت شوم، آدمی در راه دفاع از مال، خانواده و مانند آن کشته شود. پیامبر فرمود: ای ابامریم از جمله‌ی دانستن فقه، شناختن حق است. پیامبر با بیان این جمله فهم ابامریم را مورد تایید قرار داد.<sup>۸۷</sup>

در متون روایی ما دفاع به حدی دارای اهمیت است که دفاع در مقابل دزد نیز در حد دفاع‌های ارزشمند دیگر دانسته شده و برای آن نیز مزد شهادت در نظر گرفته شده است. شیخ کلینی در کتاب شریف الکافی دو باب را به مقابله با دزدان و دفاع در رویارویی با آنان و نیز کشته شدن در دفاع از ستمی که به ایشان می‌شود، اختصاص داده است.<sup>۸۸</sup>

هشتم بن برآی حدیث، می‌گوید به امام باقر علیه‌السلام گفتم: اگر دزدی به قصد جان و مالم وارد خانه‌ام شود، وظیفه‌ام چیست؟ امام فرمود: با او بجنگ. من خدا و هر کس که این سخن را می‌شنود، شاهد می‌گیرم (که در صورت کشته شدنش) خونش بر گردن من باشد.<sup>۸۹</sup> در همین باره سخنی دیگر از امام امیرالمؤمنین از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: خدای عزیز و جلیل، دشمن دارد فردی را که دزدی در خانه‌اش وارد شود و او با دزد مبارزه نکند.<sup>۹۰</sup>

امام علی علیه‌السلام در کلامی دیگر فرمود: از بزرگ‌ترین پستی‌های موجب سرزنش آن است که انسان خود را برکنار دارد و خویشانش را تسلیم سازد.<sup>۹۱</sup>

از امام رضا علیه‌السلام سؤالی پرسیده شد، درباره‌ی مردی که در سفر است و کنیزی همراه او است. با دزدانی روبرو می‌شود که قصد دزدیدن کنیز را دارند. آیا باید دفاع کند و نگذارد او را ببرند؟ اگر بر جان خویش بترسد، حکم چیست؟ امام رضا علیه‌السلام فرمود: آری. پرسش‌گر گونه‌ی دیگری از این سوال را مطرح کرد. بدین صورت که: اگر همسرش، مادرش یا دختر و حتی دخترعمویش باشند چطور؟ که باز از

<sup>۸۶</sup> . کنز العمال، ج ۱۱۲۳۷

<sup>۸۷</sup> . الکافی، ج ۱، ص ۵۲

<sup>۸۸</sup> . الکافی، ج ۵، صص ۵۱-۵۳

<sup>۸۹</sup> . الکافی، ج ۱، ص ۵۱

<sup>۹۰</sup> . الکافی، ج ۱، ص ۵۱

<sup>۹۱</sup> . غررالحکم و دررالكلم، ج ۲، ص ۲۳۰



امام همان جواب را شنید. بار دیگر و این بار درباره‌ی حفظ مال از امام پرسید. و امام دفاع از مال را حتی اگر خوف از دست دادن جان وجود داشته باشد، جایز دانست.<sup>۹۲</sup> شیخ طوسی با تکیه بر روایت نبوی که سخن پیامبر اکرم - درورد خدا بر او و خاندانش باد - را حکایت کرده است: هر کس برای دفاع از مالش کشته شود، شهید است؛ گفته است: هرگاه فردی قصد جان، مال یا حریم خانواده‌ی کسی را کرده باشد، برای او است که از خود دفاع کند.<sup>۹۳</sup> شهید اوّل نیز در این باره گفته است: در اخبار و روایات برای کسی که در راه دفاع از مال و خانواده‌اش کشته شود، شهادت اطلاق شده است. نه به این معنا که احکام شهید برای او جاری شود، بلکه به معنای مساوی بودن یا نزدیکی در فضیلت است.<sup>۹۴</sup> شهید ثانی نیز چنین شهیدی را مانند شهید در رسیدن به ثواب برمی‌شمارد نه مانند شهید در احکام.<sup>۹۵</sup> شاید بتوان این معنا را در الفاظ سخنان پیامبر مکرم اسلام نیز پیدا کرد که در برخی روایات به جای لفظ فهو شهید، لفظ فهو بمنزلة الشهيد آمده است.<sup>۹۶</sup> علامه حلی می‌گوید: این که پیامبر گرامی اسلام، کشته‌ی این راه را شهید خوانده است، برای مبالغه در درستی و خوشی عاقبت او است.<sup>۹۷</sup>

نیک روشن است که احکام مربوط به شهید در معرکه‌ی جنگ ویژه‌ی او است و شامل حال شهیدان حکمی<sup>۹۸</sup> نمی‌شود. ولی با این همه برخی از دانشیان شهیدان دفاع از مال و جان را مشمول احکام دفن شهیدان معرکه دانسته‌اند.<sup>۹۹</sup>

<sup>۹۲</sup> . الکافی، ج ۱، ص ۵۲

<sup>۹۳</sup> . المبسوط، ج ۷، ص ۲۷۹

<sup>۹۴</sup> . ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱، ص ۳۲۳

<sup>۹۵</sup> . مسالك الأفهام، ج ۱۵، ص ۵۱

<sup>۹۶</sup> . الکافی، ج ۵، ص ۵۲

<sup>۹۷</sup> . المعبر، ج ۱، ص ۳۱۱

<sup>۹۸</sup> . آنان که در حکم شهید هستند. این‌گونه از روایات که در آن حکم شهادت برای برخی از اعمال دینی در نظر گرفته شده بسیار است.

<sup>۹۹</sup> . تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۷۴

فهرست منابع

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة (ع): محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)، بیروت : مؤسسه الوفاء، چاپ دوّم، ۱۴۰۳ ق
۲. تهذیب الاحکام: ابو جعفر محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، (م ۴۶۰ ق) تحقیق: سید حسن خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۵ ش.
۳. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال: ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، قم: رضی، چاپ دوّم، ۱۳۶۸ ش.
۴. الخصال: ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوّم، ۱۴۰۳ ق.
۵. ذکرى الشيعة فى احكام الشريعة، محمد بن جمال الدين العالمى المكي (م ۷۸۶ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، اول، ۱۴۱۸ق
۶. سنن أبى داود: ابو داود سليمان بن اشعث (م ۲۷۵ ق)، تحقیق: سعيد محمد لحام بيروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۷. غرر الحكم و دارالحکم: عبد الواحد آمدی تمیمی (م ۵۵۰ ق)، تحقیق: جلال الدين حسينى ارموى، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۰ ش.
۸. الکافی: ابو جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق کلینی (م ۳۲۸ ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ق
۹. كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال: علی متقى بن حسام الدين هندی (م ۹۷۵ ق)، تحقیق: شیخ صفوه سقا، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. المبسوط: محمد بن حسن بن علی طوسی (م ۴۶۰ق)، تحقیق: محمد تقی کشفی، تهران: مرتضویه، اول، ۱۳۸۷ق



۱۱. المجازات النبویه : ابو الحسن محمد بن حسین بن موسی بغدادی معروف به شریف رضی ( م ۴۰۶ ق ) ، تحقیق : مهدی هوشمند ، قم : دارالحدیث ، ۱۳۸۱ ش
۱۲. المحاسن : ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی ( م ۲۷۴ ق ) ، تحقیق : سید جلال الدین حسینی ارموی ، تهران : دار الکتب الاسلامیه ، چاپ اول ، ۱۳۷۰ ق
۱۳. مسالك الافهام : زین الدین بن علی العاملی ، شهید ثانی (م۹۶۵ق)، تحقیق موسسه معارف اسلامی، قم: موسسه معارف اسلامی، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل : میرزا حسین نوری طبرسی ( م ۱۳۲۰ ق ) تحقیق : مؤسسه آل البيت (ع) ، قم : مؤسسه آل البيت (ع) ، چاپ اول ، ۱۴۰۸ ق
۱۵. مسند أحمد : احمد بن حنبل ( م ۲۴۱ ق ) ، بیروت : دارصادر ، [ بی تا ]
۱۶. المعترف فی شرح المختصر ، ابوالحسن جعفر بن حسن محقق حلی (م۶۷۶ق)، تحقیق: گروهی از محققان، قم: موسسه سیدالشهدا(علیه السلام)، اول، ۱۳۶۴ش
۱۶. نهج البلاغه : ابو الحسن شریف رضی محمد بن حسین بن موسی موسوی (م ۴۰۶ ق) ، تحقیق : صبحی صالح ، قم : دارالحدیث ، چاپ اول ، ۱۴۲۴ ق
۱۷. وسائل الشیعة : محمد بن حسن حر عاملی ( م ۱۱۰۴ ق ) ، تحقیق : مؤسسه آل البيت (ع) ، قم : مؤسسه آل البيت (ع) ، چاپ دوّم ، ۱۴۱۴ ق

بررسی دلایل اهمیت حماسه اسلامی ششم بهمن آمل با استفاده از دیدگاهها و بیانات امام راحل (ره) و  
مقام معظم رهبری

مهدی سروی همپا ۱۰۰

چکیده

انقلاب اسلامی مردم ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ به عنوان یکی از تعیین کننده ترین حوادث در مسیر تاریخ جهان شناخته می شود که امروزه تأثیرات آن در کشورهای عرب حوزه خاورمیانه کاملاً آشکار شده است. انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در تاریخ ۳ دهه عمر خود حوادث بسیاری را تجربه کرده است که نقشی تعیین کننده در حفظ و پایداری آن داشته است. یکی از این حوادث تاریخی مهم حماسه اسلامی مردم آمل در ششم بهمن ماه سال ۱۳۶۰ می باشد. حادثه ای که به زعم برخی تحلیل گران در اهمیت همتراز با جنگ تحمیلی و حوادث کردستان می باشد. مساله ای که در این مقاله به آن پرداخته می شود بررسی دلایل اهمیت ششم بهمن در تاریخ انقلاب با استفاده از بیانات حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی می باشد. بررسی انجام شده در پایان نشان داد که حماسه اسلامی ششم آمل از منظرهایی همچون: ۱- زمان و تاریخ شکل گیری جبهه سوم ۲- مکان و محل عملیات در جبهه سوم ۳- مهاجمین و دشمنان انقلاب اسلامی در جبهه سوم ۴- مدافعین و مبارزان اسلامی در جبهه سوم، دارای اهمیت فراوان در تاریخ انقلاب اسلامی و پایداری نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد.

کلید واژه: جبهه سوم، اتحادیه کمونیست های ایران، آمل، ششم بهمن.

بیان مساله

ملت های جهان در تاریخ خود روزگاری را ثبت کرده اند که آیندگان با مطالعه و مرور محتوا و ماهیت آنها، به گذشته خود بالیده و در مسیر پیشرفت و توسعه از آنها استفاده می کنند. ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و زمان به ثمر رسیدن فعالیت ها و تلاش های مبارزین حق علیه باطل در ایران، یکی از همین روزگاران می باشد که بزرگترین حادثه تاریخ قرن لقب گرفت و مسیر حرکت تاریخ جهان

۱. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی (Mehdi.sarvihampa@gmail.com)



را تغییر داد. تغییری که امام خمینی (ره) بشارت آن را به آیندگان در آن زمان داده بود و آن تغییر در واقع به این معنا بود؛ گسترش روح انقلاب اسلامی در کشورهای ستم دیده جهان، حادثه ای که امروزه در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه با عنوان بیداری اسلامی شناخته می شود.

اما آنچه مهم است و باید به آن پرداخته شود حوادث سرنوشت سازی است در تاریخ خود انقلاب اسلامی ایران وجود دارد، حادثی که اگر رقم نمی خورد و در تاریخ این انقلاب نگاشته نمی شد چه بسا ستون ها و پایه های انقلاب اسلامی بدین مستحکمی ساخته نشده و پیکره آن در گذر زمان سست و پوسیده می شد. اکثر محققین تاریخی هشت سال دفاع مقدس رزمندگان در مقابل تهاجم همه جانبه رژیم بعث عراق را مهم ترین و بزرگترین حادثه سرنوشت ساز تاریخ انقلاب اسلامی معرفی نموده اند. برخی نیز حوادث کردستان و سرکوب منافقین توسط رزمندگان در غرب کشور و جلوگیری از تجزیه کشور را به عنوان مهم ترین حادثه تاریخ انقلاب شناخته و معرفی می نمایند.

اما درست سه سال بعد از انقلاب و سال دوم جنگ تحمیلی حادثه ای در شمال کشور رخ داد که تاثیر شگرفی در استحکام بیش از پیش انقلاب اسلامی و حفظ نظام جمهوری اسلامی در مسیر حرکت تاریخ گذاشت. حادثه ای که امام (ره) در وصیت نامه الهی - سیاسی خود از آن یاد کرده و از به وجود آوردن آن قدردانی نموده است. این حادثه ششم بهمن ۱۳۶۰ در شهرستان آمل استان مازندران رقم خورد و به همین نام در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شد، روزی که گروه های تروریستی اتحادیه کمونیست های ایران با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی و به امید واهی حمایت مردمی به شهر آمل یورش بردند و در عرض کمتر از نیم روز به دست مردم آمل، که امام (ره) آنها را شریف نامیده است، متلاشی و نابود شدند.

این حادثه به زعم برخی از تحلیل گران از مهم ترین حوادث تاریخ انقلاب می باشد که در اهمیت همتراز حوادث کردستان و جنگ تحمیلی شناخته می شود. مساله ای که در این مقاله به آن پرداخته می شود پاسخ به این سوال است که چرا حادثه ششم بهمن آمل اینقدر مهم می باشد و ابعاد اهمیت آن در چیست؟ برای پاسخ به این سوالات از بیانات بزرگانی چون حضرت امام خمینی (ره)، بیانات مقام معظم رهبری، بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی و بیانات آیت الله حسن زاده آملی در خصوص ششم بهمن به شیوه تحلیل محتوا استفاده شده است.

### نیم نگاهی به حادثه ششم بهمن

پس از به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران برخی از گروهها و افراد که در اوایل انقلاب اسلامی در صفوف انقلابیون قرار داشتند کم کم چهره واقعی خود را نشان داده و شروع به کارشکنی های فراوان در سطوح مختلف مدیریت کشور نمودند. با شناسایی آنها توسط انقلابیون و به پشتیبانی رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) بسیاری از آنها از سمت های خود کنار گذاشته شدند و کم کم دست آنها از مدیریت کشور کوتاه شد. همین امر موجب شد تا آنها گردهم آمده و در قالب یک ائتلاف در جبهه سوم به مقابله با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بپردازند.

آنها شمال کشور و جنگل های آمل را به عنوان مکان مبارزه خود انتخاب نمودند. چراکه این اعتقاد در بین آنها وجود داشت که مردم شهر آمل ۱۰۰ درصدشان با نظام جمهوری اسلامی مخالف بوده و به همین علت با آغوش باز این ائتلاف را پذیرفته و با همکاری آنها بر علیه انقلابیون خواهند جنگید.

این گروه پس از انجام چندین عملیات تروریستی و جنگ و گریز با نیروهای انقلابی در طول سال بالاخره در سحرگاه ششم بهمن ۱۳۶۰ با تمام نیرو به سمت آمل حمله نموده و در اهداف خود تسخیر محل های نظامی و استراتژیک در وهله اول و تسخیر کل شهر آمل و استان مازندران با کمک و همراهی مردم در وهله دوم را برنامه ریزی کرده بودند. با توجه به اینکه بخش اعظم رزمندگان شهر آمل ( سپاه، بسیج، ارتش و ...) در جبهه های جنوب و جبهه کردستان درگیر بودند، نیروهای مهاجم توانستند ضربات سنگینی را به نیروهای مدافع شهر وارد آورند ولی با این وجود دفاع جانانه نیروهای انقلابی موجب شد تا آنها نتوانند به هدف اول خود که تسخیر مکان های استراتژیک شهر بود، دست یابند. به همین دلیل مهاجمین از هدف اول خود دست شسته و منتظر همکاری و حمایت مردم از آنها شدند اما وقتی روشنائی آفتاب تاریکی شب را کنار زد و مردم به صحنه آمدند. برخلاف انتظار مهاجمین مردم مؤمن و مسلمان آمل نه تنها به صفوف مهاجمین نپیوستند بلکه در کنار نیروهای انقلابی و حتی پیشاپیش آنها بر علیه مهاجمین دست به مبارزه زدند و با دستانی خالی از سلاح و با اهدای شهیدان خود در عرض کمتر از نیم روز مهاجمین را نابود کرده و شهر آمل را از وجود ناپاک آنها پاک نمودند تا بدینوسیله نام آمل و حماسه ششم بهمن در تاریخ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران ثبت شود و همچون یک ستاره برای همیشه بدرخشد.



### اهمیت جبهه سوم

جبهه سوم جدای از تمامی تحلیل‌هایی که تاکنون ارائه شده است از منظرهای مختلفی دارای اهمیت فراوان می‌باشد. منظرهایی همچون: ۱- زمان و تاریخ شکل‌گیری جبهه سوم ۲- مکان و محل عملیات در جبهه سوم ۳- مهاجمین و دشمنان انقلاب اسلامی در جبهه سوم ۴- مدافعین و مبارزان اسلامی در جبهه سوم. بنابراین در ادامه این نوشتار به اختصار به اهمیت منظرهای مختلف از دیدگاه بزرگان انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

### بهمن ماه ۱۳۶۰ به عنوان یک زمان بحرانی

بهمن ماه سال ۶۰ زمانی بود که ارتش رژیم بعث عراق پس از انجام عملیات‌های مختلف علیه رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنوب و پیشروی در خاک جمهوری اسلامی ایران و تصرف بخش‌هایی از میهن اسلامی، به دست نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اعم از ارتش، سپاه و بسیج زمینگیر شده بود و به همین دلیل تمامی قوای نظامی خود را جهت حفظ مواضع به دست آمده خود متمرکز کرده بود. در همین راستا مسئولان و فرماندهان جنگ در حال برنامه‌ریزی برای هجوم به دشمن و پس‌گیری مواضع و شهرهای کشور از دست متجاوزین بودند لذا متمرکز کردن و جمع‌آوری تمامی نیروها اعم از ارتش، سپاه و بسیج از سطح کشور و بسیج کردن آنها جهت اعزام گسترده و سریع به جبهه‌های جنوب در دستور کار قرار داشت. به همین جهت پایگاه‌های شهری و جاده‌ای یگان‌های نظامی، انتظامی و بسیج خالی از نیرو بوده و این امر فرصت مناسبی را در اختیار ضد انقلاب و دشمنان داخلی جهت ایجاد خرابکاری، شورش و عملیات‌های تروریستی قرار داده بود.

از مهمترین این وقایع در این برهه زمانی خاص گردهمایی گروه‌های تروریستی به سرپرستی اتحادیه کمونیست‌های ایران در جنگل‌های آمل جهت ایجاد جبهه سوم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این مقطع شاید بتوان گفت تعداد نیروهای بسیجی و سپاهی در کلیه شهرها در کمترین حد ممکن قرار داشت و تمامی توجهات نیز معطوف به تدارکات لازم برای انجام عملیات بزرگ تهاجمی رزمندگان به دشمن عراقی بود. این وضعیت را فراری‌های اتحادیه کمونیست‌ها خود به خوبی شرح داده‌اند، نیروی نظامی دشمن در شهر هم خیلی گسترده نبود. مقر سپاه در مواقع عادی ۲۰ تا ۳۰ نفر نیرو داشت.» (پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳، ص ۵۰) «رفیق‌مان حشمت اسدی بعد از این که نیروها به جنگل منتقل شدند دو سری اسلحه‌ای که قبلاً به شهر برده شده بود را پشت وانتی انداخت و یک گونی رویش انداخت و از جلوی پاسگاه‌های کنترل رژیم گذشت و آنها را به جنگل آورد» (پرنده نوپرواز، ۱۳۸۳، ص ۳۵). مطالب فوق

به خوبی نشان می دهد که حضور نیروهای نظامی و انتظامی و بسیج در سطح شهر تا چه حد کم بوده است که دشمنان با خیالی آسوده به نقل و انتقال سلاح و افراد خود در سطح شهر کرده اند .

در چنین وضعیتی گروه تروریستی اتحادیه کمونیست های ایران اقدام به تصرف یک شهر مهم و توسعه عملیات های بعدی می کند تا بدین وسیله نظر افکار عمومی و گروه های سیاسی داخل کشور را به خود جلب کند و با قوی نشان دادن خود نسبت به دیگران زمینه را برای جلب حمایت های خارجی آماده کرده و با تقویت هواداران خود و گروه های سیاسی داخل کشور ضربات سهمگینی را به انقلاب اسلامی وارد کند و با ایجاد رعب و دلهره در نیروهای هوادار نظام موجب سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران شود . اما تمامی این اهداف و برنامه ها، با حضور همه جانبه مردم آمل در صحنه نبرد حق علیه باطل، در ششم بهمن ماه ۱۳۶۰ نابود و به طور کل متلاشی شد.

این حادثه و زمان رخداد آن آنقدر با اهمیت می باشد که حضرت امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی - الهی خود می فرماید، و ما باید تشکر کنیم از شهر آمل و آن مردم فداکار ( صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳ ) . بی شک تشکر و قدردانی رهبر کبیر انقلاب اسلامی نشان دهنده اهمیت فراوان مبارزه مردم آمل و زمان رخداد آن برای حیات انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد . در جایی دیگر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای ششم بهمن ۱۳۶۰ را به عنوان خاطره بزرگ و یکی از حماسه های برجسته ملت ایران معرفی می نماید و در ادامه با پرشکوه دانستن آن خاطره و بی نظیر دانستن آن و معرفی آن به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده تاریخ انقلاب بر اهمیت روزافزون ششم بهمن ۱۳۶۰ صحنه می گذارد ( دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن با مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۸ ) .

در همان بهمن ماه سال ۶۰ و درست چند روز پس از حماسه مردم آمل در ششم بهمن آیت الله حسن زاده آملی طی پیامی از این حادثه و رخداد آن این چنین یاد می کند؛ شما از این مشت محکمی که چون پتک پولادین بر دهن مهاجمان زدید خدا و پیغمبر را از خود خشنود کردید، قلب قطب عالم امکان حضرت بقیه الله و تتمه النبوه امام زمان مهدی موعود ارواحنا له الفداء و خاطر شریف مرجع عالیقدر رهبر کبیر انقلاب شکوهمند اسلامی ایران آیت الله العظمی جناب امام خمینی وسایر مراجع عظام و علمای اعلام و مسلمانان، و مومنان و مجاهدان جبهه های جنگ تحمیلی و ارواح شهدا را شاد کرده اید. شما حوزه علمیه را خوشحال کرده اید جزاکم الله خیرا. ( حماسه مردم آمل صص ۴۳-۴۱ ) . این گفته ها و موارد ذکر شده همه نشان از این واقعیت دارد که حماسه سازی مردم آمل در این برهه زمانی خاص که نظام جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی با تهدیدات جدی روبروست، بسیار با اهمیت بوده و خود به عنوان یک پیروزی تمام عیار



موجب تقویت روحیه رزمندگان در جبهه های جنوب نیز شده است و حامل این پیام بوده که هرچند نیروهای نظامی و انتظامی به همراه پاسداران و نیروهای بسیجی در جبهه های جنوب و مبارزه با رژیم بعث عراق مشغول جان فشانی هستند در داخل شهرها مردم غیور و مسلمان نیز پشتیبان و حافظ جان و مال خانواده های آنان، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران می باشند و بیشتر از آنها در این راه جان فشانی می کنند.

#### آمل به عنوان یک منطقه استراتژیک

همانطور که گفته شد گروه های تروریستی از جمله اتحادیه کمونیست های ایران در راستای براندازی نظام جمهوری اسلامی اقدام به ایجاد جبهه سوم در برهه زمانی حساس ۱۳۶۰ نمودند. آنها برای این اقدام نیازمند منطقه ای بودند که از جنبه های مختلفی نسبت به سایر مناطق برای ایجاد این جبهه مناسب باشد. در برخی از بررسی ها و تحلیل های صورت گرفته دلایل گوناگونی جهت انتخاب آمل برای جبهه سوم مطرح شده است. دلایلی همچون؛ کم بودن احتمال موفقیت در تهران، موقعیت طبیعی، استراتژیک، سیاسی و انسانی شهرستان آمل به عنوان گذرگاه ارتباطی تهران به شرق و غرب مازندران و همچنین همسایگی استان های شمالی ایران با شوروی سابق به عنوان قطب اصلی کمونیسم و فعالیت سابقه دار کمونیست ها در این منطقه (سیمین رهگذر، ۱۳۸۵).

دلایل دیگری نیز برای انتخاب جنگل های آمل ذکر شده است از جمله:

- الگوگیری از واقعه سیاهکل.
- استتار مناسب جنگل آمل به دلیل داشتن پوشش مناسب، غارها و پستی و بلندی های بسیار.
- وجود راه های بسیار و متفاوت که افراد ناآشنا را با مشکل مواجه می کرد.
- وجود عناصر بومی مثل رانندگان معدن که از مشکوک شدن به تحرکات زیاد جلوگیری می کرد.
- خبرگیری و استفاده از چوپانان.
- تامین آذوقه از روستاهای مجاور.
- استقرار در حاشیه جاده بین المللی هراز که گذرگاه چند استان و شهر مهم کشور بود.
- امکان بستن راه هراز به گونه ای که امکان ارتباط با پایتخت و نیروهای اعزامی را کاهش دهند و همچنین تبلیغات در این جاده.
- فاصله مناسب بین جنگل و دریا جهت ایجاد عملیات جنگ و گریز.

- نزدیکی به تهران .
- وجود جنگل در دوسوی جاده هراز و موقعیت مناسب آن .
- دسترسی به آب رودخانه هراز .
- وجود خوراکی‌های درختی و زمینی ( ویکیپدیا، ۲۰۱۲).

به جز موارد ذکر شده یکی از مهم ترین دلایل انتخاب شهر آمل جهت تشکیل جبهه سوم در آن اعتقاد و نظریه پردازی های فرماندهان دشمن در خصوص حمایت های مردمی آمل از این جبهه و مخالف بودن آنها با نظام جمهوری اسلامی است . این دلیل مهم مطرح شده جهت انتخاب آمل از سوی بزرگان انقلاب اسلامی بارها و به صورت های گوناگونی مورد نکوهش قرار گرفته است .

حضرت امام خمینی به خوبی در وصیت نامه خود نشان می دهد که این افراد بسیار با کوفه‌می مواجه بوده اند و با همین تفکر اشتباه شمال کشور و در راس آن شهرستان آمل را مخالف نظام جمهوری اسلامی معرفی می نمودند . شما ملاحظه فرمودید که این‌ها در داخل تبلیغات زیاد می کردند، به خارج هم که رفتند تبلیغات زیاد می کنند؛ به این که مردم در اختناق اند و خودشان همه مخالف اند با جمهوری اسلامی . در صد، شش تا موافق دارد جمهوری اسلامی، یا فو‌قش ده تا، ولی سایرین همه موافق منفی و مخالف هستند ( صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳) . و در جایی دیگر می فرمایند : و دیدند که همه‌ی آمال‌شان را به شمال دوخته بودند و بیشتر تبلیغات این بود که شمال دیگر تقریباً صددرصد مخالف با جمهوری اسلامی هستند . این‌ها به خیال خودشان با دست ملت می خواستند که - همان ملتی که آن‌ها تراشیدند که مخالفند با جمهوری اسلامی - با این‌ها بیایند و مرکز را هم بگیرند و حکومت را تغییر بدهند و بعد هم هرطوری که دل‌شان می خواهد عمل بکنند، مرتجعین را هم از بین ببرند! وقتی مواجه شدند با مخالفت مردم ، مهم مخالفت مردم بود ( صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳) .

آیت الله حسن زاده آملی نیز در سخنان خود می فرماید : اینک افرادی اشباح رجال و لا رجال، دشمنان مجد و عزت مسلمانان، سودای خام بر سر پروراندند و اراجیف و اکاذیب پراکندند و چنین بهتان و افترای بزرگ را روا داشتند که مردم مازندران بخصوص آمل که مدخل و دروازه استان مازندران است، پشتیبان و همدست ما هستند (حماسه مردم آمل صص ۴۳-۴۱) .

این بیانات بزرگان و حادثه رخ داده به خوبی نشان می دهد که نه تنها گفته ها و باورهای دشمنان در خصوص مردم آمل درست نبوده است بلکه کاملاً برعکس بوده و مردم آمل در راه انقلاب و حفظ نظام جمهوری اسلامی در مقابل هر دشمنی ایستادگی کرده و با اهدای خون خود این امر را اثبات می کنند . این



واقعیت آنقدر روشن و واضح است که امام خمینی در این خصوص می فرماید: اینطور نیست که شما خیال می کنید که اگر یک صدائی بلند کنید مردم با شما هستند. چطور یک مردم مسلمانی که دل بستند به اسلام و دل بستند به قرآن و شهادت را برای خودشان افتخار می دانند و هرکس شهیدی دارد برای خودش یک افتخاری می داند و هست، چطور امکان دارد که چند تا دزد سرگردنه و چند تا اشخاصی که هیچ از قرآن و اسلام اطلاع ندارند و هیچ ایمان ندارند بیایند و یک شهر مومن را بخواهند بهم بزنند این معنا واضح شد که مسئله آنطور نیست که آنها فکر کردند (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳).

آیت الله حسن زاده آملی نیز در سخنان خود اشاره می کنند که: شما همان مسلمانان غیور و شجاعی هستید که در زمان بحران و شدت مبارزه با طاغوت، اولین بار در ایران آن روز اعلام جمهوری اسلامی نموده اید و اختیار شهر خودتان را بدست گرفتید. آفرین بر شمائی که فقط با سلاح ایمان در مقابل آنان قیام کردید، چنانکه به آنان مهلت ندادید که در دارالمؤمنین "شهرستان آمل" نفس تازه کنند (حماسه مردم آمل صص ۴۳-۴۱).

با توجه به موارد ذکر شده می توان گفت که یکی دیگر از دلایل اهمیت حادثه در شهر آمل وجود تبلیغات مسموم دشمن در خصوص مخالفت مردم با نظام جمهوری اسلامی و صدور صد شناختن این موضوع در شمال کشور می باشد. بنابراین مقاومت مردم در مقابل مهاجمین در شهر آمل نه تنها پوچ بودن این تبلیغات را روشن کرده است بلکه حمایت صددرصدی مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران را نشان می داد

#### سیمای دشمن و مهاجمین جبهه سوم

پس از شهریور ۱۳۲۰ سه گرایش مذهبی، مارکسیستی و ملی در کشور پدید آمد. اتحادیه کمونیست های ایران در اواخر سال ۱۳۵۵ در پی اتحاد دو گروه کمونیستی «سازمان انقلابیون کمونیست» و «پویا» تشکیل گردید. اکثر اعضای آن دانشجویان ایرانی در آمریکا بودند که مخالف شاه بوده و علیه رژیم فعالیت سیاسی - فرهنگی می نمودند. اعضای این گروه در ماه های آخر پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به ایران آمده و به «اتحادیه کمونیست های بخش داخل» معروف گشتند (جعفریان، ۱۳۸۵).

اتحادیه کمونیست ها، پس از پیروزی انقلاب، نظام جمهوری اسلامی ایران را متشکل از جریان های متفاوتی می دانست که نمی توان در برابر همه آن ها رفتار یکسانی اتخاذ نمود. از جمله این جریان ها لیبرال بود که از نظر آن ها حکومت را به سمت غرب کشانده و خواهان سرکوب آزادی هاست و از

طرف دیگر خط امام می باشد که بایستی از آن پشتیبانی نمود؛ لذا برخلاف سایر گروه های چپ تندرو ضمن مخالفت با اسلامی بودن نظام و پایبندی به اصول مارکسیستی از نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل شعار استقلال، آزادی و رویارویی با غرب و آمریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران حمایت نمود. حمایت از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، شرکت در جبهه های جنگ (هرچند با توجه به اسناد، متهم به ربودن اسلحه از مناطق جنگی و پنهان نمودن آن ها می باشند)، حمایت از نهادهای انقلابی همچون سپاه، مخالفت با گروه های تندرو از جمله این موارد می باشد (سیمین رهگذر، ۱۳۸۵).

در جریان هایی که بر ضد امام و یاران ایشان شکل گرفت به خصوص تشکیل حزب جمهوری اسلامی ایران، این اتحادیه در کنار نیروهای مخالف نظام همچون سازمان مجاهدین خلق ایران، فدائیان خلق، کومله، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و ... که رئیس جمهور، بنی صدر، در رأس آن قرار داشت حمایت نموده و تشکیل حزب جمهوری اسلامی را کودتایی در کشور و امام و یاران ایشان را جبهه ارتجاع نامید (سیمین رهگذر، ۱۳۸۵).

در هر صورت برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا توسط امام و سپس رأی مجلس مبنی بر بی کفایتی وی و عزل او از ریاست جمهوری در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ و درگیری های به وجود آمده نقطه آغازی در ایجاد تنش بین ائتلاف گروه های ضد انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد (سیمین رهگذر، ۱۳۸۵).

این گروه از اواخر شهریور ۱۳۶۰ جمعیتی در حدود ۱۸۰ نفر از اعضا را از سراسر کشور به جنگل فراخوانده و در پایگاهی در حوالی «منگل دره» در ۲۰ کیلومتری آمل به طور مخفیانه مستقر شدند. آنان قصد حمله غافلگیرانه به شهر در ۱۸ آبان ۱۳۶۰ را داشتند اما به علت درگیری های متعددی که در مقاطع مختلف زمانی بین آنان و نیروهای نظامی به وقوع پیوست این عملیات به تعویق افتاد. در نتیجه حدود ۸۰ نفر از اعضا که وعده پیروزی را شکست خورده می دیدند از گروه جدا گشتند (سیمین رهگذر، ۱۳۸۵). در نهایت در سحرگاه ششم بهمن ۱۳۶۰ این گروه تروریستی با تمام قوا به سمت شهر آمل و مناطق استراتژیک آن حمله نموده و در همان روز به دست مردم نابود شدند.

امام خمینی (ره) در وصیت نامه خود سیمای واقعی این گروه را با استفاده از تعبیرها و القاب بسیار روشنی نشان می دهند:

✓ اگر یک عده ای که در جنگل بودند اسلام را فهمیده بودند.



- ✓ دسته های غیر انسانی .
- ✓ چند تا دزد سر گردنه .
- ✓ چند تا اشخاصی که هیچ از قرآن و اسلام اطلاع ندارند و هیچ ایمان ندارند .
- ✓ یا از نظر سیاسی منحرف شدند و یا از نظر اعتقادی دچار گمراهی گشتند.
- ✓ گروه های کمونیستی که هم از نظر اعتقادی، گمراه شده و هم از نظر سیاسی .
- ✓ شما فریب خوردگان ( صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳ ) .

مقام معظم رهبری نیز در سخنان خود مهاجمین را به عنوان گروههای اشرار و متجاوز مورد خطاب قرار می دهند( دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن با مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۸ ) . و در نهایت در کنار این بزرگواران آیت الله حسن زاده آملی نیز با استفاده از القابی چون؛ اشباح رجال و لا رجال، دشمنان مجد و عزت مسلمانان در مقام معرفی چهره مهاجمین برآمده اند ( حماسه مردم آمل صص ۴۳-۴۱ ) .

اما آنچه مهمتر از چهره منفور این گروههای تروریستی می باشد پرداختن به این واقعیت است که این افراد شدیداً به بلوک شرق و حکومت های کمونیستی آن وابسته بوده و تمام تلاش های خود را در جهت تسلیم ایران اسلامی به حکومت های کمونیستی به خصوص شوروی انجام می داده اند و این خود خطری بس بزرگتر و جدی تر از حمله رژیم بعث عراق بوده است . حضرت امام خمینی (ره) این امر را به خوبی درک نموده و در وصیت نامه خود به خوبی این واقعیت را مطرح می نمایند .

وصیت من به چپ گرایان مثل کمونیست ها و چریک های فدائیان خلق و دیگر گروه ها، متمایل به چپ، آن است که شماها بدون بررسی صحیح از مکتب ها و مکتب اسلام نزد کسانی که از مکتب ها و خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شد که دل خود را به چند ایسم که محتوای آنها پیش اهل تحقیق پوچ است خوش کرده اید و شما را چه انگیزه وادار کرده که می خواهید کشور خود را به دامن شوروی یا چین بکشید و با ملت خود به اسم توده دوستی به جنگ برخاسته یا به توطئه هائی برای نفع اجنبی به ضد کشور خود و توده های ستمدیده دست زدید؟

شما می بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت طلب و انحصارترین حکومت های جهان بوده و هستند. چه ملتھائی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفدار توده ها خورد شدند و از هستی ساقط گردیدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیر مسلمانان، تاکنون در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست و پا می زنند و از هرگونه آزادی محروم و در اختناق بالاتر از اختناق های دیکتاتوری

جهان بسر می برند. استالین، که یکی از چهره های به اصطلاح درخشان حزب بود ورود و خروجش را و تشریفات آن و اشرافیت او را دیدیم.

اکنون که شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان می دهید مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستمگری های آنان جان می سپارند و آنگاه شما که مدعی طرفداری از خلق هستید بر این خلق محروم در هر کجا که دستتان رسیده چه جنایتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل که آنان را به غلط طرفدار پروپا قرص خود معرفی می کردید و عده بسیاری را بفریب، به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید، چه جنایت ها که نکردید.

و شما طرفدار خلق محروم می خواهید خلق مظلوم و محروم ایران را بدست دیکتاتوری شوروی دهید و چنین خیانتی را با سرپوش فدائی خلق و طرفدار محرومین در حال اجرا هستید، منتهی حزب توده و رفقای آن با توطئه و زیر ماسک طرفداری از جمهوری اسلامی و دیگر گروهها با اسلحه و ترور و انفجار (وصیت نامه امام خمینی) . این بیانات و موارد ذکر شده به خوبی نشان می دهد که یکی دیگر از دلایل اهمیت حماسه ششم بهمن مقابله مردم با اتحادیه کمونیست های ایران در آمل و شکست مفتحسانه آنان در جبهه سوم می باشد که در واقع نجات کشور، انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران از دست حکومت های کمونیستی مانند چین و شوروی بوده و در نهایت به حفظ و محافظت مردم ایران از ایدئولوژی های مسموم کمونیستی و سکولاریسم شده است .

#### سیمای مدافعین و مبارزان جبهه سوم

مردم آمل و مناطق اطراف به محض اطلاع از حمله به شهر در سنگر سازی، تدارکات، امداد رسانی، شناسایی دشمن و محل استقرار آنان و همکاری های اطلاعاتی به یاری نیروهای انقلابی شتافتند. حتی مردمی که سلاح نداشتند با وسایلی همچون داس، تیرکمان، سنگ، تفنگ ساچمه ای و شکاری به مقابله با مهاجمان پرداختند. اقشار مختلف مردم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان و حتی بچه های زیر ۱۰ سال که با کف دست شن آورده و گونی ها را به منظور سنگر سازی پر می نمودند نیز در این بحبوحه نبرد به چشم می خوردند. این واقعه به شهادت ۴۰ نفر در شهر، ۲۰ نفر در درگیری های متفرقه و زخمی شدن نزدیک به ۲۰۰ نفر از مردم عادی، نیروهای بسیج و نظامی منجر گردید. (سیمین رهگذر، ۱۳۸۵)

با وجود همکاری مردم با نیروهای بسیج و نظامی در مقابل نیروهای مهاجم، «راديو صدای آزاد ایران» این جریان را معکوس نشان داده و آن را قیام مردم آمل معرفی نمود که به وسیله سلطنت طلبان ایران تحت



کنترل چند ساعته قرار گرفت. همچنین سایر خبرگزاری ها از جمله فرانسه ضمن تکرار این مطلب آن را رویارویی شدیدی دانستند که تکرار آن می تواند برای رژیم اسلامی خطرناک باشد. این در حالی است که با توجه به اعتراف یکی از اعضا، در این مدت حتی یک نفر هم به قیام فوری نیبوست. این مسأله از این لحاظ حائز اهمیت است که روشن سازی و جذب مردم علیه نظام یکی از اهداف این عملیات بود. (سیمین رهگذر، ۱۳۸۵)

این بررسی ها و تحلیل های ارائه شده توسط دشمن و محققین داخلی نشان از این واقعیت دارد که حضور مردم و اعلام پشتوانگی آنان برای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران از هر چیز دیگری با ارزش تر بوده و هر حرکتی که بخواهد این حضور و حمایت مردمی را تهدید کند در واقعیت امر ریشه های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران را مورد حمله قرار داده است. در واقعه ششم بهمن آمل این امر به خوبی اثبات شد و تا جایی اهمیت پیدا کرد که همگان را به تحسین و و تمجید از ملت قهرمان آمل برانگیخت و از همه بالاتر رهبر کبیر انقلاب بارها از این حرکت مردم آمل تشکر و قدردانی نمود.

حضرت امام خمینی (ره) در بیانات خود چهره مردم آمل را با القاب و تمثیل های بسیار زیبایی معرفی می نمایند:

- ✓ مردم دلیر و مسلمان .
- ✓ شهر مومن .
- ✓ مردم مسلمانی که دل بستند به اسلام و دل بستند به قرآن و شهادت .
- ✓ اهالی شریف آمل ( صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳ ) .

آیت الله حسن زاده آملی نیز چهره مردم آمل را این چنین معرفی می نمایند :

- ✓ مسلمانان غیور و شجاع .
- ✓ مردم مسلمان .
- ✓ کاسب و کشاورز شرافتمند .
- ✓ دارالمومنین "شهرستان آمل" ( حماسه مردم آمل، صص ۴۳-۴۱ ) .

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای نیز در بیانات خود چهره آمل را درخشان معرفی نموده و به تفسیر مفهوم هزار سنگر می پردازند. ایشان در تفسیر مفهوم هزار سنگر به این مهم می پردازند که منظور از هزار سنگر در شهر آمل سنگرهای شن و ماسه ای ساخته شده در مقابل دشمنان نمی باشد بلکه این

سنگرها سنگرهای درون خیابانها نیست، این سنگر دلهاست؛ هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است؛ به عدد هر مؤمنی، هر انسان بانگیزه‌ی باشرفی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد (دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن با مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۸). حضرت آیت الله جوادی آملی نیز در سخنان خود اهمیت و ارزش حماسه مردم آمل در ششم بهمن را از این جهت می‌داند که مردم آمل به خاطر آب و خاک و یا برای غیرت بومی و ملی در مقابل دشمنان ایستادگی نکرده‌اند چرا که اگر اینگونه بود در زمان رضاخان پهلوی که ایران به دست متفقین افتاده بود و شمال کشور در تصرف شوروی کمونیست بود و آمل در اختیار کمونیست‌ها قرار داشت، مردم مقابله می‌کردند. از این وقایع زیاد بود تا رسید به انقلاب اسلامی، آمل اول یا اولین شهری بود که جمهوری اسلامی را اعلام کرد تا رسید به ۶ بهمن ۱۳۶۰، زن و مرد در هر یک ربع یک قربانی تقدیم می‌کردند و این شهر را حفظ می‌کردند. برای آب و خاک بود؟ آن روزی که شوروی‌ها حمله کردند آب و خاک را گرفتند. برای مرز و بوم و غیرت و قومی و ملی بود؟ وقتی توده‌ای‌ها و اتحادیه کمونیست‌ها اینجا سنگر بستند آنها می‌توانستند دفاع کنند. قهرآ این سؤال پدید می‌آید که چطور مردمی که در قبال آن تهاجم‌ها ساکت بودند اینجا فریاد می‌زدند. مردم برای خاک اینقدر قربانی نمی‌دهند (سمینار بررسی حماسه اسلامی مردم آمل در سال ۱۳۷۳). این تفسیرها و توصیف‌های این دو بزرگوار نشان می‌دهد که مردم آمل فقط برای حفظ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران که خود جزء اولین‌ها در قبول آن بوده‌اند، به میدان آمده و با دستان خالی از سلاح با دشمنان مسلح به مبارزه پرداخته‌اند. بنابراین می‌توان گفت که انگیزه مردم در حماسه آمل یکی دیگر از دلایل اهمیت یافتن این حادثه در تاریخ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

#### بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که گفته شد حماسه ششم بهمن آمل در تاریخ انقلاب اسلامی همچون ستاره‌ای درخشان نور افشانی می‌کند و به زعم برخی از تحلیل‌گران این حادثه یکی از مهمترین حوادث تعیین‌کننده تاریخ انقلاب اسلامی و پایداری نظام جمهوری اسلامی می‌باشد بنابراین پرداختن به دلایل اهمیت این حماسه و مستند کردن آنها به بیانات بزرگوارانی چون: حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، حضرت آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی از مسائلی می‌باشد که مقاله حاضر به روش تحلیل محتوا به آنها پرداخته است.

بررسی‌های انجام شده در مستندات تاریخی و بیانات بزرگواران نشان داد که حماسه ششم بهمن مردم آمل از چهار منظر دارای اهمیت فراوان بوده و همین دلایل موجب شده که این واقعه در تاریخ ماندگار شود.



- ۱- این حادثه در زمانی اتفاق افتاد که رزمندگان اسلام اعم از نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیجی از تمام نقاط ایران جمع شده و آماده انجام عملیات بازپس گیری مناطق تصرف شده توسط رژیم بعث عراق بوده و نیازمند افزایش شدید روحیه و انگیزه فراوان بودند در این زمان بحرانی حمله غافلگیرانه دشمنان به آمل و مقابله مردم در برابر آنها و شکست دشمن در کمتر از نیم روز حاوی پیامی بس مهم برای جبهه های جنوب بود که ای رزمندگان اسلام با تمام قوا به جنگ دشمن عراقی بروید و نگران تروریست ها و مزدوران داخلی نباشید چرا که مردم آماده جان فشانی و مقابله همه جانبه با آنها می باشند . این امر بعدها موجب انجام موفقیت آمیز عملیات های مختلفی همچون فتح المبین و بیت المقدس شد که به بازپس گیری مناطق اشغال شده انجامید .
- ۲- در سال های اولیه انقلاب گروه های بسیاری راه خود را از راه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی جدا کردند و مسیر انحرافی را برای خود انتخاب نمودند . این گروه ها به دلیل منزوی شدن خود دست به تبلیغات مسمومی زدند که مردم مخالف نظام جمهوری اسلامی هستند و رای مردم شمال در این زمینه صددرد است . از اهمیت های حادثه آمل پاک کردن تمام ذهنیت های به وجود آمده به وسیله گروه های معاند بود چرا که مردم آمل نشان دادند که تمامی تبلیغات های انجام شده علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران کذب بوده و ساخته عده ای کفر فهم کمونیست می باشد و در واقعیت وجود ندارد .
- ۳- یکی دیگر از دلایل اهمیت حادثه آمل دشمنان و ماهیت آنها می باشد . اتحادیه کمونیست های ایران در واقع هدف از این حمله را براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و برپا کردن حکومت کمونیستی به رهبری شوروی را اعلام کرده بودند و در صورت موفقیت آنها این حادثه برای مردم ایران میتوانست بزرگترین فاجعه قرن باشد اما حضور مردم در مقابله با آنها و شکست سریع دشمنان کمونیستی در برابر اراده مردم مسلمان تقریباً برای همیشه به این تفکرات موهوم و تزه های بی اساس پایان داد .
- ۴- در نهایت از مهم ترین دلایل اهمیت حماسه مردم آمل نیت حضور آنها در صحنه می باشد . نیتی که نه برای آب و خاک و نه برای غیرت بومی و ملی بلکه نیتی که تماماً برای اسلام و حفظ نظام اسلامی به وجود آمده در ایران می باشد و با دل هایی آکنده از عشق و علاقه به اسلام در این راه قدم برداشته و با اهدای خون خود موجب شادی همگان به خصوص حضرت امام خمینی (ره) شده اند .

منابع

۱. امام خمینی (ره)؛ صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷، ج ۱۶.
۲. پرنده نوپرواز، (گفت و گو با یکی از رفقای شرکت کننده در مبارزه مسلحانه سرداران و قیام آمل)، کلن آلمان: حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست)، تابستان ۱۳۸۳.
۳. جعفریان، رسول؛ ۱۳۸۵، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمد رضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)، قم، نشر مؤلف، چاپ ششم.
۴. جنبش چپ در ایران معاصر، به قلم سپهر ذبیح، وبگاه کتابهای گوگل (The Left in Contemporary Iran By Sepehr Zabih (Google Books)
۵. حماسه اسلامی مردم آمل. پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۴.
۶. حماسه مردم آمل. ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بهمن ۱۳۶۱.
۷. خانی، مهدی. مقاومت اسلامی مردم هزار سنگر آمل. تهران: مرکز مطالعات و پژوهشهای ارتش بیست میلیونی، ۱۳۷۴.
۸. رهگذر، سیمین؛ ۱۳۸۵، شهر هزار سنگر: (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. سخنان حضرت ایت الله جوادی آملی در سمینار بررسی حماسه اسلامی مردم آمل در سال ۱۳۷۳.
۱۰. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار مردم مازنداران در سالگرد حماسه ششم بهمن سال ۱۳۸۸.
۱۱. شریعت جو، منیژه، ۱۳۸۹، حماسه مردم آمل در برابر اتحادیه کمونیست‌ها (گروه تروریستی سرداران)، شابک ۹۶۴-۴۱۹-۲۳۶-۴.
۱۲. کردی، علی. اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۳. نقدی بر کتاب پرنده نوپرواز، دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران <http://www.pajohe.ir>
۱۴. وبگاه اینترنتی دانشنامه آزاد ویکیپدیا، ۲۰۱۲.



عوامل تأثیر گذار بر پیروزی حماسه مکتبی آمل: با رویکردی بر آراء امام خمینی (ره)

دکتر علی اکبر جعفری<sup>۱۰۱</sup>

سید محمد جواد قربی<sup>۱۰۲</sup>

#### چکیده:

بعد از انقلاب اسلامی، حماسه مکتبی و عاشورایی مردم آمل یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی و اجتماعی دهه شصت محسوب می‌شود. کنش‌ها و حرکت‌های جمعی در مسیر حرکت خویش یا به آمل و اهداف ترسیم شده دست می‌یابند و یا این که در مسیر حرکتشان با شکست مواجه می‌شوند. مردم هزار سنگر در حرکت اسلامی خویش، با رشادت‌ها و روحیه انقلابی خویش توانستند بر «اتحادیه کمونیست‌های ایران» که از سراسر ایران به آمل آمده بودند، چیره شوند و یک رویداد مکتبی و ملی را رقم بزنند. این حماسه مثل خیلی از حرکت‌های خودجوش مردم ایران در تحولات دهه‌های پنجاه و شصت، دارای برخی زمینه‌ها و علل ویژه بود که سبب گشت منافقین شکست سنگینی بخوردند و مردم دلیر آمل به پیروزی نائل آیند. با بررسی حماسه آمل و بهره‌گیری از بیانات معمار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) می‌توان برخی علل تأثیر گذار بر موفقیت حماسه را برشمرد که از آن جمله می‌توان به: تلاش و مقاومت مردم، وحدت و یکپارچگی، وحدت کلمه، گسترش ارزشها در میان مردم، ارزش مداری شهادت بین مردم، معنوی بودن نهضت، امدادهای الهی، تحولات روحی و معنوی، ایثار و از خود گذشتگی مردم و غیره اشاره کرد. در این پژوهش برای بهره‌گیری از منابع، اسناد و بیانات امام خمینی (ره) از روش اسنادی و تحلیل متن بهره می‌گیریم.

**کلید واژه‌ها:** حماسه آمل، امام خمینی (ره)، مکتبی و اسلامی، اتحادیه کمونیست‌های ایران.

«این نهضت چون یک نهضت الهی بود، نه یک نهضت مادی گرایی و نهضت ملی، یک نهضت الهی و اسلامی بود از این جهت پیروز شد.» (صحیفه نور، جلد ۷، ۴۴)

<sup>۱۰۱</sup> . عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران.  
<sup>۱۰۲</sup> . کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

به گفته میشل فوکو، سیاست جاری در دوران انقلاب را باید معنویت سیاسی خواند و انقلاب اسلامی ایران از جمله انقلاب‌های توحیدی تاریخ است که وجوه معنایی آن بر وجوه عینی و غیر معنایی رجحان دارد و در چنین فضایی، امر سیاسی در سایه سار معنویت قابل درک است. کمی دقت در مفهوم معنویت سیاسی به ما می‌فهماند که نقطه عزیمت، در جامعه‌ای که این اصطلاح بر آن بار می‌شود، معنویت است و نه سیاست. به معنای دیگر، عناصر مقوم معنوی را باید قوام دهنده جامعه سیاسی هم دانست. (عزیزخانی، ۱۳۹۰: ۱۶۹ - ۱۶۸) همین عناصر و حضور معنویت در میان تحولات و حماسه‌های بعد از انقلاب قابل مشاهده شده است و به عبارتی دیگر، پرتو معنویت و ایمان در انقلاب بر حماسه‌هایی همچون ششم بهمن ۱۳۶۰ ساطع شده است.

حماسه مکتبی و ارزشی شهر هزار سنگر، یک انقلاب کوچک بود اما در دل خود پر از حقایق ازلی بود که مثل یک انفجار نور<sup>۱۰۳</sup> بود که از دل آن شجاعت، دلیری، رشادت، ایمان، حق محوری، نگاه الهی و امثالهم متبلور شد.

یکی از بحث‌های اساسی در خصوص حماسه آمل که باید به آن پاسخ داد این مسئله است که علت و عوامل پیروزی این نهضت چه بود؟ آیا فقط عوامل مادی در پیروزی مردم آمل دخیل بودند و حماسه بهمن ماه صرفاً یک پدیده مادی بود یا این که عوامل روحانی و ارزشی در آن دخیل بودند؟ بر پاسخ دهی به پرسش‌های پژوهش از بیانات امام خمینی(ره) استفاده می‌کنیم.

#### ۱- چارچوب نظری:

آمادگی دفاع همه جانبه اگر در زمان صلح به طور منطقی و با فرست پی ریزی شود، از آشفستگی‌ها، تردیدها، دوباره کاری‌ها، غافلگیری‌ها و بالاخره از تأثیرات منفی هزینه‌های سنگین دفاعی بر روی اقتصاد و جامعه می‌کاهد و قدر مسلم در صورت داشتن آمادگی و پیش بینی‌های لازم هر ضربه‌ای قابل تحمل بوده و مقابله با آن آسان‌تر خواهد بود. تنها تصمیم به دفاع کافی نمی‌باشد، کسب آمادگی و اجرا مکمل یکدیگر هستند و ترکیب آنها عوامل اصلی نیل به پیروزی به شمار می‌آید. وجود چنین عواملی دشمن متجاوز را که قصد تهاجم در سر داشته باشد به تفکر درباره عواقب آن وا می‌دارد و احتمالاً از تصمیم خود

<sup>۱۰۳</sup> [ امام خمینی (ره) از انقلاب اسلامی به انفجار نور یاد کردند و می‌توان حماسه اسلامی آمل را انفجار نور ثانی لقب داد.]



منصرف می‌سازد و اینجانب که اصل بازدارندگی به عنوان هدف در استراتژی دفاع همه جانبه مفهوم پیدا می‌کند. (سهرابی، ۱۳۸۴: ۱۴۳ - ۱۴۲)

این منطق دفاعی شاید به ظاهر کاربردی و صحیح باشد ولی اگر به حماسه آمل، نظری بیفکنیم می‌بینیم که در شرایط انقلابی، تحریم‌ها، تهدیدها، فضای جنگ، منازعات قومی در غرب کشور و غیره این اجازه را برای آمادگی نظامی و فراگیری استراتژی‌های دفاعی را نمی‌داد و در عین حال مردم آمل بدون داشتن آمادگی قبلی (منظور تدارکات نظامی، کادر اطلاعاتی، برنامه ریزی استراتژیک، فراهم کردن سلاح و مهمات لازم و غیره است) یک حماسه خلق کردند که در مدت کوتاهی مشکلات را مهندسی و مدیریت کردند و از آسیب‌های احتمالی آینده کاهش دادند و هیچ گونه تردید، آشفتگی و کارهای غیر معقول در کردار آنها جهت دفاع از مرز و بوم و ارزش‌های اسلامی دیده نشده است.

به صورت خودجوش استراتژی دفاعی را به صورت مقتضی اتخاذ کردند:

«سربداران جنگل با استراتژی قیام فوری قصد داشتند تا بر شهر آمل و سپس شهرهای دیگر مسلط شوند. مردم، مهمترین عامل موفقیت یا شکست بودند، اما مردم آمل به جای حضور در قیام فوری، اقدام به واکنش فوری نمودند.» (زهگذر، ۱۳۸۵: ۶۰)

این بحث نشان از این دارد که استراتژی دفاعی مردم آمل و علل پیروزی آنها فقط در امور مادی خلاصه نمی‌شود بلکه داشتن ابعاد ارزشی و معنوی سبب شد که برنامه‌ها، برآوردها و نقشه‌های کمونیست‌ها بر آب شوند و شاید اگر این حماسه فقط یک حماسه ملی بود در نهایت با شکست مواجه می‌شد اما چون هدف مردم، الهی و روحانی بود، قیام آنها منتج به نتیجه شد زیرا قیامی که برای خدا باشد در آن شکست راه ندارد و خداوند پیروزی را به مریدانش مژده داده است و این منطق، در هر صورتی با پیروزی همراه است.

با کنکاش در آراء امام خمینی (ره) و ویژگی‌های مستتر در حماسه آمل، زمینه‌های پیروزی حماسه آمل به قرار زیر اکتشاف شده است:

مقاومت مردم آمل،

همبستگی گروه‌های مردمی،

ارزش محوری شهادت و نگرش اسلامی به دفاع،

معنوی بودن حماسه،

تقدیرات و قدرت لایزال الهی،

داشتن مقصد الهی،

اسلام خواهی،

از خود گذشتگی،

اراده مصمم و غیره.

## ۲- حماسه آمل و اتحادیه کمونیست‌های ایران :

پس از شهریور ۱۳۲۰ سه گرایش عمده در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران متجلی گردید؛ نخست گرایش ملی، سپس گرایش چپ و مارکسیستی و سرانجام گرایش اسلامی. سابقه گرایش چپ و سوسیالیستی در ایران به روزگار مشروطه بازمی‌گردد که توأم با تندروی و افراط بود. تشکیل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به عنوان حزب مادر احزاب چپ سراسر دنیا، به ویژه در دوران جنگ سرد، بر اهمیت و حساسیت موضوع افزود. حزب توده‌ی ایران قدیمی‌ترین شکل وابسته به اتحاد جماهیر شوروی بود که همواره نقش خائنانه‌ای را ایفا کرده است. ورود چین کمونیست به عرصه‌ی جهانی نیز توجه گروه‌هایی را به خود جلب و انشعاباتی را در گروه‌های مارکسیستی ایجاد کرد.

تباین ذاتی مرام کمونیستی با هویت اسلامی مردم ایران موجب شد تا دایره‌ی نفوذ آن از عده‌ای تحصیل کرده تجاوز نکند. یکی از گروه‌های کمونیستی، اتحادیه کمونیست‌های ایران بود که سابقه‌ی تشکیل آن، در آمریکا به قبل از انقلاب بازمی‌گردد. اعضای اتحادیه کمونیست‌ها پس از پیروی انقلاب اسلامی به ایران بازگشتند و بی آن که پایگاه مردمی داشته باشند، خود را قیم و پیشرو مردم شمردند و بر آن شدند تا در مقابل انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی قد علم کنند و با قیام فوری، آن را براندازند. (کردی، ۱۳۸۶: ۹) اتحادیه کمونیست‌های ایران در اواخر سال ۱۳۵۵ در پی اتحاد دو گروه کمونیستی «سازمان انقلابیون کمونیست» و «پویا» به وجود آمد.<sup>۱۴</sup>

<sup>۱۴</sup>. [سازمان انقلابیون کمونیست در سال ۱۳۴۸ در یک محفل دانشجویی خارج از کشور تشکیل شد. این تشکیل توانست ۵۰ الی ۶۰ نفر دانشجوی ایرانی با ایدئولوژی مارکسیسم را به عضویت در آورد. نام ارگان این سازمان، کمونیست بود که ۲۸ شماره از آن در خارج از کشور چاپ شد. گروه پویا این سازمان، کمونیست بود که ۲۸ شماره از آن در خارج از کشور چاپ شد. گروه پویا که شاخه‌ی اصلی این گروه از اعضای محفل گروه فلسطین بودند که



اکثر اعضای اتحادیه از افراد کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آمریکا بودند. کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم خارج، از گروه‌های مخالف شاه بودند که علیه آن رژیم فعالیت سیاسی - فرهنگی می‌کردند اما در کنفدراسیون به خاطر وجود اندیشه‌ها و تفکرات مختلف، اختلاف پدید آمد. در یکی از انشعاب‌ها، کنفدراسیون «احیاء» در آمریکا در سال ۵۴-۵۵ به وجود آمد که اتحادیه کمونیست‌ها، بیشتر از اعضای کنفدراسیون احیاء بودند. اختلاف درونی سازمان بعد از مرگ مائو با رهبر خلق چین بر اثر تغییر در سیاست خارجی چین بروز کرد. اتحادیه، چین را پایگاه انقلابی جهان می‌دانست اما بعد از انحراف در رهبری حزب کمونیست از ذکر اندیشه‌ی مائو پرهیز کرد، ولی مشی جنگ مردمی او را تبلیغ می‌کرد. غالباً اختلافات خارجی بر روند داخلی گروه‌های کمونیست اثر می‌گذاشت و در اثر این اختلاف، گروه کوچکی به نام «زحمت» از آنان جدا شد.

در عین حال همه آنها با شاه و رژیم دیکتاتوری او مخالف بودند. در زمان انقلاب، همان طور که خیلی از خارج نشین‌ها به ایران آمدند، در ماه‌های آخر پیروزی انقلاب اسلامی، اعضای اتحادیه کمونیست‌هایی که به ایران آمدند به «اتحادیه کمونیست‌های بخش داخل» معروف شدند و در کنار دیگر گروه‌های چپ، فعالیت زیادی برای معرفی خود انجام می‌دادند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۰)

در مورد واقعه‌ی ششم بهمن آمل، نیروهای مارکسیست اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران بسیار معتقد بودند که مردم به آنها خواهند پیوست و توده‌ها به حرکت در خواهند آمد، بدین معنا که مردم به طور طبیعی به آگاهی و بیداری رسیده‌اند و منتظر اقدام هستند. حتی تحلیل‌ها، شرایط همکاری و همگامی مردم را به مراتب مناسب‌تر و مساعدتر از آنچه که به ذهن خطور می‌کرد، می‌دیدند. بدین معنا که اگر پیشرو و مسلح و پیشاهنگ جنبش مسلحانه باید سال‌ها در کوه و جنگل دست به عملیات پارتیزانی بزنند و به تدریج حمایت توده‌ها را به خود جلب کنند، در شرایط ایران، توده‌ها در وضعیت انفجار انقلابی قرار دارند، لذا پیشگامان باید یک قیام فوری را تدارک بینند تا مردم بدان بپیوندند، زیرا مردم اساساً ناراضی هستند.

اعضاء و هواداران اتحادیه با این تئوری‌ها، به ویژه تئوری‌های مشی مسلحانه و پیوستن توده‌ها به آنها، اقدام به جنگ شهری آمل کردند تا با حضور مسلحانه‌ی خویش مردم را با خود همراه سازند. البته بدون الزام ایجاد کانون‌های چریکی پیگیری می‌شد، لذا حرکتی بسیار عجولانه و خام و صرفاً به این امید که مردم سریعاً به آنها بپیوندند در حالی که بسیاری از حرکت‌های چریکی، حتی با داشتن کانون‌های چریکی شهری

پس از خروج از کشور، مدتی در عراق و سپس در لبنان به سر می‌بردند. حسین تاجمیر ریاحی، رهبری اتحادیه کمونیست‌ها، از اعضای گروه پویا بود.

وروستایی، در طول تاریخ جنبش کمونیستی جهانی نتوانسته بودند توده‌ها را با خود همراه سازند و به موفقیت‌های لازم دست یابند. اتحادیه‌ی کمونیست‌ها در اثر یک تحلیل غلط و بدون پشتوانه تئوریک، اقدام به قیام فوری کرده و به این نتیجه رسیدند که قبل از آن که سایر گروه‌ها گوی سبقت را از آنان بریابند، افتخار این حرکت بزرگ نصیب آنان شود. رفتار اتحادیه آن چنان شتابزده بود که نه تنها به اصول مارکسیسم، بلکه به اصول تحریف شده مارکسیست‌های وطنی هم توجه نداشت و حرکت آن اساساً مبتنی بر جاه طلبی گروه بود. (کردی، ۱۳۸۶: ۱۹-۲۰)

خلاصه این که، قیام مارکسیست‌ها از پشتوانه مردمی اهالی آمل بی نصیب بود و علاوه بر آن، ناهم خوانی ارزش‌های مارکسیستی با ارزش‌های مردم بر شدت مقابله و استقامت مردم آمل افزود و قیام اتحادیه‌های کمونیست در نطفه خود سقط شد.

### ۳- حماسه آمل؛ ملی یا اسلامی

قیام و مقاومت مردم شهر هزار سنگر هر چند دارای تبعات ملی بود ولی مهمتر از آن دارای رنگ و بوی مکتبی و ارزشی است به عبارتی دیگر، حماسه‌ی مردم غیور آمل بیش از آن برای حدود و ثغور محیطی و منطقه‌ای باشد برای صیانت از کیان اسلام و آموزه‌های ناب آن بود. همان گونه که امام خمینی (ره) می‌فرمایند:

«جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد.» (صحیفه امام، جلد ۲۱، ۸۷).

این به آن مفهوم است که مبنای تفکر مبارزاتی امام خمینی (ره) دیانت است که در همه زمینه‌ها بر فهم فقهی تکیه دارد و هدف آن پیاده کردن اسلام و تربیت انسان سالم در جوامع است. با اندک دقتی می‌توان بعد جهانی و همیشگی امر دفاع را در اندیشه‌های والای معظم له دید. دفاع از اسلام و مسلمین، دفاع از محرومین و مستضعفین، دفاع از حزب الله، دفاع از نهضت و کشور اسلامی، دفاع از جان، مال و آبرو، و دفاع از عزت و استقلال سیاسی. این الگوگیری دفاعی دقیقاً منطبق بر قرآن و سیره پیامبر (ص) است. (مروندی، ۱۳۸۷: ۲) همین نوع دفاع از ارزش‌ها را می‌توان در حماسه آمل مشاهده کرد.

مردم آمل در مقابل تیر بار دشمن از «رگبار الله اکبر» بهره می‌جستند و تمام پیکر مبارک شهداء آمل، خدایی شده بود و دفاع از اسلام، انقلاب اسلامی و یاری دین خداوند هدف اصلی آنها بود.



هر چند حماسه آمل تحت لوای یک حرکت ملی قابل تبیین است اما همه‌ی ابعاد قضیه را نمی‌شود با آن توصیف کرد و فقط واژه "اسلامی" است که بیانگر ماهیت واقعی این جریان است. امام خمینی در یک از سخنرانی‌هایشان در باب انقلاب اسلامی که شبیه حماسه آمل است می‌فرمایند:

«این نهضت چون یک نهضت الهی بود، نه یک نهضت مادی گرایی و نهضت ملی، یک نهضت الهی و اسلامی بود از این جهت پیروز شد.» (صحیفه نور، جلد ۷، ۴۴)

حماسه آمل هم به تبع همین منطق بر گروه‌های مارکسیستی مهاجم پیروز شد. ایشان در جایی دیگر به قدرت اسلام در پیروزی نهضت‌ها و قیام‌های ملت ایران اشاره دارند:

«این قدرت ملیت نیست این قدرت ایمان است، این قدرت اسلام است، خبط نکنند، اشتباه نکنند این اسلام است که غلبه کرد بر ابر قدرت‌ها، این اسلام است که فرزندان او به شهادت راغب هستند. این قوه ایمان است که مردم را سرتاسر ایران بسیج کرد.» (صحیفه نور، جلد ۵، ۱۷۳)

یا این که ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند:

«انگیزه اسلام بود، می‌دیدیم که در شعارهایشان و در فریادهایشان شعارهای اسلامی بود. فریادهای الله اکبر. مقصد این بود که آنها را که مخالف اسلام هستند، بروند کنار و بعد از آن انشاء الله آن مقصد حقیقی که آن مقدمه این است تحقق پیدا بکند. پس یک جهت، جهت این بود که همه تان فریادتان این بود که ما اسلام را می‌خواهیم.» (صحیفه نور، جلد ۹، ۱۶۳)

✓ شعار الله اکبر یا ذکر امام زمان و شهادتین در تمام صحنه‌ی حماسه آمل از خردسالان گرفته تا افراد کهنسال، از زن حمله گرفته تا پیر زن خمیده حضور داشت. بنابراین حماسه آمل یک قیام لله و یک حرکت اسلامی و ارزشی اسیت که حرکت ملی این حماسه تحت الشعاع آن است.

#### ۴- عوامل تأثیرگذار پیروزی حماسه آمل :

حماسه آمل مثل خیلی از حماسه‌های ایران عزیز دارای برخی ویژگی‌ها بود که قابل بازشناسی است. این علل و عوامل را با رویکردی بر اندیشه‌ی امام خمینی(ره) بررسی خواهیم کرد.

#### ۱-۴. وحدت کلمه:

چیزی که در حماسه‌ی آمل میان مردم موج می‌زد "وحدت کلمه" بود به عبارتی میان تمامی اقشار همبستگی بود و همه حول محور یکسانی متحد بودند. امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«**رمز موفقیت ما که قدرت‌های بزرگ دنیا را عقب نشانند و یک قدرت شیطانی مثل قدرت خاندان پهلوی را فرو ریخت، این رمز موفقیت همین وحدت اقشار و وحدت کلمه بود.**

اگر بنا بود که قشر روحانی تنها می‌خواست به جنگ اینها برود خفه می‌کردند او را، نویسنده می‌خواست به جنگ آنها برود آنها را از بین می‌بردند، دانشگاهی می‌خواست این کار را بکند نمی‌توانست، بازاری می‌خواست این کار را تنها بکند نمی‌شد دهقان می‌خواست بکند نمی‌شد. این که همه چیز را ما به دست آوردیم و انشاء الله بعد هم به دست می‌آوریم، این برای همین هم پیوستگی است که بین اقشار ملت حاصل شد و ما باید این همبستگی را نگه داریم.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۵۷/۱۱/۳۰)

✓ سرداران جنگ یا همان اتحادیه‌ی کمونیست‌های بخش داخلی، همان‌هایی که تحصیلات عالی را از شهرهای ایالات متحده آمریکا گذرانده بودند، فکر نمی‌کردند در حالی که ژست روشنفکری می‌گیرند و دم از فقرا و زحمتکش‌شان می‌زنند، یک مشت کارگر و کشاورز، خیاط و گچ‌کار، حلب‌کوب، گلگیر ساز، بنا و نجار و غیره در خیابان‌های آمل رو در روی آنها بایستند و فقط برای اسلام و انقلاب اسلامی و یاری دین خداوند با آنها بجنگند. (رهگذر، ۱۳۵۸: ۸۱)

همه‌ی قشرهای آمل با هم در یک نقطه و آن هم مبارزه با چریک‌های کمونیست یک صدا بودند و یکی از عوامل اصلی پیروزی حماسه اسلامی آمل، وحدت کلمه بود.

#### ۲-۴. پایداری و ایستادگی مردم:

از آنجایی که هدف از دفاع آمل یک هدف الهی بود بنابراین استقامت و مقاومت در برابر دشمنان دو چندان شد و فدا شدن در راه آرمان‌های مقدس یک ارزش والا و الهی است.

امام خمینی (ره) در خصوص مقاومت و ایستادگی مردم می‌فرماید:



«مقاومت مردم ایران در دنیا بی نظیر است. مردم ایران برای از بین بردن استبداد جهنمی، چنان دلاورانه مبارزه کردند که موجب حیرت غرب و شرق شد، مبارزات خونینی که بالاخره به آزادی و استقلال منجر خواهد شد.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۵۷/۱۰/۲۵)

✓ نکته بسیار مهم در جریان حمله مسلحانه به شهر آمل، مقاومت مردمی و دفاع مردم حزب الله از شهر آمل بود. برخلاف تصور نظریه پردازان مارکسیست، نه تنها نیروهای ویژه‌ی محافظ شهر به مقابله با جنگلی‌ها رفتند، بلکه سرکوب آنها به وسیله‌ی نیروهای مردمی صورت گرفت.

کمونیست‌ها شعار می‌دادند و معتقد بودند که در آمل، مردم به یاری آنها خواهند شتافت، ولی مردم شتابانه به مقابله و سرکوب آنها پرداختند. ازدحام مردم در حماسه آمل به حدی بود که برخی از نیروهای امنیتی مانع از ورود مردم اطراف به شهر شدند تا نیروهای دیگر به راحتی و تحت نظر فرماندهان، به مانور عملیاتی بسیج گونه‌ی خود بپردازند. (کردی، ۱۳۸۶: ۲۱)

البته این استقامت و پایداری اشاره به مردمی بودن حماسه‌ی آمل هم دارد جریانی که به جرأت می‌توان آن را یک حرکت کاملاً مردمی دانست، اما نمی‌شود نقش گروه‌های سپاه و بسیج را انکار کرد، البته این نهادها هم ریشه در مردم داشتند.

#### ۳-۴. افزایش ایمان :

آن چیزی که بعد از انقلاب اسلامی میان موج‌های حمایت جویانه مردم تبلور می‌یافت فزونی ایمان بود به گونه‌ای که تغییر در آمال مشاهده می‌شد. امام راحل می‌فرماید:

«این ایمان راسخ که در این ملت شکوفا شده، این تبدلی که پیدا شد و تحولی که در نفوس مسلمین اینجا پیدا شد رمز پیروزی بود.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۵۷/۱۲/۱۶)

ایمان راسخ در میان تمامی اهالی آمل وجود داشت و با ظهور ۶ بهمن ماه، این ایمان مستحکم‌تر و پایدارتر گشت و عمق پیوند مردم آمل با اسلام، انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی بسیار بیشتر شد و در عمل به اجرا در آمد. به تعبیری دیگر، مردم قهرمان آمل نیز براساس باورهای عمیق اسلامی و عشق و وفاداری به رهبر عظیم الشان و تعهد به انقلاب، آن چنان ضربه‌ای بر پیکر مزدوران وابسته به بیگانگان وارد آوردند که اربابان‌شان در خارج از کشور را به سکوتی حیرت آور دچار ساختند. به همین دلیل حاکمیت و پیروزی مردم در این شهر و شکست ضد انقلاب، هیچ گونه بازتابی در بوق‌های تبلیغاتی امپریالیسم خبری

نداشت و عکس العمل آنها سکوت بود (رهگذر، ۱۳۸۵: ۹۱) پس حمله کمونیست‌ها نه تنها از میزان ایمان مردم آمل به خیلی چیزها نکاست بلکه بر همت و میزان آن افزود.

#### ۴-۴. عطش شهادت :

میان مردم آمل، چه از کودک خردسال گرفته تا پیرمرد خمیده پشت، شهادت یک ارزش درونی شده بود که این عامل، قدرت گام‌های آنها را در مقابل دشمن مستحکم‌تر می‌ساخت. امام خمینی در خصوص عشق به شهادت فرمودند:

«مردم برای اسلام خون می‌دهند، نه برای سیاست، برای سیاست اسلامی. ملت‌ها به وسطه اتکای به اسلام، این نهضت را پیش بردند. ملت‌ها عاشق شهادت بود با عشق به شهادت پیش رفت این نهضت، اگر چنانچه این عشق و علاقه نبود هرگز ما در مقابل آن همه قدرت پیروز نمی‌شدیم. پیروزی ما دنبال این بود که همه اسلامی بودید همه توجه به دیانت داشتید.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸/۱/۱۶)

سقا علیزاده که یک نوجوان سیزده ساله بود، برای حضور در حماسه، در جواب مادرش که به او گفت تو را شهید می‌کنند، گفت: «شهادت آروزی من است، برای من گریه نکنید، چون من خودم راهم را انتخاب کرده‌ام». در نهایت این که با اصابت گلوله به پهلویش شهید شد. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۶۸ - ۶۷) این روحیه در همه قشرها وجود داشت و حتی در حماسه آمل زنان حضوری بی‌باک داشتند و به مقام شهادت هم رسیدند که شهیده طاهره هاشمی از این دست بود.

#### ۴-۵. انسجام مردم :

یکی دیگر از عوامل پیروزی مردم، اتحاد و انسجام بود که برای هر نظام سیاسی یک امر مطلوب است و همواره دولت‌ها مترصد رسیدن به آن هستند و در این راه هزینه‌های مادی و معنوی زیادی خرج می‌کنند. امام خمینی (ره) در خصوص انسجام ملت می‌فرمایند:

«... با الله اکبر جلو می‌رفتند و دنبال این مطلب اصیل همه قشرها با هم مجتمع شدند و همه اغراض‌ها کنار رفت یک صدا که از حلقوم شما فرزندان اسلام در آمد و این صدای اسلام بود. صدای ملکوت بود، صدای عالم غیب بود و این صدا همچون این ملت را منسجم کرد و همچو قدرتی به ملت داد که با دست خالی بر قدرت‌های بزرگ غلبه کردند. از این به بعد هم ما، احتیاج به این صدای ملکوتی الهی داریم و احتیاج به این انسجام.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸/۱۰/۱)



در اندیشه امام خمینی (ره) که انسجام را می توان در شعارهای یک دست متبلور یافت در حماسه آمل حضورداشت و این انسجام مردم آمل در شعارهای هماهنگ الله اکبر نمایان می شد. مردم آمل با شعار طوفنده الله اکبر در برابر سلاح های چریک های کمونیستی مهاجم به شهر، چنان سد محکمی درست کرده بودند که گویی لرزه برتن دشمنان افتاده بود. انسجام مردم آمل یک عمل بدون برنامه ریزی بود و در اصل، طبیعی و یک موهبت الهی بود.

#### ۴-۶. قدرت معنوی :

یکی از ویژگی های حماسه آمل، رویکرد اسلامی آن بود و همین امر سبب شد که عنایت خداوند مورد توجه آن قرار گیرد. امام خمینی (ره) می فرماید:

«اسلام بود که شما را راه انداخت و به شما همچو قدرتی داد که در مقابل این قدرت های شیطانی بزرگ ایستادید و نترسیدید، این غیرتی بود که خدا به شما داد و الا ما که بندگان ضعیفی هستیم و چیزی نداریم... این قدرت خدا بود، این چیزی بود که خدا به شما عنایت کرد و باید این عنایت خدا حفظ کنید. حفظ این عنایت خدا که منشأ همه پیروزی هاست به این است که قدم های دیگری هم برداری، همه با هم پشتیبانی کنیم، همان طوری که در اول، این نهضت با ایمان پیش رفت و اجتماع همه شما به واسطه ایمانی که در دلتان بود سبب شد که یک همچون قدرت شیطانی را در هم کوبیدید. این یک عنایتی بود، عنایت خاصی بود از خدای تبارک و تعالی...» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸/۳/۲۸)

بنابراین یکی ویژگی ها و عوامل پیروزی قیام مردم آمل عنایت خداوند و قدرت معنوی بود و خداوند همواره به مومنین وعده پیروزی داده است.

#### ۴-۷. بیداری مردم:

در مقابل برنامه های گروه چپ و تبلیغاتی که آنها انجام دادند این بیداری مردم آمل بودند که به مثابه یک واکنش عمل نمود. امام راحل (ره) در خصوص بیداری ملت فرمودند:

«آگاهی و بیداری نسل جوان و نهضت روشنفکران است که با سرعت در حال رشد است و با خواست خداوند تعالی به نتیجه قطعی که قطع ایادی اجانب و بسط عدالت اسلامی است خواهد رسید. شما جوانان پاکدل موظف هستید با هر وسیله ممکنه ملت را هر چه بیشتر آگاه کنید و از نیرنگ های گوناگون دستگاه پرده بردارید و اسلام عدالت پرور را به دنیا معرفی کنید.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۵۴/۷/۲)

اگر مردم آمل از بیداری بهره‌ای نداشتند شاید فریب تبلیغات سیاسی و اقتصادی اتحادیه کمونیست‌ها را می‌خورند و به جای پاسداری از اسلام به جبهه دشمن وارد می‌شدند. غلامرضا سپرغمی، یکی از اعضای اتحادیه‌ی کمونیست‌ها که این اکیپ را همراهی می‌کرد، به در خانه‌ی دو نفر به نام پیرزاد و خاتم نژاد رفت که آنها جواب مساعدی به او ندادند. سپرغمی خود در مورد این قضیه گفت که از اول درگیری تا ظهر روز بعد (۶ بهمن) نتوانستم حتی یک نفر را جمع کنم. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۱۵) اینها نشان دهنده بیداری و آگاهی مردم در حماسه ۶ بهمن دارد.

#### ۴-۸. نقش بانوان در حماسه :

در حماسه آمل همه‌ی اقشار حضور داشتند در این میان زنها با وجود مشکلات زیاد، تلاش‌های زیادی کردند و از عواقب بعدی آن هیچ هراسی به دل راه ندادند. امام خمینی (ره) در خصوص نقش زنان می‌فرمایند:

«بانوان ایران و بانوان قم و سایر بلاد، در این پیروزی پیشقدم هستند، آنها مردانی را تشجیع کردند. مردان ما مرهون شجاعت‌های شما زنهای شیردل هستند من مرهون مرد و هم بانوان محترمات هستم. (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸/۱/۱۲)

شاید یکی از زیباترین شکل‌های حضور مردم در سنگر سازی، وجود یک خانم حامله بود که با آن وضعیت، گونی‌های شن را بلند می‌کرد و جایجا کرد. حتی زمانی که احساس می‌شد ممکن است گونی‌ها کم باشد، دیده می‌شد بعضی از خانه‌های خود پارچه و چادر شب می‌آوردند تا از آنها به جای گونی استفاده شود.

زنان آملی، گونی جمع می‌کردند، کیسه می‌دوختند و آنها را پر از شن و ماسه می‌کردند. اوج حماسه حضور زنان و دختران آملی، شهادت خواهر طاهره هاشمی بود. این خواهر شهید در جمع آوری کیسه شن، دارو و غذا برای برادران رزمنده سر از پا نمی‌شناخت تا این که در اثر اصابت گلوله‌ی جنگلی‌ها به شهادت رسید. (رهگذر، ۱۳۸۵، ۶۴-۶۳)



#### ۹-۴. نقش طبقه محروم:

تنوری‌های مارکسیستی به این قرار بود که در جنگ‌های چریکی و جنگلی، مردم قشر متوسط به پایین به گروه آنها خواهند پیوست ولی در حماسه‌ی آمل، مردم محروم و آنهایی که اسطاعت مالی چندانی نداشتند در خط مقدم دشمن بودند.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه‌ای که این نهضت را به ثمر رساند و توقعی هم نداشت من شما طبقه گودنشینان را، از آن کاخ نشینان بالاتر می‌دانم ... شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروه‌هایی که در سرتاسر کشور، این انقلاب را به ثمر رساند و همان زن و مرد محروم و همان‌هایی که مستضعف هستند و کاخ نشین‌ها آنها را استضعاف می‌کنند و اینها ثابت کردند که کاخ نشین‌ها هستند که ضعیفند و پوسیده‌اند و برای ملت هیچ کاری نکرده‌اند و نخواهند کرد.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۶۰/۱۰/۱۶)

در حماسه‌ی آمل خیلی از شهدا از طبقه محروم و ضعیف جامعه بودند ولی در عین حال چیزی کم نگذاشتند و از جان دل مایه گذاشتند.

#### نتیجه گیری :

گروه‌های چپ بعد از این که وارد ایران شدند و بعد از ماجراهای ۳۰ تیر ۱۳۶۰، مشی مسلحانه را به عنوان استراتژی برای خویش برگزیدند و بعد از بررسی‌هایی که انجام دادند شهر آمل را به عنوان قدم اول عملیات خویش برگزیدند تا این که بعد از پیروزی به راحتی در شهرهای شمالی تسری پیدا کنند و بعد مرکز سیاسی را تسخیر نمایند. از آنجایی که این گروه‌ها قبلاً کارهای عملیاتی انجام نداده بودند و فقط درگیر مسائل تئوریک مارکسیستی بودند در تحلیل‌های خود اشتباهات زیادی کردند و یکی از مهمترین اشتباهات گروه‌های چپ و اتحادیه کمونیست‌ها این بود که فکر می‌کردند مردم آمل در قیام به آنها می‌پیوندند و در این مسئله به هویت اسلامی ساکنان شهر آمل توجهی نداشتند که در نقطه مقابل اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی است. اما با بررسی‌های صورت گرفته و با بهره‌گیری از رهنمودهای امام خمینی می‌توان به مواردی همچون؛ وحدت کلمه، استقامت و پایداری مردم منطقه، عطش شهادت، افزایش ایمان، بیداری مردم، قدرت معنوی، انسجام، فعالیت‌های بی‌دریغ طبقه محروم، ایثارگری زنان و غیره اشاره کرد که در پیروزی حماسه‌ی اسلامی آمل دخیل بودند.

منابع:

- بیانات امام خمینی(ره)،(۱۳۵۸/۱۰/۱): سخنرانی در جمع گروهی از دانشجویان تبریز.
- بیانات امام خمینی(ره)،(۱۳۵۸/۱۱/۱۲): سخنرانی در جمع بانوان شهرستان قم.
- بیانات امام خمینی(ره)،(۱۳۵۸/۱/۱۶): سخنرانی در جمع عده ای از اقشار مختلف مردم.
- بیانات امام خمینی(ره)،(۱۳۶۰/۱۰/۱۶): سخنرانی در جمع گروهی از مردم مناطق جنوب شهر تهران.
- بیانات امام خمینی(ره)،(۱۳۵۷/۱۲/۱۶): سخنرانی در جمع عده ای از مردم شیعه قطر.
- بیانات امام خمینی(ره)،(۱۳۵۴/۷/۲): پیام امام خمینی(ره) به هفتمین کنگره سالیانه انجمن های اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا.
- بیانات امام خمینی(ره)،(۱۳۵۷/۱۰/۲۵): مصاحبه با روزنامه نگار استریت تایمز سنگاپور.
- بیانات امام خمینی(ره)،(۱۳۵۸/۳/۲۸): سخنرانی در جمع گروهی از اعضای انجمن ندای اسلام قم.
- بیانات امام خمینی(ره)،(۱۳۵۷/۱۱/۳): سخنرانی در جمع اعضای کانون نویسندگان ایران.
- خمینی، روح الله(۱۳۶۸): صحیفه نور، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی(ره).
- خمینی، روح الله(۱۳۷۸): صحیفه امام، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی(ره).
- رهگذر، سیمین(۱۳۸۵): شهر هزار سنگر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سهرابی، محمد(۱۳۸۴): استراتژی دفاعی در اندیشه امام خمینی(ره)، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج.
- عزیزخانی، احمد(۱۳۹۰): بررسی تطبیقی نظریه جنبش های اجتماعی جدید با انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، بهار.
- کردی، علی(۱۳۸۶): اسناد اتحادیه های کمونیست های ایران در واقعه آمل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مردی، مهدی(۱۳۸۷): جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی(ره)، دفتر بیست و چهارم، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی(ره).



سهم اسطوره های کارزمایی فرهنگ شیعه و جریان فکری اسلام فقاهتی در حادثه ۶ بهمن آمل

مهدی محمدی\*

\*دانشجوی دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی و مدرس دانشگاه مازندران

محمد محمدی\*\*

\*\*کارشناس ارشد جغرافیای برنامه ریزی شهری

### چکیده

این مقاله با روش تاریخی-تطبیقی و با چارچوب نظری که مفاهیم اصلی آن مآخوذ از آرای نظریه پردازانی نظیر ماکس وبر، بریان ترنر، گیلفورد گیرتز و آن روٹ ویلز آغاز گردیده، و با طرح سئوالاتی نظیر: ۱. دلایل تسلط جریان های فکری دینی در برابر جریان های فکری غیر دینی دوره تاریخی ۵۷-۱۳۳۲ و پس از آن در عرصه مبارزات سیاسی-اجتماعی چگونه تبیین می گردد؟، ۲. سهم جریان اسلام فقاهتی در مقایسه با سایر جریان های فکری دینی در عرصه مبارزه سیاسی-اجتماعی چگونه ارزیابی می شود؟، ۳. همانندسازی و جانشین سازی امام خمینی با اسطوره های کارزمایی فرهنگ شیعه تا چه اندازه حوادث و رویدادهای تاریخی مهمی نظیر ۶ بهمن آمل را تبیین می نماید؟ و ۴. چه رابطه ای میان جریان های فکری دینی در عرصه مبارزات سیاسی-اجتماعی و همانندسازی و جانشین سازی امام خمینی با اسطوره های کارزمایی فرهنگ شیعه در حوادث و رویدادهای تاریخی مهمی نظیر ۶ بهمن آمل وجود دارد؟

از یک سو، به سيطرة جریان فکری اسلام فقاهتی در برابر جریان های فکری دینی و غیر دینی، طی سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ و پس از آن پرداخته، و از سوی دیگر، به موضوع همانندسازی و جانشین سازی امام خمینی با اسطوره های کارزمایی فرهنگ شیعه به عنوان یکی از تحولات فکری و فرهنگی موثر در ظهور انقلاب اسلامی و رویدادهای تاریخی مهم پس از انقلاب، بویژه حماسه شش بهمن ۱۳۶۱ آمل می پردازد

دلایل فراخوانی اسطوره های کارزمایی فرهنگ تشیع و همانند سازی انجام گرفته، عبارتند از: ۱- عوامل درونی، شامل: ویژگی های سیاسی - اجتماعی مذهب تشیع و کیفیت عاطفی آن؛ صفات شخصیتی امام خمینی و مقام مرجعیت ایشان و ۲- عوامل بیرونی، نظیر: ساخت اجتماعی - سیاسی بحرانی، ضعف نهادهای مدنی، آزردهی وجدان جمعی، شکست جریان های فکری غیر دینی و پذیرش هژمونی اسلام فقاهتی از سوی سایر جریان های فکری. مجموعه این عوامل شرایط اجتماعی جامعه ایران را برای فراخوانی اسطوره

های کاریزمایی فرهنگ تشیع و فرایند همانند سازی حضرت امام را با آن فراهم نموده و زمینه ساز شکل گیری انقلاب اسلامی و پیروزی رویدادهای مهم تاریخی پس از آن، بویژه حماسه شش بهمن ۱۳۶۱ آمل گردید.

واژگان کلیدی: اسطوره های کاریزمایی شیعی، انقلاب اسلامی، حماسه ششم بهمن آمل، مجاهدین خلق و اسلام فقهاتی.

#### مقدمه و طرح مساله

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را اعلام رسمی به بن بست رسیدن اندیشه ها و بینش های غیر مذهبی و مادی ایران دانسته اند (زیباکلام، ۱۳۷۸: ۸۱-۸۰). زیرا با این کودتا عملا دوره تفکر ناسیونالیستی غرب گرا و تلاش برای اصلاح حکومت از طریق مبارزه پارلمانتاریستی به شکست انجامید و متعاقب آن تحکیم دیکتاتوری محمدرضا و نفوذ آمریکا در ایران، حزب توده و جریان های مارکسیستی نیز به افول گرایید. شکست این اندیشه ها و جریان ها در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی، به علاوه ضعف و کاستی در مبادی نظری و فلسفی آنها، زمینه را برای پذیرش بدیل های خودی و مذهبی فراهم کرد. بدین ترتیب دوره تاریخی ۵۷-۱۳۳۲ دوره بحران نظری و از آن مهم تر شکست عملی اندیشه ها و جریان های مادی و غیر مذهبی در حل مشکل جامعه و دوره احیای اسلام و حاکمیت اندیشه و تفکر دینی است.

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. دلایل تسلط جریان های فکری دینی در برابر جریان های فکری غیر دینی دوره تاریخی ۵۷-۱۳۳۲ و پس از آن در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی چگونه تبیین می گردد؟ و ۲. سهم جریان اسلام فقهاتی در مقایسه با سایر جریان های فکری دینی در عرصه مبارزه سیاسی - اجتماعی چگونه ارزیابی می شود؟ ۳. همانندسازی و جانشین سازی امام خمینی با اسطوره های کاریزمایی فرهنگ شیعه تا چه اندازه حوادث و رویدادهای تاریخی مهمی نظیر ۶ بهمن آمل را تبیین می نماید؟ و ۴. چه رابطه ای میان جریان های فکری دینی در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی و همانندسازی و جانشین سازی امام خمینی با اسطوره های کاریزمایی فرهنگ شیعه در حوادث و رویدادهای تاریخی مهمی نظیر ۶ بهمن آمل وجود دارد؟

#### چارچوب نظری

چشم انداز "ماکس وبر" درباره چگونگی پیدایش رفتار جمعی و بسیج اجتماعی بر اساس منابع سه گانه مشروعیت و اقتدار سیاسی یعنی؛ سنت، قانون و کاریزما آغاز می گردد. از نظر او، اقتدار سنتی، مبنای



وضعیت متعادل اجتماعی است. اما دو نیروی مخل ممکن است این وضع را بهم زنند؛ یکی نیروی عقلانیت و دیگری نیروی کاریزما (بشپیره، ۱۳۷۹: ۵۷). به نظر وبر عقلانیت می تواند نیروی درجه یکی بر ضد سنت باشد و اغلب هم چنین بوده است (وبر، ۱۹۷۲: ۶۵۷). نیروی عقلانیت نخست، موجب تغییر محیط اجتماعی و سپس دگرگونی جهان بینی مردم می گردد. کاریزما برعکس عقلانیت در وهله نخست، زندگی درونی فرد را متحول می سازد و سپس محیط اجتماعی را. به این معنا، کاریزما نیروی عمده ای در تحول تاریخ به شمار می رود (بشپیره، ۱۳۷۹: ۵۸).

بدین ترتیب نقطه عزیمت کاریزما ایجاد تحول ذهنی و تحول معنوی در کنشگران است؛ سپس این تحولات به ساختار بیرونی منتقل می شود. به نظر وبر، تغییرات بنیادی اجتماعی مرهون تحول در نگرش ها و گرایش ها و رفتارهاست و فره، سمت و سوی نگرش به مسایل مختلف جهان را تغییر می دهد (حجاریان، ۱۳۷۹: ۳۷۳). او انواع گوناگونی از شخصیت های کاریزمایی مانند پیامبران و منجیان، قهرمانان و سلحشوران را تمیز می دهد. در همه موارد اصل اعتقادی این است که پیروان ویژگی خارق العاده ای را برای شخص کاریزما قائلند. بدون پیروی دلخواهانه و آزاد پیروان از رهبر کاریزما، کاریزمایی وجود نخواهد داشت (بشپیره، ۱۳۷۹: ۵۷). از این رو، کاریزما رابطه درونی میان پیرو و رهبر است. وبر با اینکه سعی کرده تا با رهیافتی جامعه شناسانه به تحلیل پیدایش این دسته از رهبران بپردازد، اما به نوعی روانشناسی شخصیت هم دست زده؛ برای نمونه، اینکه این شخصیت ها چه ویژگی هایی دارند که می توانند این جاذبه را ایجاد کنند و از سوی دیگر، پیروان چه نیازهای روان شناختی دارند که گویی گمشده خود را در تبعیت از آن رهبر می یابند آنگونه که وبر می گوید: "در انقلاب ها، کنش گرانی را مشاهده می کنیم که حول رهبران فرهمند گرد می آیند. چرا؟ از نظر روان شناختی این شناسایی امری است مربوط به وفاداری کاملاً شخصی پیرو نسبت به دارنده ویژگی کاریزمایی و ناشی از شوق و امیدو ناامیدی است. چون رهبران فرهمند می توانند دست کم در مقام تصور، بدیلی نو از شرایط اجتماعی عرضه کنند. یعنی خصلت یوتوپیا تراشی (ترسیم مدینه فاضله) در این رهبران زیاد استو می توانند مدینه فاضله و فردوس های آسمانی عرضه کنند (وبر، ۱۹۷۲: ۳۳۹). برعکس اقتدار سنتی و قانونی، اقتدار کاریزمایی بر اساس روابط غیر عقلانی و عاطفی قرار دارد و سر سپردگی پیروان به رهبر کاریزمایی مبتنی بر رفتار عاطفی است. پیدایش کاریزما موجب تغییر مسیر عادی زندگی سیاسی می شود. رهبر کاریزمایی مریدانی بر گرد خود جمع می آورد و قدرت مستقر را به زیر سوال می کشد و معنای جدیدی از امور عرضه می دارد. کار رهبر کاریزمایی ترغیب و تهییج ابعاد غیر عقلانی و عاطفی ذهن مردم است و او باید برای حفظ رابطه خود با

پیروان همواره پویا و فعال باشد و خطر کند از این رو کاریزما نیازمند جنبش دائمی است (بشیریه، ۱۳۷۹: ۵۹).

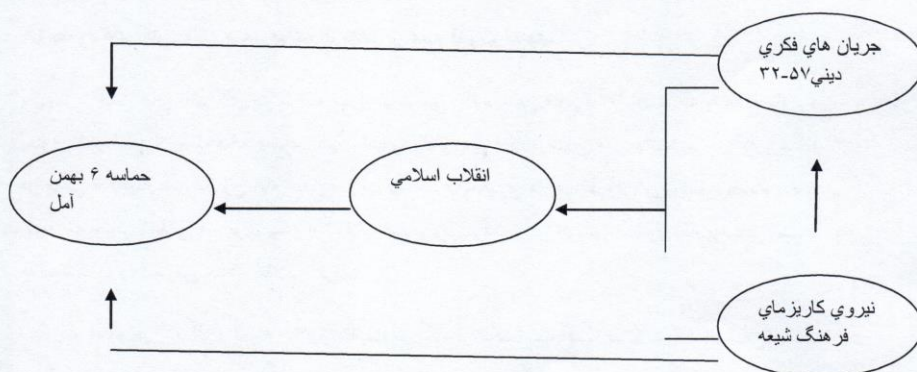
همچنین اقتدار کاریزمایی در چارچوب ادعاهای خود گذشته را نفی می کند و به این معنی نیرویی بویژه انقلابی است. این اقتدار در دوره های فشار و اضطراب روانی، فیزیکی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی پیدا می شود. پس رهبران کاریزمایی در وهله نخست می توانند وضع مطلوب را بسیار پیشرفته تر از وضع موجود جلوه دهند. به علاوه می توانند وضع موجود را کاملا اضمحلال یافته و انحطاط یافته جلوه دهند و وقتی که فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب بسیار شدید شد، انرژی لازم برای تحول به صورت فورانی بیرون می زند (حجاریان، ۱۳۷۹: ۳۷۲). بنابراین وبر، جنبش های اجتماعی را متشکل از گروه هایی می داند که در زمینه ای از نارضایی نسبت به محیط اجتماعی مستقر، به نحوی به نظام عقیدتی واحدی اعتقاد پیدا می کنند و بر اساس آن اعتقاد، به صورت جمعی عمل کرده و به وسیله پیام اجتماعی خود، جامعه را بسیج می نمایند. بر روی هم، اقتدار کاریزمایی از نظر او دارای این ویژگی هاست: "شدیداً شخصی است؛ منبعث از قدرت های خارق العاده است؛ ممکن است مذهبی یا غیر مذهبی باشد؛ رابطه ای عاطفی یا غیر عقلانی میان پیرو و رهبر است؛ متضمن رسالتی است که ممکن است احیای عقیده ای منسوخ یا عرضه آرمانی نو باشد، در زمان بحران اجتماعی احتمال ظهور آن افزایش می یابد و عموماً موجب تغییرات اجتماعی و فکری می گردد" (بشیریه، ۱۳۷۹: ۵۹).

پس از وبر تلاش های نظری مختلفی برای ریختن این مفهوم در قالب نظریه های عملی تبیین کننده چرایی و چگونگی ظهور چنین رهبرانی صورت گرفت. حاصل کار تدوین نظریه های متنوعی بود که مهمترین آنها با عناوینی همچون "نظریه های جانشین سازی اسطوره ای"، "نظریه اسناد"، "نظریه مبالغه" و "نظریه معجزه" خوانده می شوند. سرچشمه نظریه جانشین سازی اسطوره ای را می توان در آثار صاحب نظرانی چون: گیرتز و ترنر جستجو کرد. "بریان ترنر" معتقد است هر چند وبر بر جنبه های نوآورانه کاریزما تأکید دارد. به نظر می رسد که رابطه بین کاریزما و اعتقادات سنتی، پیچیده تر از آن باشد که در مفهوم فوق نهفته است. موارد زیادی را می توان یافت که کاریزما با تکیه بر سنت به جاذبه ای مورد نظر دست می یابد (ترنر، ۱۹۷۴: ۲۵). "گیلفورد گیرتز" نیز با ابداع مفهوم نهادینه سازی قدرت معتقد است که رهبری می تواند با پیوند برقرار کردن بین خود و ارزش های محوری جامعه، به کاریزما دست یابد (گیرتز، ۱۹۸۳: ۸).



"آن روث ویلنر" این اندیشه را به صورت منسجم در قالب نظریه شخصی ارائه می کند. از نظر او، سرچشمه های اصلی پیوستگی و گرایش کاریزمایی به یک رهبر را می توان در نمادهای عمومی موجود در میراث فرهنگی مشترک جامعه، و اسطوره هایی که این فرهنگ، از نسلی به نسل دیگر انتقال می دهد یافت. به نظر او ف رهبری که هاله کاریزمایی می یابد فردی است که می تواند خواسته یا ناخواسته از پتانسیل اسطوره های مربوط به فرهنگ جامعه بهره برداری کند. او کسی است که می داند چگونه بر اسطوره های انگشت بگذارد که با شخصیت های مقدس آن فرهنگ، با قهرمانان افسانه ای یا تاریخی، و با پیروزی ها و شکست های آن پیوند دارند. بنابراین، چنین فردی ارزش ها و اعمالی را که اسطوره ها در قالب آنها مجسم شده اند و جامعه خود را مطابق آنها سازمان داده است و تجربه گذشته خود را به کمک آنها به خاطر می آورد، تبلیغ می کند، از آنها یاری می جوید و خود را با آنها همانند می سازد (ویلنر، ۱۹۸۴: ۶۲) به نظر او، رهبر از این طریق، در افکار و عواطف پیروان، جانشین شخصیت های تاریخی مورد تکریم، قهرمانان افسانه ای یا تاریخی می شود. در نتیجه برای آن پیروان برخی ویژگی های اعتقادات سنتی را مجسم ساخته و به نمایش می گذارد. پس او به عنوان تجسم معاصر یک یا چند قهرمان فرهنگی اسطوره ای نگریسته می شود و به نوبه خود به قهرمان فرهنگی جدیدی بدل می گردد (همان: ۶۵).

مدل تبیین



## روش‌شناسی پژوهش

با توجه به موضوع تحقیق و بررسی مفاهیمی نظیر: اسطوره‌های کاریزمایی شیعی، انقلاب اسلامی، حماسه ششم بهمن آمل، مجاهدین خلق و اسلام فقاهتی، که اموری دفعی نمی‌باشند و در تکوین حوادث اجتماعی باید بنیان‌های را جستجو نمود (به لحاظ روش‌شناسانه). و از آنجا که آن مفاهیم محصول سلسله حوادث تاریخی اند و مجموعه‌ای از یک گذشته تاریخی را به هم پیوند داده و هویتی را به وجود آورده‌اند (به لحاظ معرفت‌شناسانه). لذا روش تاریخی آن هم در نگاه تطبیقی طرح می‌شود تا از این طریق بتوانیم ریشه‌های فکری و تاثیرپذیری‌های رهبر کاریزما را در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی واریسی نماییم.

### نقش اسطوره‌های کاریزمایی فرهنگ شیعه در انقلاب اسلامی ایران

درباره نقش اسطوره‌های کاریزمایی فرهنگ شیعه در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی در جامعه ایرانی می‌توان موارد زیر را بررسی نمود:

۱. اسطوره‌های کاریزمایی شیعی به عنوان مهمترین منبع قدرت معنوی؛
۲. فراخوانی اسطوره‌های کاریزمایی شیعه و انطباق امام خمینی با آن؛
۳. تبدیل آیت الله خمینی به امام خمینی.

### ۱. اسطوره‌های کاریزمایی شیعی به عنوان مهمترین منبع قدرت معنوی

یکی از شاخص‌های تاثیرگذار در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی منابع قدرت است که به منابع مادی و معنوی اشاره دارد از جمله منابع معنوی قدرت اسطوره‌های دینی کاریزمایی می‌باشد. نیروی کاریزما و فراخوانی و فرایند همانندسازی امام خمینی با آن به نحو چشمگیری در شرایط ویژه‌ای تحقق یافت بدین گونه که جنبش انقلابی در ایران پیش از انقلاب اسلامی پا گرفت و فراخوانی نیروی کاریزمایی سبب هدفمند شدن و گسترش جنبش انقلابی گردید.

منظور از اسطوره، ایده آل و نمونه‌اعلای انسانیت در یک فرهنگ است که با صفات کمال مطلق (مانند صداقت، عدالت، شجاعت و ...) نگریده می‌شود. از این نظر، فرهنگ شیعه، بویژه به دلیل کیفیت عاطفی خود، از غنای فرهنگی برخوردار است. زیرا از یک سو، دارای گیراترین و قوی‌ترین روابط کاریزمایی است در تاریخ تشیع، شیعه به دو صفت ممتاز و به دو عاطفه مشهور، مشخص است دو صفت عصیان و اطاعت و دو عاطفه تولی و تبری (آیین و نند، ۱۳۶۲: ۹). دو بند از بندهای دهگانه فروع دین، به دوستی با دوستان خدا (که پیامبر و ائمه در راس آن قرار دارد) و دشمنی با دشمنان خدا اختصاص دارد. از سوی



دیگر، فرهنگ شیعی از اسطوره های کاریزمایی متنوعی برخوردار است. نقطه اوج این شخصیت های اسطوره ای و شورانگیزترین روابط کاریزمایی، به مفهوم امام مربوط است امام در فرهنگ شیعه، وجودی است که غیر از ویژگی های منحصر به فردی مانند علم و عصمت، از صفاتی مانند واسطه فیض خداوندی، جلوه ای از نور او، شفیع انسان ها در نزد پروردگار، پدر خانواده شیعه و وسیله نجات برخوردار است. این ویژگی ها، جماعت شیعه را به جامعه ای کاریزمایی تبدیل می کند که از طریق مناسک و آداب مذهبی، امام در زندگی روزمره حضور می یابد و رابطه عاطفی نیرومندی را با پیروانش برقرار می سازد به زعم عنایت "در تشیع، امام شناسی جزء جدایی ناپذیر الهیاتش بوده، این امر به آن انعطاف پذیری بیشتری (در مقایسه با تسنن) در جذب امواج احساسی ایمان عامه مردم بخشیده است" (عنایت، ۱۳۶۵: ۶).

در میان اسطوره های کاریزمایی فرهنگ شیعه، دو اسطوره بیش از بقیه در ادبیات مذهبی قبل از انقلاب، کاربرد داشته اند که عبارتند از: امام علی (ع) و امام حسین (ع). همچنین این اسطوره ها، بیشترین حضور را در ادبیات سیاسی - مذهبی دوران انقلاب (سخنرانی ها، اعلامیه ها، مقالات و دیگر متون) و بیشترین نقش را در گفتمان انقلابی داشته اند. به دلیل درآمیختگی نام حضرت علی (ع) با مفاهیمی مانند: عدالت، شجاعت، ساده زیستی، بی اعتنایی به مادیات و امور دنیوی، معیاری برای تشخیص حکومت و رهبری صالح از ناصالح تبدیل شده است. از نظر شیعه‌ها مقایسه رفتار هر حکومتی با این معیار، میزان سلامت و عدم سلامت آن را نشان می دهد و این همای است که در جریان انقلاب بارها به زبان رژیم انجامید. اسطوره امام حسین (ع) تکمیل کننده اسطوره اول است در حالی که اسطوره امام علی (ع) ارزیابی کننده حاکمان و نفی کننده حکومت ناصالح است. اسطوره امام حسین (ع)، الگوی واکنش در برابر چنین حکومتی و معیار رفتار انقلابی است. این کیفیت ناشی از همراهی نام آن حضرت با حادثه تاریخی عاشورا است.

## ۲. فراخوانی اسطوره های کاریزمایی شیعه و انطباق امام خمینی با آن

از آنجا که کاریزما اساسا مفهومی تفهیمی است و به تصویرهایی که افراد در ذهن خود از رهبر دارند مرتبط می شود باید ویژگی های مورد بحث را از دریچه نگاه پیروان نگریست. این سوال که امام خمینی چه ویژگی هایی داشت که شخصیت وی را مستعد جانشین سازی با الگوهای کاریزمایی موجود در فرهنگ تشیع و شکل گیری باورهای کاریزمایی در پیروان نسبت به می ساخت؟ تصاویری که پیروان از امام در ذهن داشتند در این مفاهیم خلاصه می شوند؛ مقام مرجعیت، عرفان و تقدس، حقانیت راه، پایمردی مقاومتش در مبارزه و ... مجموعه این خصایل موجب گردید تا فراخوانی اسطوره ها و انطباق آنها با امام خمینی صورت گیرد و عمل همانندسازی یا جانشین سازی از طریق تداعی اسطوره ها به معنی وجود یک

سلسله نشانه های اسطوره ای موجب به خاطر آوردن خود به خودی آن اسطوره ها و انطباق امام خمینی با آنها گردد.

همچنین تکریم و تقدیس هایی که در طول تاریخ شیعه، مردم برای مراجع قائل می شدند (از قبیل جمع کردن آب وضوی آنان) نشانی از رواج گسترده اعتقادات است. امام خمینی، به عنوان یک مرجع شیعه، و به عنوان انسان عارف و با تقوایی که از جاذبه های دنیوی گریزان است، مصداق چنین الگوی مقدس در نظر پیروان محسوب می گردد. بنابراین این شخصیت در اذهان پیروان اولیه زنده نگاه داشته می شود و به ویژه عنصر مبارزه و مخالفتش با رژیم جاذبه استثنایی از او در نظر پیروان می آفریند.

در مورد پیدایش رهبران فرهمند، نظریه پردازان جامعه توده وار معتقدند که باید نخست، نهادهای جامعه مدنی ضعیف شده یا به طور کلی در هم شکسته باشد و یا فرهنگی از بیرون جامعه را تحت سیطره خود در آورد و بنیان های آن را نابود نماید. همچنین ساخت اجتماعی و نظم و همبستگی اجتماعی به یک وجدان جمعی احتیاج دارد و این وجدان جمعی در جوامع که نهادهای جامعه مدنی در آن ضعیف باشد قوی تر است. وقتی وجدان جمعی چنین جوامعی از سوی فرهنگ حاکم، آزرده می شود زمینه برای معناسازی رهبر کاریزما به طور وسیع فراهم می شود یعنی به بودن و هستی فرهنگ عامه معنی می دهد. رهبر کاریزما برای پر کردن این خلا، سمبل های فرهنگی را که مردم با آنها کم و بیش آشنایی دارند\_ منظور همان اسطوره ها، یعنی ایده آل و نمونه های اعلای انسانیت موجود در فرهنگ- انتخاب نموده و از درون فرهنگ استخراج و با آن ایدئولوژی را فراهم می سازد. جامعه چون توده ای است و نهادهای مدنی در آن ضعیف است رهبری می تواند مستقل از جامعه با خود توده ها در ارتباط باشد. و هدایتشان نماید. این امکان در ساخت سیاسی دموکراتیک و پلورالیستی دست نیافتنی است زیرا در چنین ساختی، گروه ها نماینده منافع افراد پراکنده اند در این ساخت سیاسی افراد در نتیجه روابط چند جانبه، منفرد و منزوی بوده و مورد بسیج مستقیم قرار نمی گیرند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۱۱). بنابراین از ویژگی های مهم رهبران فرهمند آن است که بتوانند مردم را بسیج نمایند. در این رابطه نیز فضای لازم برای معناسازی فرهنگ عامه از سوی رهبر کاریزما (امام خمینی) فراهم گردید. امام خمینی در پیام های مختلفی که ارسال می کرد اغلب بر تشابه بین وضعیت مبارزه زمان خود با وضعیت صدر اسلام تاکید می نمود برای نمونه، در پیامی که به مناسبت هفتمین روز کشتار ۱۷ شهریور، خطاب به ملت ایران ارسال کرد اعلام داشت: "قیام شما مقابل دیکتاتور اصلی که تمام شعائر ملی و مذهبی را زیر پا گذاشته، چون قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه می باشد که عملی بیش از اعمال آن دیکتاتور مرتکب شده بود" (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۴۸۰). و در پیام دیگری به



مناسبت کشتار محرم سال ۱۳۵۶، به ملت ایران اعلام کرد که " نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی ... بود" (همان: ۴۴۹).

### ۳. تبدیل آیت الله خمینی به امام خمینی

مدعای دیگر آن است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷، عبارت آیت الله خمینی به امام خمینی تغییر می یابد. پیدایش امام با پیدایش امت مربوط بوده و شکل گیری مناسبات امت و امامت خود دلیل گویایی است به ساخت اجتماعی و فرهنگ خاصی که فرایند همانندسازی رهبری کاریزما (امام خمینی) با اسطوره های کاریزمایی فرهنگ شیعه با موفقیت همراه می شود.

### جریان های فکری موثر در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر

درباره نقش جریان های فکری موثر در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی در جامعه ایرانی می توان موارد زیر را بررسی نمود:

۱. جریان های فکری ایران از نهضت تنباکو تا نهضت ملی

۲. جریان های فکری ایران ۵۷-۱۳۳۲

۳. سازمان مجاهدین خلق

۴. جریان فکری اسلام فقاهتی

۵. نقد و نفی مسلمانان چپ از سوی جریان اسلام فقاهتی در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی

### ۱. جریان های فکری ایران از نهضت تنباکو تا نهضت ملی

دو ویژگی اساسی، در جریان های فکری این دوره قابل تشخیص است که مایه تمایز آنها با جریان های فکری بعد از ۱۳۳۲ می شود. ویژگی اول این بود که اساس مباحثه سیاسی (political Discoure) در این دوره، عقب ماندگی و دور افتادن از قافله تمدن بود. سه جریان مسلط این دوره، مشکل اساسی ایران را عقب ماندگی می دانستند و نوگرایی و ایجاد یک نظام سیاسی متمرکز را به عنوان راه حل آن پیشنهاد می کردند. در واقع چگونگی مدرنیته کردن ایران، سخن اول و آخر جریان های فکری مسلط این دوره است. سکولاریسم عصر مشروطه، اصلاحات عصر رضا خان، سیاست ملی گرایی دکتر مصدق و حتی سیاست های

مخالفتی حزب توده، همه برای چیره شدن بر عقب ماندگی بود (شفیعی فر، ۱۳۷۸: ۶۰-۱۵۹). این فهم و تشخیص از مشکل جامعه (عقب ماندگی) و راه حل آن (غربی شدن)، که از اواسط قرن سیزدهم شمسی به مدت یک قرن، پارادایم مسلط تفکر در ایران بود از دهه ۱۳۳۰ به بعد کم کم عوض شد.

ویژگی دوم این دوره، تسلط بینش ها و تفکرات غیر مذهبی و سکولار بود. آنها حتی عقب ماندگی ایران را ناشی از پای بندی به برخی اعتقادات مذهبی می دانستند و جریان اسلامی هم فقط در رد این اتهام می کوشید. اما از دهه ۱۳۳۰، این ویژگی هم معکوس می شود و اندیشه مذهبی، الگوی مسلط فکری می گردد.

## ۲. جریان های فکری ایران ۱۳۳۲-۵۷ ✓

اساس مباحثه سیاسی در دوره 32-57، یکی از سوی جریان اصلاح طلب مبنی بر اصلاح ساختار سیاسی و مبارزه پارلمانی در قالب تغییر قانون اساسی و دیگری از سوی جریان رادیکال مبنی بر تلاش برای برچیدن پایگاه امپریالیسم و سرمایه داری از طریق مبارزه انقلابی است. در موضوع نفی نظام موجود و جایگزینی نظام مطلوب دو جریان اصلاح طلب و رادیکال دچار نقصان بودند. جریان اصلاح طلب سلطنت را اصلاً نفی نکرد و نظام مطلوبی هم ارائه نداد.

اما جریان رادیکال با وجود نفی سلطنت، نظام جایگزین مشخص و روشنی ترسیم نکرد. پایگاه اجتماعی و مقبولیت مردمی و رهبری هر دو جریان نیز بسیار ضعیف و شکننده بود. بنابراین نمی توان اندیشه انقلاب اسلامی و بنیان های فکری انقلاب اسلامی را مرهون اندیشه و تفکر این دو جریان دانست.

جریان اسلام فقهاتی مشکل جامعه را در اخلاقیات دانسته و راه حل تهذیب و تربیت را طرح می نماید.

این جریان فکری به نفی وضع موجود می پردازد. در بعد ایجابی به ترسیم جامعه مطلوب مبادرت می نماید. و با رهبری قوی و کارآمد و شبکه ارتباطی سراسری به بسیج منابع و امکانات پرداخته، بنابراین سهم تاثیرگذار خود را در بروز انقلاب اسلامی و حوادث بعد آن می آفریند.

## ۳. سازمان مجاهدین خلق (منافقین) ✓

مهمترین تجسم سازمانی و تشکیلاتی جریان التقاطی رادیکال، سازمان موسوم به مجاهدین خلق است که سعی داشت با تفسیر انقلابی و دیالکتیکی دین و با توسل به اصول مبارزه جویانه و انقلابی اسلام، پلی بین اسلام و مارکسیسم برقرار کند و از طریق آن، با رژیم مبارزه کند و با تغییر مناسبات سیاسی و اجتماعی موجود، مشکل جامعه را که به طور عمده، اقتصادی تلقی می شد، حل کند. سازمان مذکور، در مقابل شیوه



سیاسی مبارزه جریان اصلاح طلب، به شیوه های انقلابی مبارزه روی آورد و در صدد تدوین یک ایدئولوژی انقلابی و ارائه رهبری انقلابی بود.

تشکیل سازمان مجاهدین خلق، تحت تاثیر مستقیم سرکوب قیام ۱۵ خرداد و بی نتیجه ماندن مبارزه های قبلی ایران بود و بر این اساس استوار بود که باید در قالب های قبلی مبارزه تجدید نظر کلی کرد و طرحی نو در انداخت. با این ارزیابی جدید، سازمان مجاهدین خلق، در سال ۱۳۴۴ تاسیس شد (زیباکلام، ۱۳۷۸: ۲۴۰). سازمان ابتدا مارکسیسم را به عنوان علم مبارزه و انقلاب پذیرفته بود و به طور جدی معتقد بود که بدون تلفیق اسلام با مارکسیسم، اسلام به تنهایی قابلیت پیشبرد جنگ چریکی و انقلاب را ندارد (رزاقی، ۱۳۷۲: ۱۳۷۳: ۱۴۲). اما در اخذ و اقتباس مارکسیسم چنان افراط کرد که اغلب مطالب آنها از مارکسیسم بود و تنها رنگ اسلامی داشت. آنها در کنار تقدس علم، تقدس مارکسیسم را هم پذیرفتند و با همین زمینه، ناگهان مارکسیست شدند (جعفریان، ۱۳۶۹: ۷۴). بر همین اساس است که سنت الله را به معنای قانون تکاملتفسیر کرده، و مفاهیم متافیزیک مانند نصر الهی، وحی و وظایف فرشتگان را هم به عنوان جلوه ای از همان سنت تکامل ارزیابی میکنند و معتقدند نصر الهی چیزی نیست جز هماهنگی با این سنت که همواره به کسانی که در جهت آن حرکت می کنند، کمک می کند؛ وحی هم چیزی جز به فعلیت در آوردن قدرت ذاتی هر موجودی نیست و سرانجام فرشتگان نیز استعازه هایی از قوای طبیعی اند که بر پایه قوانین علیت می گردند. این کار نوعی ماوراءالطبیعه زدایی و خلع قداست از اصطلاح ها و مفاهیم قرآنی و تلاش جهت تحلیل صرفا مادی آنها تلقی شده است (عنایت، ۱۳۶۵: ۲۶۷).

#### ۴. جریان اسلام فقهاتی

جریان اسلام فقهاتی مشکل جامعه را در اخلاقیات دانسته و راه حل تهذیب و تربیت را طرح می نماید (شفیعی فر، ۱۳۷۸: ۳۱۷). طی تحقیقی که بر آثار امام خمینی انجام شده این نکته به خوبی به دست می آید که مشکل اصلی از نظر ایشان، فرهنگی و معنوی بوده و مشکلات سیاسی و اقتصادی چندان مورد توجه امام نبوده است (اورعی، ۱۳۷۳: ۷۱-۶۹). امام خمینی قبل از هر چیز معتقد به انسان سازی برای ایجاد انقلاب بود و تعریف جدیدی از سیاست ارائه داد که عبارت از تکیه بر اخلاق در حل معضلات اجتماعی بود. ایشان به طور صریح به طلاب و روحانیون فرمودند: تا فرصت از دست نرفته، تا دشمن بر همه شئون دینی و علمی شما دست نیافته، فکری نکنید، بیدار شوید، بیا خیزید، و در مرحله اول در مقام تهذیب و تزکیه نفس خود بر آیید (امام خمینی، ولایت فقیه و جهاد اکبر: ۱۸۳). مطهری، هدف انقلاب اسلامی

را ارزش های اسلامی دانسته و انقلاب و مبارزه را صرفاً ابزاری برای برقراری ارزش های اسلامی می داند (مطهری، ۱۳۶۱: ۴۵).

این جریان فکری به نفی وضع موجود می پردازد، امام خمینی شاه را منشا همه بدبختی ها، نابسامانی ها و جنایت ها می دانست (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۶۴). ایشان در سخنرانی ۱۳۵۰/۴/۱ به مناسبت جشن های ۲۵۰۰ ساله، به ارزش های مورد نظر رژیم حمله کرد و فرمود: "شاهنشاهی ایران از اول که زائیده شده است تا حالا روی تاریخ را سیاه کرده است. جنایات شاه های ایران روی تاریخ را سیاه کرده است ... (همان: ۳۰۷). امام به عنوان مقدمه نفی کامل سلطنت، رژیم را مصداق ظلم و جور معرفی کرده و فتوای تحریم دستگاه ظالم را صادر نمود، ایشان در پاسخ به استجازه در مورد پرداخت وجوه شرعی به کسانی که قبلاً از سوی ایشان اجازه داشته اند، به طور صریح معتقد است: "کسانی که دستگاه ظلم را تایید کرده اند یا می کنند برخلاف شرع مطهر عمل می کنند اگر اجازه ای از اینجانب دارند از درجه اعتبار ساقط است و مومنین به آنها وجوه شرعی خصوصاً سهم مبارک - امام - ندهند" (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۴۰).

در بعد ایجابی به ترسیم جامعه مطلوب مبادرت می نماید. امام در پاسخ به نامه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان در اروپا نیز مباحث مربوط به نظام تشکیلاتی اسلام را مطرح و به دستگاه های مرموزی اشاره نمود که: نگذاشته اند طبقه تحصیل کرده به احکام اسلام به خصوص قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن توجه کند و با تبلیغات گوناگون وانمود نموده اند که اسلام جز احکام عبادی، مطلبی ندارد در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی آن بیشتر از مطالب عبادی آن است (همان: ۲۷۲). ایشان بر این اعتقادند که: اسلام برنامه زندگی دارد. اسلام برنامه حکومت دارد ... دعا و زیارت یک باب از ابواب اسلام است لکن سیاست دارد اسلام، اداره مملکتی دارد اسلام، ممالک بزرگ را اداره می کند (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۹۸). امام در تاریخ ۱۳۴۸/۱۱/۱ با این استدلال که انسان بزرگ و متفکر در هر شرایطی طرح و نقشه ای می کشد تا در فرصت مناسب اجرا کند یا دیگران پس از وی اجرا کنند و این اساس خیلی نهضت ها است، بحث حکومت اسلامی را تحت عنوان ولایت فقیه در مسجد شیخ انصاری نجف آغاز کردند (روحانی، ۱۳۶۴: ۴۹۴).

و با رهبری قوی و کارآمد و شبکه ارتباطی سراسری به بسیج منابع و امکانات پرداخته، بنابراین سهم تاثیرگذار خود را در بروز انقلاب اسلامی و حوادث بعد آن می آفریند.

۳. نقد و نفی مسلمانان چپ از سوی جریان اسلام فقهاتی در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی



در شرایط سال های دهه ۱۳۵۰ که تبلیغات و کارهای ایدئولوژیک مسلمانان چپ (به خصوص سازمان منافقین) گسترده بود و روز به روز جوانان مسلمان به خیل آنها می پیوستند، استاد مطهری با تالیف کتاب ها و ایراد سخنرانی ها و کنفرانس ها در مجامع مختلف، ماهیت مارکسیستی سازمان مذکور را آشکار کرد و حتی فکر آنها را به امام خمینی معرفی نمود و مانع تایید آنها از سوی امام (در سال ۱۳۵۱) گردید (جاوید موسوی، ۱۳۷۱: ۶۶). بنابراین مطهری اولین کسی بود که به انحراف فکری سازمان مذکور پی برد و ضمن عدم تایید آن، دیگران را نیز از همکاری با آن بر حذر داشت. وی در سال ۱۳۵۶ در نامه ای خطاب به امام خمینی از آنان به عنوان "منافقین خلق" یاد کرد (صدر، ۱۳۷۳: ۷۶). کتاب های نقدی بر مارکسیسم و فلسفه تاریخ که علاوه بر درس های عمومی برای طلاب قم، شامل جلسه های خصوصی در منازل اشخاص است (جاوید موسوی، ۱۳۷۱: ۱۹۴)، کتاب "علل گرایش به مادیگری" را، مطهری برای نشان دادن راه چاره به جوانان و نجات آنها از ارتداد و گمراهی سیاسی، به نگارش آن اقدام نمود (صدر، ۱۳۷۳: ۶۷). مطهری معتقد است، ماتریالیسم در ایران، علاوه بر تحریف شخصیت ها، دست به تحریف آیات قرآن کریم و تفسیر مادی محتوای آیات با حفظ ظاهر آنها زده که خیلی خطرناک است و اصل چنین شیوه ای از سوی مارکس برای ریشه کن کردن دین ارائه شده است (مطهری، ۱۳۵۶: ۳۵). در چنین شرایطی، امام خمینی نیز در تبعید، موضع می گیرد و طی نامه ای با اشاره به اینکه امروز ... مکتب بی اساس مارکس با شکست مواجه است و بی پایگی آن بر ملا شده است (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۳۸۲)، می نویسد: "من صریحا اعلام می کنم از این دستجات خائن، چه کمونیست و چه مارکسیست و چه منحرفین از مذهب تشیع و از مکتب مقدس اهل بیت عصمت - علیهم الصلوه و السلام - به هر اسم و رسمی باشد متنفر و بیزارم و آنها را خائن به مملکت و اسلام و مذهب می دانم ... لازم است تذکر دهم که نویسندگان و متفکران محترم از تاویل و تفسیر قرآن کریم و احکام اسلام با اراده خود، جدا خودداری کنند" (همان: ۳۸۳).

مطهری با اشاره به اینکه گروهی از نویسندگان مسلمان، تحلیل مادی تاریخ از نظر اسلام را نوعی روشنفکری می دانند، معتقد است که این افراد یا اسلام را نمی شناسند، یا ماتریالیسم تاریخی را و یا هر دو را. به لحاظ خطری که چنین تحلیل هایی دارد، او سعی می کند ضمن بحث اسلام و مادیت تاریخی، لغزش های موجود را نشان دهد. و به نظر او، این طرز تفکر درباره جامعه و تاریخ، بویژه اگر رنگ دروغین اسلام به آن زده شود و مهر اعتبار اسلامی هم به آن بخورد، خطر بسیار عظیمی است برای فرهنگ و معارف و اندیشه اسلامی، لازم می دانیم مسائلی که این توهم را پدید آورده و یا ممکن است منشاء این توهم شود که اسلام زیربنای جامعه را اقتصادی می داند و هویت تاریخ را مادی می شمارد، طرح و بررسی کنیم (مطهری، ۱۳۷۲: ۴۴۰-۴۳۹). بر همین اساس امام خمینی در باره مطهری معتقد است عمر شریف و ارزنده

خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کج رویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد (جاوید موسوی، ۱۳۷۱: ۱۹). و آیت الله خامنه ای آثار وی را مبنای فکری جمهوری اسلامی و مطهری را قوی ترین ایدئولوگ نهضت اسلامی معرفی کرد (همان: ۳۲).

#### جمع بندی و نتیجه گیری

دوره تاریخی ۵۷-۱۳۳۲ دوره بحران نظری و از آن مهم تر شکست عملی اندیشه ها و جریان های مادی و غیر مذهبی در حل مشکل جامعه و دوره احیای اسلام و حاکمیت اندیشه و تفکر دینی است. اساس مباحثه سیاسی (political Discoure) در این دوره، یکی از سوی جریان اصلاح طلب مبنی بر اصلاح ساختار سیاسی و مبارزه پارلمانی در قالب تغییر قانون اساسی و دیگری از سوی جریان رادیکال مبنی بر تلاش برای برچیدن پایگاه امپریالیسم و سرمایه داری از طریق مبارزه انقلابی است. جریان اسلام فقهاتی مشکل جامعه را در اخلاقیات دانسته و راه حل تهذیب و تربیت را طرح می نماید. ضمن نفی وضع موجود، در بعد ایجابی به ترسیم جامعه مطلوب مبادرت می نماید و با رهبری قوی و کارآمد و شبکه ارتباطی سراسری به بسیج منابع و امکانات پرداخته، بنابراین سهم تاثیرگذار خود را در بروز انقلاب اسلامی و حوادث بعد آن می آفریند.

دغدغه اصلی مورد بررسی در مقاله حاضر با این سوالات آغاز گردید که ۱. دلایل تسلط جریان های فکری دینی در برابر جریان های فکری غیر دینی دوره تاریخی ۵۷-۱۳۳۲ و پس از آن در عرصه مبارزات سیاسی-اجتماعی چگونه تبیین می گردد؟، و ۲. سهم جریان اسلام فقهاتی در مقایسه با سایر جریان های فکری دینی در عرصه مبارزه سیاسی-اجتماعی چگونه ارزیابی می شود؟ ۳. همانندسازی و جانشین سازی امام خمینی با اسطوره های کاریزمایی فرهنگ شیعه تا چه اندازه حوادث و رویدادهای تاریخی مهمی نظیر ۶ بهمن آمل را تبیین می نماید؟ و ۴. چه رابطه ای میان جریان های فکری دینی در عرصه مبارزات سیاسی-اجتماعی و همانندسازی و جانشین سازی امام خمینی با اسطوره های کاریزمایی فرهنگ شیعه در حوادث و رویدادهای تاریخی مهمی نظیر ۶ بهمن آمل وجود دارد؟

بنابراین، برخی ویژگی های تاریخی-ساختی، تحلیل این بحث را و می دارد به نوعی مدل سازی برای بررسی جریان های فکری دینی و سهم اسطوره های کاریزمایی فرهنگ شیعه در حادثه ۶ بهمن آمل روی آورد. این شبه مدل بدون هر گونه اطلاق و ادعای گزاف در قابلیت های خود، بر اصول زیر مبتنی است و بر پایه همان اصول قابل نقد و بررسی است:



۱. جنبش های اجتماعی در جهت تغییر واقعیت اجتماعی، مبتنی بر تجربه تاریخی خاص آن در ایران محل بحث و تامل فراوان است.
  ۲. آن متفاوت از، الگوی خاص از جنبش های اجتماعی است که در غرب رخ داده و آثار و پیامدهای اجتماعی بر جای گذاشته است.
  ۳. در اینجا ما بر ساختی اشاره داریم که ناظر بر اقتضائات موقعیتی خاص بوده و بر شناخت عمومی، اعتقادات، ارزش ها و نیازهای جامعه مبتنی است.
  ۴. اساس مباحثه سیاسی در دوره 32-57، یکی از سوی جریان اصلاح طلب مبنی بر اصلاح ساختار سیاسی و مبارزه پارلمانی در قالب تغییر قانون اساسی و دیگری از سوی جریان رادیکال مبنی بر تلاش برای برچیدن پایگاه امپریالیسم و سرمایه داری از طریق مبارزه انقلابی است. در موضوع نفی نظام موجود و جایگزینی نظام مطلوب دو جریان اصلاح طلب و رادیکال دچار نقصان بودند. جریان اصلاح طلب سلطنت را اصلا نفی نکرد و نظام مطلوبی هم ارائه نداد. جریان رادیکال با وجود نفی سلطنت، نظام جایگزین مشخص و روشنی ترسیم نکرد. پایگاه اجتماعی و مقبولیت مردمی و رهبری هر دو جریان نیز بسیار ضعیف و شکننده بود. بنابراین نمی توان اندیشه انقلاب اسلامی و بنیان های فکری انقلاب اسلامی را مرهون اندیشه و تفکر این دو جریان دانست.
- جریان اسلام فقهاتی مشکل جامعه را در اخلاقیات دانسته و راه حل تهذیب و تربیت را طرح می نماید.
- این جریان فکری به نفی وضع موجود می پردازد. در بعد ایجابی به ترسیم جامعه مطلوب مبادرت می نماید. و با رهبری قوی و کارآمد و شبکه ارتباطی سراسری به بسیج منابع و امکانات پرداخته، بنابراین سهم تاثیرگذار خود را در بروز انقلاب اسلامی و حوادث بعد آن می آفریند.
۵. میان حوادث و رویدادهای بعد از انقلاب اسلامی بویژه حادثه ۶ بهمن آمل و انقلاب اسلامی و جریان های فکری دینی در عرصه مبارزات سیاسی- اجتماعی و منابع قدرت معنوی تاریخی نسبتی قوی برقرار است.
  ۶. مدل پیشنهادی برای تبیین حادثه تاریخی ۶ بهمن آمل، با ملاحظه ساخت و شرایط اجتماعی ایران، نوع دین و سابقه تاریخی آن و حاکمیت دینی ناظر به در نظر گرفتن دو دسته عوامل در فراخوانی اسطوره های کاریزمایی فرهنگ تشیع و همانند سازی با آن در رابطه با امام خمینی است که عبارتند از: نخست، عوامل درونی، شامل: ویژگی های سیاسی - اجتماعی مذهب تشیع و کیفیت عاطفی آن؛ صفات شخصیتی امام خمینی و مقام مرجعیت ایشان و همچنین، عوامل بیرونی، نظیر: ساخت اجتماعی

- سیاسی بحرانی، ضعف نهادهای مدنی، آزردهی وجدان جمعی و شکست جریان های فکری غیر دینی و هژمونی جریان اسلام فقهاتی. مجموعه این عوامل شرایط اجتماعی جامعه ایران را برای فراخوانی اسطوره های کاریزمایی فرهنگ تشیع و فرایند همانند سازی حضرت امام را با آن فراهم نموده و زمینه ساز شکل گیری انقلاب اسلامی و پیروزی رویدادهای مهم تاریخی پس از آن، بویژه حماسه شش بهمن ۱۳۶۰ آمل گردید.



منابع

- آیینہ وند، صادق (۱۳۶۲) ادبیات انقلاب در شیعه، جلد ۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اسکاچیل، تدا (۱۳۷۶) دولت ها و انقلاب های اجتماعی، ترجمه سید مجید رویین تن، تهران: انتشارات الهام
- امام خمینی، (۱۳۷۰) صحیفه نور، جلد ۱ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- امام خمینی، ولایت فقیه و جهاد اکبر، تهران: انتشارات فقیه.
- اورعی، غلامرضا (۱۳۷۳) اندیشه امام خمینی درباره تغییر جامعه، تهران: موسسه انتشاراتی سوره.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹) ۱۳۷۲، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹) مسایل اساسی فلسفه سیاسی، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۵.
- حجاریان، سعید (۱۳۷۹) آخرین انقلاب قرن، مجموعه مقالات جلد ۱، قم: انتشارات معارف.
- جاوید موسوی، سید حمید (۱۳۷۱) سیمای استاد در آیینہ نگاه یاران، تهران: صدرا.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۹) مروری بر زمینه های فکری التقاط جدید در ایران، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ذکریایی، محمدعلی (۱۳۷۴) فلسفه و جامعه شناسی سیاسی (اندیشه موضوعی دکتر شریعتی) جلد ۱، تهران: انتشارات الهام.
- رزاقی سبهرودی، سهراب (۱۳۷۲-۷۳) ایدئولوژی و رادیکالیسم شیعه در اندیشه سیاسی معاصر، ۵۷-۱۳۲۰، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- روحانی، سید حمید (۱۳۶۴) نهضت امام خمینی جلد ۲، تهران: بنیاد شهید.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۸) مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات روزنه.

- شفیعی فر، محمد(۱۳۷۸) درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، قم: انتشارات معارف.
- صدرا، انتشارات(۱۳۷۲) سیری در زندگانی استاد مطهری، چاپ سوم.
- عنایت، حمید(۱۳۶۵) اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهالدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
- عنایت، حمید، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۸-۱۳۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) پیرامون انقلاب اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) مجموعه آثار، ج ۲، چاپ سوم، تهران: صدرا.
- محمدی، منوچهر(۱۳۷۰) انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب های فرانسه و روسیه، تهران: انتشارات نویسنده.

- Geertz(1983) .c.centers.kings. and charisma. Reflections of the symbolic of power. Ingeetz. Local Knowledge: Further fssays in interpretive an thropologe(Newyork:Basic Books).

- Turner bran(1974) Weber an Islam. Acritical Study(London. Rout Lege and Kegan Paul.

-Tylor. Stan(1979) Social Science and Revolution. Newyork. Mcgraw Hill.

- Weber. Max(1972) Wirtschaft and Gesellschaft. Tubingen.

- Willner Ann Ruth(1984) Charicmatic Political Leadership(London: Univercity Prees).



حماسه ی اسلامی ششم بهمن آمل و مضامین و موضوعات این حماسه

اکبر لطفی

دانشجوی دوره ی دکتری ادبیات

چکیده

انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ارتش مزدور عراق به فرماندهی صدام به غرب و جنوب کشور ایران تاخت.

گروه های مزدور از گوشه و کنار این کشور دست به اسلحه بردند و ترور فرزندان رشید این مرز و بوم را آغاز نمودند و حتی جنگ های خیابانی و پارتیزانی. اتحادیه کمونیست ها که از همه جا بریده به جنگل های شمال پناهنده شدند تصمیم گرفتند که به شهر آمل حمله کنند و به زعم خویش آمل را باب الفتوح بنامند. ششم بهمن ۱۳۶۰ به آمل تاختند. مرد وزن این سرزمین علویان با شکل بخشیدن هزار سنگر و با تقدیم چهل شهید، دشمن را معدوم و بعضی را فراری نمودند که آمل در وصیت نامه سیاسی الهی امام به عنوان تنها شهر، جاودانه ماند. در این مقاله به مضامین بلند حماسه و اسطوره، عشق به شهادت، هزارسنگر، حضور پر شور زنان و... پرداخته شد.

کلید واژه ها: آمل، ششم بهمن، حماسه و اسطوره، هزارسنگر، جنگل، عشق و ایمان و شهادت

ملتی که سالیان دراز در ناحیتی زیسته اند و با حوادث آسان و دشوار و تلخ و شیرین برابر گشته و فتح و پیروزی ها بدست آورده و نیز شکستها را تجربه کرده است ناگزیر سرگذشت هایی از پهلوانی های پهلوانان و مردانگی هایی از جوانان خویش بر صفحه سینه دارد که این نشانه عظمت و جلال و فداکاری و جان فشانی های اوست. اگر به ثبت این وقایع و درج این شرایط بپردازیم به منظومه ها و نوشته هایی دست پیدا می کنیم که آثار جلال و نبوغ، قوت ملت و زیبایی و شکوه زبان و ادب وی در آن آشکار است که حماسه آن ملت نام می گیرد.

حماسه ملی عادتاً مبتنی بر بسیاری از حقایق تاریخی است که یافتن ریشه و بنیاد آن ها واجب است. اگر دیروز سرزمین مازندران به حماسه رستم در جنگ با دیوان شکوه یافت و اگر هفت خان این دشت و دیار به جام عشق معنی یافت همه از ظهور و بروز مردان و زنان شیر صفت و پیل افکن است.

منظومه های حماسه ی ملل جهان مانند "رامایانا" و "مها بها رتا" متعلق به هندوان و "ایلیاد وادیسه" یونان وامثال این ها نشان می دهد که حماسه ملت ایران چه عظمتی است .

دیروز فردوسی توسی عظمت و قدرت قبل از اسلام مردم این سرزمین را سروده است و امروز مردان و زنان این مرز و بوم شاهکار جوانان خویش را می ستایند.

حماسه مردم آمل در ششم بهمن سال ۶۰ آن هم با پرواز چهل پرستوی مهاجر، چه پهلوانان را در مرگ سهراب نجواخوان و چه مادران را در حجله خونین عزیزان مرثیه خوان نموده است .

به رستم بگو ای جهان پهلوان / هنرمند ورزم آور پر توان

تو بودی به گردان ایران امید / دریدی جگر گاه دیو سفید

ولیکن ندیدی زره پوش را / که فریاد آن کر کند گوش را

حماسه در لغت عرب به معنی شدت در کار است واز ریشه صفات احمس ( یعنی جای سخت ودرشت و مرد درشت در دین ودلیبر درحرب ) وحمس پدید آمده است .

اندک اندک حماسه بر "شجاعه" نیز اطلاق شد زیرا مرد شجاع نیز هنگام نبرد در عین شدت ودرشتی با دشمن برابری می کند . (صراح اللغه و صحیح اللغه ذیل کلمه حمس )

در منظومه حماسی دسته ای از اعمال پهلوانان خواه از یک ملت باشد وخواه از یک فرد به صورت داستان یا داستانهایی در می آید که ترتیب و نظم جای جای آن ، آشکار است .

در یک منظومه ی حماسی هیچ گاه عواطف شخصی وارد نمی شود و یا با میل خویش تغییر نمی یابد بلکه اصل و اساس پهلوانی حفظ می گردد .

باید وصف پهلوانی ها ، عواطف و احساسات مختلف یک ملت در یک روزگار و مظاهر میهن پرستی و دین خواهی وفداکاری و جان بازی بدون هیچ تغییری به تصویر درآید .

درست است که در حماسه می توان از زاویه ای دیگر به غنای آن هم توجه داشت و عواطف و احساسات بشری از احساسات دینی و میهن پرستی تا حیرت عشق و کینه و تحسر و بیان غم های درونی وحتی احساساتی که در قبال عظمت و بی منتهایی جهان وشگفتی های خلقت و سرگشتگی در برابر اسرار گم شده



طبیعت پرداخت اما حقیقت در مدار آن دور می زند و تجسم اصلی وقایع دست خوش نفسا نبات فرد قرار نمی گیرد .

انواع حماسه :

در عالم ادب به یک تقسیم دو نوع منظومه حماسی می توان یافت :

۱- طبیعی و ملی ۲- مصنوع و ساختگی

در حماسه طبیعی و ملی همان جنگ ها و پهلوانی ها و جان فشانی و فداکاری ها که در عین حال مملو است از آثار تمدن و مظاهر روح و فکر مردم یک سرزمین که به وصف در می آید .

آن چه از این حماسه موج می زند همان خون دلی است که بر زمین ریخته ، همان دست و پایی است که بر زمین کوفته تا به دشمن اعلام کند دست از مرام و آیین خویش بردارم و تا آخرین قطره خون از آن دفاع می کنم .

بی شک حماسه مردم آمل در ششم بهمن سال ۶۰ حماسه طبیعی و ملی و اسلامی است که مرد وزن و پیر و جوان این خطه آفریدند و خانه به دشمن نسپردند و برای همیشه در این خطه سرسبز، پرچم علوی را برافراشتند .

دلا دیدی آن عاشقان را ؟

جهانی رهایی در آوازشان بود / و در بند ،

حتی / قفس شرم گین از شکوفایی شوق پرواز شان بود ؛

پیام آورانی که در قتلگاه ترنم /

سرودن - علی رغم زنجیر - / اعجازشان بود .

( حسن حسینی ، هم صدا با حلق اسماعیل )

آمل پایتخت علویان ✓

مهاجرت علویان از عصر خلافت مامون (۲۱۸-۱۹۸ هجری) ، به ویژه پس دعوت وی از امام علی بن موسی الرضا (ع) به ولایت عهدی (۲۰۱ هجری) ، شدت افزون تری گرفت . اگرچه مقصد ابتدایی

مهاجران ، خراسان بود اما وقتی خبر شهادت آن حضرت آشکار شد (۲۰۳ هجری) خط سیر مهاجرت سادات حسنی و حسینی به تبرستان تغییر یافت وجه بسیار مهاجرانی که در این راه به شهادت رسیدند . مأمون پس از درگذشت اسپهبد شروین یکم با وند (۲۰۱ هجری) و فرزندش اسپهبد شهریار نایب و خلیفه به سوی تبرستان می فرستاد که از جمله آنان فیروزان مازیار بن قارن و موسی حفص بودند ، در حالی که شاپور جانشین اسپهبد شهریار هم چنان بر شرق تبرستان فرمانروایی می کرد .

پس از مازیار ، طاهر بن عبدا.. بن طاهر به تبرستان آمد مردم تبرستان در دوران امیران طاهری از عبدا.. بن طاهر (۲۳۰-۳۱۲ هجری) تا آخرین آنان یعنی محمد بن طاهر (۲۵۹-۲۴۸ هجری) ، دچار سختی های فراوانی بودند .

طاهریان به علت ظلم و ستم که بر مردم تبرستان نمودند ، مردم جمله املاک بفروختند و کسانی که ثروتی داشتند خانه ها باز گذاشتند و به ولایات دیگر کوچ کردند .

بعضی از این مردم به ری رفتند تا به حسن بن زید پیوند خورند در آن زمان نمایندگانی از جانب مردم تبرستان به ری روان شدند و وی را شایسته رهبری مردم ناراضی از سلسله طاهریان می دانستند . با توجه به این که زیدیان او را امام خویش می دانستند وی به عنوان یک داعی به خوبی توانست از آموزه های زیدی که پیش از او میان مردم پراکنده شده بود بهره گیرد ، چنان که داعی کبیرش لقب دادند . به این ترتیب علویان توانستند با بهره گیری از آموزه های شیعی و تمایلات استقلال طلبانه حکومت زیدیه را در آمل بنیاد گذارند (۲۵۰ هجری) .

#### موضوعات و مضامین حماسه ششم بهمن آمل

##### ۱- تلفیق روح حماسی و شخصیت های اسطوره ای

اتحادیه کمونیست سحرگاه ۶ بهمن به آمل تاخت تا شهر را تسخیر کند اما در این حماسه آن چنان مردم به دفاع از شهر و آئین خویش پرداختند که گویا سال ها جنگ های خیابانی را تجربه کرده اند و مردان و زنان این مبارزه ، شخصیت های اسطوره ای هستند که توانسته اند حماسه سازی ها و دلاوری های رزمندگان ، شهیدان را جاودانه سازند و سرودشان این بود :

ما خلق های کشور خون و شهادتیم  
تمثیلی از حماسه و ایثار و وحدتیم  
ماییم از نبره ی هابیل آفتاب  
کاین گونه در مقابل قابیل ظلمتیم .



( مردانی ۱۳۷۴: ۲۷ )

افرادی که در این روز به شهادت رسیدند به ظاهر جوانانی از جنس همین مردم بودند از کشاورز ، کارگر ، دانش آموز ، بسیجی سپاهی ، اما در حقیقت اسطوره سازانی که هر چه زمان می گذرد شخصیت اسطوره ای آن ها در تاریخ ماندگار می ماند .

ای یلان صف شکن اسطوره شد اینارتان      کوه آهن آب شد در عرصه ی پیکارتان

تندر تکبیرتان توفان سرخ روزگار      نعره های نور جاری از گل رگبارتان

۲- چهل شهید :

سرشت گل وجود انسان در چهل شبانه روز بدست خالق هستی ، خلوص چهل صبح برای رضای خدا با جاری شدن چشمه های حکمت از قلب برزبان ، دوری چهل شبانه روز موسی از قوم ، کمال انسان در چهل سالگی و رسالت پیامبران در سن چهل به این عدد تقدس خاص بخشید . در حماسه ششم بهمن آمل هم چهل کبوتر از دام تنیدند و به قاف معنویت رسیدند و در دل زمستان لاله هایی روییدند که بهار در زمستان آفریدند .

زین لاله ی بشکفته ی در دامن صحرا      هر لاله نشان قدم راه نوردی است

یا خون شهیدی است که جوشد ز دل خاک      هر جا که در آغوش صبا غنچه وردی  
است

( مهر داد استا ، از مجموعه راه )

۳- جلوه دین وایمان :

اتحادیه کمونیست ها که وا مانده از هر جنگ و ستیز و زخم خورده حماسه خونین فرزندان ایران زمین در جا به جای این کشور بودند در دل تاریکی شب از جنگل به شهر آمده اند که آمل را "باب الفتوح" خویش قرار دهند اما غافل از این که دین وایمان مردم باصلابت ، هم مبارزه را در مقابل صدام به پیش می برد وهم در مقابل این گروهک مزدور . مردم با شعار هیبات منا الذله و با استقبال از شهادت ، باورهای دینی خویش را پر رنگ تر ساختند.

راه ما راه حسین است که با تیشه خون      همه بت های زمین در شب روشن شکنیم

به چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم ما به نیروی یقین لشکر آهن شکنیم  
(نصرا.. مردانی ، خون نامه های خاک )

#### ۴ - جنگل

جنگل های شمال یادآور مقاومت سر سختانه میرزا کوچک خان جنگلی در مقابل قزاق ها و روس ها بوده است . همین که در گوش یک مبارز نام جنگل شنیده می شد به یاد میرزا می افتاد .

اما این بار روبه صفتان زشت خو که از هر دشت و آبادی رانده شده بودند به جنگل خزیدند تا مقاومت و ایستادگی را از توزی و سفیدار بیاموزند و از نی لیک های چوپانان و گالشان سرود آزادی سر دهند . چه غافل که همان گله داران و دامداران هنگامه های پیروزی را می سرودند و خاطرات پاک و ساده را با اسلحه های چوبی می نگاشتند .

آی گالش / با ما بگو / وقتی که در نماز می ایستی / پشت حصار

ترس هجوم مرگ / چه می کاری ؟ / ورمه ات را / در امنیت کدام بیابان

به چرا می فرستی / وقتی که در تصویر یک کوچ / قدم می گذاری

در خور جبینت چه داری ؟ / جز ریشه های معطر ایمان / و خنجری

( هراتی ۱۳۶۸:۴۵ )

#### ۵- هزار سنگر

از بامداد سه شبه ششم بهمن تا ظهر چهارشنبه هفتم بهمن همت مرد وزن هزاران سنگر در این شهر حماسه شکل گرفت . کوله باری از شن و ماسه بر دوش زنان این دیار به پیش می رفت تا فرزند دلاورش در پشت این سنگر بادشمن بجنگد و خانه اش را از او نگیرد . باور نمی شد در میان آتش و خون اگر نبود که اسلحه ای بر دست به پیشانی دشمن نشانه رود، جسم خویش را سنگر ، برای برادر می ساخت تا با دشمن نبرد کند .



آمل از همان روزهای آغازین هزارسنگر نام گرفت و در تاریخ ایران به یادگار ماند. چه زیبا رهبر معظم انقلاب فرمودند: «شهر هزارسنگر» این تعبیر کمی است؟ حرف کوچکی است؟ قضیه ششم بهمن آن قدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیت نامه تاریخی خود هم مندرج کردند، آن را یادگار گذاشتند، یعنی فراموش نشود حالا چرا فراموش نشود؟ برای این که حوادث تاریخی، هم درسی است هم عبرت است.

هزار سنگر یعنی چه؟ ظاهر قضیه این است که درون شهر مردم در مقابل گروه اشراک و متجاوز سنگر درست کردند - حالا یا هزارتا، یا بیشتر یا کمتر - اما من یک تفسیر دیگری دارم: این سنگرها سنگرهای درون خیابانها نیست، این سنگر دلهاست، هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است، به عدد هر مومنی، هر انسانی با انگیزه‌ی با شرفی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد. (رهبر انقلاب ۶۰ بهمن ۸۸)

هزار سنگر به یک ساعت علم شد ولی چهل گل ز دست و پا قلم شد (حبیبی)

#### ۶- اطاعت از امام

تأثیر شخصیت حماسه و عرفانی امام بر تثویت روحیه جهادگران دلاور و کف‌سنج و مدافعان عرصه پیکار و حماسه آفرینان ششم بهمن، وصفی است تمام ناشدنی. به راستی آن چنان پیوندی با قلب امام بسته بودند که در صبحگاه پیروزی این مردم خداجوی، آن پیر جماران فرمود: "ما باید از شهر آمل و مردم فداکار آن تشکر کنیم."

در وصیت نامه سیاسی الهی امام تنها از یک شهر نام برده شد و از مردم آن تجلیل گشت که فرمود: "دیدید که مردم آمل چه به روزتان آورده اند." ناگفته نماند در همین زمان جوانان غیور آمل به فرمان امام در لشکر ۲۵ کربلا درمیدان حق علیه باطل پوزه دشمنان را به خاک مالیدند.

آفرین بر عرصه تازانی که با عزمی جوان روی دل برجانب «پیرجماران» می‌کنند.

#### ۷- حضور برجسته زنان در میدان

در جنگ تحمیلی، زنان در پشت جبهه‌ها با تهیه امکانات و بسته‌های غذایی و با سرود جنگ جنگ تا پیروزی رزمندگان را توان و قدرت می‌بخشیدند و در هنگام وداع عزیزانشان توصیه می‌نمودند که پسر من!

مبادا دست از امام بکشید، از اسلام ومیهن دفاع کنید . اما درسحرگاه ششم بهمن مادران وزنان قهرمان چادر بر کمر بسته آب و غذا را به سنگر می رساندند ودر حق عزیزان دعا می کردند روحیه می بخشیدند تا مبادا گام های استواریش در مقابل دشمن سست شود وحتى همگام با برادران ، خواهری جان داد تا مبادا برادرش احساس تنهایی کند . فرزند در شکم سقط کرد تا مبادا نام زهرا (ع) بر زمین بماند .

زخم برادر می بست ، لب برادر تر می کرد ، برای برادر سنگر می شد و با تمام دل خود می گفت:  
" تا چراغ از تو نگیرد دشمن."

پسرم می پرسد / تو چرا می جنگی ؟

من تفنگم در دست / کوله بارم بر پشت

بند پوتینم را محکم می بندم / مادرم / آب وآئینه و قرآن در دست

روشنی در دل من می بارد / پسرم بار دگر / می پرسد / تو چرا می جنگی ؟

با تمام دل خود می گویم / تا چراغ از تو نگیرد دشمن

( محمد رضا عبدالملکیان )

#### ۸- عشق وطن

آمل از شهرهای جاودانه تاریخ ایران زمین است قبل از اسلام هم آوازه دیرین دارد، تمدن و فرهنگ او مردمش را به خود دوخته وهر جان رهگذری را به خویش علاقه مند ساخته است پس از اسلام با علما و دانشمندانی از قرآن وتفسیرو فلسفه از ریاضی ونجوم واز شعر وادبیات وعرفان ، مردانسی سر به آسمان کشیده دارد و مکاتبی پر از درس عشق .

در طول تاریخ در مقابل هیچ دشمنی سر تسلیم فرود نیاورد داعی کبیر وصغیر را در خود پروریده ، حکمرانان علوی را اطاعت نموده است تا برای همیشه زنده ی با علی وآل علی باشد .

فکر وخیال شب پرستان را با غرش تفنگ باطل و زوزه روبهان را با نعره شیر درهم کوبیده است .

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطن من !

ای تواناترین مظلوم / تو را دوست دارم !



ای آفتاب شمایل دریا دل و مرگ در کنار تو زندگیست

ای منظومه ی نفیس غم ولیخند

ای فروتن نیرومند! ایستاده ایم در کنار تو سبز و سر بلند

دنیا دوزخ اشباح هول ناک است

و تو آن درخت گردوی کهن سالی و بیش از آن که من خوف تبر را نگرانم / تو ایستاده ای

( سلمان هراتی )

منابع

- ۱- اینترنت ، سخنان مقام معظم رهبری ، ۶ بهمن ۱۳۸۸ ، حسینیه امام خمینی ، تهران.
- ۲- حسینی ، حسن (۱۳۶۳) هم صدا با حلق اسماعیل . تهران حوزه هنری
- ۳- شعر جنگ چاپ اول ، وزرات ارشاد اسلامی ۱۳۶۲.
- ۴- صفا ، ذبیح ا. (۱۳۶۹) حماسه سرایی در ایران ، تهران ، انتشارات امیر کبیر .
- ۵- عبدالمکیان ، محمدرضا (۱۳۶۹) ریشه در ابر ، تهران . انتشارات برگ .
- ۶- فصل نامه آموزشی ، رشد زبان و ادب فارسی ، دوره ی ۲۴ ، شماره ۲ ، زمستان ۸۹
- ۷- مجد ، مصطفی ( ۱۳۶۸) علویان طبرستان ، تهران ، نشر رسانش .
- ۸- مردانی ، نصران. (۱۳۶۴) خون نامه خاک ، تهران ، کیهان .
- ۹- هاشمی ، سید محمد (۱۳۹۰) شمشادهای رشید ، نشر شاهد.



بررسی شباهت های حماسه اسلامی آمل و انقلاب اسلامی

(تاکید بر آراء امام خمینی ره)

دکتر علی اکبر جعفری<sup>۱۵</sup>

سیدمحمدجواد قربی<sup>۱۶</sup>

چکیده:

تاریخ پرفراز و فرود انقلاب و تحولات سیاسی و اجتماعی پس از آن همواره شاهد وقوع تحولات و حوادثی است که برگی زرین در تاریخ این مرز و بوم را رقم زد. پس از سال ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی، جبهه استکبار و گروه های منافق و معاند با جمهوری اسلامی همواره مترصد فرصتی بوده اند که به انقلاب ضربه بزنند و در این مسیر از هیچ تلاشی فروگذار نبودند و نیستند و برای دست یابی به اهدافشان هزینه های مالی، زمانی و فیزیکی زیادی تقبل کرده اند. یکی از رویدادهایی که در این مسیر قابل بازشناسی است و در تاریخ ایران مکتوب و محبوب گشته است، فداکاری و «حماسه ملی و اسلامی» آمل است که در مقابل گروهک های منافق، تحت رهبری "اتحایه های کمونیست ایران" ایستادگی کردند و از آرمان های امام راحل و انقلاب اسلامی دفاع کردند. یکی از ویژگی های این حادثه ملی، شباهت زیاد آن به ویژگی های انقلاب اسلامی است که خیلی از آنها در بیانات امام خمینی (ره) نمود پیدا کرده است. پژوهش حاضر با اتخاذ روش تبیینی و تحلیل متن در اسناد، بیانات امام خمینی (ره) و تقریرات مکتوب شده ایشان، خواهان بررسی مشابهت های انقلاب اسلامی با حماسه مردمی و ملی آمل می باشد.

کلید واژه ها: حماسه ملی و اسلامی، امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، آمل، ویژگی های مشابه.

«ما باید از شهر آمل و مردم فداکار آن تشکر کنیم. با کمال تأسف عده ای شهید شدند، ولی با شهادت خود به آنان ثابت کردند که در جایی که تمام آرزوی شان و اعتمادشان به آنجا بود، ما دیدیم مردم دلیر و مسلمان آمل چه به روزتان آوردند.» (امام خمینی ره)

۱. مقدمه :

<sup>۱۵</sup>. عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران.

<sup>۱۶</sup>. کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

کنش جمعی به مثابه یکی از تجلیات دنیای مدرن، امروزه به موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی تبدیل شده است. تحولات ایجاد شده در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، به خصوص در سده نوزدهم، منتج به ایجاد طبقات مختلف اجتماعی و اقتصادی، می‌گردید که هر کدام با اهداف، منافع و آمال مشترک، باعث ایجاد هویت جمعی ویژه و متعاقباً کردارهای اجتماعی ویژه‌ای شده‌اند. تعارض میان منافع طبقات اجتماعی، موجب تضارب جمعی گشته و گاه صورت بندی اجتماعی را دگرگون می‌ساخت. تحولات ایجاد شده در چنین فضایی، نیازمند تبیین نظری جهت واکاوی زمینه‌ها و عوامل چنین تحولاتی بوده که بسط نظریات مارکسیستی و ساختاری - کارکردی در این راستا صورت پذیرفته است. از ویژگی‌های مهم این نظریات، توجه به ماهیت طبقاتی جنبش‌های اجتماعی، به خصوص در شکل کارگری و همچنین توجه معطوف به ساختارهای ملی جنبش‌های ایجاد شده بود. (عزیزخانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴) انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی - اجتماعی قرن بیستم، نه تنها موجب تحول و دگرگونی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران گردید، بلکه حوزه‌ی نظریه‌های سیاسی - اجتماعی مربوط به انقلاب‌ها نیز از این تغییرات مصون نماند و انقلابی در مفاهیم و نظریه‌های انقلاب ایجاد کرد. بدین ترتیب نظریه‌هایی که مدعی تبیین و پیش‌بینی انقلاب‌ها بودند، به خاطر ناتوانی در پیش‌بینی و تبیین این پدیده‌ی بزرگ، مورد چالش قرار گرفتند. (ایمان پور و اکبری، ۱۳۸۷: ۱۱) آنچه در این انقلاب، بیش از همه چیز جلب توجه می‌کند و از چشم ساختارگرایان نیز به دور نماند، بعد فرهنگی و ایدئولوژیک انقلاب بود.

بهره‌گیری از نمادها، شعارها و اسطوره‌هایی که در فرهنگی دینی مردم ایران ریشه داشت و نیز بسیج توده‌ها از رهگذر شبکه‌ی مساجد، یعنی نهاد کاملاً مردمی، بومی و کارآمد، نکته‌ای نیست که بتوان به سادگی از آن گذر کرد. (شجاعیان، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۱) این ویژگی‌های انقلاب اسلامی که آن را از سایر انقلاب‌ها، جنبش‌های اجتماعی و حماسه‌های ملی در سایر کشورها متمایز می‌ساخت در درون تحولات داخلی ایران، حرکت‌های خودجوش و مردمی، حماسه‌های ملی در سراسر ایران تبلور یافت به گونه‌ای که انگار دوباره انقلاب با همان ویژگی‌هایش به وقوع پیوسته است.

حماسه‌ی ملی و اسلامی ۶ بهمن آمل، یکی از آن حماسه‌هایی است که رنگ و بوب انقلاب را در خود دارد و شاید بتوان حماسه مردم غرور آمل را «جرعه‌ای از اقیانوس بی‌کران انقلاب اسلامی» دانست که تماماً به تعصی از انقلاب اسلامی بوده و تمامی تحولات آن که خیلی سریع به وقوع پیوست به نوعی یک بازبینی تحولات دهه‌ی ۵۰ بوده است که به رهبری امام خمینی(ره) به وقوع پیوسته است.



با این تفاسیر، در این پژوهش می‌خواهیم با کنکاش در بیانات امام خمینی(ره) که به صورت سخنرانی، کتاب و مجموعه بیانات ایشان موجود است، به بررسی شباهت‌های انقلاب اسلامی با حماسه ملی آمل بپردازیم که در این مسیر از روش اکتشافی - تبیین و تحلیل متن [با تلفیق روش اکتشافی] بهره خواهیم جست.

## ۲- چارچوب نظری:

بدون تردید بررسی و واکاوی ظرایف و دقایق الگوی نظری و عملی حضرت امام(ره) از پیچیدگی و حساسیت‌های خاصی برخوردار است. در این خصوص اولین مسئله به جایگاه ویژه مرتبت منحصر به فرد ایشان به عنوان فقیه جامع الشرایط و مجتهدی عارف و عالم به زمان خویش ارتباط می‌یابد و از سوی دیگر، از آنجا که سیره نظری و عملی ایشان در چارچوب تبیین و تجویز اصول و مبانی سیاست‌های کلان نظام اسلامی و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است، براساس رهنمودهای ایشان می‌توان قالب و معیار قابل‌انکایی برای طیف بندی‌های متنوع جامعه طراحی کرد. (کیوان حسینی، ۱۳۸۴: ۶) بنابراین بیانات و رهنمودهای ایشان در باب ویژگی‌های انقلاب اسلامی یک قالب و معیار برای مقایسه ویژگی‌های مشابه انقلاب اسلامی با حماسه ۶ بهمن آمل محسوب می‌شود.

مفروض پژوهش به این قرار است که میان انقلاب اسلامی و حماسه آمل شباهت وجود دارد ولی با بهره‌گیری از رهنمودهای امام راحل می‌توان ویژگی‌های مشترک را میان آن دو استخراج نمود. با بهره‌گیری از روش‌های بیان شده، دستاوردهای پژوهش به این قرار است که انقلاب اسلامی و حماسه ملی آمل در موردی همچون؛

فراگیر بودن، مقدس بودن هدف، ملت به مثابه متن حرکت، فطری بودن، ارزشی و اسلامی بودن تحرک، حفظ انضباط، وحدت محوری، ایمان محوری، الهی بودن، اتحاد مردمی، مطالبه‌ی حق، غلبه ارزش‌ها بر تفکرات ماتریالیستی و جبهه‌استکبار، هماهنگی الهی، خودجوش بودن، ایده اسلامی داشتن، مهار هرج و مرج در کوتاه‌ترین مدت، ایستادگی، وقوع انقلاب درونی، نجات اسلام و غیره مشابه هستند و این موارد در اندیشه امام خمینی(ره) نمود پیدا کرده است.

موارد فوق‌الذکر از بیانات امام خمینی(ره) در باب انقلاب اسلامی اکتشاف شده و به روش تبیینی و تعمیمی در کنار حماسه‌ی آمل قرار گرفته است تا شباهت‌ها مبرهن گردد.

## ۳. حماسه اسلامی ششم بهمن:

رهبری و اعضای اتحادیه کمونیست ها به این نتیجه رسیدند که باید با نظام جمهوری اسلامی برخورد مسلحانه کنند. آنها این اقدام خود را تحت عنوان «قیام فوری» طراحی کردند تا بدون از دست دادن فرصت، هر چه سریع تر در یک نقطه، شورش مسلحانه به راه بیندازند و مردم را به یک قیام و انقلاب علیه جمهوری اسلامی دعوت کنند. قاعدتاً شهری مانند تهران، که مرکز سیاسی کشور است و به طور مستقیم تأثیر می پذیرد، می توانست بهترین گزینه باشد ولی ضمن ارزیابی به این نتیجه رسیدند که در تهران هیچ گونه شانس موفقیت ندارند.

اتحادیه ی کمونیست ها با ذهنیتی که از جنگ های چریکی و دهقانی داشت، جنگل و شهر آمل را برای قیام فوری مناسب یافت. اساساً در دو سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهرهای شمالی کشور شاهد فعالیت زیاد کمونیست ها و چپی ها بود و گروه های مختلف به راحتی دست به تبلیغات سیاسی می زدند، البته این شرایط مساعد برای فعالیت کمونیست ها بدون زمینه نبود؛ حزب توده ی ایران ابتدا فعالیت خود را در شمال آغاز کرد. همسایگی استان های شمالی ایران با کشور شوروی سابق، به عنوان قطب اصلی کمونیسم جهانی، یکی از دلایل اصلی فعالیت گروه های کمونیستی در استان های شمالی بود. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۱) بعد از آنکه گروهک اتحادیه ی کمونیست های ایران تصمیم گرفت برای مبارزه ی مسلحانه در جنگل های آمل مستقر شود و بعد از مراحل شناسایی و تأیید رهبر گروه، این کار تقریباً از مهرماه ۱۳۶۰ آغاز شد. در واقع اعضاء و کادر این گروهک دسته دسته و در قالب پوشش های مختلف، خود را به نقطه ی مورد نظر رساندند. افرادی که به تهران می آمدند با سپردن آنها به پیک شمال، راهی آمل می شدند. (ن ک خانی، ۱۳۷۴: ۱۱۱-۹۰) اما یکی از سوالات اصلی این است که چرا کمونیست ها راهی شهرستان آمل شدند؟

آمل همچون سایر شهرهای استان مازندران، عرصه ی فعالیت ها و تبلیغات گروه های چپ مارکسیستی بود و چند نفر از جوانان آن نیز عضو اتحادیه های کمونیست ها بودند. علاوه بر دلایل سیاسی، عوامل طبیعی و انسانی دیگری در انتخاب شهر آمل دخالت داشت که آن را نسبت به دیگر شهرهای استان متمایز می کند. این عوامل عبارتند از:

- وجود جنگل آمل در دو سوی جاده ی هراز،
- پستی و بلندی های فراوان جنگل برای پنهان شدن،
- دسترسی به آب رودخانه هراز،
- وجود خوراکی های درختی و زمینی،



- استفاده از چوپانان و دیگر عناصر بومی چون رانندگان برای راهنمایی و خبرگیری،
- بستن جاده‌ی هراز و انجام کارهای تبلیغاتی،
- آمل به عنوان مدخل ورودی و گلوگاه استان مازندران،
- داشتن کمترین فاصله با تهران،
- وجود راه‌های مختلف اصلی و فرعی از جنگل به شهر آمل و سهولت در رفت و آمد و تهیه‌ی آذوقه و تدارکات از طریق روستاها. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۳)

این ویژگی‌ها سبب شد آمل به عنوان مقصد اصلی عملیات‌های چریکی انتخاب شود و سرانجام بیش از ۱۰۰ نفر از اعضای اتحادیه کمونیست‌های ایران، در اول بهمن ۱۳۶۰ از مقر اصلی خود در جنگل به سمت شهر آمل به راه افتادند. با توجه به برف سنگینی که آمل و اطراف آن را پوشانده بود، عبور از رودخانه‌های متعدد با طناب صورت گرفت. پشت سر گذاشتن این مسیر به خاطر سختی راه و مشکلات تردد، ۳ روز به طول انجامید البته با توجه به برفی بودن زمین، این وضعیت پیش‌بینی شده بود و در طراحی عملیات، قرار بود که عملیات در روز ۵ بهمن انجام گیرد که در اثر خستگی به ۶ بهمن موکول شد. بنابراین نیروهای شورش گر از ساعت پنج و نیم صبح به خانه محمدرضا سپرغمی رفتند و در خانه‌ی او استراحت کردند. گروه‌ها هر کدام کارشان در یک قسمت از شهر بود و در این میان ۱۷ نفر مسئول حمله به بسیج بودند. درگیری در ساعت یازده و چهل و پنج دقیقه آخر شب ۵ بهمن شروع شد. گروه‌های عمل‌کننده‌ی دیگر در دادگاه انقلاب و سپاه وارد درگیری شدند. در حین عبور از خیابان‌های شهر، هر گاه با نیروی مسلح یا افرادی که ظاهر حزب اللهی داشتند رو به رو شدند، به آنها حمله می‌کردند و آنها را به شهادت می‌رسانند و یا زخمی می‌کردند و با کمال شقاوت رفتار می‌کردند. برنامه‌ی اصلی این‌ها بود که حتی الامکان نیروهای سپاه و بسیج را از کار بیندازند و بعد از آن، مردم را به قیام دعوت کنند زیرا طبق تحلیل‌های تشکیلات، آنها مطمئن بودند که مردم به آنها خواهند پیوست. (کردی، ۱۳۸۶: ۶۶-۶۴) تیراندازی و سپس تسخیر شهر تا ۶ صبح ادامه داشت اما با آغاز صبح ششم بهمن، حماسه‌ی مردم آمل شکل گرفت و صدها نیروی داوطلب مردمی با روی آوردن به مقر سپاه و گرفتن اسلحه، به مقابله‌ی سرداران جنگل رفتند و سنگربندی‌ها آغاز شد.

زن، مرد، پیر و جوان همگی با آوردن شن و گونی اقدام به سنگرسازی و نبرد سنگر به سنگر کردند تا آنجا که آمل لقب «هزار سنگر» گرفت. رفته رفته به تعداد نیروهای ضد شورش که از روستاهای اطراف می‌آمدند و از مردمان وفادار به امام و انقلاب اسلامی بودند، افزوده می‌شد و سازماندهی نیروهای مردمی از ساعت ۷ صبح شروع شد و تا ساعت ۸ صبح به پایان رسید. هر چند نهادهایی چون سپاه و بسیج به

خاطرنویایی این نهادها تجربه ی لازم را نداشتند ولی شور و اشتیاق بسیار بالا برای مقابله با ضد انقلاب، جایگزین هر نارسایی شد.

حمله ی مردم حزب اللهی به ضد انقلاب در دو محور اساسی، یعنی در همان مناطقی که دشمن تمرکز داشت، صورت گرفت. جنگ و گریز مردم و نیروهای انتظامی منجر به کشته شدن و دستگیری عده ای از مهاجمین شد و در همان روز سه شنبه، ۱۳۶۰/۱۱/۶، دشمن تمام مواضع خود را از دست داد. در ساعت چهار بعد از ظهر دشمن شروع به عقب نشینی کرد. در واقع پس از یورش بی امام مردم و کشته شدن ۳۴ نفر از گروه سربداران، به ویژه کشته شدن کاک اسماعیل، مسئول کمیته ی نظامی، گروه به طرف جنگل عقب نشینی کرد. در این حماسه ی جاویدان، از مردم قهرمان آمل ۴۰ شهید و ۱۲۰ نفر زخمی شدند. (کردی، ۱۳۸۶ : ۶۹-۶۷) حرکتی که در نوع خود، خیلی جسورانه، مردمی و منبعث از روحیه انقلابی بود.

#### ۴. حماسه آمل از دیدگاه امام خمینی(ره) :

حماسه آمل یک رویداد فرامنطقه ای و به عبارتی دیگر ملی بود و به واسطه ی عملکرد مثبت و با ارزشش تحسین همگان را برانگیخت. یکی از افرادی که به تحسین و قدردانی حماسه ی ملی آمل پرداخت حضرت امام خمینی(ره) بود که ایشان در دیدار با وزیر ارشاد اسلامی و جمعی از کارکنان این وزارتخانه با ایشان، ضمن اشاره به دلاوری های مردم آمل از آنان تشکر کردند و در بخشی از سخنان خود فرمودند :

«تمام نیروهایشان را از همه جا جمع کردند و به شهر آمل وحشیانه و غافلگیرانه حمله کردند به امید این که مردم هم با آنها هستند، پس آمل را می شود فتح کرد و از آنجا شهرهای دیگر، ولی متوجه شدید که چه شد. مردم چنان با آنان به مبارزه پرداختند و توی دهن آن زدند که نتوانستند حتی برای چند ساعت مقاومت کنند. مخالفت مردم مهم است. ما باید از شهر آمل و مردم فداکار آن تشکر کنیم. با کمال تأسف عده ای شهید شدند، ولی با شهادت خود به آنان ثابت کردند که در جایی که تمام آرزوی تان و اعتمادتان به آنجا بود، ما دیدیم مردم دلیر و مسلمان آمل چه به روزتان آوردند ... رسانه های گروهی دشمن ما از این موضوع گذشتند و هیچ نگفتند، ولی آنجا که به ضرر ما باشد هر چه دلشان بخواهد رویش می گذارند و می گویند.» (رهگذر، ۱۳۸۵ : ۸۹-۸۸)

در بیانات امام خمینی(ره) می توان چند نکته اساسی را دریافت:

اولاً اینکه هجمه ی به آمل کاملاً هماهنگ شده و با بهره گیری از تمام ظرفیت های چپ تندرو صورت گرفت.



دوماً مردم آمل با توجه به دین مداری و پایبندی به ارزش های اسلامی، علیه تفکراتی به پا خواسته اند که شعارهای حمایتی برای آنها سر داده بود.

سوم اینکه عملکرد مردم آمل به حدی مهم است که قابل ستایش است.

چهارم اینکه، دشمنان با استفاده از تاکتیک های عملیات روانی و جنگ رسانه ای، این رویداد مهم را کوچک جلوه داده اند.

#### ۵. نگرشی تطبیقی به انقلاب اسلامی و حماسه آمل؛ با رویکردی بر آراء امام خمینی(ره)

حماسه اسلامی - ملی آمل در ۶ بهمن دارای برخی ویژگی ها و برجستگی هایی است که در انقلاب اسلامی قابل مشاهده است، ویژگی هایی که توسط امام خمینی(ره) به آنها اشاره داشتند. این شباهت ها به قرار زیر هستند.

#### ۱-۵. فراگیر و همه جانبه بودن :

یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی، دامنه و فراگیر بودن آن است که همه ی افراد را شامل می شد، از افراد بزرگسال و پیر گرفته تا بچه های خردسال در آن دخیل بودند. امام خمینی(ره) می فرماید :

«الآن وضع ایران این طور است که هر جایش را که ملاحظه بکنید انقلاب است، باید گفت که انقلاب ایران هر جا که بروید در آنجا از بچه های تازه به زبان آمده تا بزرگسال و جوان ها و پیرها، از دختر بچه ها و پسر بچه ها تا زن ها و خانم های بزرگ و مردهای بزرگ، یک برنامه الهی در کار بوده است، دست بشر چنین قدرت ندارد که اینطور مردم را بیدار کند که همه طبقات و همه بچه ها و بزرگ ها این ها با هم یک راه بروند.» (بیانات امام خمینی(ره)، ۱۳۵۷/۷/۱۷)

همانگونه که در انقلاب اسلامی، یک حرکت همه گیر به وقوع پیوست، در حماسه ی آمل هم، زنان، جوانان، بچه ها، افراد مسن و به عبارتی متقن، همه ی مردم حضور داشتند. به طور مثال برخی بچه های زیر ۱۰ سال با کف دست شن می آوردند و گونی ها را پر می کردند تا در سنگسازی از آنها استفاده شود یا زن حامله ای که گونی های شن را بلند می کرد و جابه جا می کرد و اصرار دیگران که از او می خواستند این کار را ترک کند، در او تأثیری نداشت. (رهگذر، ۱۳۸۵ : ۶۳) یا اینکه خانم افسانه کامران در تحقیق خویش چنین نقل می کند :

«من در ۶ بهمن ۱۳۶۰ پیرزنی را دیدم که کیسه ی شنی را از نیاکی محله تا نزدیکی فلکه، بر دوش خمیده اش حمل می کرد، شاید در آن حالت برای من که جوان بودم بسیار سخت می نمود.» (نک : کامران ، ۱۳۷۴ : ۱۸۷)

در آن روز حماسه و مقاومت همه حضور داشتند، دل ها سریع به یاد نوجوان ۱۳ ساله ای که در واقعه ی سنگرسازی شهر هزار سنگر به شهادت رسید به تپش درآید. شوق حضور در صحنه، فرصت خوردن صبحانه را نیز از او گرفت و زمانی که مادرش به او گفت تو را شهید می کنند، سقا علیزاده، با شادابی گفت: مادر، شهادت آرزوی من است، برای من گریه نکنید، چون من خودم را هم را انتخاب کرده ام.» (رهگذر، ۱۳۸۵ : ۶۷) اینها فقط مثال های انگشت شماری از حماسه آفرینی مردم آمل بود که نشان دهنده حضور تمامی مردم با هر شرایط، سن و موقعیتی بود.

#### ۵-۲. حضور قدرت ایمان :

وقوع انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی(ره) کاری ساده نبود که به وسیله یک تشکل ایجاد شود بلکه یک قوه ایمان بود که توانست تمامی اقشار را در ایران بسیج نماید. امام خمینی(ره) در این خصوص می فرماید:

«این شعار باید محفوظ باشد که این قیام، قیام ملی نیست، این قیام، قیام قرآنی است، این قیام، قیام اسلامی است. یک ملت ضعیفی که هیچ نداشت، در مقابل ابرقدرت ها و در مقابل این قدرت شیطانی که همه چیز داشتند و تا بن دندان مسلح بودند، به قوه ملیت نمی تواند غلبه کند ... این قدرت ملیت نیست این قدرت ایمان است، این قدرت اسلام است که غلبه کرد برابر قدرت ها، این اسلام است که فرزندان او به شهادت راغب هستند. این قوه ایمان است که مردم را سرتاسر ایران بسیج کرد.» (امام خمینی(ره)، ۱۳۵۷/۱۲/۱۸)

در اعترافات غلامرضا سپرغمی آمده است که وقتی بعد از عقب نشینی وارد یک باغ بزرگی شدیم، در همان موقع صدای الله اکبر و صدای جمعیت زیادی از درون باغ آمد. (کردی، ۱۳۸۶ : ۶۹) این نشان از حرکت اسلامی مردم دارد که منبعث از آموزه های الهی و ایمان به مقدسات است. این نیروی ایمان و اسلام ناب در زمان های بحرانی به اوجش نزدیک تر می شد.

زمانی که در شب عملیات، بسیجی ها به دیوار ایستاده بودند که تفنگ ها به صدا درآمدند و ده ها گلوله به جلوی پا و جوی آب و دیوار شلیک شد، محافظان شهر جزء الله اکبر، خمینی رهبر و مرگ بر منافق چیزی نمی گفتند و الله تمام وجود آنها بود و خمینی کسی بود که آنها را به الله نزدیک کرده بود. در این میدان



علیرضا رنجبر در جواب خانواده اش که به او می گفتند شب ها بیرون نرو، چون ما غیر از تو کسی را نداریم، پاسخ می داد؛ خدا از همه بالاتر است و شما خدا را دارید. (رهگذر، ۱۳۸۵ : ۵۲-۵۰) این مثال ها اوج ایمان و نگرش توحیدی شهدای حماسه آمل را نشان می دهد که در عرصه ی انقلاب اسلامی هم شاهد آن بودیم.

همین نگاه و نوع نگرش مردم آمل بود که سبب پیروزی شان شد. همانگونه که امام خمینی(ره) می فرماید :

«این نهضت چون یک نهضت مادی گرایی، نهضت ملی، یک نهضت الهی، یک نهضت اسلامی بود از این جهت پیروز شد.» (بیانات امام خمینی(ره)، ۱۳۵۸/۳/۱۱)

### ۳-۵. وقوع یک انقلاب اسلامی:

قبل از اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی برسد، یک انقلاب مهمتر و کارآمدتر که زمینه ی پیروزی را مهیا کرد، به وقوع پیوست و آن انقلاب و دگرگونی در مسائل انسانی بود. امام خمینی(ره) در این خصوص می فرماید:

«و بحمدالله این انقلابی که در ایران پیدا شد که من این انقلاب را خیلی به آن خوشبین هستم نه از این باب که محمدرضا را شکست داد، این هم زیاد بود، خیلی عظیم بود، و نه از این باب که غرب و شرق را شکست داد، از این باب که یک انقلاب انسانی پیدا شد و خودشان را شناختند.» (بیانات امام خمینی(ره)، ۱۳۵۸/۶/۱۲)

تحولات درونی و وقوع یک انقلاب معنوی درونی در حماسه ی آمل هم، نظیر انقلاب قابل مشاهده است. شهید پرویز بازر، آرزو داشت که اولین شهید محله ی خودشان باشد. ششم بهمن به پدرش گفت که این دنیا فانی و بی ارزش است. او براین باور بود که اعمال خوب «انسان» می ماند.

نمونه ی دیگر «کارخانه انسان سازی حماسه آمل» در مشاهدات یکی از اهالی آمل موج می زند:

«من خودم شاهد حضور زن جوانی بودم که اصلاً حجاب درستی نداشت و آدم فکر می کرد اصلاً با اسلام و انقلاب هم رابطه ای ندارد ولی شجاعانه و خالصانه در سنگرسازی در کنار سایر زنان و مردان تلاش می کرد.» (رهگذر، ۱۳۸۵ : ۶۵)

به راستی چه عاملی سبب می شود که زنی با این وضعیت در راستای حفاظت از آمل و به تعبیر موثق تر، صیانت از ارزش ها اینچنین جان خویش را به خطر بیندازد؟

به این سوال فقط می توان یک جواب داد و آن این است که درون او و امثال او، یک دگرگونی اساسی به وقوع پیوسته است که به ذات انسان به ماهو انسان خویش پی برده اند و حماسه ی آمل، خود زمینه ساز هر چه بیشترین جریان انسان شناسی و هویت شناسی ارزشی گشت.

#### ۴-۵. مطالبه گری حق:

علاوه بر حماسه اسلامی- ملی آمل، در انقلاب اسلامی هم ما شاهد یک جریان مطالبه حق بودیم که در عمق نهضت ریشه دوانیده بود. امام راحل در این خصوص می فرمایند:

«یک ملتی وقتی که یک مطلبی را خواست آن هم مطلبی که حق است، حق ملت ها است، یک ملتی که تمام قشرهایش نهضت کرد و به پا خاست و این قیام هم قیامی بود که حق خودش را مطالبه کرد، آزادی را مطالبه کرد، استقلال را مطالبه کرد و چون مسلم است جمهوری اسلامی را یک همچو ملت به پا خاسته برای مطالبه حق خودش، همین اسباب این شد که نتوانستند. این ابرقدرت ها سال های دراز این حق را از این ملت سلب کرده بودند و آزادی به هیچ وجه نبود.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳/۸/۱۳۵۸)

همین جریان در حماسه آمل موج می زد و مردم خواهان حق خویش مبنی بر آرامش شهر، حاکمیت ارزش های الهی، رهبری خمینی کبیر و مقابله با گرایشات افراطی و علی الخصوص مارکسیستی بودند و این را حق خویش می دانستند که هیچ اراده ای توان مقابله با آنها را نداشت و در این مسیر جان فشانی ها کردند و شهداء زیادی تقدیم کردند تا حق خویش را صیانت کنند.

حسین ریاحی معتقد بود که پس از خرداد ۱۳۶۰ دولت به سمت سرکوب آزادی ها و وابستگی به بیگانه می رود. آنها این روند را جریان ضد آزادی نامیدند، در این فرایند بود که مقابله با نظام اسلامی قوت و جدیت بیشتری به خود گرفت. (کردی، ۱۳۸۶: ۵۳) آزادی در همه ی عرصه ها حق مردم است ولی چه آزادی ای مدنظر است؟ آزادی در مکتب لیبرالیستی یا مارکسیستی؟ آنچه مردم آمل حق خود می دانستند آزادی در حد شریعت و ارزش های اسلامی بود؛ نه مقداری کمتر و نه مقداری بیشتر.

ملاک حق محوری، اسلام بود که به واسطه نهضت امام خمینی (ره) در ایران پیاده شده بود و مردم آن را طلب می کردند. همانگونه که در عرصه انقلاب، استقلال، آزادی، عدالت و غیره حق مردم بود، در حماسه



آمل هم، مردم به دنبال حقشان یعنی حاکمیت ارزش های الهی، پاک سازی اشرار و اندیشه های چپ از شهرستان خویش بودند.

#### ۵-۵. قیام اسلامی:

انقلاب سال ۱۳۵۷ بیشتر از آن که یک قیام و انقلاب ملی باشد یک قیام و نهضت اسلامی بود، زیرا اگر فقط حفظ حدود و ثغور جغرافیایی و رفع ظلم بود این مقدار شهید به جای نمی گذاشت، چون اسلام و آموزه های مرکز ثقل این انقلاب بود، این همه شهید، مجروح، آزاده و ایثارگر برجای نهاد. امام عظیم الشان انقلاب می فرمایند:

«اگر این نهضت ملی بود، نه شما اینقدر فعالیت می کردید و نه ما و نه سایر ملت. ملت اسلام را می خواهد. ملت کشور خودش را هم که می خواهد برای اسلام است. از بچه های کوچک تا پیرمردها همه فریاد اسلام می زدند و این نهضت برای همین صیغه اسلامی و برای همین که مقصد اسلام بود و قیام بر ضد طاغوت، قیام بر ضد کسانی که اسلام را می خواستند بشکنند و کارهایی کردند که اسلام را می خواستند به فراموشی بسپارند. ... در یک مرحله ای که یک مملکتی رو به نابودی داشت می رفت، اسلام رو به فراموشی می خواسته بود، در چنین مرحله ای خداوند عنایت کرد و دست رحمتش را دراز کرد به طرف ملت و ملت همه با هم هر کس از هر جا می آمد داد می زد اسلام، طاغوت نه، رژیم نه، این یک مطلبی نبود که یک کسی بتواند خودش درست کند، این را خدا درست کرده است.» (بیانات امام خمینی(ره)، ۱۳۵۸/۳/۲۰)

حماسه آمل هم حسب این دیدگاه یک رویداد اسلامی است و از این رو می توان آن را به درستی «حماسه ی اسلامی آمل» نام نهاد؛ زیرا پاسداشت از ارزش های اسلامی بر سایر دلایل مقاومت مردمی آمل ارجحیت داشت.

این نوع نگاه را می توان در اعترافات یکی از اعضای اتحادیه ی کمونیست ها مشاهده کرد:

«در حوالی سپاه پاسداران، به طرف یکی از پاسداران شلیک کردم در آخرین لحظات، این برادر پاسدار صدای یا ابوالفضل را بر زبان جاری کرد. وقتی تیر دوم را شلیک کردم، فریاد زد یا امام زمان و روح از بدنش خارج شد.» (ر.ک: سیفی، ۱۳۶۱: ۱۱)

در جایی دیگر شهید طاهره هاشمی که فقط ۱۴ سال داشت در ۶ بهمن شهید شد وی که روح قانع و صبوری داشت همواره از روزه مدد می گرفت تا به گفته ی خودش ساخته شود. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۶۴)

چیزی که ظاهره هاشمی ها را، پیرزنی که کیسه شن را حمل می کرد، زن حامله ای که در سنگرسازی کمک می کرد، سرپرست خانواده ای که امید بچه هایش بود، پاسداری که امید انقلاب بود به امر خطیر دفاع مقدس آمل وامی داشت چیزی نبود جزء یک قیام برای اسلام، برای الله، برای امام خمینی(ره)، برای پاسداری از خون شهدای کربلا.

#### ۵-۶. تفوق ارزش های اسلامی بر جریان باطل :

در هر دو رخداد انقلاب اسلامی و حماسه آمل، ارزش های اسلامی بر ارزش های کفرآلود، لیبرالیستی و تا حدود بیشتری اندیشه های مارکسیستی پیروزی یافتند. پیروزی ای که با زحمت و رنج به دست آمد و می توان گفت که «دست های خالی ارزش مدار» بر سلاح های بیشمار جبهه کفر برتری یافتند.

امام خمینی(ره) در باره غلبه اسلام بر جبهه کفر می فرمایند:

«پیروزی که شما جوان ها با اتحاد با سایر قشرهای ملت به دست آوردید در طول تاریخ این طور پیروزی با کیفیت پیدا نشده بود. پیروزی یک ملت مسلم بدون اتکا به غیر خدا، بدون تجهیزات نظامی، بدون تعلیمات نظامی، بر یک قدرت های مجهز، دارای تجهیزات نظامی، دارای تعلیمات نظامی، علاوه بر آن یک ملتی، یک قدرتی که همه قدرت ها هم دنبال او بودند. این طور غلبه، غلبه اسلام بود بر کفر، غلبه متن اسلام بر متن کفر.» (بیانات امام خمینی(ره)، ۱۳۵۸/۹/۳۰).

حماسه اسلامی آمل هم یک جریان پیروزمند اسلام بود بر اندیشه های چپ تندرو و انقلابی. حرکتی توسط مردم آمل و با تفکرات اسلامی صورت گرفت در جهت دفاع در برابر دشمن که تا دندان مسلح بود.

اتحادیه ی کمونیست ها از اسلحه هایی که از جبهه ی جنگ جنوب و یا کردستان و سایر مبادی به دست آورده بود، در بحران جنگل حداکثر استفاده را کرد. یکی از اعضای سریداران در بازجویی، به این اسلحه ها اشاره کرده است: پنجاه و پنج قبضه تفنگ ژ۳، پنجاه یا شصت عدد موشک آرپی چی، یک قبضه تیربار، بیش از هفتاد عدد نارنجک و غیره. (کردی، ۱۳۸۶: ۵۹) در مقابل این تجهیزات، مردم آمل با دست های خالی ولی سرشار از ایمان و باور به پیروزی جبهه حق بر باطل، ایستادگی کردند و در مدت زمانی اندک آن را به زانو درآوردند. در واقعه ی شیبخون کمونیست ها به آمل که یک جنگ واقعی میان منکران خداوند و مومنان به خداوند و جنگ فقر و غنا و جنگ اسلام با کفر بود، خداوند به یاری مجاهدان و مومنان آمد و یک تحول در قلب های مردم و القای روح فداکار یو ایثار و شجاعت در آنان، که به طور



قطع از امدادهای غیبی بود، ایجاد کرد. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۷۳) این شرایط زمینه های پیروزی اراده ی راسخ مردم آمل را در برابر اتحادیه های کمونیست فراهم کرد.

#### ۵-۷. هماهنگی در نهضت:

یکی از ویژگی های بارز در انقلاب اسلامی که به صورت بارزی در حماسه آمل مشهود است، هماهنگی در نهضت است کاری که نیازمند پشتوانه ها و ظرفیت های زیادی است و در عین حال نیازمند صرف زمان است. در انقلاب اسلامی به تعبیر امام خمینی (ره) یک هماهنگی وجود داشت که یک موهبت الهی بود و ایشان می فرماید:

«حفظ کتیب این موهبت الهی را، این یک موهبت الهی است که خدا به ما داد که ارتش و ملت و ژاندارمری و ملت و پاسدار و ارتش و همه با هم دوست باشند و با هم در مکروهات و در خوشی ها شریک باشند. ارتش هماهنگی داشته باشد با ژاندارمری و پاسدار، پاسدار هماهنگی داشته باشد با ارتش و ژاندارمری، همه ی قوای انتظامی همین طور باشند که هماهنگ باشند ... اینها همه ملحق شدند به هم و همه یک راه رفتند و همه هم ایمان داشتند هیچ در آن وقت، مطرح نبود که من می خواهم یک منصبی پیدا کنم همه روی ایمان به خدای تبارک و تعالی و فریاد الله اکبر و اینکه ما جمهوری اسلامی می خواهیم.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۵۹/۳/۱۵)

همین هماهنگی در نهضت به خوبی در دفاع مقدس مردم آمل مشهود است. حمله ی پارتیزانی و آن هم شب هنگام و وجود تدارکات نظامی به همراه آموزش نظام و در عین حال کادر پزشکی، نشان از هماهنگی گروه سربداران جنگل داشت ولی مردم آمل با روحیه ی انقلابی و بدون کمترین فوت وقت با هم هماهنگ شدند.

سازماندهی و ساماندهی نیروهای مردمی از ساعت ۷ صبح ششم بهمن شروع شد و تا ساعت ۸ به پایان رسید. (کردی، ۱۳۸۶، ۶۷) در عین حال مردم به صورت خودجوش شروع به سنگرسازی کردند بدون اینکه تجربه چندانی داشته باشند یا اینکه عده ای به شناسایی محل های کمپینک کمونیست ها پرداختند و برخی دیگر آذوقه و داروهای مورد نیاز را فراهم می آوردند و در انجام این امور یک هماهنگی ذاتی نهفته بود.

#### ۵-۸. مردمی بودن:

انقلاب اسلامی و حماسه آمل هر دو از متن ملت جوشیده اند و بیش از اینکه یک قیام توسط نیروهای مسلح باشند، یک قیام مردمی هستند که تدارکات آن توسط خود مردم صورت می گرفت. امام خمینی (ره) در این خصوص می فرمایند:

«ویژگی مهم این انقلاب این است که مردم خودشان انقلاب کردند، یک کسی نیامده انقلاب را بکند، یک کسی لشکرکشی نکرده برای انقلاب، خود مردم همین کوچه و بازار و همین مردم عادی و خصوصاً طبقه ی مستضعف به اصطلاح آنها و طبقه ی اعلاء به نظر ما، خود اینها بودند که انقلاب را کردند و کار را انجام دادند، نه من می توانم یک همچو کاری بکنم، نه افراد دیگر می توانند یک همچو کاری بکنند، خدا است که دل این ها را قوی کرد و آنها را دلشان را ضعیف کرد. آنها ترسیدند از شما با همه سازوبرگی که داشتند و شما نترسیدید از آنها با مشت خالی، انقلاب واقع شد.» (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۶۰/۵/۱۹)

در حماسه ی آمل هم، مردم به طور خودجوش بسیج شدند و یک قیام کاملاً مردمی را شکل دادند. در آن زمان نهادهایی چون سپاه و بسیج به خاطر نوپایی این ناهای تجربه ی لازم را نداشتند، ولی شور و اشتیاق بسیار بالا برای مقابله با ضد انقلاب، جایگزین هر نارسایی شد. (کردی، ۱۳۸۶: ۶۷) مردم که از عمق فاجعه خبر یافته بودند از روستاهای اطراف و جاده ی چمستان امام زاده عبدالله (ع) و چال سر خود را به سرعت به شهر رساندند. گروه دیگری از شرق آمل با عبور از پل خود را به شهر رساندند و ازدحام مردم در شهر باعث شد که نیروهای انتظامی مانع ورود مردم به شهر شوند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۵۸) این شواهد گواهی است بر عدم تهییج و حرکت برنامه ریزی شده، بلکه مردم آمل و حومه ی آن به صورت کاملاً خودجوش به استقبال مقابله با مزدوران مهاجم به آمل رفتند.

#### ۵-۹. مدیریت هرج و مرج:

در هر دو حماسه ما شاهد یک مدیریت بی وقفه و کارآمد هستیم که در کوتاه ترین مدت، مشکلات بعد از درگیری را کاهش داده و تا حد امکان با مهندسی کردن شرایط، به بهترین شکل ممکن بر مشکلات چیره شده اند. امام می فرماید:

«شما اگر به بررسی انقلاب و حالاتی که لازمه انقلاب یک ملت است بپردازید و با تعمق و بیطرفی و بی نظری به آن نظر اندازید، خواهید دید که چه هرج و مرج و گسیختگی هایی در سراسر کشور انقلابی به وجود می آید، که رسیدن به حداقل نظم و مهار نمودن آن سال های طولانی به درازا می کشد و لاقفل در



مدتی طولانی با قحطی ها و مرض های پیگیر و درگیری ها در سطح کشور و چپاول ها و قتل و غارت ها و دزدی ها و فسادهای اخلاقی و گرفتاری های بسیار دیگر دست به گریبان است و این در حالی است که انقلاب متکی به یک یا چند قدرت بزرگ باشد. ولی کشور ایران با بافتی که انقلاب اسلامی داشت که اسلام برنامه همگانی بود و انقلاب مردمی و مستقل بود، قبل از آن که به پیروزی نهایی برسد ... با عده ای قلیل از افراد متعهد شورای انقلاب را تشکیل داد و همچنین دولت موقت انتقالی را و در مدت بسیار کوتاه چندین فرمانروم و انتخابات انجام گرفت و نظام جمهوری برقرار شد و از قحطی هیچ خبری نبود، مراکز فساد اخلاق و میخانه ها و عشرتکده ها و قمارخانه ها و امور غیرمشروع به سرعت برق برجیده شد ...» (امام خمینی(ره)، ۱۳۶۱/۱۱/۲۱)

همین مدیریت تحولات، ناآرامی ها و حرکت های انتحاری از سوی کمونیست ها و هر گونه حرکت اغتشاش آمیز توسط نیروهای مسئول در آمل صورت گرفت.

دستگیری اعضای فراری اتحادیه ی کمونیست ها که همچنان با هم قرار داشتند و بسیار محتاطانه عمل می کردند، از درخشان ترین عملکردهای نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی است. (کردی، ۱۳۸۶ : ۶۹) در عین حال بعد از ۶ بهمن، فضای شهر بعد از مدتی کوتاه به حالت اولیه بازگشت و باقیمانده نیروهای موجود در جنگل که قصد خرابکاری داشتند دست گیر شدند و زمینه های هر گونه تحرک علیه نظام سیاسی مدیریت و مهار شد.

#### ۶. نتیجه گیری:

بعد از انقلاب اسلامی، شاهد فراز و فرودهای بسیاری در ایران بودیم که بدخواهان مترصد ضربه زدن به بدنه انقلاب بودند و در این مسیر، مردم غیور ایران از جان عزیزشان مایه گذاشتند و با نثار خون خویش، این انقلاب را پابرجا نگه داشتند. یکی از این حماسه های ملی و اسلامی در ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ به وقوع پیوست. اتحادیه های کمونیستی ایران که مترصد تغییر خط مشی خویش تا آن زمان بودند تصمیم به یک قیام فوری گرفتند و با انجام برآوردها و تحقیقات لازم، شهر آمل را برای این کار مناسب دیدند و با گسیل دادن نیروهایشان از سراسر کشور به شمال، در نهایت در روز ششم بهمن به آمل هجوم بردند و فکر می کردند که مردم آمل به دلیل شرایط مادی متوسط رو به پائین خویش، شرافت و ایمانشان را خواهند فروخت. مردم آمل در قبال این تهاجم که توسط گروهک های کمونیستی صورت گرفت، استراتژی دفاعی واکنش سریع را پیاده کردند و با یک اتحاد و همبستگی مثال زدنی، با تمام توانایی خویش در مقابل مهاجمان ایستادگی کردند و در این مسیر تعدادی شهید تقدیم امام راحل و آرمان های انقلاب اسلامی

ساختند. همین اقدام شایسته مردم آمل، تحسین امام خمینی(ره) را برانگیزیت و ایشان مردم آمل را مورد تقدیر قرار دادند. حماسه ی آمل که یک حماسه ی مکتبی و اسلامی است تا حدود زیادی به انقلاب اسلامی شباهت دارد. با بررسی آراء امام خمینی(ره) به برخی ویژگی های انقلاب اسلامی برخورد می کنیم که عیناً در حماسه آمل وجود داشته است. نتایج پژوهش حاضر در آراء امام رحل این است که این دو حماسه در ویژگی های؛ فراگیر و همه جانبه بودن، حضور قدرت ایمان، وقوع انقلاب انسانی، مطالبه گری حق، قیام اسلامی، تفوق ارزش های اسلامی بر جریان باطل و کفر، هماهنگی در نهضت، مردمی بودن، مدیریت هرج و مرج ها در طی مدت کوتاه و غیره با هم شباهت دارند و علت اساسی این شباهت، الهی و اسلامی بودن این دو حماسه مکتبی است.



منابع:

۱. ایمان پور، علی و زیبا اکبری (۱۳۸۷): *انقلاب اسلامی ایران چالشی بر نظریه های انقلاب*. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
۲. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۵۸/۳/۱۱): سخنرانی در دیدار جمعی از بانوان اهواز.
۳. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۵۸/۶/۱۲): سخنرانی در جمع اعضای خانواده شهید سرهنگ فراشاهی و بانوان مکتب ولی عصر.
۴. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۵۸/۸/۱۳): سخنرانی در جمع اعضای مسئولین امور تربیتی نواحی نوزده گانه.
۵. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۵۹/۳/۱۵): سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری.
۶. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۵۷/۷/۱۷): سخنرانی در جمع عمومی و اقشار مختلف مردم.
۷. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۵۷/۱۲/۱۸): سخنرانی در قبرستان بقیع قم.
۸. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۶۰/۵/۱۹): سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا.
۹. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۵۸/۳/۲۰): سخنرانی در جمع گروهی از اعضای هیات مرکزی آمار ایران.
۱۰. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۶۱/۱۱/۲۱): پیام امام خمینی (ره) به خانواده های شهداء و جانبازان انقلاب اسلامی.
۱۱. بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۵۸/۹/۳۰): سخنرانی در جمع راهپیمایان کفن پوش مراغه.
۱۲. خانی، مهدی (۱۳۷۴): *مقاومت اسلامی مردم هزارسنگر آمل*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش های ارتش بیست میلیونی.
۱۳. رهگذر، سیمین (۱۳۸۵): *شهر هزارسنگر*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
۱۴. سیفی، علی (۱۳۶۱): «اعترافات یکی از اعضای اتحادیه»، *روزنامه اطلاعات*، ۶ بهمن.
۱۵. شجاعیان، محمد (۱۳۸۲): *انقلاب اسلامی و رهیافت های فرهنگی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
۱۶. عزیزخانی، احمد (۱۳۹۰): «بررسی تطبیقی نظریه جنبش های اجتماعی جدید با انقلاب اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال چهاردهم، بهار، شماره ۵۳.
۱۷. کامران، افسانه (۱۳۷۴): «از ناسوت تا ملکوت»، *مجموعه مقالات و سخنرانی های نخستین سمینار علمی حماسه اسلامی مردم آمل*، تهران، دانشگاه امام حسین.
۱۸. کردی، علی (۱۳۸۶): *اسناد اتحادیه های کمونیست های ایران در واقعه آمل*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
۱۹. کیوان حسینی، سیداصغر (۱۳۸۴): «جایگاه مقوله دفاع همه جانبه در اندیشه فقهی و سیاسی امام خمینی (ره)»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، سال هشتم، زمستان، شماره ۲۴.

درس ها و عبرت‌های حاصله از تجربیات حماسه اسلامی ششم بهمن

اسماعیل سیاحی

چکیده :

کاروان عاشورائیان در حرکت تاریخی خود با همان علم سبز به معنای انتظار موعود موجود خلوت نشین هزار و اندی ساله و علامت سرخ با مفهوم سرخی خون سالار شهیدان روان بر نیزه های اهل نفاق و ریا در عصر عاشورای حماسه و شرف همیشه جاوید به ایستگاه سال ۶۰ هجری و کاروانسرای ایران اسلامی و شمال شهید پرور آمل هزار سنگر میرسد که گفتاران کمین کرده و فریب خورده با نام جعلی سر بداران و پرچم ضد توحیدی بلاد کفر، شیخون ناجوانمردانه ای را آغاز می کنند، آنانکه خود در دام هوسها و نقشه های آشکار و پنهان اهریمنان داخل و خارج گرفتار بودند، دانسته یا ندانسته با شعار آزادی و رهایی خلق در شرایط هجوم همه جانبه اردوگاه استکباری در غرب و جنوب ایران مظلوم با روش های متداول پارتیزانی و به امید همراهی و همدلی مردم در جنگل های اطراف آمل خزیده و بعد از مواجهه شدن با شرایط مبارزه سخت و محاصره همه جانبه، شبانگاه ششم بهمن ماه سال ۶۰ وارد آمل می شوند، برخلاف انتظار دربی بسویشان باز نشده و کسی به استقبالشان نرفت. بلکه برعکس جوانان { مردان و زنان شهر و روستا یکدل و یک صدا با همراهی نیروهای سپاه و بسیج و کمیته انقلاب اسلامی در حداقل زمان { شهر را آزاد و نتیجه آن شد که غافلین کمونیست خود موجب نابودی و ریشه کنی خود شدند و ظلم ظالم را گرفت. طی یکسال و اندی از ۲۸ آبان ماه سال ۶۰ تا ۱۲ اسفند سال ۶۱، سال ۶۳ شهید شاهد به قله های ایمان و افتخار شهر هزار سنگر صعود و در گلدسته های محراب و منبر، عشق و صداقت و صفا و وفا، اذان و بصیرت سر میدهند. اگر بگذاریم و بگذریم از شرح تفصیلی ماجرا، تلخیا، شیرینی ها در پی بیان تجربیاتی هستیم که در دو وجه درسها و عبرتها توصیف میشوند.

دو تجربه اصلی و تعیین کننده طی این فرصت کم بصورت تحلیلی و اجمالی مورد کنکاش قرار گرفت که پس از بررسی عوامل آشکار و پنهان در قالب درس ها و عبرت‌های ماندگار ارائه میگردد.

تجربه اول :

بررسی عوامل اصلی آشکار و پنهان وقوع حادثه تهاجم به آمل و طی آن آفرینش حماسه همیشه جاوید اسلامی مردم متدین شهر سنگر آمل.



**عامل اول:** وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی و پیامد مهم آن شکست نظری و عملی نظریه دین بعنوان افیون جامعه.

**عامل دوم:** حذف و تهدید جدی بسیاری از منافع نامشروع حاکمان شرق و غرب و شکسته شدن شوکت و جلال پوشالی استعمارگران.

**عامل سوم:** ظهور جمهوری اسلامی بعنوان نماد حکومت مردم سالاری دینی و ارائه الگوی جدید و قابل عرضه به مردمان در بند استعمار غرب و استبداد شرق.

این سه عامل در حقیقت علت الملل بوجود آمدن شرایط بحرانی داخلی، منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی از ابتدای سال ۵۷ تا به حال می باشد و طراحی، برنامه ریزی و عملیاتی نمودن جریانات جنگلهای شمال از جمله حادثه آمل در این راستا قابل تحلیل می باشد.

کلیديات بحث:

در جریان دموکراسی استعماری غرب و سوسیالیسم استبدادی شرق در یک هماهنگی عملی لاکن نانوخته بر جامعه جهانی حکومت بلا منازعه ای داشتند که هر حرکت و خیزش اجتماعی آزادی خواهی و مبارزه استقلال طلبی، جز حضور در یکی از دو اردوگاه رسمی بلوک شرق و غرب معنی و مفهومی ذهنی و عملی نداشت در یک چنین شرایط سخت روحی، روانی، فرهنگی و اجتماعی، بی کمترین امکانات و بی اتکا به دنیای غرب و شرق به پیش تازی روحانیت و رهبری حضرت امام قدس؛ و حول محور دین الهی، انقلاب اسلامی ایران در کوتاهترین زمان ممکن و با کمترین هزینه و درگیری به پیروزی قاطع رسید و بلافاصله با همان زبان رسمی و قابل فهم مردم دنیا از طریق انتخابات صردردمی و تدوین و تصویب قانون اساسی مترقی، نظام مردم سالاری دینی بنام جمهوری اسلامی به دنیا عرضه شد.

عکس العمل ها

همه دنیا خواهان و قدرت طلبان در دو جبهه داخلی (اهم از مرتجعین، منافقین، کفار، زیانده ها، فریب خوردگان) و جبهه خارجی (شامل قدرتهای منطقه ای و جهانی) در یک اتحاد بی سابقه واقعی هجوم همه جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را بر علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی آغاز کردند و با هدف خشکاندن ریشه انقلاب اسلامی و انهدام فوری میوه نو ظهورش جمهوری اسلامی، طرحها، برنامه ها و

عملیتهای آشکار و پنهانشان را روز بروز گسترش کمی و کیفی دادند و این روند نامیمون بعد از سه دهه از زمان پیروزی تا بحال در ابعاد مختلف ادامه دارد .

از طرف دیگر مدافعان ، مومنان و امت وفادار با همراهی و همدلی روحانیت و نعمت ایستادگی و وحدت در مقابل همه نوع هجمه دشمنان قسم خورده مقاومت زیانزندی از خود نشان دادند و با نگاه واقعی هم نباید از صدمات ، خسارات و ضایعات گرانی که با نفوذ عوامل دشمن ، عدم تجربه و مهارت کافی ، غفلت های پیش آمده ، میل به دنیا و وسوسه های فریب دهنده آن دامن گیر جبهه حق شد ، غفلت کرد .

لذا با نگاهی محققانه درس ها و عبرتهای حاصله از تجربه اول به اختصار تشریح میگردد

#### درس های حاصله

درس به معنی تجربه مثبت و کارگشا که عقل آنرا امضاء و شرع انور تایید می فرماید و علم بشری هم تا حدودی نتایج ، روشها و آثارش را مورد نیاز زندگی فردی و اجتماعی می داند و غفلت از آن چه بسا زیان و صدمات جبران ناپذیری به همراه داشته باشد .

در یک کلام درس از راه رفته خوب و ارزنده گذشتگان برای شناسایی و ادامه راه آینده بهره برداری می کند :

#### درس اول :

تحقق عملی و عینی وعده الهی در جامعه مبنی بر حق و قدرت تعیین و تغییر سرنوشت مردم توسط خودشان

این درس به ما می آموزد ، اول اگر مردم حق و قدرتشان را بدانند ، دوماً در راه حق و منزلشان تلاش نمایند و سوماً در تلاش جمعی دارای وحدت و استقامت باشند با وعده الهی حتماً به مقصد و منظورشان که حق باشد یقیناً خواهند رسید و از هر بند و اسارتی رها خواهند شد .

#### درس دوم

روحانیت اسلام ناب اگر به رسالت الهی خویش که همانا شناخت کافی وهمه جانبه دین خدا و معرفی خوب و صحیح به مردم و حفظ تقوای الهی باشد عمل کنند و مردم هم هرگاه عالمان حقیقی دین را شناخته و در اطاعت و حمایت جدی و با استقامت باشند وعده الهی یعنی نصرت حق ، محقق و آثار و برکاتش در



جامعه فراگیر می گردد و تا این روند ادامه داشته باشد، جلوه های نصرت الهی در ابعاد مختلف هویدا ست. این درس به ما می آموزد:

اولاً: جامعه ای که خود را دینی و مومن میداند در یک بعد باید عالمان دینی اش عالم به دین خدا و عامل به امر و نهی الهی برای رضای خدا باشند.

ثانیاً: مردم یک جامعه دینی، رهبران خود را شناخته و در قول و عمل پایدار اطاعت و حمایت همه جانبه باشند.

ثالثاً: همراهی، همدلی عالمان و مردم یک جامعه در حول و محور دین الهی موجب نزول نصرت الهی و موفقیت عینی و عملی میگردد چه بسا جمع اندکی بر دشمن قوی و کثیر پیروز میشوند.

رابعاً: ضمانت تداوم نصرت الهی بر ثابت قدمی رهبران و مردمان یک جامعه بر ادامه بایدها و نبایدهای ارزش دینی خواهد بود.

درس سوم:

وحدت مردم، انگیزه الهی و حضور بموقع در صحنه های پیش رو سه عامل پیروزی انقلاب و همچنین سه عامل اصلی تثبیت و ادامه حیات هر انقلابی خواهند بود. این درس به ما می آموزد:

اولاً: با اختلاف و نشر و هیچ کاروانی به سر منزل مقصود نخواهد رسید بلکه فقط در سایه وحدت عمومی جامعه به ترقی و پیشرفت تامل میگردد.

ثانیاً: وحدت در سایه عدم توجه به منافع و امیال شخصی و اهتمام به منافع عمومی و ارزش های انسانی و دینی حاصل خواهد شد.

ثالثاً: وحدت زمانی کارساز خواهد بود که همه اقشار یک جامعه بموقع در صحنه حاضر و به وظیفه خودشان عمل کنند.

رابعاً: وحدت باید یک امر مستمر و دائمی بر محور اصول و ارزشهای الهی و انسانی باشد.

#### درس چهارم

همیشه در جامعه بشری اقلیتی دنیا طلب و تمامیت خواه هستند که برای رسیدن به منافع نامشروع خویش و در وحدت رویه با استبدادگران داخلی و استعمارگران خارجی از هیچ تلاش و شرارتی کوتاهی نخواهند کرد.

این درس به ما می آموزد:

اولاً: افراد خوب و بد در هر جامعه بشری با هر رویکرد و تفکری وجود خواهند داشت.

ثانیاً: افراد دنیا طلب و زیاده خواه برای کسب منافع از هیچ تلاش و کوششی صواب و ناصواب کوتاهی نخواهند کرد.

ثالثاً: دافع زیاده خواهی و خوی ریاست طلبی اینگونه افراد نداشته در نهایت خود و جامعه را به گمراهی و نابودی خواهند کشاند.

رابعاً: در هر جامعه ای شناخت این افراد و ایستادگی در مقابل خواسته های نامشروعشان وظیفه همگانی بخصوص نخبگان و صالحین هر قومی می باشد.

عبرتهای حاصله:

عبرت به معنی تجربه تلخ حاصل از پیمایش راههای غلط و انحرافی اقوام و جوامع در گذشته های دور و نزدیک و اشتباهات یا غفلتهایی منجر به شکست و نابودی و یا عدم تحقق اهداف و منظورها گردید.

در یک کلام عبرت یعنی راه کج گذشتگان را بشناسیم تا خود دچار سرنوشت تلخ آنان نگردیم و در گردنه ها و چاله های در راه سقوط نکنیم.

عبرت اول:

تاریخ جوامع بشری آئینه تمام نمای سرنوشت حکومتها و ستمگرانی است که بدور از رحمت الهی و در پناه اقدامات و جنایات شیطانی خود به رسوایی و نابودی کشانده شده اند.



این عبرت به ما آموزد :

اولاً : ظلم و ظالم هرگز استوار و ماندنی نخواهند بود و مستکبرین و قلدوران عالم خود چاه سقوط و نابودی خود را از طریق نقشه ها و اعمال شیطانی حفر میکنند .

ثانیاً : هرگز از راه و بارکج و ظلم و ستم کسی به مقصد و مقصود خیر و صلاح نخواهد رسید .

ثالثاً : آینده و سرنوشت همه ستمگران در تاریخ یکسان و مشابه و حتمی است و آنهم نابودی و رسوایی است که دیر یا زود سراغشان میرود .

رابعاً : هرگز کسی مادرزادی ظالم و ستمگر بدنیا نیامده و نخواهد آمد ، بلکه در مسیر زندگی با اشتباهات و کج رویهای ساده سرنوشت فردی و جمعی در جامعه دچار لغزش و انحراف و در نهایت به سقوط و هلاکت ختم میشود .

عبرت دوم :

تفرقه و اختلاف به هر بهانه ای و در هر جامعه ای ( امثال قومیت ، مذهب ، زبان ، جغرافیا ، زیاده خواهی ، فرهنگ ها و... )

موجب حاکمیت ناهلان داخلی و نامحرمان خارجی و غارت اموال ، دارائیهها ، استعدادها و از بسین رفتن فرصتها میگردد و نتیجه آن استبداد داخلی و استعمار خارجی خواهد بود. این عبرت به ما می آموزد :

اولاً : نباید در جامعه اجازه داد تا بهانه ای برای اختلاف و دو دستگی یا چند دستگی جامعه بوجود آید :

ثانیاً : باید از دامن زدن به عوامل مادی و معنوی اختلاف در جامعه خودداری کرد .

ثالثاً : باید نقاط مشترک و قابل اعتماد بین هر جامعه ای شناسایی و تقویت گردد .

رابعاً : باید عوامل آشکار و پنهان و تحریک کنندگان ایجاد اختلاف شناسایی و با آنان مقابله شود .

عبرت سوم :

رهایی از شرایط اجتماعی و سیاسی بسته و مستبد و طلوع آزادی و نسیم بیداری آنهم از جنس شور و احساس و دور از عقل و بینش ، منجر به ظهور و بروز گروهکها با اهداف مختلف و رشد قارچ گونه آنها

خواهد شد که غفلت از آنها خسارت و صدمات مخرب کننده ای نصیب جامعه و افراد و خانواده ها خواهد کرد که برخی از آنان قابل جبران نیستند. این عبرت به ما می آموزد:

**اولاً:** زهایی از یک شرایط بسته و مستبد علمی و عقلی و ارزشی هر جامعه، موجب سرکشی و طغیان برخی از افراد و دسته جات و گروههای کم ظرفیت یا فرصت طلب می شود.

**ثانیاً:** بعلت تغییرات شدید، سریع و گسترده افراد تصمیم ساز و تصمیم گیر در شرایط انقلاب، افراد بی تجربه و تازه کار از یک طرف و افراد زیرک و نفوذی از طرف دیگر موجبات صدمات و خسارات شدید می شوند.

**ثالثاً:** قوانین و دستورالعمل های ساری و جاری در یک کشور بزودی زود قابل تغییر و تحول نخواهند بود و چه بسا خلاء قوانین و آداب وحدت رویه اداره کشور دچار مشکل و سوء استفاده افراد جاهل و خائن قرار گیرد.

**رابعاً:** در یک شرایط التهاب آور و بحرانی اجتماعی، سهم خواهی و زیاده طلبی افراد و گروهی منجر به اتخاذ اقداماتی شبیه درگیری و جنگ داخلی می شود.

#### عبرت چهارم

عدم توجه به جوانان در خانواده و جامعه بویژه مدارس و دانشگاهها در شرایط احساسی و التهابی از یک طرف و سادگی و شور و نشاط جوانی و آرمان خواهی و نگاه آرمانی جوانان از طرف دیگر موجب زمینه مساعد برای سوء استفاده گروهکها و دشمنان داخلی و خارجی شد. این عبرت به ما می آموزد:

**اولاً:** اصل نهاد خانواده و تربیت صحیح و اصولی فرزندان نباید مورد غفلت قرار گیرد.

**ثانیاً:** در شرایط التهاب آور بحرانی و شور و احساسی جامعه نباید از توجه همه جانبه به جوانان و قشر تحصیل کرده غفلت نمود.

**ثالثاً:** نهادهای اجتماعی تاثیر گذار بویژه مدارس و دانشگاهی و حتی محیط های ورزشی نباید از برنامه ریزی و توجه همه جانبه مورد غفلت واقع شوند که در این صورت در دام گروهها و دسته جات فرصت طلب قرار خواهند گرفت.



رابعاً: برای جذب و استفاده مثبت از انرژی فراوان شرایط جوانی و التهاب و شور و احساس ناشی از رهایی باید برنامه های کوتاه مدت و حیاط مدت و دراز مدت طراحی و اجراء نمود .

خلاصه کلام اینکه درس ها و عبرت های کلی بیان شده می تواند چراغ راه آینده باشد بشرطی که :

۱- راههای صحیح اداره جامعه از مبداء به مقصد را به شناسیم .

۲- گلوگاهها ، گذرگاههای خطرناک ، گردنه ها و کمین گاهها و مشکلات و ابراز مورد نیاز راهها را شناسایی کنیم

۳- افراد و گروهها و جامعه را مطابق با ظرف و ظرفیت و با توجه به نیازهای معقول و منطقی بدور از افراط و تفریط مورد توجه قرار دهیم .

۴- معیارهای ارزشی ماندگار را همراه با شاخص های قابل اندازه گیری مشخص و در ادامه مسیر مراقبت کنیم تا انحرافی صورت نگیرد .

۵- سه عامل اصلی وقوع انقلاب اسلامی و پیروزی و ثبات و پایداری آن ؛ یعنی وحدت ، انگیزه الهی و حضور بموقع در صحنه را فراموش نکنیم .

#### تجربه دوم

بررسی شرایط سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و نظامی شمال کشور با نگاه بستر آماده جریانات سیاسی نظامی امنیتی جنگلهای شمال از جمله حادثه تهاجم به آمل در سال ۶۰

#### ۱- شرایط سیاسی

با انهدام نظام ستم شاهی و استقرار نظام نوپای جمهوری اسلامی و پیامدهای طبیعی حاصل از آن از جمله

الف- تازه کار بودن و نداشتن علم و تجربه اداره جامعه توسط مسئولین جدید .

ب - عدم ثبات سیاسی و استقرار نهادهای حاکمیتی و اشراف بر جامعه .

ج - حضور و نفوذ افراد فرصت طلب و مغرض در بدنه حاکمیت .

د- عدم وحدت رویه در اداره شهرها و برخورد با جریانات سیاسی و ... ) .

#### ۲- شرایط اجتماعی

رهایی از شرایط استبدادی و ورزش نسیم آزادی در بعد اجتماعی منجر به عوارضی شد که از آن جمله الف - فوران برخی از جریانات و انرژی های قوی اجتماعی و طایفه ای در یک شرایط شور و احساس و بی کنترل .

ب- افراط و تفریط برخی از جریانات و گروههای به ظاهر موافق انقلاب همراه با شور و ذوق غیر قابل وصف .

ج- برهم خوردن نقش و جایگاهی افراد و نهادهای مرجع که در بحرانها و حوادث موجب کنترل و مدیریت و هدایت صحیح می شد ، از جمله نزاعها و ... .

د- تازه شدن برخی از اختلافات و افزایش روح و فرصت انتقام طلبی و حتی اقدامات خودسرانه در برخی از موارد .

### ۳- شرایط فرهنگی

با توجه به امکانات تفریحی و برخورداری از فضا و مناطق طبیعی و انبوه مسافران و برنامه ریزی طاغوت در شمال کشور از یک طرف شرایط فرهنگی شکننده ای بر شمال پیش بینی می شد و لذا افراد و جریانات فرصت طلب حساب ویژه ای برای خط شمال باز کرده بودند که می شود بدان اشاره ای داشت: الف - عدم توجه به فرهنگ شیعه گری و دلبستگی و وارستگی مذهبی ریشه دار مردم شمال کشور . ب- برنامه ریزی همه جانبه فسادآور در ساحل دریای مازندران و اشاعه فرهنگ عریانی و سکس در قبل از انقلاب .

ج- عدم توجه به مسائل اقتصادی کلان شمال کشور با عنوان استانهای برخوردار

د- عدم نظارت و کنترل کمی و کیفی نشریات ، روزنامه ها ، متینگ ، تبلیغ و نشر آثار شفاهی ، مکتوب ، تصویری مضر و منحرف .

ذ- مانور و آزادی عمل بی حد و حصر گروهها و سازمانها و جذب جوانان بی اطلاع با شور و بی گناهی با روشهای متفاوت .

### ۳- شرایط نظامی

الف - وقوع بحرانهای نظامی داخلی مثل کردستان و جنگ تحمیلی و سرگرمی عناصر و یگانهای اصلی نظامی ، امنیتی در غرب و جنوب و حتی مرکزیت کشور .



ب - وجود مرز مشترک وسیع خاکی و آبی با اتحادیه جماهیر شوروی کمونیستی در شمال کشور .

ج - وجود جنگلهای انبوه ، قابل دسترس ، خالی از هر نوع مانع در سراسر خطه شمال .

د- شرایط اقلیمی و جغرافیایی خاص آمل با جنگلهای انبوه و مشرف و امامزاده عبدا.. و جاده هراز و وجود عوامل اصلی از شهر آمل که به گروهک اتحادیه کمونیستها پیوسته بودند .

درس ها

۱- شناخت شرایط و محیط و فرصتها و تهدیدات و تجزیه و تحلیل آنها .

۲- جذب و آموزش نیروهای فداکار ، مخلص و شجاع و بکارگیری بموقع و مناسب با آنان .

۳- توجه واقعی و همه جانبه به مردم و ارتباط و اعتماد به آنان .

۴- شناخت پتانسیل های آشکار و پنهان مردم و استفاده به جا و به موقع از آنها .

۵- هماهنگی و ارتباط هدفمند بانهادهای موثر اجتماعی مثل روحانیت ، گروههای مرجع ، افراد مستمکن و قشرهای نخبه و تأثیر گذار .

۶- شناسایی گروههای مخالف و محارب و شناخت نقاط قوت و ضعف ، برنامه ها و اهداف آنها و برنامه ریزی کوتاه مدت ، میان و بلند مدت برای مقابله با آنان .

۷- شناسایی افراد و اجتماعات و گروههای مستعد و آسیب پذیر با هدف جلوگیری از سوء استفاده گروهکها از آنان .

۸- ارتباط صمیمی ، تعریف شده و مستمر با ساکنین و مجاورین جنگلها ، بویژه قشرهای آسیب پذیر مثل چوپانان ، گالش ها و کارگران معادن و فصلی و توجه به نیازها و مشکلات اساس آنان و تلاش با برنامه در جهت رفع آنان ..

۹- استفاده از سلاح تبلیغات در ابعاد مختلف برای تشریح موقعیت ، ماهیت و اهداف گروهکها و دادن آگاهی و بصیرت به مردم بدور از افراط و تفریط .

۱۰- توجه ویژه و همه جانبه و مستمر به اقشار و افراد موثر و رزمندگان ، مجروحین ، جانبازان و شهدای مقابله با گروهکها و خانواده آنان .

۱۱- بیان سرنوشت تلخ افراد و اقدامات گروهکها برای اطلاع نسلهای آینده .

۱۲- پیش بینی شرایط عمده بحرانی: مثل اشغال ، نفوذ ، تصرف نقاط حساس و ...

۱۳- شناسایی افراد و سازمانهای مقصر ، غافل و همکار با گروهکها و برخورد قاطع با افراد مقصر و راهنمایی و هدایت افراد غافل و فریب خورده .

- ۱۳- جمع آوری اسناد، مدارک و ثبت و ضبط ابعاد مختلف حوادث برای جلوگیری از تحریف یا فراموشی حادثه.
- ۱۴- یادآوری و تجلیل از حماسه های اتفاقیه به منظور مانده گاری و فرهنگ سازی از طروق مختلف و ممکن.
- ۱۵- برنامه ریزی و اجرای دوره های کوتاه مدت توجیهی، تخصصی به منظور شناخت همه جانبه حماسه برای قشرهای تأثیر پذیر و تأثیر گذار مثل دانش آموزان، دانشجویان، معلمان، روحانیون، مسئولین شهری ....
- عبرتهای حاصله
- ۱- غفلت از حضور جهت دار در جنگلها و امکان نفوذ، استقرار و ایجاد ارتباط و گروهکها از جنگل
- ۲- عدم توجه به همسایگی شوروی بعنوان پرچمدار کمونسیم جهانی و مرز مشترک آبی و خشکی با ایران و زمینه های فکری و برنامه ای مساعد گروهکهای کمونیستی برای استقرار در شمال کشور.
- ۳- عدم توجه به وضعیت فرهنگی و اقتصادی مردم و استفاده جهت دار گروهکها از نقاط آسیب پذیر
- ۴- غفلت از شناسایی و ایجاد ارتباط هدف دار با ساکنین و مجاورین جنگل
- ۵- عدم توجه به بررسی همه راهکارهای ممکن از جمله نفوذ در گروههای محارب و انهدام از داخل تشکیلات
- ۶- عدم شناسایی، عوامل اصلی و عدم محاکمه و مجازات متصرفین و منحرفین و کمک کنندهها.
- ۷- عدم توجه کافی به نیروهای موثر و شاخص، رزمندگان و بازماندگان ایثارگر ماجرا.
- ۸- عدم جمع آوری و ثبت اسناد و خاطرات جهت مطالعه ابعاد گوناگون موضوع.
- ۹- عدم استفاده از تجربیات داخلی و خارجی مبارزه با چریکهای پارتیزان ساکن در جنگل و دادن تلفات و خسارات زیاد.
- ۱۰- عدم شناسایی نقاط ضعف و آسیب پذیر در زمان وقوع حادثه و تهیه طرحها و برنامه های رفع آنها.
- ۱۱- نپرداختن کمی و کیفی و تحقیقی به عوامل ابعاد حادثه و عدم شناخت مسئولین و نهادها و افراد مرجع و تأثیر گذار.



۱۲- ورود برخی از افراد با انگیزه‌ها و اطلاعات مختلف و تحریف ماجرا بصورت افراطی یا تفریطی .

پیشنهادات

- ۱- بیان یکجا و کامل ماجرای تهاجم سربداران به آمل از آغاز تا انجام .
- ۲- شناسایی عوامل اصلی ، تعیین کننده و تاثیر گذار نیروهای خودی در حادثه حماسه اسلامی مردم آمل .
- ۳- ثبت خاطرات و تجربیات در ابعاد مختلف .
- ۴- تجزیه و تحلیل حماسه اسلامی با نگاه عبرتها و درسها .
- ۵- تبدیل منابع درسها و عبرتها به کتب آموزشی و توجیهی .
- ۶- تدوین کتاب جامع حماسه اسلامی مردم آمل در سال ۶۰ با سه مدخل ، چیستی ، چرایی و چگونگی .

نمایه ی نویسندگان

- اسماعیل سیاحی ۱۹۷  
اسماعیل منصوری لاریجانی ۱۰۲  
اکبر لطفی ۱۷۱  
حسین رفیع ۷۷  
داوود شالیکار ۹۴  
سید محسن موسوی ۱۱۲  
سید محمد جواد قربی ۱۳۸، ۱۸۱  
شهرام اسفندیار ۷۷  
علی اکبر جعفری ۶۰، ۱۳۸، ۱۸۱  
محمد گویا ۳۸  
محمد محمدی ۱۵۳  
مصطفی باقریان جلودار ۳۸  
معصومه قلی پور کاری ۳۸  
مهدی خانی ۲۳  
مهدی سروی همپا ۱۲۱  
مهدی محمدی ۱۵۲



